الاوراد

اشاعتِ اوّلینِ مخطوطۂ قدیم

تصنیف

شیخ الاسلام حضرت بہاء الدّین زکریّا مُلتانی علیہ الرّحمۃ

٥٦٦ ــــ ٦٦١ ھ



بتصحیح و تحشیہ
محمّد میاں صدّیقی

بادارت و اہتمام
محمّد ارشد قریشی

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ٭ اسلام آباد

اسلامک بُک فاؤنڈیشن ۔ این ٢٤٩ ٭ سمن آباد ۔ لاہور



★ کتاب نگر ★

حسن آرکیڈ ۔ ملتان کینٹ



الاوراد

اشاعتِ اوّلینِ مخطوطۂ قدیم

تصنیف

شیخ الاسلام حضرت بہاء الدین زکریّا ملتانی علیہ الرحمۃ

٥٦٦ — ٦٦١ ھ





بتصحیح و تحشیہ
محمد میاں صدیقی

بادارت و اہتمام
محمد ارشد قریشی

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ○ اسلام آباد

اسلامک بک فاؤنڈیشن ۔ این ۲۴۹ ○ سمن آباد ۔ لاہور

مشخصات این کتاب

نام کتاب : الأوراد

مصنف : شیخ الاسلام حضرت بهاء الدین زکریا مُلتانی علیه الرحمة

ناشرین : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ○ اسلام آباد

اسلامک بُک فاؤنڈیشن ۲۴۹ - این سمن آباد ○ لاہور

شماره : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (شمارۂ ۳۰)

اسلامک بُک فاؤنڈیشن - لاہور (شمارۂ ۱۶)

تعداد : ۱۰۰۰ مجلد

ضخامت : ۲۰ × ۲۶ / ۸ ۲۰۰ صفحات

سرورق : حافظ محمد یوسف سدیدی - لاہور

تاریخ چاپ : [redacted] ، ۱۳۹۸ ہجری قمری ، ۱۹۷۸ میلادی

چاپخانہ : چاپ خانۂ معارف ، شارع گنج بخش ، لاہور

بہا : ۲۵/ روپے - پاکستان

محل انتشار : کتابخانۂ گنج بخش ، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، اسلام آباد

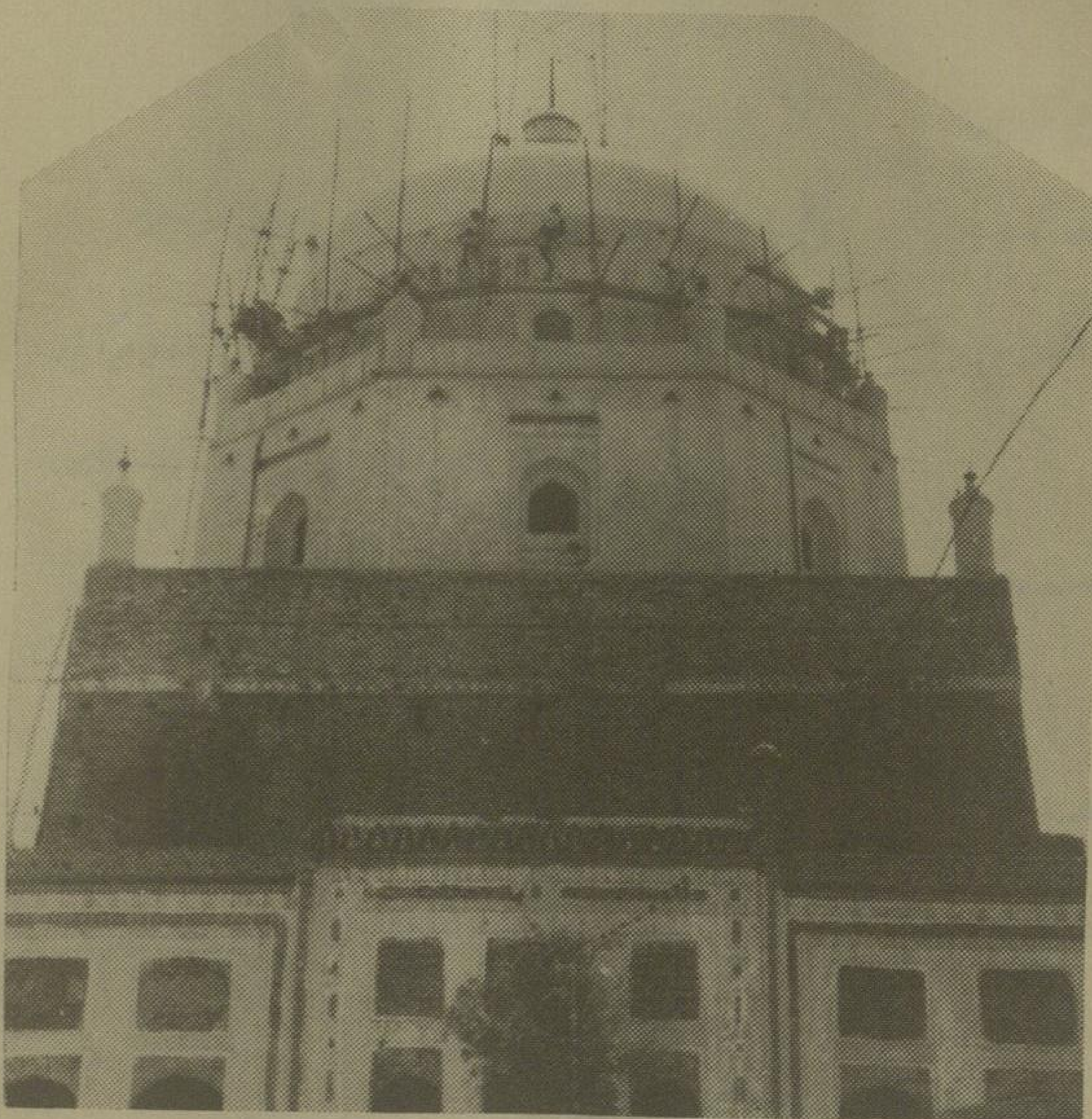
اسلامک بُک فاؤنڈیشن ۲۴۹ - این سمن آباد - لاہور ، پاکستان

محل فروش : المعارف ، شارع گنج بخش - لاہور پاکستان

تقدیم

بہ مخدوم محمد سجاد حسین قریشی دامت برکاتہ'

سجادہ نشینِ درگاہِ حضرت غوث بہاؤالدین زکریا قدس سرہ' ، ملتان



مزارِ پُرانوار

شیخ بہاءالدین زکریا ملتانیؒ

در قلعہ کہنہ ملتان

فہرستِ مطالب

بنام خداوند بخشنده مهربان

پیش گفتار*

هم تذکره نگاران متفق برین هستند که قطب عالم حضرت بهاؤالدّین زکریا ملتانی قدس سرهٔ العزیز قریشی النّسب[1] بودند و سلسلهٔ نسب ایشان به شانزده یا هفده واسطه به حضور سرورِ کائنات صلی اللّٰه علیه وسلم می رسد۔

مخدوم سید جلال بخاری رحمة اللّٰه علیه خلیفهٔ نامور حضرت شیخ گفته است :

ومشائخنا کانوا من رؤساء العرب وسادا تهم اشرف الناس حسبا

ونسبا لانهم قریشیون الاشرفون[2]

یعنی آباؤ اجدادِ ما از اُمراء و رؤسای عرب بودند از لحاظ حسب و نسب در مردم ممتاز و منفرد بودند، زیرا که قریشی النّسل بودند۔

مؤلف "انوارِ غوثیه" سلسلهٔ نسب حضرت شیخ را این طور می نویسد :

"حضرت بهاؤالحق والدین ابومحمد زکریا بن شیخ وجیه الدّین بن غوث بن کمال الدّین ابوبکر بن جلال الدّین بن علی قاضی بن شمس الدین بن حُسین بن عبداللّٰه بن حسین بن مطرف بن خزیمه بن حازم بن تاج الدین المطرف بن عبدالرحیم بن عبدالرحمٰن بن هبار بن اسود بن هاشم بن عبدمناف۔

شادروان مولوی محمد شفیع در مقالهٔ خود "الشیخ الکبیر بهاؤالدین زکریا ملتانی (رح)" شجرهٔ نسب ایشان را همین طور نقل کرده است[3]

---

* این مقدمه را مصحح کتاب محمد میاں صدیقی به اُردو نوشته و در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان توسط محمد نذیر رانجها نوشاهی نقشبندی به فارسی برگردانده شده است۔

[1] : در "انوارِ غوثیه" از: مخدوم حسن بخش قریشی هم همین نسب مذکور است۔ [2] : ایضاً۔

[3] : مقالات علمی ودینی

ازیں شجرۂ نسب آشکار می شود کہ شیخ بہاؤ الدین زکریا (رح) ہاشمی النّسب ہستند و سلسلہ نسب ایشان بہ شانزدہ یا ہفدہ واسطہ بہ حضرت پیامبر می رسد۔

مؤلفِ "انوارِ غوثیہ" می نویسد کہ :

"یک نسخہ خطّی "خلاصۃ العارفین" از روزگار قدیم در خانوادۂ مؤلف موجود است تصدیق متن ایں نسخہ، علاوہ از کتاب ہائے قدیم و جدید از ہمہ بزرگان ایں جا نیز شُدہ است کہ متواتر احوال حضرت شیخ و خانوادہ ایشاں را شُنیدہ و نقل کردہ اند در بابِ نخستین ایں نوشتہ است : چوں پدر بزرگوارِ حضرت غوث عالم در شہر ہالہ تشریف بردند، بدانجا مُلاقات با شیخ عیسیٰ علیہ الرحمہ فرزند ارجمند حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی قدس اللہ سرہ شد، ایشاں نیز ہمیں فرمودند :

" انا وانت من بنی ہاشم ۔ یعنی ما و شُما از بنی ہاشم ہستیم "

تولّد :

آں دل کہ رم نمودی از خوبرو جواناں
دیرینہ سال پیری بردش بیک نگاہی

شیخ الاسلام سید جلال رحمۃ اللہ علیہ ذکرِ ولادت حضرت موصوف بدینگونہ کردہ است :

" مولد شیخنا و مخدومنا شیخ بہاؤ الحق والشرع والدین زکریا رحمۃ اللہ علیہ السابع والعشرین من شہر رمضان فی لیلۃ القدر وقت الصبح لیلۃ الجمعۃ فی التاریخ الھجریۃ المصطفویۃ المکۃ للمدینۃ ست وستین وخمس مأئۃ درخطۂ کوت کروڑ " ولایت دیپال است "۔ لہ

یعنی پیر طریقت ما در شب لیلۃ القدر بوقت صبح روز جمعۃ المبارک بتاریخ ۲۷، رمضان المبارک در سال ۵۶۶ ھ ق ۔ تولّد یافتند، یعنی سہ برکت و سہ سعادت جمع شدہ بُودند۔

یک مُؤرخ تاریخ ولادت را ایں گونہ گفت :

بتاریخ تولّد غوث عالم،
دراز بحر قدم آمد بعالم

۵۶۶ ھجری ق۔

لہ : بحوالہ تذکرۂ حضرت بہاؤ الدین زکریا ملتانی (رح) مُرتّبہ نور احمد خاں فریدی۔

در "سفینة الاولیاء" و "آئین اکبری" سال تولد ایشان ۵۶۵ هجری ق. نوشته شده است۔
در "سیر العارفین" آمده است که جدّ بزرگوار ایشان شیخ کمال الدین علی شاه از مکّهٔ معظمه به خوارزم آمدند و از آن جا به مُلتان تشریف آوردند در این روزها مُلتان مرکز صالحان بود و شیخ کمال الدین همین جا سکونت اختیار کردند ایشان در صلاح و تقوای مقام منفرد داشتند۔ مردمان این ناحیه از اقامت ایشان سکون رُوحانی یافتند۔ در همین روزها مولانا حسام الدین ترمذی در کوت کرور مقیم بودند که در مکارم اخلاق و خورد انش در روزگار خود ممتاز و منفرد بودند از ذدواج شیخ وجیهه الدین فرزند رشید شیخ کمال با دُختر نیک اختر مولانا موصوف شد و از بطن آن زن ستوده خصال حضرت شیخ بهاؤ الدین زکریا تولّد یافتند۔[۱]

آموزش :

ایشان در خورد سالی آموزش را شروع کردند۔ کیفیت طبع رسا و صلاحیتهای ایشان این گونه بود که در عمر هفت ساله قرآن کریم را به قرارات سبعه حفظ کردند و بعد از آن به خواندن کتابها متوجّه شدند۔
چون دوازده ساله شُدند و هنوز از خواندن صرف و نحو نیز فارغ نشده بودند که پدر بزرگوار ایشان مُرد، امّا ایشان سلسلهٔ آموزش را ادامه داشتند و برای آموزش بیشتر به خراسان دور رَه گشتند۔
مؤلّف سیر العارفین و تاریخ فرشته تصریح کرده اند که ایشان تا هفت سال در خراسان در حصولِ علوم ظاهری و پاکیزگی باطن اشتغال داشتند۔ بعد از آن به بخارا رفتند و از بزرگان دین و فضل و کمال آنجا استفاده کردند و تا مرتبهٔ کمال رسیدند۔ مردمان بُخارا بنا بر اخلاق حمیده و اوصافِ ستوده ایشان، ایشان را "بهاؤ الدّین فرشته" می گفتند۔[۲]

مؤلّف "خزینة الاسرار" می نویسد :
"در خراسان و بُخارا شهرتی عظیم یافتند که اهلِ آنجا ایشان را "بهاؤ الدین فرشته" می گفتند."[۳]
از بُخارا به مکّهٔ مکرّمه رفتند و بعد از ادای فریضهٔ حج برای زیارتِ مزار مُبارک حضور سرورِ کائنات صلی اللہ علیه وسلم به مدینهٔ منوّره رسیدند و مُدّت پنج سال نزد مزار رسول (صلی اللہ علیه وسلم) برای تزکیهٔ نفس و تصفیهٔ باطن ریاضت کشیدند۔ بعد از اقامت مدینهٔ منوّره سفر بغداد و بیت المقدس

۱: بزم صوفیه، ص: ۸۸

۲: ایضاً، ص: ۸۹ ۳: بحواله تذکره حضرت بهاؤ الدین زکریا ملتانی (رح) مُرتبه: نور احمد خان فریدی۔

نیز کردند[۱]

بیعتِ طریقت :

از مدینهٔ منوّره به بغداد رفتند و آنجا شرفِ صحبت شیخ الشیوخ ابوحفص شهاب الدین سهروردی رحمه الله حاصل کردند و از خرقهٔ خلافت ایشان سرفراز شدند۔

هفده روز در خدمت شیخ شهاب الدین سهروردی رحمة الله علیه ماندند ولی در این مُدّتِ مختصر آن فیوض و برکات روحانی حاصل کردند که دیگر طالبانِ حق را از صحبت و ریاضت سالها نیز نصیب نشده بود مردمان که از مدّت زیاد در خدمت شیخ شهاب الدین سُهروردی حاضر بودند و مشغول عبادت و ریاضت بُودند، حیران بودند که مقامی که ما بعد از ریاضت های طویل نتوانستیم حاصل کنیم ، این فقیر هندی آن را در چند روز دریافته است حضرت شیخ سُهروردی از نور باطن خود این سخن را درک کردند و به درویشها فرمودند۔

" شما را هیچ حیرت نباید کرد ، زیرا که شما مثل چوبهای تر هستید و " زکریا " مانند چوبهای خشک و چوب خشک به نسبت چوب تر زود تر آتش میگیرد "[۲]

بعد از عطای خلعت خلافت ، مُرشد بالغ نظر ایشان را رخصت کرده فرمود :

" شما بروید و در ملتان اقامت کنید و متوجه به اصلاح و تربیّت مردمان آن ناحیه باشید "

مطابق فرمان شیخ ، ایشان به ملتان رفتند و در مُدّت مختصر آنجا در خواص و عوام اعتماد و اقتدار حاصل کردند و در روزهای چند بدولت شهرت و عظمت و فیوض و برکات روحانی ایشان نه فقط ملتان و مضافات آن ، بلکه ناحیه های سِند و بلوچستان هم سلطنت روحانی ایشان دانسته شده ۔

دعوتِ تبلیغ و اسلام :

حُکّام و اُمراء در ادا کردن فریضهٔ تبلیغ اسلام غافل و سست بودند ، تعلیم ملحدانهٔ قرامطه قلب و فکر عوام را بشدت متاثر کرده بود۔ ایشان برای عام کردن اسلام و مسخ کردن اثر و نفوذ قرامطه جد و جهد بلیغ کردند

---

[۱] : بزم صوفیه ۔

[۲] : فوائد الفوائد ، آبِ کوثر ص : ۱۵۶ ، مؤلفه شیخ محمد اکرم ، چاپ لاهور در سال ۱۹۶۸ م ۔

برای رسانیدن صلای حق در ہر ناحیۂ کشور گروہ ہای مختلف تشکیل دادند بیشتر جماعتہا را در دہلی و ناحیہ ہای قرب وجوار آن فرستادند، چند گروہ بہ میان قبائل افغانی رفتند و برخی فریضۂ تبلیغ اسلام در سند را قبول کردند و برای ہمہ این گروہ ہا جاہای اقامت مقرر گردید - بزم ہای دعوت وارشاد گرم می شد - و مردمان از قریہ ہا می آمدند واز مجالس ارشاد مستفید می شدند - معمول حضرت شیخ این بود کہ بر گروہ ہا بار خرج رفت وآمد و خورد و نوش نمی گذاشتند بلکہ ہمہ خرچہا را خود می کردند - گروہ ہا ہر جا کہ اقامت می کردند بازار تجارت را مرتب می نمودند و بر مغازہ ہای گوناگوں می نشستند۔

این مجالس رنگ عجیب داشت یک جانب علماء بہ تبلیغ و وعظ قرآن، و سُنّت مشغول می بودند و جانب دیگر در زیر سایۂ درختان حلقہ ای جمعیت عارفان حق بچشم می خورد کہ آنجا دلہای زنگ شدہ را آئینہ ساختہ برائے طاعت الٰہی و عبادت شرعیہ آمادہ می کردند و گذشتہ از ہمہ اینہا در دشت و صحرا، جوانان بہ اسپ دوانی نیزہ بازی و شمشیر زنی مشغول می بودند - تا در راہ حق جان و جسم خود را بباز ند۔

مولّف "بزم صوفیہ" می نویسد:

"در مُدّت اقامت در ملتان نہ فقط ملتان بلکہ ہمہٗ ہند از انوار فیوض و برکات حضرت بہاؤالدین زکریا ملتانی (رح) منوّر گشتہ بود و زمان ایشان در خیرالامصار" - (روزگار بہترین) گفتہ شد"[1]

شیخ محمد نور بخش در "سلسلۃ الذہب" می نگارد:

"حضرت بہاؤالدین زکریا ملتانی (رح) در ہند رئیس الاولیاء بودند، و عالم علوم ظاہری و در مقامات و احوال مکاشفات و مشاہدات کامل بودند، بیشتر سلسلہ ہای اولیاء اللہ بہ ایشان منسوب گشتند، ایشان مردماں را تلقین رُشد و ہدایت فرمودند و آناں را از کفر بہ ایمان، از معصیّت بہ طاعت و از نفسانیّت بہ رُوحانیّت آوردند، سخن کوتاہ این کہ ایشان صاحب شخصیّت عظیم بودند"[2]

حضرت شیخ بہاؤالدین (رح) ہموار کساں را این نصیحت می فرمودند:

"بر ہر کس لازم است کہ آں براستی کامل و خلوص فقط پرستش خدا کند، در پرستش خدا کسی را شریک نکند، چوں پرستش خدا کنید، ہر ماسوای را از خیال دل بیرون کنید، برای رسیدن بہ خدا ہمیں طریق است کہ حال خود را راست کنید، در اقوال و افعال خود ہر وقت از نفس محاسبہ کنید، پیش از ہر قول و فعل در بارگاہ

---

[1]: بحوالہ "حضرت بہاؤالدین زکریا" ص: ۱۲۲۔

[2]: اخبار الاخیار۔ بسلسلۂ تذکرۂ شیخ بہاؤالدین زکریا، ص: ۵۹۔

خدا التجا کنید، درخواست کمک فقط از وی کنید، تا خدا شما را توفیق عمل نیک عطا فرماید." ؎

وفات:

حضرت شیخ ۹۶ سال عمر یافتند، صحت ایشان تا آخر وقت قابل رشک بود در سن نود و شش سالگی نیز از بالاخانه به زیر آمده نماز با جماعت ادا می کردند، بروز سه شنبه بتاریخ ۷ صفر در سال ۶۶۱ھ ق ازین عالم فانی رحلت نمودند۔

در وقت وفات واقعۂ عجیب رُونما شد، فرزند رشید ایشان حضرت صدرالدین عارف بر حُجرۂ ایشان ایستاده بودند، که ناگاه یک روی نورانی نمودار گشت که یک لفافه سبز رنگ به صدرالدین عارف پیش کرده بایشان گفت:

"این را همیں وقت بخدمت غوث العالمین برسانید!"

دریں نامه ایں آیت قرآں نوشته شده بود:

اِرْجِعِیْ اِلٰی رَبِّكِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً۔

صدرالدین عارف هراساں گشتند، نامه را بخدمت پدر بزرگوار پیش کرده بیروں آمدند، نامه دهنده را آنجا نیافتند، دریں میاں صدا از حجره بلند شد۔

صدرالدین عارف نگراں شده برگشتند، دیدند که سَرِ نیاز حضرت شیخ در سجود است و رُوح بجانب اعلیٰ عِلّیّین پرواز کرده شده است ؎

در کُوی تو عاشقاں چنیں جاں بدهند
کانجا ملک الموت نگنجد هرگز

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ ط

تالیف لطیف:

درباره تصانیف حضرت شیخ بهاؤالدین زکریا ملتانی اینقدر معلوم شده است که ایشان یک کتاب بنام "الاوراد" تالیف کرده اند۔

؎: اخبار الاخیار، ص: ۶۰۔

"اچه در تذکرهٔ علمای هند نوشته است که تصانیف متعدده جناب شیخ الاسلام، خصوصاً در علم سلوک است، ولی در کتابخانه های معروف جهان ذکری ازین کتابها نیست فقط یک نسخهٔ خطی "اوراد" در کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب موجود است. له *

برخی از تذکره نویسان در صحت انتساب این مجموعهٔ اوراد به شیخ بهاؤالدین زکریا ملتانی شک کرده و آنرا تالیف شیخ شهاب الدین سهروردی پیر و مرشد ایشان دانسته اند شواهد قوی موجود است که صحت انتساب مجموعهٔ اوراد را که به "الاوراد" موسوم است به شیخ زکریا ملتانی اثبات می کنند.

مؤلف "انوار غوثیه" ادعا کرده است که علاوهٔ "الاوراد" یک تالیف دیگر شیخ زکریا ملتانی بنام "شروط اربعین" موجود است و ترجمه اش بزبان اُردو شده است ولی در خلاصة العارفین آمده است که ما گذشته از "الاوراد" هیچ تالیفی دیگر از شیخ ندیده ایم.

متن زیر نظر از نسخهٔ خطی الاوراد کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب نقل و تصحیح شده و کامل است درین نسخهٔ خطی نوشته ها و حواشی نیز موجود است، من برای افاده اینها را نیز نقل کرده ام.

چونکه نسخهٔ خطی بسیار قدیم الخط است و در بعضی مقامات باوجود کمک سیاق سباق در تلفظ صحیح اللفظ و املا دشواری پیش آمد ناچار به مآخذ و مصادر اصلی نوشته های نقل شده رجوع گردید.

باوجود این اگر اشتباهی رخ داده است و در تصحیح و استدراک کوتاهی شده است، مصحح معذرت می خواهد و امیدوار است. وهمینکه کتاب به دست اهل علم برسد وی را راهنمائی کنند تا در چاپ آئنده از معاونت و رهنمائی علمی ایشان، درین کتاب اصلاح و اضافه ممکن گردد.

له : مقالات علمی و دینی ص: ۲۶۲، از: مولوی محمد شفیع (رح) چاپ لاهور، در سال ۱۹۷۰ء م.
* نسخه های شناخته شده این کتاب در کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان از قرار زیر است.

۱. شمارهٔ ۱۷۳۹ مؤرخ ۲۸ جمادی الاوّل ۹۶۶ هجری ق.
۲. شمارهٔ ۶۱۹۰ مؤرخ جمادی الثانی ۱۰۶۸ هجری ق.
۳. شمارهٔ ۶۹۵۱ سدهٔ ۱۲ هجری ق.
۴. شمارهٔ ۳۹۸۹ مؤرخ ۱۲۳۴ هجری ق.
۵. شمارهٔ ۷۴ مؤرخ محرم ۱۲۸۳ هجری ق.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة
للمتقین والصلوة علی رسوله
محمد وآله اجمعین قال الشیخ
الکبیر رضی الله عنه بدانک طریق شیوخ
سلف رضوان الله علیهم اجمعین
استقامت بر متابعت محمد علیه
صلی الله علیه وسلم مرتبه اوّل قدم
در متابعت بعد از تصحیح توبه متابعت بر

عکس صفحه اوّل نسخه خطّی "الاوراد" موجود
در کتابخانه دانشگاه پنجاب، شماره ۹۴۹۴/۱۰۴۲-S

283

مني كما تقبلت من خليل

ابراهيم عليه السلام واگر

قربانی ندارد دو رکعت نماز

آید بگزارد در هر رکعتی بعد الفاتحه

انا اعطيناك سه بار ثواب قربانی

... در آفرين ...

دو رکعت نماز ...

بخواند در رکعتی بعد الفاتحه

از ذران بعد از سلام این

عکس صفحه آخر نسخه خطی "الاوراد" موجود
در کتابخانه دانشگاه پنجاب، شماره S-۱۰۴۲/۴۰۴۹

متن

الأوراد

تصنیف

شیخ بہاء الدین زکریا ملتانی رحمۃ اللہ علیہ

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلٰوةُ
عَلٰی رَسُوْلِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ اَجْمَعِیْنَ

قال الشیخ الکبیر رضی اللہ عنہ۔ بدانکہ طریق شیوخ سلف رضوان اللہ علیہم اجمعین استقامت بر متابعت مہتر عالم صلے اللہ علیہ وسلم،

مرتبۂ اوّل

قدم در متابعت بعد از تصحیح توبہ متابعت بر اعمال اوست علیہ السلام

عن ابن عمر رضی اللہ عنہ اَنَّ رَسُوْلَ اللہ صَلَّی اللہُ علیہ وسلم قال کان جبرائیل اذا جاءنی بالوحی اول ما یلقی علیّ "بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ" (دار قطنی)

عن جابر بن عبداللہ قال لما نزلت "بسم اللہ الرحمٰن الرحیم" ھرب الغیم الی المشرق وسکنت الریح وھاج البحر واصغت البھائم باذانھا ورجمت الشیاطین من السماء وحلف اللہ بعزتہ وجلالہ ان لا یسمّیٰ علیٰ شیٔ الّا بارک فیہ

(التفسیر درمنثور ج ۱ صلا)

اللہ۔ اسم ذات و مستجمع لجمیع الصفات وھو غیر مشتق عند الخلیل و الزجاج ومحمد رحمھم اللہ، ولھذا اخص اسم الذات الموصوف بصفات الکمال وکان الحمد بھذا الاسماء حمداً لجمیع اسمائہ وصفاتہ بخلاف غیرہ من الاسماء

عن ابن عباسؓ قال الرحمٰن وھو الرفیق الرّحیم وھو العاطف علیٰ خلقہ بالرزق وھما اسمان رفیقان احدھما ارق من الاٰخر، عن الضحاک قال الرّحمٰن لجمیع الخلق والرّحیم

مرتبۂ دوم - متابعت[1] براخلاقِ[2] او صلی اللہ علیہ وسلم

مرتبۂ سوم - یافتِ احوال است ہمچو احوال او صلی اللہ علیہ وسلم ونہایت کار استقامت[3]

براحوال است وآں صفت رُوح است ، و اخلاق صفت دل واعمال صفتِ جوارح ، و استقامت براحوال کہ نہایت حدّ سعادتہا است ممکن نگردد الاّ بعد از استقامت براخلاق ، و استقامت براخلاق میسّر نشود الاّ بعد استقامت براعمال ، زیرا کہ نسبتِ اعمال باخلاق چوں استنجا است از وضو ، واخلاق مراحوال راچوں وضو است مرنماز را ، ومتابعت براعمال آنست کہ جوارح رامقید کند از مکارہ ومناہی قولاً و فعلاً واز مالا یعنی[4] شنیدن وگفتن ودیدن روئی بگرداند از ہرچیزے کہ مشغول کنندہ است اورا از حق تعالیٰ ، وآں ممکن نگردد الاّ بعزلت وانقطاع از خلائق ،

بالمومنین خاصۃ

عن ابن عباس رضی اللہ عنہ قال الحمد للہ کلمۃ الشکر اذا قال العبد الحمد للہ قال اللہ شکرنی عبدی

عن الضحاک قال الحمد رداء الرحمٰن

عن ابی عبد الرحمٰن الجیانیؒ قال الصلوٰۃ شکر والصیام شکر وکل خیر تفعلہ للہ شکر وافضل الشکر الحمد -

عن جابر بن عبد اللہ رضی اللہ عنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم افضل الذکر لا الٰہ الا اللہ وافضل الدعاء الحمد للہ -

---

[1] المتابعت - پس روئی کردن [2] اخلاق - جمع الخلق بمعنی خو

[3] علامۃ الاستقامۃ علی الاخلاق انہ لایکون فی نفسہ خصلۃ من خصائل المذمومۃ

[4] قال علیہ السلام من حسن اسلام المرء ترکہ مالا یعنیہ وحد مالا یعنی ھو الذی لو ترک لا یحرم من الثواب ولا یصیب ضرر فی الحال والمال وعلامۃ رفع مالا یعنی ان الموت بین یدیہ وانہ مسئول عن کل شیءٍ وھذا العلاج من حسن العلم اما من حیث العمل فالعزل والانقطاع عن الخلق -

قال بعضهم لَا تَصِحُّ التَّوْبَةُ اِلَّا بِالصَّمْتِ[۱] وَلَا يَصِحُّ الصَّمْتُ اِلَّا بِالعُزْلَةِ[۲]
پس صادق باید کہ خلوت و عزلت اختیار کند و شب بہ بیداری و کم خواری و پیوستہ بر طہارت
بودن و مستقبلِ قبلہ نشستن و مشغول بودن بنماز یا بقرآن یا بذکر لآ الٰہ الاّ اللّٰہ[۳] و مداومت نمودن
بنماز برین ، و چوں از ہمہ ملول شود در مراقبہ باشد ، و مراقبہ آں بود کہ بدل بداند کہ خداوند تبارک و
تعالیٰ بر ضمیرِ او مطلع است ، و چوں مراقبہ نتواند بخسپد ۔ و علامتِ صحتِ مراقبہ آں باشد کہ جز
یادِ حق در دل نماند و چناں دوست دارد کہ فضیلتِ نماز جماعت فوت نکند ، و اگر بیروں
آمدن تفرقہ[۴] باید کسی را طلب کند تا فریضہ بجماعت[۵] فوت نکند ، چوں استقامت یافت بر اعمال
آں گاہ متابعت کند بر اخلاقِ او صلی اللّٰہ علیہ وسلم

---

[۱] صمت العوام بلسانهم وصمت الصالحين بقلوبهم و صمت المحبّين من خاطر اسرارهم ، وقيل اذا كان العبد ناطقاً فيما يعنيه وما لا بد منه فهو من حد الصمت

[۲] اعلم ان عمدة الرياضة ترك الطعام وترك الكلام وعمل العزلة لان من لم يخالط مع انهم يتكلم ومع انهم يجيب حتے يأكل ويجعل عزمته

روى عن النبي عليه السلام كل شيء صقالة و صقالة القلب ذكر الله ،
وعنه عليه السلام من قال لا اله الا الله خالصا لله وموقنا دخل الجنة
قال الله تعالى يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا ، وقال الله
تعالى فاذكروني اذكركم ، وقال عليه السلام افضل الذكر لا اله الا
الله ، وافضل الدعاء الحمد لله

[۳] فى "الهداية"

الجماعة سنة مؤكدة وكذا فى الكافى وقال بعضهم
انها فريضة التفريق[۴] والتفرقة پراگندہ کردن ۔

واں تزکیۂ نفس است از خصائل مذمومہ، ومرگ را بسیار یاد کند تا امل کوتاہ شود و روی دل بآخرت گراید و حرص حسد و بطالت و کسل بنور ذکر از وی کم شود و ہر لحظہ بمدد الٰہی بر صفاتِ مذمومہ نفس واقف می گردد و در تزکیۂ آں می کوشد و از دل بوئی نیابد تا از صفاتِ مذمومہ پاک نشود ۔ وازیں جا گفت پیغامبر صلی اللہ علیہ وسلم اَعدَی اعدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِی بَیْنَ جنبیكَ و دریں سخن بسیار است و اصلی عظیم و حق جل و علا موسیٰ را گفت صلوات اللہ علیہ یا موسیٰ عَادِ نَفْسَكَ ثُمَّ عَادِ نَفْسَكَ وچوں نفس تزکیہ یافت از صفات ذمیمہ بعد ازاں در دل کشادہ گردد، و واردات کہ مواہب الٰہی است بر دل او فرود آید و دل او منور شود بنور حق سبحانہٗ و تعالیٰ و آں بابی بغست و دریں حب سخن بسیار است بیش ازیں نشاید گفت کہ بگفت و گوی راست نیاید ھنیئاً لارباب النعیم نعیمھم۔

الحالۃ والخصائل جمع الخصلۃ علیٰ غیر قیاسٍ کالشمائل جمع الشمال والخصائل المذمومۃ حب الدنیا وحب الجاہ والحسد والکبر والبخل والنمیمۃ والریاء والنقل فی عیب الخلق وترك الرحمۃ والنصیحۃ بالمخلوقین والعداوۃ بہم والخصائل المحمودۃ العلم والریاض والرضیٰ والعفو والرأفۃ والمروۃ و المداراۃ والمحبۃ والسخاوۃ والشجاعۃ والتقوٰی والزھد والتوکل

قال علیہ السلام الحسد یأکل الحسنات کما یأکل النار الحطب

یعنی بوی معرفت حق جل وعلا

المعاداۃ با کسی دشمنی کردن ویک دیگر را دشمن داشتن — معناہ مضرۃ عداوۃ نفسك الیك اکثر من مضرۃ اعدائك

وکذالك مالا یکون من قبیل الخواطر فھو ایضاً وارد والوارد یکون وارد سرور و وارد حزنٍ و وارد قبض و وارد بسطٍ الی غیر ذالك من المعانی

الباب : النوع قال علیہ السلام من خرج لیطلب باباً من العلم الی می نوعاً

پس می باید کہ جہد کند تا بناء کارہا محکم نہد بر اساس شریعت کہ ہر کہ جہادی کار او قوی تر نہایت حالِ او عالی تر، و ازیں جا گفتہ اند ما النہایۃ قال الرجوع الی البدایۃ و رگفت و کرد التجا بحق تعالیٰ کند و باری از و خواہد و نکند ونگرید مگر برائے او تا برکتِ آں چناں شود کہ با او گوید و با او کند، و ہر کہ یک روز با حق جل و علا جلیس تواند بود دوم روز و سوم روز نیز تواند بود، و تا ہمہ عمر مقصود دوام اشتغال محبت حق تعالیٰ بار آرد و ہر چہ غیر اوست بسوزد، می باید ہر چہ تواند کرد آں بکند تا گنج تواند یافت بیاید دورِ راحت و آسائش بر خویش بندد و از مدح و ذمِ خلق فارغ آید۔

و از حق تعالیٰ جز او را نطلبد و گفت و گوی کم کند و از علومی کہ فائدہ نباشد نخواند تا نفس حیلہ جوی و رخصت طلب نہ گردد و اوقاتِ خود را موزع کند تا در ہیچ زمانے بطالت بدو راہ نیابد نَبَّہَنَا اللّٰہُ وَاِیَّاکُمْ عَنْ رَقْدَۃِ الْغَافِلِیْنَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّۃَ اِلَّا بِاللّٰہِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ۔

"ذکر دعاء صبح و سنت نماز بامداد"

پس درویشِ طالب را باید چوں صبح صادق بدمد سہ آیت از اولِ سورۂ انعام بخواند۔

۱؎ ینبغی للسالك ان یکون فی کل شیٔ بنیۃ اللہ تعالیٰ حتیٰ فی اکلہ وشربہ ولبسہ ونومہ وکلامہ۔

۲؎ محبت متنوع است، محبت شہوتست چنانکہ دوست داشتن و محبت سنت است چنانکہ دوست داشتنِ فرزندان و محبت تعظیم است چنانکہ محبت والدین و اساتذہ و محبت ہیبت و اجلال است چنانکہ دوست داشتن بندگان و حکماء گفتہ اند کہ محبت زیادہ و کم بگردد بجفا۔

بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی
خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ، ثم الذین
کفروا بربهم یعدلون ، هوالذی خلقکم من طین ثم قضیٰ اجلاً
وَاَجَلٌ مُسَمًّی عنده ثم انتم تمترون ، وهوالله فی السموات
وفی الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون
وآیۃ فالق الاصباح وجعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا
ذلک تقدیر العزیز العلیم ، وایں دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ الَّذِیْ
ذَھَبَ بِاللَّیْلِ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِہٖ وَجَاءَ بِالنَّھَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِہٖ
اَللّٰھُمَّ ھٰذَا خَلْقٌ جَدِیْدٌ وَیَوْمٌ جَدِیْدٌ فَافْتَحْہُ عَلَیَّ بِطَاعَتِکَ
وَاخْتِمْہُ لِیْ بِمَغْفِرَتِکَ وَرِضْوَانِکَ فِیْہِ الْفَوْزَ عِنْدَ الْقَضَاءِ
وَمَنَازِلَ الشُّھَدَاءِ وَعَیْشَ السُّعَدَاءِ وَالنَّصْرَ عَلَی الْاَعْدَاءِ وَمُرَافَقَۃَ الْاَنْبِیَاءِ

بقیہ صفحہ ۲۵

قال اهل المعرفة الحول الحرکة معناها الاحرکة ولا استطاعة الا بمشیئة
الله تعالی۔

الآیة العلامة والآیة من القرآن کلام متصل الی انقطاعه وقیل الآیة
من القرآن جماعة حروف یقال خرج القوم بآیتهم ای بجماعتهم

---

۱ ستائش آں خدایرا ست که آفرید آسمانها و زمین و پیدا کرد تاریکیها و
روشنی ، باز کافراں با پروردگار خویش را برابر می کنند (یعنی معبودان باطل) اوست
آنکه بیافرید شمارا از گل ، باز مقرر کرد وقتِ مرگ را و مدتے معین هست نزدیک
او ، باز شما شک می کنید و اوست خدا در آسمانها و در زمین میداند پنهانِ
شما و آشکار شما و می داند آنچه عمل می کنید۔

(پاره هفتم رکوع ۷ ۔ سوره مائده)

اللهم انی انزل بك حاجتی و ان قصُر رأیي وضعف عنه عملی وافتقرتُ الی رحمتك فاسئلك یاقاضی الامور ویاشافی الصدور ویا مجیراًبین البحور ان یجیرنی من عذاب السعیر ومن دعوة الثبور ومن فتنة القبور، اللهم وما قصر عنه رأیي وضعف عنه عملی ولم تبلغه نیّتی وامنیتی من خیر وعدته احداً من عبادك اوخیر انت معطیه احداً من خلقك فانا ارغب الیك فیه واسالك یارب العالمین،

بقیہ صفحہ ۲۶

له شگافندۂ صبح است وگردانیدہ شب را آرام گاہ وگردانید آفتاب و ماهتاب را معیار حساب ، اینست تقدیر خدا ، غالب ، دانا۔

قال الزجاج الاصباح والصبح واحد فمعناه "شاق الصبح" لمعاش العباد

ته وانما قال اللیل سکناً لان الخلق یسکن بسببها ولانه مسکن لها۔

ته اشارة الی ما تقدم من اوصاف الله تعالی الی ذلك الذی وصف تقدیر العزیز العلیم المتبع فی سلطانه العلیم بتدبیره فی مصالح خلقه۔

ته الاظلام۔ تاریک شدن ودرتاریکی شدن۔

له قصر رأیي وفی بعض النسخ "تقصور رأیي"

القصر۔ کوتاہ کردن وکوتاہ شدن۔ من باب کرم بکرم۔

ته الافتقار۔ محتاج شدن۔

ته الاجارة۔ زینهار دادن یعنی خلاص دادن۔

ته قال الله تعالیٰ فسوف یدعوا ثبوراً ویصلیٰ سعیراً" آن گاہ زود بانگ بردارد دمی گوید واویلاہ واہلاکاہ راند که هلاک شد وجه پیش آمد ، والثبور الهلاک

ته الرغب والرغبة۔ رغبت کردن بچیزے چوں تعدیٰ بالیٰ ، ودر صورت تعدیه بعن روی گردانیدن ازچیزے واعراض کردن کمافی قول النبی صلی الله علیه وسلم من

باقی صفحہ ۲۸ پر

اَللّٰهُمَّ اجعلنا هادین مهدین غیر ضالین ولا مضلین حربا لاعدائك و سلما لاولیائك نحب بحبك الناس ونعاوی بعد اوتك من خالفك من خلقك، اللّٰهم هذا الدعاء ومنك الاجابة و هذا الجهد. وعليك التكلان ولا حول ولا قوة الا بالله، اللهم یا ذا الحبل الشدید والامر الرشید اسالك الامن یوم الوعید والجنة یوم الخلود مع المقربین الشهود والركع السجود والموفین بالعهود انك رحیم ودود وانت تفعل ما ترید.

سبحان من تعطف بالعز وقال به سبحان من لبس المجد و تکرم به سبحان الذی لا ینبغی التسبیح الا له سبحان ذی الفضل والنعم سبحان ذی الجود والکرم سبحان الذی احصیٰ شیٔ بعلمه، اَللّٰهُمَّ اجعل لی نوراً فی قلبی و نوراً فی قبری ونوراً فی سمعی ونوراً فی بصری ونوراً فی شعری و نوراً فی بشری و نوراً فی دمی ونوراً فی لحمی۔

بقیہ صفحہ ۲۷

رغب عن سنتی فلیس منی" ای من اعرض عن سنتی

ل هادین - الهادی - راه نماینده والمهدی راه نموده شده۔

ل اَلضَّالُ - گمراه - اَلْمُضِلُ - گمراه کننده۔

ٮ اَلسِّلْمُ - بکسر السین وفتحها نعتان فی الصلح، وقال بعضهم بالنصب هو الاسلام وبالکسر الصلح۔

ع الجَهد - بضم الجیم الوسع وبالفتح المشقة والمبالغة۔

ٯ فی "وسیلة القلوب" معناه هیچ کس را حیلهٔ دور بودن از معصیت خدائی عزوجل وقوت نزدیک شدن بسوی طاعت خدای عزوجل نیست ممکن مگر بعون خدائے عزوجل۔

باقی صفحہ ۲۹ پر

ونوراً فی عظامی ونوراً فی مخی ونوراً فی عصبی ونوراً من بین یدیّ ونوراً من خلفی[1] ونوراً عن یمینی ونوراً عن شمالی ونوراً من فوقی ونوراً من تحتی ، اَللّٰھُمَّ اعطنی نوراً وزدنی نوراً واجعلنی نوراً واعظم لی عندک نوراً ، سبحان خالق النور یا ولی المؤمنین اخرجنا من الظلمات الی النور ربنا[2] اتمم لنا نوراً واغفرلنا انک علی کلّ شیٔ قدیر ، و سورۂ قٓ والقرآن المجید بخواند۔

بقیہ صفحہ ۲۸

[5] قیل ۔ ہر کہ ہزار بار ہر روز بگوید لاحول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم خدائے تعالیٰ اورا غنی گرد واز غیر اللہ تعالیٰ۔

[6] یوم الوعید و یوم الخلود ۔ اسمان من اسماء القیامۃ۔

[1] السجود بذل المال من غیر غرض وحظ یرجع الی البازل و ذلک محال من غیر اللہ تعالیٰ فھو الذی انعم علی العالم احسانا الیھم لا الحظ ، وعرض یرجع الیہ فانہ متعال عن الاعراض انما قولھم فلان صاحب الجود فھو بطریق المجاز۔

[2] فان قلت المناسبۃ یقتضی ان یکون بعد ذکر القلب ذکر السمع والبصر فی الحکمۃ فی ایرادہ علی غیر خلاف مقتضی المناسبۃ ۔؟ قُلْتُ لشدۃ الاھتمام بلذر القبر فان من تلذر قبرہٗ یتنور منازلہ یوم القیامۃ ومن لا فلا ۔ ، واما ذکر القبر بعد ذکر القلب فلان القلب اذا کان منور بنور الایمان والطاعۃ کانما روض من ریاض الجنۃ واذا کان القلب مظلمًا بظلمات الکفر والطغیان کان القبر حفرۃ من حفر النیران۔

[1] ذکر کلمۃ "من" اربع جہات و "عن" فی جہلتین لاتباع کلام اللہ تعالیٰ وھو قولہ تعالیٰ لاٰتینھم من بین ایدیھم ومن خلفھم وعن ایمانھم وعن شمائلھم ولا تجد اکثرھم شاکرین ، وقولہ تعالیٰ لاکلوا من فوقھم ومن تحت ارجلھم منھم امۃ مقتصد

باقی صفحہ ۳۰ پر۔

ذکر از خانہ بمسجد رفتن

چوں خواہد از خانہ برائے نماز بیرون آید[1] آیۃ الکرسی وایں دعا بخواند۔
اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِکَ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَذِلَّ اَوْ اُذَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَجْھَلَ اَوْ یُجْھَلَ عَلَیَّ بعد ازاں پائے راست بیروں نہد وگوید بِسْمِ اللّٰہِ وَبِاللّٰہِ وَاِلَی اللّٰہِ وَاعْتَصَمْتُ بِاللّٰہِ وَتَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰہِ رَبِّ[2] اَدْخِلْنِیْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِیْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّیْ مِنْ لَّدُنْکَ سُلْطَانًا نَّصِیْرًا۔
وچوں رفتن گیرد ایں دعا بخواند اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ السَّائِلِیْنَ عَلَیْکَ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِیْنَ اِلَیْکَ وبِحَقِّ ھمشائے ھٰذَا اِلَیْکَ لَمْ اَخْرُجْ اَشَرًا وَّلَا بَطَرًا وَّلَا رِیَاءً وَّلَا سُمْعَةً خَرَجْتُ اِتِّقَاءَ سَخَطِكَ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِکَ اَنْ تُنْقِذَنِیْ مِنَ النَّارِ وَاَنْ تَغْفِرَلِیْ ذُنُوْبِیْ اِلَّا اَنْتَ یَا غَفُوْرُ اِلَّا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ الَّذِی۔

بقیہ صفحہ ۲۹

[1] اے پروردگار ما تمام وہ برائے ما نور ما را وبیامرز مارا ھر آئینہ تو بر ھر چیز توانائی۔

[2] در پارہ بست وششم۔!

قال النبی صلی اللہ علیہ وسلم من قرأ سورۃ قٓ ھوّن علیہ سکرات الموت

---

[1] از وسیلۃ القلوب از حسین بن علی رضی اللہ عنھما آمدہ است کہ چوں درمسجد رفتی بایستادی وگفتی عبدك ببابك مسکینك ببابك سائلك ببابك تو درتو است بسیار بگریستی و تضرع کردی وتواضع نمودی پس باخجالت قدم درمسجد نہادی و ھرکہ حضور داشتہ است ھمچنیں حرمت داشتہ است تابواسطہ آں حرمت بجائی برسیدہ است۔

[2] ذکر فی الفتاوی الحجۃ انہ قیل لاتصیر الارض مسجداً حتی تسبح اللہ عزوجل ثلث مایۃ سنۃ ثم یصیر باللہ تعالی مسجداً۔

النوم فی المسجد مرخص عند بعض السلف وعن ابن عباس رضی اللہ عنھما انہ یکرہ وھذا

رَبِّيَ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِيْنَ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِيْنَ وَإِذَا مَرِضْتُ
فَهُوَ يَشْفِيْنَ وَالَّذِي يُمِيْتُنِي ثُمَّ يُحْيِيْنَ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيْئَتِي
يَوْمَ الدِّيْنِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِيْنَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ
صِدْقٍ فِي الْآخِرِيْنَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيْمِ وَاغْفِرْ لِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيْرًا وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُوْنَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُوْنَ إِلَّا مَنْ
أَتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيْمٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا سَلِيْمًا۔

بقیہ صفحہ ٣٠

اصح واشبہ وللمعتکف ضرورۃ فلا یقاس علیہ غیرہ۔

ضَلَّ يَضِلُّ ۔ گمراہ شدن ، ذَلَّ يَذِلُّ ۔ خوار شدن ، الظلم ۔ ستم کردن

اَلْاِعْتِصَام ۔ بچیزے آویختن۔

ت اے پروردگارِ من درآر مرا درآوردنِ پسندیدہ و بیرون آر مرا بیرون آوردنِ پسندیدہ و ساز برائے من از نزدیک خود قوتے یاری دہندہ۔

(پارہ پنجدہم، رکوع ۹ ، سورہ بنی اسرائیل)

ل يَسْقِيْنِ ۔ الاسقاء کسے را آب دادن۔

ع مَرِضْتُ ۔ اَلْمَرَضُ والمرض بالسکون والتحریک ۔ بیمار شدن والنعت مریض من باب " سَمِعَ يَسْمَعُ " واضافۃ المرض الی نفسہ والشفاء الی ربہ لحسن ادبہ لانہ نسبتہ المرض الی اللہ تعالیٰ یکون بالشکایۃ والخلیل لا یشکو من الخلیل۔

ت این ہم دعاء ابراہیم پیغامبر علیہ السلام است۔

ع در آغاز سورۂ بنی اسرائیل ، رسوا مکن و عذاب مارا بدرت در روز قیامت

ربی الذی خلقنی الی من ورثۃ جنۃ النعیم ۔ ترجمہ آنانکہ بیافرید مرا پس همون راہ نماید مرا و آن کہ اوطعام می خوراند مرا و می آشاماند مرا و چون بیمار می شوم پس همون شفا می دهد مرا و آنکہ بمیراند مرا باز زندہ گرداند مرا و آنکہ توقع دارم کہ بیامرزد برائے من گناہِ من روز جزاء ، پروردگارا عطا کن مرا حکمت ولاحق کن مرا

باقی صفحہ ٣٢ پر

واین دعاء نیز بخواند واگر راه دراز باشد اَللّٰھُمَّ اجْعَلْ لِی نُوْراً فِی قَلْبِیْ
نوراً فی قبری ونوراً فی سمعی ونوراً فی بصری ونوراً فی شعری
ونوراً فی بشری ونوراً فی دمی ونوراً فی لحمی ونوراً فی عظامی و
نوراً فی مخی ونوراً فی عصبی ونوراً من بین یدیّ ونوراً من
خلفی ونوراً عن یمینی ونوراً عن شمالی ونوراً من فوقی ونوراً من تحتی
ونوراً من خلفی اَللّٰھُمَّ اعطنی نوراً وزدنی نورا واجعلنی نورا و
اعظم لی عندك نورا سبحان خالق النور یا ولی المومنین اخرجنا
من الظلمات الی النور ، ربنا اتمم لنا نورنا واغفرلنا انك علیٰ
کل شیئٍ قدیر۔

بقیہ صفحہ ۳۱

بشائستگان و پدید آر برائے من ذکر نیک در پسنیان و بکن مرا از وارثان بهشت بانعمت۔

(پاره ۱۹ ، رکوع ۹ ، سورۂ شعراء)

ولا تخزنی یوم یبعثون ۔ الی بقلبٍ سلیم ۔ ورسوامکن مرا روزیکه برانگیخته شوند
مردمان روزیکه فائده نه دهد مال و نه فرزندان لیکن صاحب فائده آن بود که
بیارد پیشِ خدا دلِ بے عیب را (پاره ۱۹ ، رکوع ۹ سورۂ شعراء)

له في "الظهيرية والمحيط" لابأس بالصلوٰة علی الطنافس وسائر الفرش ، والصلوٰة
علی الارض وعلی ابنیة الارض افضل لقوله علیه السلام "علی ابنیة الارض اولیٰ
من الصلوٰة علیٰ ما الفنم

عظم ۔ استخوان ، هڈی۔

له اے پروردگار ما تمام ده برائے ما نور ما را وبیامرز ما را هر آئینه
تو بر هر چیز توانائی ۔ (پاره بست وهشتم ۔ رکوع ۲۰ سورۃ التحریم)

چوں بدرِ مسجد برسد پیش در بایستد و ایں دعاء بخواند[1] - الٰھی عبیدك ببابك مذنب ببابك مسیئٌ ببابك یرجو رحمتك ویخاف عقوبتك یا محسن وقد امرت المحسن منا ان یتجاوز عنی قبیح ما عندی بجمیل ما عندك یاکریم ۔ پائے راست دروں نہد و بگوید ۔ بسم اللّٰہ والحمد للّٰہ والصلوٰۃ والسلام علیٰ رسولہ الکریم اَللّٰھُمَّ اغفرلی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلك ورحمتك وچوں دروں رفت بگوید بسم اللّٰہ دخلنا و علی اللّٰہ توکلنا اگر کسی باشد سلام گوید وچوں نباشد بگوید السلام علینا من ربنا و علیٰ عباد اللّٰہ الصالحین۔

اگر وقت مکروہ نباشد تحیۂ مسجد[1] دو رکعت بگزارد ، در ہر رکعتی آیۃ الکرسی یکبار وسورۂ اخلاص ۳ بار ، بعد از سلام ایں دعاء بخواند اَللّٰھُمَّ لك الحمد اصبحت علیٰ عملك ووعدك خلقتنی ولم اك شیئاً استغفرك لذنوبی فان الذنوب قد ارھقتنی واحاطت بی الا ان تغفرھا فاغفرھا یا رحمٰن ، اَللّٰھُمَّ اعصمنی[2] بالطافك حتیٰ لا اعصیك واعنی علیٰ طاعتك[3] بتوفیقك وجنبنی معاصیك ۔ اگر فرصت باشد لحظہ بنشیند و بگوید ۔ ربّ[4] انزلنی منزلاً مبارکاً وانت خیر المنزلین لا الٰہ الا اللّٰہ لا ادعو مع اللّٰہ احداً[5] اگر وقت مکروہ باشد چہار بار سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ ولا الٰہ الا اللّٰہ اللّٰہ اکبر بگوید۔

---

[1] عن ابی قتادۃ الانصاری رضی اللّٰہ عنہ ان رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم قال اذا دخل احدکم المسجد فلیرکع رکعتین قبل ان یجلس ثم یقول اللّٰھم لك الحمد الیٰ قولہ فاغفرھا یا رحمٰن غفر اللّٰہ لہٗ فی ذلك المعتقد ذنبہ ان کان مثل زبد البحر۔

مُسِیْئٌ ۔ گنہ گار ۔ یخاف ۔ می ترسد

تجاوز ۔ چشم پوشی کردن ، عفو و درگزر کردن۔

ذکر در آمدن بنماز

چوں خواہد کہ بنماز بامداد شروع کند با فرائض دیگر باید چناں ایستد کہ سر ہاء انگشتان پائے بسمت قبلہ راست باشد و میان دو قدم مقدار چہار انگشت فرجہ بگزارد و حق تعالیٰ را برخود ناظر داند و ہر کہ می خواہد تا دل خود را در نماز حاضر یابد باید کہ طہارت را از نقصان و جامہ را از نجاست اندک و بسیار و زبان را از غیبت[۴] و لغو و حلق را از حرام و شبہہ و جسد را از حسد[۵] و سینہ را از کینہ نگاہ دارد و ایں دعا بخواند۔ اَللّٰھُمَّ اعوذبک من تفرقۃ القلب و کلمہ شہادت و استغفار بگوید و باتعوذ[۶] و تسمیہ و سورہ ناس بخواند و بگوید اِنِّیْ وَجَّہْتُ وَجْھِیَ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَّمَآ اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ۔

---

[۱] فی "الظہیریتہ" تحیۃ المسجد عندنا و عند الشافعی واجبۃ و یکتفی لتحیۃ المسجد لکل یوم رکعتان و اختلفوا انہ یصلی جالسًا او قائمًا وقال بعضھم یصلی جالسًا۔

[۲] اعصمنی۔ المعصیۃ والعصیان۔ نافرمانی کردن

[۳] التوفیق اعانتہ اللہ تعالیٰ علی العبد علی عمل الصالح۔

[۴] ترجمہ:۔ اے پروردگار من فرود آر مرا در منزل مبارک و تو بہترین فرود آرندہ

(پارہ ۱۸ - رکوع ۲ - سورہ مؤمنون)

[۵] فی "قوۃ القلوب" واستحب لہٗ ان یقرأ "قل اعوذ برب الناس" قبل دخولہ فی الصلوٰۃ فان لہٗ جُنّتہ من العدو۔

---

[۱] پیغامبر علیہ السلام مجموع روایت وسنن و نوافل را درخانہ خویش گزاردی مگر برائے سببے ومی فرمود۔ یاایھا الناس صلوا فی بیوتکم فان افضل صلوٰۃ المرء فی بیتہ الا المکتوبتہ و محافظۃ بر سنۃ نماز بامداد بحدی بود کہ در سفر نیز براں مواظبت نمودی۔

[۲] قَالَ اللّٰہُ تَعَالیٰ وَلَا یَغْتَبْ بَّعْضُکُمْ بَعْضًا اَیُحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یَّاْکُلَ لَحْمَ اَخِیْہِ مَیْتًا فَکَرِھْتُمُوْہُ۔

إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَ بِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِيْنَ و بحضور دل نیت کند چناں کہ بداند کہ کدام نماز است و عدد رکعتہا و فرض را از سنت زیرا کہ حقیقتِ نماز حضورِ دل است پس ہر وقت در ہر نماز باکہ دل حاضر بودی، اما چوں دشوار است بارے در نفس تکبیر اول دل حاضر باید او و کند گفتہ اند لکل شئ صفوۃ الصلوٰۃ التکبیرۃ الاولیٰ در نماز بامداد بگوید اُوَدِیَ رکعتین فریضۃ اللہ تعالیٰ صلوٰۃ ھذا الفجر اگر امام باشد اماماً بگوید و اگر مقتدی باشد مأموماً۔

ے قال علیہ السلام الحسد تأکل الحسنات کما یأکل النار الحطب وعنہ علیہ السلام المؤمن لایکون حسوداً ولاحقوداً۔

ے التعوذ "اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ" گفتن

ے ومعناہ وجہت وجہی قولان احدھما ان الوجہ ھو الدین والعبادۃ فمعناہ اخلص فی دینی و عبادتی۔

بخالق السمٰوات والارض عن ابن عباس رضی اللہ عنہ والثانی جعلت تصدی وتوحیدی وھو الذی خلق السمٰوات والارض۔

عن علی ابن ابی طالب کرم اللہ وجھہ قال کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اذا استفتح الصلوٰۃ کبر ثم قال انی وجہت وجہی للذی الخ، و فی "ترغیب الصلوٰۃ" مستحب است إِنِّيْ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ خواندن تا آخر نزدیکِ امام ابوحنیفہ و امام محمدؒ پیش از تکبیرِ اوّل و نزدیکِ امام ابویوسفؒ بعد تکبیرِ اول بعد الثناء۔

فی "تفسیر الدور" فی قولہ تعالیٰ "واقیموا الصلوٰۃ واٰتوا الزکوٰۃ وارکعوا مع الراکعین" عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم انہ قال من توضأ واسبغ الوضوء ثم قال الی الصلوٰۃ قال رکوعہا و سجودہا والقراءۃ فیہا قالت الصلوٰۃ حفظک اللہ کما حفظتنی

بمیان سنت تکبیر گفتن

گفتن سنت آنست کہ دست ہا فروگذاشتہ می دارد تا نیت قرار گیرد آنگاہ دست کشادہ برائے تکبیر برآرد چنانچہ کفہاء دست کشادہ و انگشتان راست دارد و نیک مشقت نگیرد و سست رہا نکند و غیر حق را در دل نیارد چوں برابر گوش رسد قوت دست ہا بدو باز دہد و بگوید اَللّٰہُ اَکْبَرُ الف اللہ بتعظیم گوید و لام بہیبت و ہا نرم گوید و رآء اکبر مجزوم کند و دستہا فرو کردہ و نرم فرود آرد یعنی یکبارہ نگاہ ندارد تا خود فرود افتند و ایں فعل ہم از الف اللہ تا را اکبر باید تا نہ ہیچ فعلے بے ذکر باشد و نہ ہیچ ذکر بے فعل و بجز و لی ایں سنت نگاہ نتواند داشت ، و جملہ تکبیرات نماز بریں ترتیب باید گفت و دستہا... بیش سینہ نہد چنانکہ گفت ، دستِ راست بر بند دست چپ باشد و دو انگشت یکے شہادت و دیگر وسطیٰ بر ساعد دستِ چپ دارد ، و دو انگشت دیگر یکے خنصر و بنصر و ابہام فرود نہد۔

ثم صعد بها الى السماء و لها ضوء و نور فيفتح لها ابواب السماء حتى ينتهى الى الله فيشفع لصاحبها و اذا ضيع ركوعها و سجودها

اِنِّیْ وجهت الى و ما انا من المشركين ۔ ہر آئینہ متوجہ ساختم روئی خود را بسوئی کسے کہ بیا فرید آسمانہا و زمین در حالتیکہ حنیفم و نیستم از مشرکان۔ (پارۂ ہفتم ، رکوع ۱۵ - سورۃ الانعام)

لہ ہر آئینہ نمازِ من وحج و قربانی و زندگانی من و موت من ہمہ برائے خدا است ، پروردگار عالمہا ہیچ شریک نیست او را و بایں توحید فرمودہ شدہ مرا و من نخستیں مسلمانانم۔ (پارۂ ہشتم ، رکوع ۷)

ع اے عبادتی و الناسک العابد۔

سبحانك اللهم وبحمدك وتبارك اسمك وتعالیٰ جدك
ولا الٰه غیرك اعوذ باللہ من الشیطن الرجیم بسم اللہ
الرحمٰن الرحیم پس الحمد بخواند چوں امام ولا الضالین گوید
مقتدیان آمین گویند آہستہ وامام ہم آہستہ بگوید۔
ومستحب قرأة نماز بامداد آنست کہ وراء فاتحہ از چہل آیت تا
پنجاہ آیت بخواند و در قیام نظر بسجدہ گاہ دارد چوں قرآں خواند ہم چناں داند
کہ دروں او را خبر باشد کہ کدام کلمہ گفتم وکدام آیت خواندم، چوں قرأت
تمام کند در رکوع رود بتواضع وشکستہ دار کفِ دست بر سر زانو نہد و
انگشتان فراخ کند۔

پیغامبر فرمود صلی اللہ علیہ وسلم بگزارد نماز بجماعت بدہد حق تعالیٰ
مر او را پنج چیز۔ اول رزق طیب ودوم برکت در رزق، سوم نجات از عذابِ گور، چہارم
بگذرد در پل صراط جہندہ وپنجم در آید روز محشر بے حساب۔۔
قال اللہ تعالیٰ " واركعوا مع الراكعين " قيل فی معناه ای صلوا مع المصلين وهو امر
باقامة الصلوٰة مع الجماعة، وقال عليه السلام صلوٰة الجماعة يفضل علی
صلوٰة الرجل الذی بسبع وعشرين درجة۔

---

[1] فی " المقتف " دفع اليدين عند الافتتاح سنة وفی " صلوٰة المسعودی " در
تکبیر اول دست برہنہ باید ودست وانگشتان باز وکفہاء دست سوئے قبلہ، برکتف
دارد وسنت است کہ دست بر سر برد وبر دست نبرد لکن سر بر دست برود این
بدعت است۔

[2] معناه اکبر من ان ینال الحواس ویدرک جلاله بالعقل والقیاس وفی قول الجامع الصغیر الخانی
وتطویل الالف اما ان یکون مفسد واما ان یکون خطاء لانه اذا قال " اَللّٰهُ اَکْبَرْ " بمدِ
الهمزة من اول اللہ تعالیٰ۔

سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ ہفت بار، میانہ پنج بار، کمتر سہ بار و اگر
پیشتر از ہفت بار بگوید ثواب بیشتر یابد تا دہ بار و سر از رکوع بر دارد سَمِعَ
اللّٰہُ لِمَنْ حَمِدَہٗ گوید و اگر مقتدی باشد رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ گوید و
تمام بایستد و در سجدہ رود بخشوع اول رکبتین با نماز زمین نہد پس
ازاں دستہا پس بینی پس پشیمانی و میان دو دست سجدہ کند و
بغلہا کشادہ دارد و شکم از رانہا دور دارد و انگشتان پائے روئی قبلہ دارد و
انگشتانِ دست بر زمین شفت گیرد و قوت بر دست کند و بسر چنداں
زور نکند و نظر بسوی بینی دارد و بحضور دل ہفت بار یا پنج بار یا سہ بار
یا دہ بار بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی سر از سجدہ بردارد و پائے چپ بگسترانند
و بروی بنشیند و پائے راست ستیخ نہد تا سر انگشتان پائے
روی قبلہ شوند و بنشیند چنانکہ اندامش بیاید امد بعدہ سجدہ دیگر ہمچناں
بیارد و سبک برخیزد۔

لہ معناہ سبحنك بجمیع آلائك و بحمدك سبحتك (کذا فی المغرب)

لہ اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم ای من کندہ و شرہ و وسوستہ الرجیم — الرجیم بمعنی مفعول کا القتیل بمعنی المقتول معناہ ای المرجوم بالعین وفی الکافی المختار اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم۔

لہ فی الخبر الصحیح بروایتہ ثقتہ قال اللہ تعالیٰ بعزتی وجلالی وکرمی من قرأ بسم اللہ الرحمٰن الرحیم متصلاً فاتحۃ الکتاب مرۃ واحدۃ اخبرہ علیٰ انہ قد غفرت لہ وقبلت عنہ حسناتہ وتجاوزت عنہ سیآتہ فلا احرقت لسانہ فی النار واخرجہ من عذاب القبر وعذاب یوم القیامۃ والفزع الاکبر ومن شدۃ الحساب والصراط وھو من الآمنین ویبعث مع الانبیاء والاولیاء۔

ویک رکعت دیگر بہمیں ترتیب بگزارد و بنشیند چنانکہ در جلسۂ اول نشستہ است چوں در تشہد بنشیند، دستہا بر ران نہد و سر در پیش افگند و انگشتان دست کشادہ داد و نظر در کنار خود دارد و بخواند۔

التحیات للہ والصلوٰت والطیبات السلام علیک ایہا النبی ورحمۃ اللہ ، وبرکاتہ السلام علینا وعلیٰ عباد اللہ الصالحین اشہد ان لا الہ الا اللہ واشہد ان محمدا عبدہ ورسولہ اگر نماز چہارگانے باشد یا سہ گانے زود برخیزد و اگر دوگانے باشد یا قعدۂ اخیرہ، ایں پنج صلوات بگوید اللّٰھم صل علیٰ محمدٍ وعلیٰ اٰل محمدٍ کما صلیت علیٰ ابراھیم وعلیٰ اٰل ابراھیم انک حمیدٌ مجید ، اللّٰھم بارک علیٰ محمدٍ وعلیٰ اٰل محمدٍ کما بارکت علیٰ ابراھیم وعلیٰ اٰل ابراھیم انک حمیدٌ مجید اللّٰھم ترحم علیٰ محمدٍ وعلیٰ واٰل محمدٍ کما ترحمت علیٰ ابراھیم وعلیٰ اٰل ابراھیم انک حمیدٌ مجید ، اللّٰھم تحنن علیٰ محمدٍ وعلیٰ اٰل محمدٍ کما تحننت علیٰ ابراھیم وعلیٰ اٰل ابراھیم انک حمیدٌ مجید۔

ؔ اتفاق است کہ آمین از قرآن نیست مگر قول مجاھد وآمین را ممدود مختلف خواندہ اند۔

(زاھدی)

ؔ بمعنی الاعظم لان فعیل والافعل فی صفات اللہ تعالیٰ علی السواء مثل الکبیر والاکبر بمعنی

سُبْحَانَ - پاکست و بے عیب -

ؔ لیس المراد بہ نفس السمع لانہ ما من شیٔ الا وھو مسموع اللہ تعالیٰ ولکن معناہ قبل اللہ تعالیٰ الحمد من حمدہ واباب من حمدہ الیٰ ماطلب منہ کما قبل سمع الامیر کلامہ فلان اذا قلنا بالاجابتہ والقبول۔

اَللّٰهُمَّ سلم علی محمد و علی اٰل محمد کما سلمت علی ابراهیم
و علی اٰل ابراهیم انک حمید مجید ، اَللّٰهُمَّ اغفرلی ولوالدی
ولمن توالد الجمیع المومنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
الاحیاءِ منهم والاموات برحمتک یا ارحم الراحمین ، ربنا
لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب ، ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة
و قنا عذاب النار ، سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین ۔

ئلہ ای تلک الصفات المحمودیة وتقدیم لک عن الحمد للاختصاص کما فی تقدیم ایاک نعبد ولعله بان المصلی ان کان اماما یکتفی التسبیح والتحمید بالاتفاق وهل یاتی بالتحمید اولا فعند ابی حنیفه رحمه الله لا یاتی وعند ابی یوسف ومحمد یاتی ۔

ئکہ فی صلوٰة المسعودی در سجده چشم باز داشتن علامت مومنانست و فراداشتن علامت دانست کسی گوید چشم فرا میدارد حضور دل می یابم آن حضور دل نیست ۔ غرور دل ست بترکِ سنت ۔

لہ ویفعل فی الرکعة الثانیة ما فعل فی الرکعة الاولی لانه تکرار الارکان الا انه لا یستفتح ولا یتعوذ لانهما لم یشرع الامر ۔

ئہ التحیة لعله من الحیاة بمعنی الاحیاء السنة ، التحیة بادشاه گردانیدن و سلام دادن وکسی را زندگی دادن ۔

ئہ ای العبادة البدنیة

عہ قیل هی اخلاق الفاضلة وقیل هی الاعمال الصالحة

ئہ التبرکات ۔ جمع البرکة وهی الزیادة والنماءُ ۔

ئہ ای المومنین

ئکہ الشهادة الاخبار بما قد شوهد شاهده اعیان وشاهده ایقان ۔

وسلام گویدؒ برنیت فرشتگان وجماعت مسلمانان کہ بردست وچپ
اور السّلامؒ علیکم ورحمۃ اللّٰہ وبرکاتہ وجملہ نمازہا بدیں ترتیب
باید کرد کہ سنتِ نماز گزاردن ایں است ، اگر روز آدینہ باشد در نماز
بامداد در رکعت اول بعد الفاتحہ الٓمٓ تنزیلؒ السجدہ ودر دوم ھل اتٰی[۱]
خواند بہتر باشد کہ پیغامبر صلی اللّٰہ علیہ وسلم ہمچنیںؒ خواندہ است بعد اداءِ
فرض بامداد در موضع نماز مستقبلِ قبلہ نشستہ ایں ورد بخواند ورد نماز
بامداد دہ بار بگوید۔

التشہد التحیات خواندن۔

[۳] ولایزید علیٰ قولہ واشہد ان محمداً عبدہ ورسولہ فان زاد علیٰ ھذا فان کان عامداً فذلک
مکروہ وان کان ساھیاً یلزمہ سجود السہو۔

[۴] التحنن ۔ مہربانی کردن۔

---

[۱] ذکر فی "خلاصۃ العقائد" ممن ھو عبد ولیس ابواہ مسلماً یقول اللّٰھم اغفرلی
ولوالدی ، وللذی آمن لنفسہ ولیس بعبد یقول اللّٰھم اغفرلی وبجمیع المؤمنین
والمؤمنات اذلایجوز ان یستغفر لابویہ الکافرین۔

[۲] الایمان والاسلام واحد خلافاً لاصحاب الظواھر لقولہ تعالیٰ ۔ لم تؤمنوا ولکن قولوا
اسلمنا ، جعل الاسلام غیر الایمان حیث اثبت الاسلام ونفی الایمان ولکنھما اسماء
المترادفۃ کالقعود والجلوس فالایمان تصدیق بالقلب والاسلام اقرار باللسان۔

[۳] اے پروردگار ما کج مکن دلہائے مارا بعد ازاں کہ راہ نمودی مارا وعطا کن برائے ما
از نزد خود نعمت ھر آئینہ توئی عطاکنندہ (پارہ ۳ ۔ رکوع ۹ ۔ سورہ آلِ عمران)

[۴] قیل حسنۃ الدنیا المرأۃ الصالحۃ وحسنۃ الآخرۃ الحور العین وعذاب النار المرأۃ السوء وقیل حسنۃ
الدنیا العلم والطاعۃ ۔ وقیل حسنۃ الدنیا الرزق الطیب والعصمۃ من الذنوب وحسنۃ الآخرۃ
حسن الجزاۃ۔

لا آلہ الاّ اللہ وحدہ لا شریک لہٗ لہٗ الملک ولہٗ الحمد و

یحی ویمیت وھو حیّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیدہ الخیر

وھو علیٰ کل شیٔ قدیر۔ یکبار لا الہ الاّ اللہ وحدہ صدق[۳]

وعدہ ونصر عبدہ وھزم الاحزاب وحدہ واعز

جندہ فلا شیٔ بعدہ لا آلہ الاّ اللہ اھل النعمتہ والفضل

---

[۱] فی المحیط یقول عندنا السلام علیکم ورحمۃ اللہ بالالف واللام وانہ فی الکلام ان یکون التسلیمۃ الثانیۃ اخفض من الاولیٰ۔

[۲] پیغامبرؐ فرمودہ ھرکہ در نمازِ صبح پیش ازاں کہ سخن گوید دہ بار بگوید۔ لا الہ الا اللہ تا قدیر اورا دہ نیکی نویسند و دہ بدی وی محو کنند و دہ درجہ اورا بلند گرداند و دہ گناہ دراں روز مباھی شود ازو، واز وسوسہ شیطانی محروس کند وھیچ گناہ راسزاوارے نبود۔

[۳] فی فتاویٰ الحجۃ ان النبی علیہ السلام کان یقرأ فی مغرب لیلۃ الجمعۃ الکافرون وفی الغداۃ الٓم تنزیل وھل اتیٰ وعشاء الجمعۃ سورۃ الجمعۃ والمنافقین۔

[۴] پیغامبر علیہ السلام ھمچنیں خواندہ ای و تخصیص روزِ جمعہ قراۃ ایں دو سورت ازاں جھت بود کہ ایں دو سورت مشتمل است بذکر مبدا ر معاد دخولِ جنت ونیز قیامت در روز جمعہ خواھد بود۔

---

[۱] لا معبود الحق الا اللہ ولا مستحق الالوھیتہ الا اللہ ولا واجب المعبودیتہ الا اللہ ۔فی "المصابیح" قال علیہ السلام خیر الدعاء یوم عرفۃ وخیر ما قلت انا والنبیون من قبلی لا الہ الا اللہ وحدہٗ الیٰ شئی قدیر۔

[۲] تسبیح نمازِ بامداد از خلاصۃ الحقائق پیغامبر علیہ السلام فرمود۔ ھرکہ بعد از نمازِ بامداد ھر روز صد بار بگوید" لا الہ الا اللہ الملک الحق المبین" حق تعالیٰ اورا بہ سہ عنایت بنوازد اولاً غنی گردد وفقیر نشود، دوئم آنکہ عذاب گور نباشد، سوئم آنکہ در بھشت رود۔ ،

[۳] ھزم بمعنی شکست ۔ احزاب جمع حزب بمعنی جماعت۔

والثناء الحسن لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو کره الکافرون ، لا اله الا الله صاحب الواحدانیة الفردانیة القدیمیة الازلیة لیس له ضدٌ ولا شبهٌ ولا شریکٌ ولا نظیر ولا وزیر و محمد رسول الله بامره ووحیه ۳ بار بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان رب السموات السبع ورب العرش العظیم۔

ے الذی وعد الرسول وهو النصر واظهار دین الاسلام وغلبته علی الادیان کلها۔

الاعزاز عزیز وقوی کردن۔ اَلْجُنْدُ العسکر واصله الاعدان والانصار وهم اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم فانهم جند لانهم جاهدوا۔

ے قید الثناء بالحسن لان الثناء قد یستعمل فی الشر وهو قبیح کقولهم اثنی علیه کثیراً۔

ے لفظ فرد اینست در شرح اوراد و در بعض اوراد نیست۔

اَزَلِیَّةٌ همیشگی ضِدٌّ مخالف ، شِبْهٌ مانند ، مثل۔

ے عن عبد الله بن عباس رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وسلم انه کان یدعو عند الکرب۔ لا اله الا الله الکریم الی آخره۔

یکبار بگوید والحمد لله رب العالمین لا آله الا الله جلّ جلاله لا آله الآ اللهُ جَلّ ثناءهٗ لا آله الآ الله لَقَدَّسَت اسماءہ لا آله الآ الله کبریاءہ لا آله الآ الله ایماناً بالله لا آله الآ الله اماناً من الله لا آله الا الله امانةٌ عند الله لا آله الا الله محمد رسول الله ، اَللّٰهُمَّ بك اَصْبَحْنَا وبك امسينا وبك نحي وبك نموت واليك النشور ، اصبحنا واصبح الملك لله وَالْعَظَمَةُ والكبرياء لله والجبروت والسلطان لله والليل والنهار وما سكن فيهما كله لله الواحد القهار ، اصبحنا على فطرة الاسلام وكلمة الاخلاص ودين نبيّنا محمد عليه السلام وملة ابينا ابراهيم حنيفا مسلما وما كان من المشركين - على هذه الشهادة نحي وعليها نموت وعليها نبعث ان شاء الله تعالى -

---

له بزرگ شدن - الجلال - بزگواری

له بلند شدن - الکبریاء - بزگواری

له التقدیس پاک شدن

له اے من عذاب الله تعالیٰ - نصبٌ على المصدر ويجوز ان يقع غير المصدر موقع المصدر كما فى قوله تعالىٰ ترابًا وجداراً -

له اے باسمك اصبحنا وباسمك امسينا وباسمك نحي وباسمك نموت -

النشور زنده کردن

الاصباح بامداد شدن و بامداد کردن -

سہ بار بگوید۔ سبحان ربی العلی الاعلیٰ الوھاب

نود و نہ نام باری تعالیٰ

بخواند ھو اللہ الذی لا الہ الا ھو الرحمٰن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المھیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور الغفار القھار الوھاب الرزاق الفتاح العلیم القابض الباسط الخافض الرافع

المعز المذل السمیع البصیر الحکم العدل اللطیف الخبیر الحلیم العظیم الغفور الشکور العلی الکبیر الحفیظ المقیت الحسیب الجلیل الکریم الرقیب المجیب الواسع الحکیم الودود المجید الباعث الشھید الحق الوکیل القوی المتین الولی الحمید المحصی المبدئ

عن ابی ھریرۃ رضی اللہ تعالیٰ عنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم "ان للہ تسعۃ و تسعین اسمًا من احصاھا دخل الجنۃ" یعنی کسیکہ احصا کند آں اسماء اورا آید در بہشت" با مقربان و سابقان و مراد با حصا حفظ است، وبعضی گفتہ اند کہ علم بمعانی آں وایمان بداں و تعظیم مسلمالی آں، وبعضی گفتہ اند کہ عمل بہ مقتضائی ہر اسمی بر حسب طاقت کہ معنی تعلق و تخلق است"

المعید المحی الممیت الحی القیوم الواجد الماجد الواحد الاحد
الصمد القادر المقتدر المقدم المؤخر الاوّل
الآخر الظاهر الباطن الوالی المتعالی البر التواب
المنعم المنتقم العفو الرؤف مالک الملک ذوالجلال
والاکرام المقسط الجامع الغنی المغنی المانع الضار النافع
النور الهادی البدیع الباقی الوارث الرشید الصبور
الذی لیس کمثله شیٔ وهو السمیع البصیر غفرانک ربنا
والیک المصیر نعم المولیٰ ونعم النصیر۔

این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ انا نسألک بحق هذه الاسماء کلها
وبحق شرفها وکرامتها وحقایقها وتفسیرها وتعظیمها
ان تعطی لنا خیر الدنیا وخیر الآخرة وان تصرف عنا
شرّ الدنیا وشرّ الآخرة وأن لا تسلط علینا فی الدنیا
والآخرة احد من خلقک یا ارحم الراحمین، اَللّٰهُمَّ انی
اسألک ان لا تدع لنا ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته
ولا دینا الا قضیته ولا فاسدا الا اصلحته ولا شرا الا
اصرفته ولا غما الا کشفته ولا قبیحا الا سترته ولا سقما
الا شفیته ولا فضلا الا سبغته ولا فقرا الا اغنیته ولا
عسرا الا یسرته ولا نذرا الا وفیته ولا خطیعۃ الا
کفرتها ولا سیّعۃ الا محوتها ولا حسنة الا اصطفیتها ولا
فطرة الا سددتها۔

لہ اے مناقشة الحساب والعذاب

ولا کربہ الا کشفتھا ولا نعمۃ الا اتممتھا ولا دعوۃ الا استجبتھا ولا قحطا الا دفعتہ ولا بلاءً الا رفعتہ برحمتك یا ارحم الراحمین دہ بار بخواند فان تولوا فقل حسبی اللہ لا الٰہ الّا ھو علیہ توکلت وھو رب العرش العظیم دہ بار بگوید اَللّٰھُمَّ اجرنا من النار یا مجیر سہ بار بگوید بسم اللہ خیر الاسماء بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیٌٔ فی الارض ولا فی السماء وھو السمیع العلیم

اَللّٰھُمَّ ۔ اندوہ۔

القضیۃ والقضا ۔ تمام بگزاردن حاجت۔

الاشفاء ۔ آسانی دادن وتن درستی دادن۔

الاسباغ ۔ تمام دادن عطا۔

النذر ۔ چیزے برخویش واجب کردن

الاصطفاء ۔ برگزیدن۔

ل فی الحدیث من قال حین اصبح عشر مرات حسبی اللہ لا الٰہ الا ھو الی آخرۃ نادی منادی من السماء یا عبد اللہ عصمك اللہ ، نصرك اللہ ، عفراللہ وکفاك اللہ امر دنیاك صادقًا کنت او کاذبًا۔

من قال عشر مرات بعد صلوٰۃ اَللّٰھُمَّ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیْرُ قبل التکلم ان مات ذلك الیوم کان مامونا من النار۔

فان تولوا الی رب العرش العظیم الآیۃ

سه بار بگوید سبحان الله بحمده سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سه بار بگوید اللّٰهم اهدنا من عندك وافض علینا وفضلك وانشر علینا من رحمتك وانزل علینا من برکاتك و ده بار بخواند الله لا اله الا الله والله اکبر و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولاحول ولا قوة الا بالله واستغفر الله الاول والآخر والظاهر والباطن له الملك وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شئی قدیر سه بار بگوید

اَللّٰهُمَّ انت خلقتنی وانت هدیتنی وانت تطعمنی وانت تسقینی وانت تمیتنی وانت تحیینی انت ربی لارب لی سواك ولا اله الا انت وحدك لاشریك لك یک بار بگوید اَللّٰهُمَّ انتَ ربی لا اٰله الا انت خلقتنی وانا عبدك وانا علی عهدك ووعدك ما استطعت اعوذ بك من شر ما صنعت ابوء لك بنعمتك علی وابوء لك بذنبی فاغفر لی ذنوبی فانه لایغفر الذنوب الا انت ، اَللّٰهُمَّ انی ضعیف فَقَوِّنِي

الهدایة ۔ راه راست نمودن ۔

وافض ۔ بفتح الالف وکسر الفاء وسکون الضاد من الافاضة ۔

فضلك ۔ الفضل ۔ زیارت وافزودن ۔

وانشر

وانزل ۔ الانزال ۔ فرود فرستادن ۔

یعنی "سبحان الله" نیز ده بار بخواند بعد از آن ۔

لا اله الا الله ۔ اے لا معبود

الحق الا الله ولا مستحق الالوهیة الا الله ۔

لاحول ولا قوة ۔ الی لاحرکة ولا استطاعة الا بمشیة الله وقیل لاحیلة فی دفع الشر ولا

فی رضاک ضعفی واجعل الاسلام منتہیٰ رغبتی وبلغنی برحمتک
التی اجور من رحمتک وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل لی وداً فی
صدور الذین آمنوا وعہدا عندک یاارحم الراحمین

اَللّٰھُمَّ جنبنا منکرات الاعمال والاخلاق والاھوآ والادواء
اَللّٰھُمَّ انی اعوذبک من اشرک بک شیئًا وانا اعلم واستغفرک
لما لا اعلم سہ بار رب رب اعوذبک السمیع العلیم من
الشیطان الرجیم سہ بار رب اعوذبک من ھمزات الشیطان
واعوذبک رب ان یحضرون دہ بار سورہ اخلاص باتسمیہ بخواند۔

قوۃ فی درک الخیر الا باللہ۔
الاستغفار ۔ آمرزش خواستن۔

لہ مسئل شداد بن اوس فی الاستغفار ان یقول للعبد اَللّٰھم انت ربی الی قولہ لا الٰہ الا انت
من قالھا فی النہار موقنا بھا فمات من یومہ قبل ان یمشی فھو من اھل الجنۃ ومن قالھا
من اللیل وھو مومن بھا فمات قبل یصبح فھو من اھل الجنۃ۔
اِلاُطعَامُ ۔ طعام دادن۔
لاسقاء ۔ سیراب کردن۔
الاحیاء ۔ زندہ کردن۔
کہ ای لا الٰہ واجب العبودیتہ
تہ اما العہد فیوم المیثاق وھو ان اللہ تعالیٰ اخذ ذریتہ آدم من ظھرہ علی صورۃ
فخلق فیھم الحیوٰۃ والعقل والتمیز والسمع والبصر والنطق فاوحی اللہ تعالیٰ الیھم است بربکم
قالوا بلیٰ۔
الصنع نیکوئی کردن والصنع نکو۔

سی وسہ بار سبحان اللہ سی وسہ بار والحمد للہ سی وسہ بار
واللہ اکبر ویکبار لا الہ الا اللہ وحدہ لاشریک لہ لہ الملک ولہ الحمد
یحی ویموت وھوحیٌّ لایموت ذوالجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو
علیٰ کل شیٔ قدیر۔

بفتح الالف وضم الباء و سکون الواو وضم الھمزۃ من البوء وھوالاقرار
التقویۃ ۔
رضا ۔ خوشنودی ۔
ضعفی ۔ بفتح الضاد ورفعھا ۔
الاخلاق جمع الخلق بمعنی عادت ، خو۔
الاھواء ۔ الھویٰ ۔ میلان النفس الی ماتبتلذہ من غیر داعیۃ الشرع والاھواء جمعہٗ !
العوذ والعیاذ ۔ پناہ جستن وپاداش خواستن ۔
الاستغفار ۔ طلب المغفرۃ ۔ واناتز
الھمزۃ آں کہ اوراطعن کند من ہمزات الشیطان اے من واسواسہ ۔
الحضور ۔ حاضرآمدن ۔ ای یقربون فی الصلوٰۃ ویشھدون تلاوۃ القرآن وقیل عند الموت ۔
روی عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم ۔ من قرأ قل ھواللہ احد" خمسین مرۃ غفر اللہ لہ ذنوب خمسین سنۃ
فی" المصابیح" عن ابی ھریرۃ رضی اللہ تعالیٰ عنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من سبح اللہ وبرکل
صلوٰۃ ثلاثا وثلثین وحمد اللہ ثلاثا وثلثین وکبر اللہ ثلاثا وثلثین تلک تسعۃ وتسعین وقال تمام المایۃ لا الہ الا
اللہ وحدہ لاشریک لہ لہ الملک ولہ الحمد یحی ویمیت وھو علی کل شیٔ قدیر۔ غفر اللہ
ذنوبہ ان کان مثل زبد البحر۔

مسبعات عشر

قبل طلوع الشمس وقبل غروبہا بخواند ومواظبت نماید بریں ترتیب ہفت بار باتسمیہ بخواند بغیر آیۃ الکرسی، فاتحہ، والناس، والفلق، والاخلاص، والکافرون وآیۃ الکرسی ہر یکے بار ہفت بار سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الا اللہ واللہ اکبر ولاحول ولاقوۃ الا باللہ العلی العظیم یک بار عدد ماعلم اللہ وزنۃ ماعلم اللہ ومدا، علم اللہ۔

ہفت بار اَللّٰھُمَّ صل علی محمد عبدك ونبیك ورسولك النبی الامّی و علی آلہ وبارك وسلم ہفت بار اَللّٰھُمَّ اغفرلی ولوالدی ولمن توالدا وارحمھما کما ربیانی صغیرا واغفر اَللّٰھُمَّ لجمیع المؤمنین والمومنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منھم والاموات برحمتك یا ارحم الراحمین

له "فی" الزاهدی" ومنهم امیّون لایعلمون الکتاب وهی الفاتحة وقیل لانه من

ٹه آغاز سورۂ بنی اسرائیل "رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً" اے رب رحمت کن وبخشای برمادر وپدر من چنانکہ من عاجز وضعیف بودم برمن رحم کردند ومرا پروردند امروز عاجز گشتہ اند وتنگم زمین گرفتار شدہ تو برایشاں رحمت کن۔

ہفت بار اَللّٰھُمَّ یا رب افعل بی و بھم عاجلاً و آجلاً فی الدین والدنیا والآخرۃ ما انت لہ اھلٌ ولا تفعل بنا یا مولانا ما نحن لہ اھل انک غفور حلیم جواد کریم برٌّ رؤف رحیم یک بار سبحان اللہ العلیّ الدیان سبحان اللہ الحنان والمنان سبحان اللہ الشدید الارکان سبحان اللہ فی کل مکان سبحان من لا یشغلہ شأنٌ عن شانٍ سبحان من یذھب باللیل و یأتی بالنھار۔

یک بار سبحان اللہ وبحمدک و علیٰ حلمک بعد علمک سبحان اللہ وبحمدک علیٰ عفوک بعد قدرتک سبحان من لہ لُطفٌ خفیٌ فسبحان اللہ حین تمسون وحین تصبحون ولہ الحمد فی السمٰوات والارض عشیًّا وحین تظھرون، یخرج الحی من المیّت ویخرج المیّت من الحی ویحیی الارض بعد موتھا وکذلک تخرجون

ل العاجل والعاجلۃ ایں جہاں، الآجل والآجلۃ آں جہاں

ع جواد ۔ بخشندہ بے غرض

ع العلی ۔ برتر و بلند پایہ

ع المنان ۔ منت نہندہ و نعمت دہندہ۔

ل من اللہ جل شانہٗ التوفیق والعصمۃ والرأفۃ والرفق

ع قال ابن عباس رضی اللہ عنہ المراد بہ الصلوٰۃ ای نماز کنید خدائی را آں گاہ کہ در شبانگاہ شوید و نماز را تسبیح گویند لان فی الصلوٰۃ تسبیحًا و مراد از نماز شبانگاہ نماز شام است وحین تصبحون وچوں بامداد برخیز و یعنی نماز بامداد وعشیًّا وحین تظھرون و نماز دیگر و نماز شام رانگاہ داری و آنگاہ کہ در نیم روز آں شوید۔

سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین فللّٰہ الحمد رب السمٰوات ورب الارض رب العالمین وله الکبریاءُ فی السمٰوات والارض وهو العزیز الحکیم والحمد لله نحمدهٗ ونستعین ونؤمن به ونتوکل علیه ونشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریك له ونشهد انّ محمداً عبده ورسولهٗ المجتبیٰ ارسلهٗ بالهدیٰ ودین الحق لیظهره علی الدّین کله ولو کره المشرکون، من یهدی الله فلا مضل لهٗ ومن یضلل فلا هادی له نعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سیّاٰت اعمالنا

بعد ازاں دستہا برآرد و ایں دعا بخواند:- اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِیِّكَ وَرَسُوْلِكَ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی آلِهٖ صَلٰوۃً تکون لك رضا ولحقه

فسبحان الله حین تمسون الآیۃ

ـه دلیل دیگر وحدانیت آنست کہ خدائے عزوجل بروں آرد زندہ را از مردہ، چوں چوزہ را از بیضہ ومردہ از مرغ زندہ، وکذالک یخرج الولد الحی من المیت والولد المیت من الحی ویخرج المسلم من الکافر والکافر من المسلم۔ (زاهدی)

ـه اے وسلام برہمہ رسولاں، ورسولان من بعضی رسولاں بذکر خاص کرد

ـه التصلیة درود دادن والصلوٰۃ من الله تعالیٰ علی الرسول علیه السلام ثنائهٗ عند الملائکة وقیل هی المغفرۃ لهٗ وقیل هی الرحمة علیه وصلوٰته واجبة علینا فی العمر مرۃً وقیل یجب کلما ذکر وهذا ادنیٰ۔

ـه آلا آل اصله الاهل فابدلت الهاء همزۃ الفا ویدل علیه تصغیرهٗ اُهَیْلٌ۔

ـه وهو قوله تعالیٰ "ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما۔

ـه فی الارواح الی مع الارواح، الروح جان۔

ادا و واعط محمدا من لم يصل عليه وصل على محمد كما ينبغى الصلوٰة عليه وصل على محمد كما تحب وترضى ان يصلى عليه اَللّٰهُمَّ صلِّ على جسد محمد فى الاجساد وصلِّ على قبر محمدٍ فى القبور وصل على روح محمدٍ فى الارواح اَللّٰهُمَّ اجعل شرائق صلوٰتك

وزاكى تحيّاتك ونوامى بركاتك ورأفتك ورحمتك وتحنتك وتحنتك ورضوانك على محمد عبدك ونبيك ورسولك سيد المرسلين وامام المتقّين[1] وخاتم النبين ورسول رب العالمين وعلى آله واصحابه وازواجه[2] وذرياته اولاده[3] اجمعين۔

---

[1] قال ابن عباس رضى الله عنه " المتقى من يتقى الشرک والفواحش ، وقال الحسن البصرى رحمه الله المتقى الذى يتقى ما حرم الله عليه وتودى ما افترض الله عليه وقال ابن عمر رضى الله عنه لا يرى نفسه خيرا من احد وقال ابو يزيد المتقى اذا قال قال الله واذا سكت وسكت واذا ذكر الله وقال الشدى الذى يحب للناس ما يحب لنفسه وقال هم الذين وصفهم الله تعالىٰ بقوله " الذين يومنون بالغيب

[2] وهى اربعة عشر نسوة . خديجة بنت خويلد وهى سيد النساء واسبق النساء اسلامًا ثم سورة بنت زمعة ثم عائشة بنت ابى بكر الصديق رض هؤلاء الثلثة بمكة وتزوج بمدينة حفصة بنت عمر رض وام سلمة بنت ابى امية وام حبيبة ابنت ابى سفيان هؤلاء الستة من قريش وجويرية من بنى مصطلق وصفية بنت حيى وزينب بنت حجش امرأة زيد وميمونة بنت الحارث وهى خالة ابن عباس رض زينب بنت حزيمة وامرأة بن بنى كندة التى استعاذت منه فطلقها وامرأة من بنى كلب وكانت نسائه كلهن ثيبٌ الا عائشة رضى الله عنها.

[3] واولاده ثلثة بنين القاسم ثم الطاهر ثم ابراهيم وبناته زينب وام كلثوم وفاطمة ورقية رض وماتت اولاده كلهم فى حياته صلى الله عليه وسلم الا فاطمة رض . .

اَللّٰهُمَّ اَنتَ السَّلام[1] ومنك السلام واليك يعود السلام فحينا ربنا بالسلام وادخلنا دار السّلام[2] تبارکت ربنا یا ذوالجلال والاکرام ، اَللّٰهُمَّ اجعل اول یومنا هذا صلاحًا واوسطهٗ فلاحًا وآخرهٗ نجاحًا اَللّٰهُمَّ اجعل[3] اولهٗ رحمة واوسطهٗ مغفرة وآخرهٗ نجاة من النار اَللّٰهُمَّ اجعل یومنا یوم التوبة واجعل یومنا یوم الرحمة واجعل یومنا یوم المغفرة واجعل یومنا یوم العتق من النار یارب یارب یارب اجعل جلوسنا لك خالصًا واجعل قیامنا لك خالصًا واجعل سکوتنا لك خالصًا واجعل کلامنا لك خالصا واخرج الریاء والشك من دیننا یا رب یارب یارب اَللّٰهُمَّ طهر قلوبنا من النفاق وأعمالنا من الریاء والسنتنا من الکذب والغیبة وبطوننا من الحرام وفروجنا من الزنی وعیوننا من الخیانة فانك تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور

---

[1] الی سلامتنا عن آفات الدنیا والآخرة صادرة عنك بفضلك

[2] دار السلام الی الجنة - تبارکت الی تعظمت - الجعل - گردانیدن

الصلاح نقیض الفساد - فلاحًا - الفلاح رستگاری

[3] این دعاء نیز در خانقاه شیخ می خوانند امادر صحیحین است روز جمعه خوانند نیز آمده است روز جمعه خوانند تا قوله انت رب الرحیم - ! الرحمة - الرحمة والرحمة بخشودن

المغفرة - آمرزش العتق - آزادی - الجلوس والمجلس - نشستن

المراء والریاء - کاری کردن برائے نمودن کسے التطهیر - پاک کردن

القلب - دل وسمی القلب قلبًا لتقلبه

اَللّٰھُمَّ انی اعوذ بک من جہد البلاء ومن درک الشفاء ومن
شماتۃ الاعداءِ ومن سوء القضاءِ انک سمیع الدعاء
اَللّٰھُمَّ انی اسالک بجلالک وعظمتک ونورک الذی لا یطفی
وبعذتک التی لاترام وبما اردت ان یکون فکان وبما
امسکت بہ السمٰوات والارض ان تزولا وبما لا یعلمہ
منک الا انت ان ترحمنہ وتتوب علی انک انت التواب الرحیم
اَللّٰھُمَّ انا نسئلک خیر الصباح وخیر المساء وخیر القضاءِ
وخیر القدر وخیر ماجریٰ بہ القلم ونعوذ بک من شر الصباح
وشر المساء وشر القضاء وشر القدر وشر ماجریٰ
بہ القلم۔

کہ روی عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم لیس فی الکذب صغیرۃ وان صغار الکذب کبار و
عنہ علیہ السلام لاصغیرۃ مع الاصرار ولا کبیرۃ مع الاستغفار۔
جمع الفرج ۔ شرمگاہ زن ومرد
الخزن والخیانتہ ۔ خیانت کردن
اعیّن ، عیون ، اعیان ۔ جمع العین

ہ الجَہد ۔ المشقتہ ۔ والتعب بفتح الجیم وسکون الہاء
ہ الاجل ۔ بزرگ ترچیزے والجلال
لہ القضاء فی اللغتہ عبارۃ عن الفعل مع زیادۃ احکام القدر
یوجل من خیر وشر وقبیح ونفع وضرر . . . . من ظروف امکان والزمان ومایلزم ثواب
اوعقاب کما قال اللہ تعالیٰ "انا کل شئی خلقناہ بقدر" وقال علیہ السلام "بقدر خیرہ وشرہ
من اللہ تعالیٰ"
ٹہ اَلجَریٰ رفتن والقلم لولاک کتب بہ لوح المحفوظ . . . . نورطولہ مابین السماء والارض کما
خلق اللہ تعالیٰ القلم ۔!

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ بارك امة محمد اَللّٰهُمَّ ارحم امة محمد اَللّٰهُمَّ اغث امة محمد اَللّٰهُمَّ تجاوز عن امة محمد اَللّٰهُمَّ تدارك امة محمد انصر من نصر دين محمد اَللّٰهُمَّ اخذل دين محمد اَللّٰهُمَّ سكّن الفتن الواقعة بين امة محمد اَللّٰهُمَّ فرج عن امة محمدٍ فرجاً عاجلاً ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل فى قلوبنا غلا للذين آمنو واغفر لنا ربنا انك رؤف الرحيم

ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة وهيّ لنا من امرنا رشدا، ربنا آتنا فى الدنيا حسنةً وفى الآخرة حسنة وقنا عذاب النار، اَللّٰهُمَّ صَلِّ على محمد وعلى آل محمدٍ وبارك وسلم - اَللّٰهُمَّ ربنا لا تجعلنا فتنةً للقوم الظالمين

ہ المبارکۃ - برکت دادن

لہ فی کتاب ادب البیہقی قال علیہ السلام «ان امتی مرحومۃ لیس لہا فی الآخرۃ عذاب انما عذابہا فی الدنیا۔

ہ التجاوز - درگزشتن ازگناہ۔

ہ الاغاثۃ - وسیلہ خواستن۔

ہ النصرۃ - یاری کردن۔

ہ الخذل - رسوا کردن۔

ہ الواقعۃ - حادثہ عظیمہ - فی التنزیل العزیز اذا وقعت الواقعۃ

لہ در سورۂ آل عمران در سیپارہ سوئم - خداوندا ما مگردان دلہاء مارا از ایمان از پس آنکہ ہدی دادی مارا وبجش مارا از نزدیک خود رحمتے کہ توی بسیار بخشندہ وعطا دہندہ۔

لہ بدہ مارا از نزدیک خود رحمتے یعنی بر ما رحمت کن وکار ما را تو بسازہ

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين ، اَللّٰهُمَّ انا عبادك وهم عبادك ونواصينا و نواصيهم بيدك اَللّٰهُمَّ اهزمهم وانصرنا عليهم اَللّٰهُمَّ شتت شملهم وفرق جمعهم وقلب تدبيرهم وبدل اهوالهم وقرب آجالهم وخيّب امانهم وشغلهم بابدانهم وخذهم اخذ عزيز مقتدر

اَللّٰهُمَّ انصر جليوش[۱] المسلمين و سرايا[۲] هم مرابطين حيث كانوا[۳] واين كانوا فى مشارق[۴] الارض ومغاربها انصرهم نصرا عزيزا وافتح لهم فتحا يسيرا واجعل لنا ولهم من لدنك سلطانا نصيراً ، اَللّٰهُمَّ اقل عثراتنا وآمن روعاتنا واستر عوراتنا واستجب دعواتنا ، اَللّٰهُمَّ

---

[۳] قيل "حسنة الدنيا" المرأة الصالحة "وحسنة الآخرة" الحور العين ، وقنا عذاب النار المرأة السوء ، وقيل "حسنة الدنيا" العلم والطاعة والرزق الطيب من الذنوب وحسنة الفوز والنجاة

[۴] اے بار خداوند مارا فتنه كافران مگردان يعنى مارا بدستِ ايشان عذاب مكن

٥ ونجنا ـ التنجية رہانيدن

---

[۱] جليوش ـ جمع جليس بمعنى لشكر ـ

[۲] السرايا مقدار ـ چہار صد سوار ـ

السرايا جماعة مرابطين ، المرابط ان يربط هؤلاء خيولهم ـ

[۳] الى حيث يكونون واين يكونون كلمة كان قد يجئ للماضى كما فى قوله تعالى "كان يوما على الكافرين عسيراً"

[۴] مشارق الارض ومغاربها ـ اراد بها كل الدنيا

٥ العزيز ـ غلبه كننده ، غالب

٥ من الاقالة والاقالة زلت عفو كردن وبيع برانگندن ـ

لاتقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك ولا تطردنا من بابك ولا تو یسنا من رومك ولا تقنطنا من رحمتك وکن لنا انیسًا فی کل وحشة وجلیسًا فی کل وحدة۔ اَللّٰھُمَّ ارحمنا ولا تعذبنا اَللّٰھُمَّ قربنا ولا تباعدنا اَللّٰھُمَّ اثرنا ولاتوثر علینا اللّٰھم ارضنا وارض عنا اَللّٰھُمَّ اعنا ولا تعن علینا اَللّٰھُمَّ کن لنا ولاتکن علینا اَللّٰھُمَّ احفظنا ولاتفضحنا اَللّٰھُمَّ اھدنا ولاتضلنا

اَللّٰھُمَّ انصرنا ولا تخذلنا اَللّٰھُمَّ زدنا ولا تنقصنا اَللّٰھُمَّ اعزنا ولا تذلنا اَللّٰھُمَّ ارفعنا ولاتضعنا اَللّٰھُمَّ اعطنا ولاتحرمنا اَللّٰھُمَّ لاتسلّط علینا من لا یرحمنا فی الدنیا والآخرة برحمتك یا ارحم الراحمین بعد ازاں دعاء مشائخ گوید اَللّٰھُمَّ صل علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ اَللّٰھُمَّ بارك وسلم اَللّٰھُمَّ نوّر وجوہ مشائخنا وساداتنا بنور وجھك الکریم اَللّٰھُمَّ ادم قرة اعینھم بجمال ذاتك الکریم اَللّٰھُمَّ اعل درجاتھم فی اعلیٰ علیین اَللّٰھُمَّ اوجدھم حقیقة حق الیقین اَللّٰھُمَّ اجعلھم فی نظم النبیین اَللّٰھُمَّ لقھم رضوانك الاکبر فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر۔

ہ الخذل ۔ رسوا کردن ۔

ہ الاعزاز ۔ عزیز کردن

ہ الاذلال ۔ خوار کردن

ہ الرفع ۔ برداشتن

لہ الوضع بنہادن ووضع منہ فلان الی حطہ من درجة والحط از بالا فرود آوردن وکم کردن

عن ابی ھریرة رضی اللہ عنہ قال النبی صلی اللہ علیہ وسلم من صلی علیّ واحدة صلی اللہ علیہ

اَللّٰھُمَّ اخلفھم فی ذریتھم الظاھرین خیر ما خلقت احداً من عبادك الصالحین اَللّٰھُمَّ عرّفھم فی مجیھم الغابرین اجمل ما عرّفت احدا من احبائك الصادقین اَللّٰھُمَّ ارض ارواحھم العزیزۃ عنا اَللّٰھُمَّ بلغھم تحیۃً وسلاماً منا اَللّٰھُمَّ اوصل برکاتھم الینا اَللّٰھُمَّ ادم فتوحاتھم علینا اَللّٰھُمَّ یسّر متابعتھم علینا، اَللّٰھُمَّ اعط اولادھم واخوانھم واصحابھم خیر الدنیا والآخرۃ اَللّٰھُمَّ اعصمھم من شر الدنیا والآخرۃ۔ اَللّٰھُمَّ زدھم شرفاً وفضلاً وکرماً واکراماً حتی تبلغھم اعلیٰ درجات الصدّیقین

○ عزوجل عشر مرات ۔!

○ التنویر ۔ روشن کردن ۔

○ الشیخ ۔ پیر و استاد ۔

○ ساداتنا ۔ السادۃ مفرد والیستادہ ۔

○ جماعۃ السادات جمع الجمع

○ الادامۃ ۔ دائم داشتن ۔

○ قُوہ ۔ روشن شدن

○ ذات هستیٔ چیزے

○ الدرجۃ والدرج ۔ واحد دالجمع درجات وھی من طبقات المراتب

○ التلقیۃ ۔ چیز پیش کسی باز آوردن و نمودار کردن ۔

○ مقعد صدق ۔ نشستن جائی راستی وھی الجنۃ عند ملیكٍ اے مالك مقتدائی ۔

لہ فی الصحاح یقال خلف فلان فلاناً اذا کان خلیفۃ و یقال خلیفۃ فی قومہ

○ الغابر باقی ماندہ اجمل نیکوتر و خوب تر

د جمع الصادق ۔ ۔ راست گو

والافاضل المقربین آں گاہ ایں دعا مسلمانان بخوانند اَللّٰھُمَّ اصرف عنا وعن جمیع المسلمین بوائق الزمان وطوارق الحدثان وحیف الولاۃ وسیف العلاۃ والعیون الحاسدۃ والظنون الفاسدۃ

اَللّٰھُمَّ سلم حجاج بیتک الحرام وزوار قبر نبیک محمدٍ علیہ السلام واجعل حجھم مبرورًا وسعیھم مشکورا وردھم الیٰ اوطانھم سالمین غانمین مسرورین غیر مخزونین برحمتک یا ارحم الراحمین اَللّٰھُمَّ یسّر علینا وعلیھم کل عسیر فان تیسر العسیر علیک یسیر وانت علیٰ کل شیٔ قدیر، اَللّٰھُمَّ اصلح الدعاۃ والرعیۃ والعامۃ والنصیۃ صلاحًا یقدرھم الیٰ مغفرتک ورضوانک ویعصمھم من معصیتک

○ الاقرار ۔ دائم داشتن
○ العصمۃ ۔ نگاہ داشتن
○ الصرف ۔ باز گردانیدن
○ الحیف ۔ بے دار کردن
○ الولاۃ ۔ جمع الوالی ۔ میر ولایت
○ الظنون ۔ جمع الظن ۔ گمان

؎ المبرور ۔ الذی لا یخالطہ شئی من الماثم والبیع والمبرور الذی . . . . . . قید ولا خیانۃ
○ مشکورًا ۔ اے مقبولا ۔
○ الرعیۃ ۔ زبردست ۔ العامۃ ۔ عامۂ مردماں ۔
○ العسیر ۔ دشوار ۔

وكفرانك واعمم بذاك جمهور عبادك فی جميع بلادك انك جواد كريم ، اَللّٰهُمَّ اكفنا شر الكفرة وكيد الظلمة و مكر الفسقة بحولك وقوتك وعزتك

اَللّٰهُمَّ كد لنا ولا تكد علينا اَللّٰهُمَّ امكر لنا ولا تمكر بينا اَللّٰهُمَّ ادللنا ولا تدل منا ، اَللّٰهُمَّ ربنا توفنا مسلمين والحقنا بالصالحين ، اَللّٰهُمَّ اشف مرضانا ومرضى المسلمين وارحم موتانا وموتى المسلمين واقض حوائجنا وحوائج المسلمين اَللّٰهُمَّ هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعليك التكلان واجعل ولا حول ولا قوة الا بك ، اَللّٰهُمَّ صلّ علیٰ محمدٍ وعلیٰ آل محمد وعلیٰ جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين صلوٰة دائمة نامية لا انقطاع لمددها ولا منتهیٰ لامدها واجعل ذلك عونا لنا وسببا لنجاح طلبتنا انك واسع كريم بر رؤف الرحيم۔

ہ التقریب ۔ نزدیک گردانیدن ۔

ہ الکفر والکفران ۔ ناسپاسی کردن ۔

ہ جواد ۔ بخشندہ بے غرض و بے عوض ۔

ہ کید ۔ مکر ۔

۵ جمع الظالم والفسقة ۔ جمع الفاسق

آمکر ۔ المکر من الناس یوقع بھا . . . . . . ، ومن الله تعالیٰ تدبیر خفی واستدراجہ بطول الصحة وبظاهر النعمة وقیل المکر من الله تعالیٰ الاخذ بغتة

ہ الادالة ۔ دولت دادن وغلبہ کردن معناہ دولت دہ مارا و دولت

ہ توفنا ۔ توفاہ الله جان ببرد خدائی ازوی توفی الرجل زیان یافت مرد ۔

ورد بدرقۂ ایمان

بعد از ہر پنج نماز بخواند ۔ لبیّك اللّٰھم لبیّك لاشریك لك
لبیّك انّ الحمد والنعمة لك والملك لاشریك لك آمنت
باللّٰہ وکفرت بالجبت والطاغوت واستمسکت بالعروة
الوثقیٰ اشھد انّ وعدك حق ولقائك حق واشھد انّ الجنة حق
والنار حق واشھد انك احد صمد فرد لم یلد ولم یولد ولم
یکن لہٗ کفواً احدا واشھد انّ الساعة آیتة لاریب فیھا
وانك باعث من فی القبور

○ توفنا ۔ توفاہ اللہ جان ببرد خدائے از وی توفی الرجل زیاں یافت مرد ۔
○ مرضانا ۔ جمع المرضا ۔
○ القضاء ۔ تمام کردن ۔ حوائجنا ۔ الحاجة ۔ ضرورت ۔ والجمع الحاجات والحوائج جمع الجمع ۔
○ الاجابتہ ۔ قبول کردن ۔
○ الجھد ۔ جابضم الجیم الوسع والطاقة وبالفتح المشقة والمبالغة
○ التوکل ۔ اظہار العجز وھو اعتماد علی اللہ تعالیٰ
○ الملائکة ۔ یعنی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل علیہ السلام ۔
○ الانتہاء ۔ نہایت رسیدن ۔
○ الطلبة بکسر اللام الحاجة

[1] لبیك مشتق من قول القائل لب الرجل اذا قام فی مکان فمعنی قول القائل لبیك ای انا مقیم علی طاعتك اقامة بعد اقامت لان التشبیہ للتکریر والتکثیر ۔

واشهد ان کل معبود من دون عرشك الی قرار الارضین باطل
غیر وجهك الكريم ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول
فاكتبنا مع الشاهدين، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم،
بسم الله الرحمٰن الرحيم سه بار بگوید و فاتحه بخواند و این دعا بخواند
اللّٰهم انی اقدم اليك بين يدی كل نفس و لمحه و لحظة و طرفة
يطرف بها اهل السموات و اهل الارض و كل شئ هو فی علمك
كائن او قد كان فانی اقدم اليك بين يدی ذلك كله

قال الله تعالیٰ "يوم القيامة يكفر بعضهم بعضا" الی يكذب بعضهم بعضًا۔

○ الجبت جادو ويقال كل ما يعبد من دون الله تعالیٰ فهی جبت

○ العروة بضم العين الوثيقة الحكمة يعنی الاسلام

○ الوعد فقوله تعالی "الذين احسنوا الحسنیٰ وزيادة" الحسنیٰ اسم الجنة والزيادة الرؤية

○ معناه كس از تو نزار وهذا فی الرؤة ، ولم تلا معناه از کس نزاری وهذا فی الابنية

○ الساعة القيامة

○ باعث برانگیختن

اے بالكتب قال ابوذر رضی الله عنه سألت النبی صلی الله عليه وسلم كم كتاب انزل الله
تعالیٰ؟ فقال مائة صحيفة واربعة كتاب انزل الله تعالیٰ علی شيث خمسين صحيفة وعلی

التقديم والتقدم در پيش شدن ومنه "لا تقدموا بين يدی الله ورسوله" (الآية)

○ نفس بالتحريك واحد

○ اللحظة ربنالہ چشم نگریستن

يعنی "لا اله الا هو الحی القيوم" متصل گوید لانها من صفات الايجاب فلذا يتصل ولا تأخذه
سنة ولا نوم" لم صفت الايجاب الصلب فلذا ينفصل . . .

اللّٰہ لا آلہ الا ھو الحی القیوم لا تأخذہٗ سنۃ ولا نوم لہ ما فی السمٰوات وما فی الارض من ذی الذی یشفع عندہ الا باذنہ یعلم ما بین ایدیھم وما خلفھم ولا یحیطون بشیٍٔ من علمہٖ الا بما شاء وسع کرسیہ السمٰوات والارض ولا یؤدہٗ حفظھما وھو العلیّ العظیم

وبخواند آمنؔ الرسول بما انزل الیہ من ربہ والمؤمنون کل آمن باللہ وملائکتہ وکتبہ ورسلہ لانفرق بین احد من رسلہ وقالوسمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر، لا یکلف اللہ نفساً الا وسعھا لھا ماکسبت وعلیھا ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصراً کما حملتہ علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا مالا طاقۃ لنا بہ واعف عنا واغفرلنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین

شھد اللہ انہ لا آلہ الا ھو والملائکۃ واُولوا العلم قائماً بالقسط لا آلہ الا ھو العزیز الحکیم، ان الذین عند اللہ الاسلام وایں دعا بخواند ونحن نشھد اللہ بہ ونستودع اللہ ھذہ الشھادۃ وھی لنا عند اللہ امانتہ محفوظۃً حتیٰ یود بھا الینا حین اعجز ما کنا فیھا واخرج ما کنا الیھا

ؔ ایمان آورد رسول

ہ الاستبداع ودیعت نہادن

ؔ نصب علی الحال

ؔ منصوب علی انہ خبر کنا مقدم د الجملۃ فی محل النصب علی الحال . . . مقدر تقدیرۃ حتی یُود بھا

وتعز من تشاء و تذل من تشاء بيدك الخير انك على
كل شئ قدير ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم یک
بار۔ یامن لا یشغله سمع عن سمع ولا تشتبه علیه الاصوات
ویامن لا تغلطه المسائل ولا تختلف علیه اللغات ویا من
لا یبرمه الحاح الملحین ولا تضجره مسألة السائلين اذقنی
برد عفوك وحلاوة رحمتك یا ارحم الراحمین۔

سی وسه بار سبحان الله سی وسه بار والحمدلله سی و سه بار
والله اکبر یک بار لا اله الا الله وحده لاشریك له له الملك وله
الحمد یحی ویمیت وهو حیّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیده الخیر
وهو علی کل شئ قدیر۔

اینا فی حال تدکنا اعجز

ہ اَلبرّ ۔ نیکوکار

ہ اَلحطّ ۔ کم کردن ، وِزر ۔ گناه

ت بگوای محمد

له انما خص الخير بالذكر دون الشر وان كان هو مالكهما لان موضع المدح والرغبة والدعاء وكانت اضافة الخير اليه اليق وقيل هو من باب الاكتفاء كما فی قوله تعالی۔

له قال اهل المعرفة الحول الحركة معناه لاحركة ولا استطاعة الا لمشية الله تعالی. قال اهل الفكر لا حيلة فی دفع الشر ولا قوة فی درك الخير الا بالله۔

له عن حسن ابن علی رضی الله عنهما عن علی ابن ابی طالب ان رجلاً متعلق باستار الكعبة وهو يقول يامن لا يشغله سمع الی الآخرة ، فقال علی من انت . . . . . قال يا ابا الحسن انا اخوك من قال كل يوم اذا رحل . . . . حط عنه ذنوبه كما . . . . الورق من الشجر وان كان ذنوبه مثل زبد البحر۔

ہ المسئلة والسوال خواستن ہ الاذاقة ۔ چشانیدن

ذکر نماز اشراق

بعد ازاں نمازِ اشراق بخواند اگر آفتاب برآمده باشد والا تا ئی وذاکر مستقبل قبلہ برسر سجادہ موضع نماز ویا درخانہ برآمدہ مشغول می باشد تا آفتاب مقدار یک نیزہ بالا برآید ویا . . . . . سورۃ والشمس وسہ بار سورۃ اخلاص بخواند ویک بار ایں دعا بخواند الحمد للہ الذی جعل الشمس ضیاءً والقمر نوراً والحمد للہ الذی جل لنا عافیتہ وجاء نابا الشمس من مطلعها اللّٰهم ارزقنی خیر هذا الیوم وارفع عنی شرہ اللّٰهم نوّر قلبی بنور هدایتك كما نورت الارض بنور قدرتك دو رکعت بریں ترتیب بگزارد شکراً للہ دو رکعت نیت بریں جملہ کند نویت ان اصلی رکعتین شکراً للہ تعالیٰ عبادة له متوجها الیٰ بیت اللہ تعالیٰ۔

ك فی المشارق عن ابی هریرة رضی اللہ عنہ قال النبی علیہ السلام من سبح اللہ دبر کل صلوٰة ثلثا وثلثین وحمد اللہ ثلاثا وثلاثین وکبر اللہ ثلاثا ثلثین فهذه تسعة وتسعین قال تمام المائة لا الہ الا اللہ وحده لاشریك له انحط له خطایاه وان کانت مثل زبد البحر۔

ك فی المصابیح عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده ان النبی صلی اللہ علیه وسلم قال خیر الدعاء یوم عرفة وخیر ما قلت انا والنبیون من قبلی "لا الہ الا اللہ وحده لاشریك له" الیٰ آخره۔

ك عن سراقة بن مالك بن الحشو الکنانی ان النبی علیه السلام صلی صلوٰة من شهر ربیع الاول ثم اسند الی المحراب وقال صلو الغداة حتی ترقع الشمس ثم قامت الرمح ثم قام

دو رکعت اوّل بعد از فاتحہ آیۃ الکرسی تا" العظیم" و در رکعت دوم آمن
الرّسول آخر سورت و آیت اللہ نور السمٰوات والارض مثل
نورہٖ کمشکوٰۃ فیہا مصباح المصباح فی زجاجۃ الزجاجۃ
کأنہا کوکب دریّ توقد من شجرۃ مبارکۃ زیتونۃ لا
شرقیۃ ولا غربیۃ یکاد زیتہا یضیئ ولولم تمسسہ
نار نورٌ علی نورٍ یہدی اللہ لنورہ من یشاء ویضرب اللہ
الامثال للنّاس واللہ بکل شیئ علیم

ثم قام وصلی رکعتین کتب فی دیوان المغفورین القانتین فان جعلہا فی دیوان الفائزین فان جعلہا . . . . لاخوف علیہم ولاہم یحزنون۔

مہ فی المحیط ان الکلیۃ فی الوقت الذی یباح فیہ الصلوٰۃ الی طلعت الشمس المذکور فی الاصل اذا طلعت واذا ارتفعت قدر معین او قدر رمح یباح الصلوٰۃ وکان الشیخ الامام الخلیل ابوبکر بن الفضل رحمہ اللہ یقوم ما دام الانسان یقدر علی النظر الی موضع الشمس فی الطلاع لا یباح فیہ الصلوٰۃ وان عجز اضطرار عن النظر ساح الصلوٰۃ

سہ جعل الشمس ضیاءً الی خلق الشمس ذات ضیاء

کہ الی ان یعافی من الاسقام والبلایا

شہ روشن کردن و روشن شدن۔

لہ نورہ الہاء راجعۃ الی المہتدی وہو المؤمن الذی الہدیٰ بہدایتہ اللہ عزوجل . . . . صرفہ الکنایتہ . . . . اذا دل سیاقہ علیہ لقولہ تعالیٰ "انا انزلناہ فی لیلۃ القدر". ولقولہ "حتی توارت بالحجاب" الشمس کذلک . . . . ذکر المہتدی فیرجع الکنایتہ علیہ الا علی اللہ تعالیٰ۔

ے مثل چون بچراغ و قندیل را روغن باید تا بسوزد۔ افروختہ شود روغن چراغ از درخت مبارک و از درخت زیتون . . . . . یعنی چنانچہ آغاز روشنائی چراغ بروغن زیت

بعد از سلام صلوات گوید این دعا بخواند اللّٰهم انی اصبحت لا استطیع دفع ما اکره ولا املك نفع ما ارجو اصبحت مرتهنًا بعملی واصبح امری بید غیری فلا فقیر افقر منی اللّٰهم لا تشمت بی عدوی ولا تسؤنی صدیقی ولا تجعل مصیبتی فی دینی ودنیای ولا فی الآخرة ولا تجعل الدنیا اکبر همی ولا مبلغ علمی ولا تسلط علی من لا یرحمنی فی الدنیا والآخرة - اَللّٰهم انی اعوذ بك من الذنوب التی تزیل بها النعم ومن الذنوب التی توجب بها النعم برحمتك یا ارحم الراحمین استعاذه دو رکعت نماز بگزارد در اول بعد فاتحہ الفلق در دوم الناس بعد از سلام صلوات گوید این دعا بخواند۔

بحاصل آید ازین جانب معرفت بسبب دعوۃ مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم بجاصل آید۔

له الی بیت الله امثال التوحید والکفر ومعاملات الناس۔

ه الاصباح - بامداد کردن

ع ه بفتح الهاء الی موهونا کان نفس العبد مرهون عند الله بالعمل الصالح الذی هو مطالب کما یرهن الرجل عبده بدین علیه فان عمل عملًا صالحًا فکها وخلصها والا اهلکها۔

له السوء - اندوهگین کردن یعنی اندوهگین مکن بسبب من دوست مرا

ه المهم - قصد کردن -

ه التسلیط - برگماشتن

ه الازالة - دور کردن۔

اَللّٰهم انی اعوذ باسمك الاعظم وكلمتك التامة من شر السامة والهامة واعوذ بك باسمك الاعظم وكلمتك من شر عبادك وشر عذابك واعوذ باسمك الاعظم وكلمتك التامة من شر الشيطان الرجیم۔

واعوذ باسمك الاعظم وكلمتك التامة من شر نفسی واعوذ باسمك الاعظم وكلمتك التامة من شر ماتجری به اللیل والنهار ان ربی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم۔ ایضاً ایں دعا بخواند الٰهی انك سلطته علینا عدواً بصیراً بعیونا برانا هو وقبیله من حیث لا نراهم اَللّٰهُمَّ فایئسهُ منا کما ایئسته من رحمتك وقنطه منا کما قنطه من عفوك بنینا وبینه کما ابعدت بینه وبین جنتك انك علیٰ کل شئی قدیر وبالاجابة جدید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم۔

ل فی الزاهدی فی تفسیر سورۃ آل عمران۔ اختلاف العلماء فی اسم الله الاعظم۔ فی وسیلة القلوب ابن عباس رضی الله عنه گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که اسم اعظم در آیت قل اللّٰهم مالك الملك . . . . .

الاستخارہ

دو رکعت نماز بعد فاتحہ الکافرون در دوم اخلاص بخواند بعد از سلام صلوات گوید و این دعا بخواند اَللّٰھُمَّ اَنی استخیرکَ بعملک واستقدرک بقدرتک واسألک من فضلک العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علاّم الغیوب اَللّٰھُمَّ اَنی لا املک لنفسی ضرًا ولا نفعًا ولا موتًا ولا حیٰوتًا ولا نشورًا ولا تستطیع ان آخذ الاما عطیتنی ولا ان اتقی الاّ ما وقّیتنی، اَللّٰھُمَّ وفقنی لما تحب و ترضٰی من القول والعمل فی یسرٍ وعافیتہ، اَللّٰھُمَّ خرلی واجترلی ولا تکلنی الی اختیاری، اَللّٰھُمَّ اجعل الخبرۃ فی کل قول وعمل اُریدہ فی ھذا الیوم واللیلۃ

لہ بہتر خواستن یکون النیۃ فیہا الاستخارۃ لکل عمل یعمل فی یوم و لیلۃ وھذہ الاستخارۃ یکون بمعنی الالمار علی الاطلاق فاما الاستخارۃ التی دالۃ بہا الاخبار ھی التی یصبہا امام کل امر یریدہ۔

○ خیر خواستن از خدائے عزوجل و مہربانی کردن و خواستن

لہ الاستقدار۔ تقدیر کردن خواستن

○ الملک والملک بالحرکات الثلث

○ النشور۔ زندہ شدن

○ الوقایتہ۔ نگاہ داشتن

استحباب دو رکعت - بگزارد در رکعت اول سورة الواقعة
ودر دوم سبح اسم ربك الاعلیٰ بخواند بعد از سلام صلوات گوید
واین دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجعل حبك احب الاشياء الی و
خشيتك اخوف الاشياء عندك اَللّٰهُمَّ لذا اقررت
عيون اهل الدنيا بدنيا فاقرر عيني بك وبعبادتك
واقطع عنی لذائذ الدنيا بانسك والشوق الیٰ لقائك[1]
واجعل طاعتك فی كل شئی منی ، اللّٰهم ارزقنی حبك
وحبّ من احبك وحب من يحبك وحبّ عملٍ يقربنی
الیٰ حبك واجعل حبك احبّ الينا من الماء البارد
للعطشان يا ذالجلال والاكرام -

شکرانہ دو رکعت بگزارد در هر رکعتی بعد از فاتحه پنج بار اخلاص
بخواند بعد از سلام صلوات گوید وسه بار گوید والحمد لله علیٰ
حسن الصباح والحمد لله علیٰ حسن المبيت والحمد
لله علیٰ حسن المساء[1] يكبار بگوید اللّٰهم لك الحمد حمداً
دائماً خالداً مع خلودك ولك الحمد حمداً دائما

اللايذة فوشی، اللذائذ جمعها -

[1] نزدیک اهل سنت والجماعت دیدار خدائ عزجل مؤمنان در . . . . . بعد در آمدن بهشت
. . . . . . عقلاً وسمعاً حق تعالیٰ را . . . . به بینند که نتوان گفتن یعنی بغیر کیفیت
که نتوان که مانند که دیده شود و معتزله می گویند که رؤیتِ خدائ عزوجل محال است .

اَللّٰهُمَّ لك الحمد و اليك المشتكى و انت المستعان وبك المستعان وعليك التكلان ولاحول ولا قوة الا بك ايضاً

ہرکہ در خواندن ایں دعا در صباح ومسا مواظبت نماید ہرگز دراں روز وشب ہیچ مصیبتے باو نرسد اللّٰهم انت ربی لا اله الا انت رب العرش العظيم عليك توكلت و انت رب العرش العظيم ۔ لاحول ولا قوة الا بالله العلى العظيم ماشاء الله كان وما لم يشاء لم يكن اشهد ان لا اله الا الله ، واعلم ان الله على كل شئ قدير و ان الله قد احاط بكل شئ علماً و احصىٰ كل شئ عددا ۔

اَللّٰهُمَّ انى اعوذ بك من شر نفسى ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربى على صراط مستقيم پیغامبر صلی اللہ علیہ وسلم

---

۱ الاشتکاء از کسی یا از . . . . . . بنالیدن وگلہ کردن ۔

۲ یاری خواستن

۳ لاحيلة فى دفع الشر ولا قوة فى درک الخير الا بالله ۔

۵ العلى ۔ بلندپایہ وبرتر ۔

۶ نصب على لتميز اى علمه احاط بكل شئ ولا تخفى عليه شئ وهذا من باب اضافة الفعل الى غير فاعله لقوله تعالىٰ "فان طبن لكم عن شئ منه نفسا "

۷ اى علم الله تعالىٰ عدد كل شئ عدداً حال اى معدوداً محصوراً اى احصىٰ كل شئ فى حال العدد فلم نحيف عليه سقوط ورقه ولا حبة ۔

---

۱ ای بار خدای باز داشت می خواہم بتو از شر نفس خود ومن شر کل دابۃ واز شر ہر ۔

۲ گیرندہ موئ پیشانی آں را یعنی تحت قدرت نیست ایں کہ ذکر اخذ ناصیہ می کند وتحت قدرت می طلبد از انست کہ چوں موی پیشانی بگیرند ۔

و ابوبکر رضی اللہ عنہ را بیاموخت وگفت ایں دعا بامداد و شبانگاہ ودروقت فراش بگوی اَللّٰھُمَّ عالم الغیب والشہادۃ فاطر السموات والارض رب کل شئی وملیکہ اشہد[۲] ان لا الٰہ الا اللہ انت اعوذبک من شر نفسی ومن شر الشیطان وشرکہ

ایضاً ہر کہ ہر روز یا شب ایں کلمات بگوید۔

۳؎ اعلم ان اسمہٗ عبد اللہ واسم ابیہ عثمان وھو کان فی الخلافتہ سنتین وثلاثۃ اشھر وتسعتہ ایام ومات وکنیۃ عمر رضی اللہ عنہ ابوحفص وھو کان فی الخلافتہ عشر سنتین وستتہ اشھر واربعتہ وقتلہٗ ابو لؤلؤ غلام مغیرۃ بن شعبۃ، وکنیۃ عثمانؓ رضی اللہ عنہ ابوعمر وھو کان فی الخلافتہ اثنیٰ عشر سنتہ الاثنتی عشر یوما وقتلہٗ اھل الفتنتہ وکنیتہ علی رضی اللہ عنہ ابوالحسن وھو کان فی الخلافتہ خمس سنین وثلاثتہ اشھر وقتلہٗ عبد الرحمٰن بن الملجم . . . . فاطر السمٰوات الی خالق السمٰوات۔

۴؎ فی المشارق عن عبادہ بن الصامت من شھد ان لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہٗ وان محمداً عبدہ ورسولہ وان عیسیٰ عبد اللہ ورسولہ وابن امتہ وکلمۃ القایا الیٰ مریم وروح منہ وان الجنۃ حق والنار حق ادخلہٗ اللہ الجنۃ علیٰ ماکان من العمل۔

اشہد ان لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہٗ و ان محمداً عبدہٗ و رسولہ وَاَنَّ عیسیٰ عبد اللہ و رسولہ و ابن امتہ وکلمتہ القاھا الیٰ مریم و روح منہ و ان الجنہ حق والنار حق ایضاً در خواندن ایں کلمات در صباح و مساء مواظبت نماید کہ در حدیث آمدہ است ہر کہ در عقب ہر فریضہ ایں دہ کلمہ بگوید پنج برائے دنیا و پنج برائے آخرت در ایں پنج راست دنیا و در ایں پنج ماست آخرت و در ہر حال کہ در ماند رحمت خدای را آنجا بیابد و اورا ازاں رنج برہاند حسبی اللہ الہادی لادینی حسبی اللہ المعین الدنیای حسبی اللہ الکافی لما اھمّنی حسبی اللہ القوی لمن بغیٰ علیّ حسبی اللہ الشدید لِمَن کادنی بِسُوْءٍ

حسبی اللہ الرحیم عند الموت حسبی اللہ الرؤف عند المسألۃ فی القبر حسبی اللہ الکریم عند الحساب حسبی اللہ اللطیف عند المیزان حسبی اللہ القدیر عند الصراط حسبی اللہ الذی لا الٰہ الا ھو علیہ توکلت وھو رب العرش العظیم

نماز تسبیح

بعد الفراغ نمازِ اشراق اگر خواہد قرآن خواند و ما ذکر و اگر نمازِ تسبیح گزارد بہتر و نماز تسبیح چہار رکعت است در روز بیک سلام و در شب بدو سلام در ہر رکعتے ہفتاد و پنج بار تسبیح[1] است بعد از تکبیر تحریمہ۔

---

[1] عن ابن عباس رضی اللہ عنہما ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال . . . .

سبحانك اللهم تا آخر چناں کہ میخوانند بخواند آنگاہ بار بگوید سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بعد از فاتحہ دہ بار اخلاص
و باہر چہ خواہد از قرآن بخواند دہ بار تسبیح بگوید و در رکوع رود سبحان
ربی العظیم سہ بار یا پنج بار یا ہفت بار یا دہ بار بگرید و ایں دعا بخواند اللهم
لك ركعت ولك خشعت وبك آمنت ولك اسلمت خشع لك سمعی
وبصری ومخی وعصبی وعظمی بروہ بار تسبیح گوید چوں سر از رکوع بردارد
بگوید سمع الله لمن حمده اللهم ربنا لك الحمد ملأ السموات
وملأ الارض وملأ ما شئت من شئی بَعدُ وانت اهل الثناء
والحَمدِ حق ما قال العبد وكلنا لك عبد

عبد المطلب یا عباس الا اعطیك الا اخبرك الا اقول لك عن خصال اذا انت فعلت
ذلك غفر الله لك ذنبك اوّله وآخره وقديمه وجديده عمده
وخطاه سرّه وعلانيته ان يصلى اربع ركعات كذا وكذا فى كل يوم
مرّةً ان استطعت فان لم تستطع ففی جمعة فان لم تستطع ففی عمرك مرّةً۔

۲۔ فی قوة القلوب فی باب الجمعة يستحب ان يصلى صلوٰة التسبيح مرتين
مرةً ليلاً ومرةً نهاراً . . . . . . بتسليم و
ان صلاها ليلاً سلّم فيها سلامين وكذا فى الاحياء وفى القلوب
اُحب لك ان يكون السورة التى يقرأها فى صلوٰة التسليم بعد الفاتحة
قل هو الله احد عشر مرات فى كل ركعة۔

۳۔ وفى الاحياء فان زاد بعد التسبيح لاحول ولا قوة الا بالله العلى العظيم فهو حسن و
قد ورد ذلك فى بعض الروايات . . . . . .

لہ ليس المراد نفس السمع لانه ما من شئی الا مسموع عند الله تعالىٰ ولكن معناه لقول الله
حمده واباب مَن حمدهٗ الى ما طلب منه كما قال سمع الامير كلامهٗ اذا . . . بالاجابته
لہ رفع على الغاية بعد ملأ السموات ملأ الارض

اللّٰھم لا مانع لما اَعۡطَیۡتَ وَلَا مُعۡطِیَ لما مَنَعۡتَ ولا ینفع ذَا الۡجَدِّ
منك الجد پس دہ بار تسبیح گوید چوں بسجود رود سہ بار یا پنج بار یا ہفت بار
سُبۡحَانَ رَبِّیَ الۡاَعۡلٰی وبحمدہ گوید و ایں دعاء بخواند اللّٰھم سجد لك
سوادی وخیالی و امن بك فوادی واقربك لسانی الٰھی لا تحرقن
وجہًا خرّ لك ساجداً دہ بار تسبیح گوید چوں از سجدہ بنشیند بگوید رب
اغفرلی وارحمنی واھدنی واجبرلی وعافنی واغفر عنی پس دہ بار
تسبیح گوید چوں سجدۂ دوم کند سبحان ربی الاعلیٰ گوید چناں کہ گفتہ
شد و ایں دعا بخواند اللّٰھم لك سجدت وبك آمنت ولك اسلمت
سجد وجھی للذی خلقه وسورہ وشق سمعه وبصرہ فتبارك
اللّٰہ احسن الخالقین

دہ بار تسبیح گوید چوں در رکعتِ دوم برخیزد ہمیں ترتیب نگاہ دارد چوں در قعدہ
آخر بنشیند بعد التحیات ایں دعاء بخواند اللّٰھم انّی ظلمت نفسی ظلماً کثیراً
واعترفت بذنوبی فاغفرلی فانه لا یغفر الذنوب الا انت فاغفرلی
مغفرہ من عندك وارحمنی انك انت الغفور الرحیم[1]، سبحان ربك
رب العزۃ عما یصفون وسلام[2] علی المرسلین والحمد للّٰہ رب العالمین
آں گاہ سلام گوید و اگر شب بود بعد از دوگانۂ اول سلام گوید سہ بار سُبۡحَانَ
الۡمَلِكِ الۡقُدُّوۡسِ سُبُّوۡحٌ[3] قُدُّوۡسٌ رَبُّ الملائکة والروح[4] بعد تمام چہار رکعت
ایں تسبیح سہ بار بگوید سبحان ذی الملك والملکوت سبحان ذی العزت والعظمة
والکبریاء والجبروت۔

---

[1] الرحیم رحمت کردن خاصۃً بر مومناں در عقبیٰ۔

[2] ای سلام بر ہمہ رسولاں آنگاہ سلام گوید

[3] سُبُّوۡحٌ۔ اے مُنَزَّہٌ من کل عیب

[4] قیل الروح جبرئیل علیہ السلام قیل ملك عظیم من الملائکة وقیل ھو خلق علی صورۃ بنی آدم

سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِیْ لَا یَمُوْتُ سُبْحَانَ الَّذِیْ یُمِیْتُ الْخَلَائِقَ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوْتُ
اَبَدًا دوم بار ابداً ابداً سوئم بار ابداً ابداً ابداً وست بردارد وایں دعا بخواند
اَللّٰھم صل علی محمد عبدك ونبیك[۱] ورسولك[۲] النبی الامی و
علی آله[۳] صلوٰۃً تکون لك رضا ولحقه اداءً واعط محمد[۴] الوسیلة
والفضیلة والدرجة الرفیعة والبعثه[۵] مقاماً محمودا[۶] الذی
وعدته واجزه ما هو اهله ومستحقه واجزه عنا افضل
ما اجزیت نبیاً عن امته وصل علیه وعلی جمیع اخوانه
من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین برحمتك
یا ارحم الراحمین۔

اللّٰھم صل علی محمد فی الاولین وصل علی محمدٍ فی
المتوسطین وصل علی محمد فی الآخرین وصل علی محمدٍ
فی اعلیٰ علیین اللّٰھم صل علی محمد اذا ذکر الابرار وصل علی
محمدٍ ما اختلف اللیل والنهار صلوٰۃ لا ینقطع مددها ولا یحصی
عددها صلوٰۃً تشحن الهواء وتملاء الارض والسماء وصل علیه وعلی اله

۱۔ النبی حافظ شریعت غیرہ من المرسلین

۲۔ الرسول صاحب الشریعة والکتاب مکوسی والنبی الکامل بشریعته۔ علیه السلام

۳۔ اختلف فی آل النبی علیه السلام قال بعضهم قرابته کان او غیرہ۔

۰ التصلیه درود فرستادن

۴۔ الاعطاء " دادن " وسئل النبی صل اللّٰه علیه وسلم عن الوسیلة فقال درجة لاینالها الا اجل والا وارجو
ان اکون علی . . . . . فمن سأل اللّٰه فی الوسیلة حلت علیه شفاعتی

۵۔ البعث از گور بر انگیختن

۶۔ هو مقام الشفاعة وانما یقال المقام المحمود لان الناس یحمدونه حین یشفع فیهم فیخلصهم من الکذب۔
قوله تعالیٰ "عسیٰ ان یبعثك ربك مقاماً محموداً" یعنی عسیٰ ان یقیمك۔

حتیٰ یرضیٰ وصل علیہ وعلیہم من بعد الرضیٰ صلوٰۃً لا حدّ لہا ولا منتھیٰ اللّٰھم صلّ علیٰ محمد حتیٰ لا یبقیٰ من صلوٰتک شیٔ وارحم محمداً حتیٰ لا یبقیٰ من البرکات شیٔ وسلّم علیٰ محمد حتیٰ لا یبقیٰ من السلام شیٔ وصل علیٰ محمدٍ صلوٰۃً ھو اھلہا واجزہ عنا ما ھو اھلہٗ وانزل محمدٌ المقعد المقرّب عندک یوم القیامۃ

وصلّ علیٰ محمدٍ بعدد ما خلق وما یخلق الیٰ یوم القیامۃ اللّٰھم اصلح امۃ محمدٍ اللّٰھم ارحم امۃ محمد اللّٰھم اغفر لأمۃ محمدٍ اللّٰھم تجاوز عن امۃ محمدٍ اللّٰھم تدارک اُمۃ محمدٍ اللّٰھم اَغث امّۃ محمدٍ اللّٰھم فرّج عن امۃ محمدٍ فرجاً عاجلاً اللّٰھم انی اسئلک توفیقِ اھل الھدیٰ واعمال اھل الیقین ومناصحتہ اھل التوبۃ وعزم اھل الصبر وجدّ اھل الخشیۃ وطلبۃ اھل الرغبۃ وتعبُّد اھل الورع وعرفان اھل العلم حتیٰ اخافک واسئلک اللّٰھم مخافۃ تحجزنی عن معاصیک وحتیٰ اعمل بطاعتک عملاً استحق بہ رضاک حتیٰ اناصحک فی التوبۃ فوجاً منک وحتیٰ اخلص لک النصیحۃ حبًّا لک وحتیٰ اتوکل علیک فی الامور حسن ظنٍّ بک۔

ہ الانقطاع بریدہ شدن۔ ہ الصلوٰۃ من اللہ الرحمۃ

ہ البقاء۔ بماندن بمعنی یبقی بقاءً ؎ ای اھل الصلوٰۃ

ہ الجزاء پاداش دادن۔

ہ المقعد۔ نشستگاہ لہ وقریب کرامت بود نہ قریب مسافت چنانکہ خبر دار رب انزل عندک بیتا فی الجنۃ یعنی در قرب کرامت خود بنا کن مرا خانہ مراد ازوی قرب کرامت است نہ قریب مسافت۔

(کذا فی تفسیر الزاہدی)

سبحان خلق النور یا ولیّ المؤمنین اخرجنا من الظلمات الی النور ربنا اتمم[1] لنا نورنا واغفرلنا انك علی كل شیٔ قدیر، اللّٰهم صل علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ وبارك وسلّم اللّٰهم اعلٰ درجات مشائخنا فی اعلیٰ علیین واوجدهم حقیقة حق الیقین وزدهم من فضلك العظیم ما انت له اهل اللّٰهم ارفع درجتهم وشرّف[2] منزلتهم اللّٰهم ارض ارواحهم المقدسة عنا رضیً تامًا دائمًا ابدًا سرمدًا الیٰ یوم نلقاك یا ذالجلال والاکرام احینا علیٰ هداهم وامتنا علیٰ شهادتهم واحشرنا معهم واکرمنا بالمزید من لدنك فیهم انك ولیُّ ذلك وانت اهل بکل خیر۔

الاصلاح نیک کردن	المغفرة والغفران آمرزیدن
الاغاثة فریادرسیدن	التوفیق ۔ سزاوار گردانیدن

النصیحة مفاعلة من نصح الشیٔ اذا خلص قال الاصمعی الناصح الخالص ۔

العزم ۔ عزیمة	الجدّ بکسر الجیم الاجتهاد
طلبة بکسر اللام ۔ الحاجة	الورع بفتح الراء
العرفان والموفقة شناختن	الحجر بفتح الراء المعجمة المنع
الاستحقاق سزاوار شدن	

---

[1] معناه اے پروردگار ما تمام کن این نور ایمان یعنی باقی دار بر ما تا صراط را بسلامت بگذاریم و بهشت برسیم ۔

[2] الشرف بزرگوار کردن

اللّٰهم اعط ولیّ عهدهم وخلیفتهم من بعدهم خیر الدنیا والآخرة اللّٰهم اعصمه من شر الدنیا والآخرة ۔ اللّٰهم طوّل عمره وکثّر خیره وعظّم قدره ورقّ مدارجه وشرّف معارجه و بیّض وجهه واتمم نوره واحشرنا فی زمرته ونجّنا بحرمته واجعلنا من اهل ولایته واوصل برکته الینا و سهّل متابعته علینا واجعلنا فی دار السلام معه وهب لنا به ولا تؤاخذنا بالتقصیر فی خدمته ولا تفرق بیننا وبینه فی الدنیا والآخرة انک جواد کریم، ربنا توفنا مسلمین والحقنا بالصالحین۔

اللّٰهم صلّ علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ وعلی جمیع الأنبیاء والمرسلین والملائکة المقرّبین والشهداء و الصالحین صلوٰةً دائمةً نامیةً لا انقطاع لمددها ولا منتهیٰ لاملها واجعل ذلک عوناً لنا وسبباً لنجاح طلبتنا انک واسع کریم برٌّ رؤف رحیم۔ بعد الفراغ مشغول می باشد امّا بتلاوة وامّا بذکر وامّا بنماز تا ربع روز بگزرد۔

ه الخلیفة بجائے دیگر ایستند۔
ه العصمة نگاه داشتن ۔
ه التکثیر۔ بسیار گردانیدن۔
ه ورقّ - من الترقیة بلند کردن
ه التنجیة برهانیدن
ه الجواد ۔۔ بخشنده بے منت و بے ریا۔

لہ یعنی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل علیهم السلام

ذکر نماز چاشت

چوں ربع روز بگزرد نماز چاشت دوازده رکعت بگذارد و اقل او چهار است در رکعتِ اول والشمس و در دوم واللیل و در سوم والضحیٰ و در چهارم الم نشرح بخواند و در هشت دیگر بعد فاتحه آیۃ الکرسی یکبار و اخلاص سه بار بخواند

و بروایتے در هر دوازده رکعت فاتحه و آیۃ الکرسی یکبار و اخلاص سه بار بخواند و اگر حافظ است در هر رکعتے جزوی از قرآن بخواند تواند بعد الفراغ صلوات گوید و ایں دعا بخواند۔ اللّٰهم صلّ علیٰ محمدٍ و علیٰ آل محمدٍ، اللّٰهم انّی اسألك علم الخائفین منك وخوف العالمین بك ویقین المتوکلین علیك وتوکل الموقنین بك وشکر الصابرین وصبر الشاکرین الیك وانابته المخبتین لك والالحاق بالشهداء الاحیاء المرزوقین عندك بعده صد بار ایں دعا بخواند اللّٰهم اغفرلی وارحمنی وتب علیّ انك انت التواب الرحیم واگر وقت وسیع باشد رکعتی چند دیگر نفل بگزارد و اگر روزه دار باشد و مجرد باشد مشغول شود اما بتلاوة واما بذکر واما بنماز۔

الاستخاره

دو رکعت بگزارد بعد فاتحه الکافرون و در دوم اخلاص بخواند بعد از سلام صلوات گوید و ایں دعا بخواند۔ اللّٰهم انی استخیرك بعلمك واستقدرك بقدرتك واسألك من فضلك العظیم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم

۵ نماز چاشت بر رسول صلی اللہ علیہ وسلم فریضه بود اما بر امتیاں سنت است برظاهر روایت وآں چهار رکعت

جزوے از قرآن۔ مراد ازیں سیپاره است۔

ولا اعلم وانت علاّم الغیوب ، اللّٰھم انّی لا املک لنفسی ضرّاً ولا نفعاً ولا موتاً ولا حیوٰتاً ولا نشوراً ولا نستطیع ان آخذ الا ما اعطیتنی ولا ان اتّقی الا ما وقیتنی ، اللّٰھم وفّقنی لما تحب وترضیٰ من القول والعمل فی یسرٍ وعافیۃ ، اللّٰھم خرلی واخترلی ولا تکلنی الیٰ اختیاری ، اللّٰھم اجعل الخیرۃ فی کل قول وعمل اریدہ فی ھذا الیوم واللیلۃ ۔

استحباب دو رکعت

بگزارد در رکعتِ اوّل سورۃ الواقعۃ ودر دوم سبح اسم ربک الاعلیٰ بخواند بعد از سلام صلوات گوید وایں دعا بخواند اللّٰھم اجعل حبّک احبّ الاشیاء الیّ وخشیتک اخوف الاشیاء عندک اللّٰھم لذا اقررت عیون اھل الدنیا بدنیاھم فاقرر عینی بک وبعبادتک واقطع عنی لذائذ الدنیا بانسک والشوق الیٰ لقائک واجعل طاعتک فی کل شئی منی ، اللّٰھم ارزقنی حبّک وحبّ من احبّک وحبّ من یحبک وحب عملٍ یقربنی الیٰ حبک واجعل حبک احبّ الینا من الماء البارد للعطشان یا ذا الجلال والاکرام ۔

لہ بہتر خواستن یکون النیۃ فیھا الاستخارہ لکل عمل یعمل فی یوم ولیلۃ وھذہ الاستخارۃ یکون بمعنی الدعاء علی الاطلاق فاما الاستخارۃ التی رالۃ بھا الاخبار ھی التی یصیبھا امام کل امر یؤیدہٗ ۔ .

ہ خیر خواستن از خدائے عزوجل ومہربانی کردن وخواستن

لہ الاستقدار تقدیر کردن خواستن

ہ الملک والملک بالحرکات الثلث

ہ النشور زندہ کردن ہ الوقایۃ نگاہ داشتن

اللّٰھم لك الحمد والیك المشتکی وانت المستعان وعلیك التکلان ولا حول ولا قوۃ الا بك ایضاً ہر کہ در خواندن ایں دعا در صباح و مساء مواظبت نماید ہرگز دراں روز و شب ہیچ مصیبتے باو نرسد۔ اللّٰھم انت ربی لا الٰہ الا انت رب العرش العظیم علیك توکلت وانت رب العرش الکریم۔ لاحول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ماشاء اللہ کان ومالم یشاء لم یکن اشہد ان لا الٰہ الا اللہ، واعلم ان اللہ علی کل شیئ قدیر وان اللہ قد احاط بکل شیئ علماً واحصی کل شیئ عدداً

ہ اللذیذۃ فرشی ، اللذائذ جمعھا

ہ نزدیک اہل سنت والجماعت دیدار خدائی عزوجل مؤمناں در . . . . بعد در آمدن بہشت . . . . . . عقلاً و سمعاً حق تعالیٰ را . . . . بہ بینند کہ نتواں گفتن یعنی بغیر کیفیت کہ نتواں کہ ماند کہ دیدہ شود و معتزلہ می گویند کہ رؤیت خدائے عزوجل محال است۔

لہ الاشتکاء از کسی یا از . . . . بنالیدن و گلہ کردن۔

ٹہ یاری خواستن

ٹہ لاحیلۃ فی رفع الشر ولا قوۃ فی درك الخیر الا باللہ

ہ العمل - بلند پایہ و برتر

کہ نصب علی التمییز ای علمہ احاط بکل شیئ ولا تخفی علیہ شیئ وھذا من باب اضافۃ الفصل الی غیر فاعلہ کقولہ تعالیٰ "فان طبن لکم عن شیئ منہ نفساً"

ٹہ ای علم اللہ تعالیٰ عدد کل شیئ عدداً حال ای معدوداً محصوراً ای احصی کل شیئ فی حال العدد فلم نجف علیہ سقوط ورقہ ولاحبۃ۔

اللّٰهم انّی اعوذ بک من شرّ نفسی ومن شرّ کل دابة انت آخذٌ بناصیتها انّ ربّی علیٰ صراطٍ مستقیم پیغامبر صلی اللّٰہ علیہ وسلم وابوبکر رضی اللّٰہ عنہ را بیاموخت وگفت ایں دعا در بامداد وشبانگاہ ودر وقت فراموش بگوی اللّٰهم عالم الغیب والشهادة فاطر السمٰوات والارض رب کل شیء وملیکه اشهد ان لا اله الا اللّٰه انت اعوذبک من شر نفسی ومن شر الشیطان وشرکه ایضًا ہر کہ ہر روز یا شب ایں کلمات بگوید

لہ ای بارخدای باز داشت می خواہم بتو از شر نفس خود ومن شر کل دابة واز شر ہر-

لہ گیرندہ موئی پیشانی آں را یعنی تحت قدرت نیست ایں کہ ذکر اخذ ناصیہ می کند وتحت قدرت می طلبد از انست کہ چوں موی پیشانی بگیرند۔

سہ اعلم ان اسمه عبد اللّٰه واسم ابیه عثمان وهو کان فی الخلافة سنتین وثلاثة اشهر وتسعة ایام ومات وکنیة عمر رضی اللّٰه عنه ابو حفص وهو کان فی الخلافة عشر سنین وستة اشهر واربعة ایام وقتله ابو لؤلؤ غلام مغیرة بن شعبة ، وکنیة عثمان رضی اللّٰه عنه ابو عمر وهو کان فی الخلافة اثنی عشر سنة الا اثنتی عشر یوما وقتله اهل الفتنة وکنیة علی رضی اللّٰه عنه ابو الحسن وهو کان فی الخلافة خمس سنین وثلاثة اشهر وقتله عبد الرحمٰن بن الملجم !

ہ فاطر السمٰوات ای خالق السمٰوات۔

سہ فی المشارق عن عبادة بن الصامت من شهد ان لا اله الا اللّٰه وحده لاشریک له وان محمداً عبده ورسوله وان عیسیٰ عبد اللّٰه ورسوله وابن امته وکلمة القاها الیٰ مریم وروح منه وان الجنة حق والنار حق ادخله اللّٰه الجنة علیٰ ما کان من العمل۔

اگر دار باشد و با کاسب و متائل ازیں وقت تا قیلولہ بکسب مشغول شود بعد ازاں استخارہ نیت کند. عنبری از من بیاساید و بگوید اللّٰھم بارك علیّ فی ھذا الکسب چوں نیم روز شود قیلولہ کند نیت بیداری شب اندکے بخسپد چوں آفتاب برخیزد وضو کند بعد از تحیۃ وضو چہار رکعت نماز بگزارد بخواند در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص پنجاہ بار یا دہ بار یا سہ بار ثواب بسیار است۔

ذکر نماز

چوں وقت نماز در آید چہار رکعت سنتہ ظہر بگزارد چہار قل بخواند در ہر یکے قل بعد سنتہ ظہر صد بار استغفار گوید و ایں دعا بخواند۔

اَللّٰھم أنّی اسئلك رحمۃً من عندك تھدی بھا قلبی و تجمع بھا شملی و تلمّ بھا شعثی و ترد بھا الفتی و تصلح بھا دینی و تقضی بھا دینی و تحفظ بھا غائبی و ترفع بھا شاھدی و تزکی بھا عملی و تبیض بھا وجھی و تلھمنی رشدی و تعصمنی بھا من کل سوٓء

اللّٰھم اعطنی ایمانا صادقا و یقینا لیس بعدہٗ کفر و رحمۃً انال بھا شرف کرامتك فی الدنیا والآخرۃ، اللّٰھم أنّی اسئالك الفوز عند القضاء و منازل الشھداء و عیش السعداء ونصراً علی الاعداء و مرافقۃ الانبیا برحمتك یا ارحم الراحمین،

و مستحب در نماز آنست کہ در تابستان تاخیر کند تا خنک شود و در زمستان تعجیل و قرأۃ در فرض ظہر از سی تا چہل آیۃ بخواند آیۃ از سلام بگوید لا الٰہ الا اللّٰہ وحدہٗ لا شریك لہ لہ الملك و لہ الحمد یحی و یمیت وھو حیّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کل شئی قدیر۔

ہ فی شرح اخبار السنار قولہ علیہ السلام من رزق من شئی فیلزمہ، یعنی اذا رزق الانسان من وجھہ من الوجوہ

لا آلہ الا اللہ اہل النعمۃ والفضل والثناء الحسن لا آلہ الا اللہ ولا نعبد الا ایاہ مخلصین لہ الدینؔ ولوکرہ الکافرون پس دست بردارد وصلوات گوید وایں دعا بخواند اللّٰھم انک تعلم ذنوبنا فاغفرھا وتعلم عیوبنا فاسترھا وتعلم حوائجنا فاقضیہا وتعلم مہمتنا فاکفہا ربنا توفنا مسلمین والحقنا بالصالحین وصل علی محمدٍ وعلیٰ جمیع الانبیاء والمرسلینؔ والملائکۃ والمقربین وسلم تسلیما کثیرا بعدہ دورکعتؔ سنۃ بگزارد دراول الکافرون ودروم اخلاص بخواند ودورکعتِ دیگر برائے حفظِ ایمان گزارد۔

دورکعت اول بعد فاتحہ ان ربکم اللہ الذی خلق السمٰوات والارض فی ستۃ ایام ثم استویٰ علی العرش یغشی اللّیل والنہار... یطلبہ حثیثًا والشمس والقمر والنجوم مسخراتٍ بامرہٖ الا لہٗ الخلق والامرُ تبارک اللہ رب العالمین، اُدعوا ربکم تضرعًا وخفیۃً انہ لایحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحہا وادعوہ خوفا وطمعًا ان رحمۃ اللہ قریب من المسلمین۔

لہ نصب علی الحال لہٗ الدین ھہنا نصب لانہ مفعول لوقوع الاخلاص علیہ والدین ھہنا الطاعۃ ــــ۔

ے اے خداوند مارا مسلمان میراں ومرا ببندگانِ صالح درآر۔!

ے صاحب الکتاب والشریعۃ کموسیٰؑ والنبی العامل بشریعۃ الرسول السابق کیوشعؑ۔

ے فی الیتیمۃ سئل عمرؓ یتکلم بعد الفرائض قبل السنۃ ھل یسقط تلک السنۃ فقال لا لکن ثوابہ انقص من ادائہٖ قبل التکلم ـــ۔

اے لاتفسدوا بالکفر بعد الایمان ولا بالمعصیۃ بعد الطاعۃ ولا بتکذیب الرسول بعد الوحی ولا بالظلم بعد العدل۔

ودر رکعتِ دوم انّ الذین آمنو وعملو الصلحٰت کانت لھم جنّات[1] الفردوسِ نزلاً خالدین فیھا لا یبغون عنھا حولاً قل لو کان البحر مداداً لکلمات ربّی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثلہ مدداً. قل[2] انما انا بشر مثلکم یوحیٰ الیّ انما الٰھکم الٰہٌ واحد فمن کان یرجو لقاء ربہ فلیعمل عملاً صالحاً ولا یشرک بعبادۃ ربہ احداً بخواند بعد از سلام صلوات گوید و این دعا بخواند۔

سبحان من لم یزل کان کما ھو الآن سبحان من لم یزال یکون کما کان وکما ھو الآن سبحان من لا یتغیر بذاتہ ولا فی صفاتہ ولا فی اسمائہ بحدوث الاکوان سبحان الدائم القدیم سبحان القائم الدائم سبحان الحی الذی لا یموت سبحان الاول المبدیٔ سبحان الباقی المغنی سبحان من تسمّٰی قبل ان تسمّٰی قبل ان تسمّٰی سبحان العلیّ الاعلیٰ سبحانہ وتعالیٰ سبحانہ سبحانہ فسبحان الذی بیدہ ملکوت کلّ شئی والیہِ ترجعون۔

ل ای اخلصوا الاعمال وقال علی وعباس رضی اللہ عنھما العمل الصالح اداء صلوٰۃ الخمس بالجماعۃ واخراج الخمس۔

[1] جنات ۔ جمع، واحدھا جنۃ وھی البستان والجنۃ ثمانیۃ

[2] ای قل یا محمدؐ لاھل مکۃ انی بشر مثلکم فی البشریۃ

ل پاک وعیب است آں خداوند کہ ہمیشہ بود چنانکہ ہست وبے عیب است آں خداوند کہ او ہمیشہ می باشد چناں کہ بودہ ہست جلّ جلالہ

ہ التغیر از حال گشتن

دو رکعت نماز میان نماز . . . . . . و دیگر گزارد ہر چہ خواہد از قرآن بخواند
و اگر سورۂ مزملؔ[1] تا ان فتحنا بخواند بہتر و یا از الم ترکیف تا آخر قرآن در
ہر رکعت یک سورۃ بخواند بعدہ دعاء بدرقہ ایمان بخواند۔

ذکر نماز دیگر

چون وقتِ نمازِ دیگر شود چہار رکعت سنۃ[2] بگزارد در رکعتِ اول بعد فاتحہ اذا زلزلت الارض و در دوم . . والعادیات و در سوم القارعہ و در چہارم الھٰکم التکاثر[3] و بروایتے در اول والعصر چہار بار و در دوم سہ بار، در سوم دو بار، در چہارم یک بار بخواند مستحب در گزاردن نماز دیگر آنست کہ تاخیر کند، تا قرص آفتاب متغیر نشود، و در روز ابر نمازِ دیگر و نماز خفتن را کمتر گزارد و قراءۃ او از بست تا سی آیت خواند بعد از سلام یکبار گوید لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لا شریک لہ ولہ الحمد یحی و یمیت وھو حیٌّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کلّ شیئٍ قدیر ہمچناں کہ در ظہر خواندہ است تا الکافرون پس

---

٥ الاکوان جمع الکون، بودن	٥ الامانۃ - میرانیدن
٥ المبدیٔ آفریننده	٥ المغنی نیست کننده
٥ التسمی خود را نام نہادن	٥ علیؐ بلند پایہ

[1] سورۂ مزمل از سیپارۂ بست و نہم

[2] فی الفتاویٰ الحجۃ روی عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم من صلی اربع رکعاتٍ قبل العصر کان لہ جنۃ من النار وفی حدیثٍ آخر من حافظ اربعًا قبل العصر بنی اللہ لہ بیتًا فی الجنۃ اذا صلی العصر جماعۃً فمات قبل ان یصلی المغرب مات علیٰ ارض اللہ ـــ .

[3] قال علیہ السلام من قرأ سورۃ الھٰکم التکاثر لم یحاسبہ بالنعم التی انعم اللہ تعالیٰ علیہ فی دار الدنیا واعطی من ـــ اجر ـــ کانما قرأ الف آیۃ، وقال علیہ السلام من قرأھا اعطاہ بکل حرف درجۃ وکتب عند اللہ من الخاشعین وکتب لہ بکل آیتہ قرأھا ثواب المرابطین۔

دست برآرد و بعد درود گوید اللّٰھم یا دائم الفضل علی البریّۃ ویا
باسط الیدین بالعطیۃ ویا صاحب[3] المواھب[4] السّنیۃ ویا دافع البلاء
والبلیۃ صلّ علی محمدٍ خیر الوریٰ سجیّۃ وعلی آلہ
البررۃ النقیّۃ واغفرلنا یا ذا العلیٰ فی ھذا العصر والعشیّۃ۔

ربنا توفّنا مسلمین والحقنا بالصالحین صلّ علی محمدٍ
وعلیٰ آل محمدٍ وعلیٰ جمیع الانبیاء والمرسلین والملائکۃ المقرّبین
وسلم تسلیماکثیراً وہمیں کلمات شب جمعہ بعد فرض نماز خفتن بخواند و
بجاء ھذا العصر والعشیّۃ فی ھذہ العشیۃ یا ھذہ العشاء
والعشیۃ گوید بعد نماز دیگر سورۃ انّا فتحنا وعم یتساٴلون بخواند
وبعد اتمام عم بگوید نبّئنی الٰھی من الخطر العظیم وامنّی من عذابک

[1] قال علیہ السلام خیر الدعاء دعاء یوم المعرفۃ وخیر ما قلت انا والنبیون من قبلی لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہٗ لہ الملک ولہ الحمد وھو علی کل شیٔ قدیر۔

[2] ھذا من المتشابھات کما فی قولہ تعالیٰ "بل یداہ مبسوطتان" وہ مذھب السلف النقی فی المتشابہ ان یصدق ویفیض تاویلہ الی اللہ تعالیٰ مع التنزیہ عن التشبیہ ولا یشتغل بل یعتقدان ما ارادہ اللہ بہ حق۔

[3] الصاحب خداوند، الاصحاب والصحاب والصحابۃ جمعہٗ۔

[4] جمع المرھبۃ وھی العطیۃ۔

ہ البلاء۔ آزمائش بشدۃ یا بنعمت۔

ہ النقیۃ النظیفۃ، النقی ھو النظیف

ہ البلاء المکروہ والبلیۃ فی معناہ

ہ السجیۃ۔ الخلق (بضم الخاء) خو۔

ہ العشیۃ المساء۔ العشیۃ شبانگاہ واز نماز شام با نماز خفتن۔

[1] خداوندا مرا مسلمان میران ومیان بندگانِ صالح در آر۔

[2] از فوائد الفوائد فرمود ہر کس بعد از نماز دیگر سورۃ والنازعات بخواند خدائی عزوجل اورا در گور نہ دارد

الالیم الامان الامان من زوال الایمان یا قدیم الاحسان
یا غفور یا غفران۔

پس سورۂ والطارق و والتین وسہ بار اخلاص و معوذتین بخواند و بعد نماز دیگر بحث علم و یا شنیدن آں بالحق تعالیٰ مشغول باشد تا قرب غروب آں گاہ استعداد قیام شب و اقدام نمودن بکاری کہ در رضاء حق تعالیٰ نیکوست چوں خواندن جزوے از قرآن و تسبیح و استغفار و عند الغروب مسبعات عشر خواند چنانچہ در بامداد خواندہ است و در روز پنجشنبہ و آدینہ بعد مسبعات عشر و در شب شنبہ بعد اداء فرض نماز خفتن ایں دعا بخواند یا جبار اجبر قلبی یا غفار اغفر ذنبی یا ستار استر عیبی یا رحمٰن اصلحنی یا رحیم ارحمنی یا تواب تب علیّ یا سلام سلمنی۔

و در گور نباشد مگر مقدار یک وقت نماز بعد ازاں چشم بر آب . . . . . و فرمود کہ کسی کہ در گور نماز چگونہ باشد گفت آنچناں باشد کہ روح ــــ میرسد چوں روح کامل شد قالب را جذب کند و ہر کہ بعد از نمازِ دیگر پنج بار سورۂ عم بعد از نماز دیگر بخواند آسان کند خدائی تعالیٰ بروی سکرات و او را از گور شدن نگاہ دارد۔ . . . .

ہ التنبیہ بیدار کردن و دلالت کردن بر چیزے کہ ازاں غافل باشد

ہ الیم دردناک

ہ الامان من الامن ، نصب لفعل مضمر تقدیرہ اعطی الامان و التکرار للالحاح

ہ الاحسان نکوئی کردن

لہ قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

لہ پیغامبر علیہ السلام فرمود ہر کہ بعد از نماز دیگر صد بار استغفر اللہ ربی من کل ذنب و اتوب الیہ گوید حق تعالیٰ ازاں سہ چیز کرامت کند اول آنکہ گناہِ یکساں او بیامرزد۔ دوم آنکہ روزی بروی فراخ کند سوم آنکہ ہر دعائے کہ او کند مستجاب شود۔

چوں رود واللیل بخواند۔

"ذکر نماز شام" چوں بانگِ نماز بشنود بگوید اللّٰھم ھذا اقبال لیلك وادبار نھارك واصوات دعائك وحضور صلواتك وشھود ملائکتك فاغفرلی ذنوبی وتجاوز عنّی سیّآتی اگر صائم باشد بآب افکار کند و بگوید اللّٰھم لك صمت وبك آمنت وعلیك توکلت وعلی رزقك افطرت، الحمد للّٰہ الذی اعاننی فصمت ورزقنی فافطرت یا واسع المغفرۃ اغفرلی و در خواندنِ قراۃ نماز شام سہ آیت یا پنج آیت بخواند۔

"و مستحب در اداء نماز شام آنست" کہ پیش از ظہور ستان بگزارد و بعد از سلام فرض مغرب برخیز د و دستہا بر آرد و ایں دعا بخواند اللّٰھم انقلنا من ذل المعصیۃ الی عز الطاعۃ و یا بگوید اللّٰھم اعنّی ذکرك و شکرك وحسن عبادتك و اگر شب آدینہ بود در فرض نماز شام بہتر آنکہ در رکعتِ اول الکافرون و در دوم اخلاص بخواند بعد از سلام بگوید۔ مرحبًا بملائکۃ اللّیل مرحبًا بالملکین الکرامین الکاتبین اکتبا فی صحیفتی انّی اشھد ان لا الٰہ الّا اللّٰہ وحدہ لا شریك لہٗ واشھد انّ محمدًا عبدہٗ ورسولہٗ۔

لہ عن عائشۃ رضی اللّٰہ عنھما قالت قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم ان افضل الصلوٰۃ عنداللّٰہ تعالیٰ صلوٰۃ المغرب لم یحطیھا اللّٰہ تعالیٰ عن مسافر ولا عن مقیم فتح بھا صلوٰۃ اللیل وختم بھا صلوٰۃ النھار فمن صلی المغرب وصلی بعدھا رکعتین بنی اللّٰہ لہٗ قصرًا فی الجنۃ لا یذری مال من ذھب اوفضۃ ومن صلی بعدھا اربع رکعاتٍ غفراللّٰہ لہٗ ذنوب عشرین سنۃ اوقال اربعہ سنۃ۔

لہ فی العوارف اذا صلی المغرب تصلی رکعتی السنۃ وتعجلُ بھا فانھا ترفع مع العزیمۃ

لہ فی الولجیۃ تاخیر المغرب مکروہ الا بعذر السفر او بان کان علی المائدۃ۔

ہ الاقبال پیش آمدن والادبار پشت دادن۔

واشهد ان الجنّة حق والنار حق والحوْض حق والشفاعة حق والصراط حق والميزان حق وانّ الساعة آتية لاريب فيها وانّ الله يبعث من فى القبور، اللّٰهم انّى اُودعك هذا الشهادة اليوم حاجتى اليها اللّٰهم احطط بها وزرق واغفر بها ذنبى وثقّل بها ميزانى واوجب لى بها امانى وتجاوز عنّى بفضلك ورحمتك يا ارحم الراحمين ودر روز پیش از دعاء بدرقۂ ایمان ہمیں دعاء بخواند بجاء بملائکة اللیل بملائکة النهار بگوید تا آخر بست رکعت۔

له نماز شام پیغامبر علیه السلام گاہے تطویل فرمود که سورۂ اعراف در دو رکعت خواند. وگاہے والصّٰفّٰت وگاہے۔ دخان وگاہے سبح اسم وگاہے والتّین وگاہ والمرسلات وگاہ معوّذتین وگاہ قصار مفصل، روایات صحیح بریں مجموعه ثابت وسنت اینست که بر یک نمط مواظبت ننماید، گاہے طویل کند وگاہ تخفیف، حسب حال وقت ــــ۔

له الحوض نص فى الجنة لما روى انه وعد الجنة لى فيه نهر كثيرٌ وهو حوضى يرِد عليه امتى يوم القيامة۔

ٹه الصّراط جسر ممدود عن متن جهنم دزق من شعر واحد من السيف عليه الحلاف منهم والماشى ومنهم كالنملة على قدر تفاوتِ درجاتهم واعمالهم فى الدنيا۔

ٹه اى لاشكّ فيها

ہ الایداع امانت کردن

ٹه پیغامبر علیه السلام مجموع سنن را در خانه خویش گزاری علی الخصوص دو رکعت بعد از نماز مغرب که در ہیچ وقت او مسجد بگزارد، بعضی علماء گفته اند که ایں دو رکعت در مسجد بگزارد ــــ نباشد اما ــــ گوید من صلّی رکعتین بعد المغرب فی المسجد ــــ عاصیًا، وابو لقدر یزمی گوید ہو خاص نزبراچه پیغامبر علیه السلام فرمود اجعلها فى بيوتكم ونزد بیشتر علماء مجری باشد۔

صلوٰۃ میانِ نمازِ شام[1] و نماز خفتن بگزارد بریں ترتیب نماز دو رکعت بگزارد[3] در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ بسم[2] اللہ الرحمٰن الرحیم، الٓمٓ[4] ذٰلک الکتاب لا ریب فیہ ھدًی للمتقین الذین یومنون بالغیب ویقیمون الصلوٰۃ ومما رزقنٰھم ینفقون والذین یؤمنون بما انزل الیک وما انزل من قبلک وبالآخرۃ ھم یوقنون اولٰئک علیٰ ھدًی من ربھم و اُولٰئک ھم المفلحون

إنّ الذین کفروا سواء علیھم ءانذرتھم أم لم تنذرھم لا یومنون، ختم اللہ علیٰ قلوبھم وعلیٰ سمعھم وعلیٰ ابصارھم غشاوۃ ولھم عذاب عظیم، ومن الناس من یقول آمنا باللہ وبالیوم الآخر وما ھم بمومنین، یخادعون اللہ والذین آمنوا وما یخدعون الا انفسھم وما یشعرون، فی قلوبھم مرضٌ فزادھم اللہ مرضاً ولھم عذابٌ الیم بما کانوا یکذبون، واذا قیل لھم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون، الا انھم ھم المفسدون ولکن لا یشعرون۔

---

[1] فی قوۃ القلوب یصلی العبد بعد المغرب رکعات وتستحب ذلک قبل ان یتکلم او یشتغل بشیٔ تسلیمات المستحب بعد الموت ان یصلی المغرب ست رکعات بتثلیث تسلیماتٍ وما روی عن انس رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم انہ قال من صلیٰ ست رکعات بعد صلوٰۃ المغرب کتب لہٗ من الاوابین وتلا قولہ تعالیٰ "انہ کان من الاوابین غفوراً"، وتسترۃ رضی اللہ عنہ بثلٰث تسلیمات ـــــ۔

[2] تسمیہ برائے تعظیم نوشتہ شدہ است امادر قرأۃ نباید خواند ـــــ۔

[3] فی تفسیر ابی اللیث رحم اللہ روی ابوھریرۃ رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم انہ قال من صلیٰ بین المغرب والعشاء عشرین رکعۃ حفظ اللہ لہٗ واھلہٗ ومالہٗ ودینہ وآخرتہ۔

[4] ای ھذہ السورۃ المسماۃ بالٓمٓ ذٰلک الکتاب وعند یوم المیثاق انزالہ علیک معجز۔

ومتصل آں بخواند والھکم الٰہ واحد لا الٰہ الا ھو الرحمٰن الرحیم، انّ فی خلق السمٰوات والارض واختلاف الّیل والنھار والفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس وما انزل اللہ من السماء من السماء من ماء فاحیا بہ الارض بعد موتھا و بثّ فیھا من کل دابۃ وتصریف الریاح والسحاب المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم یعقلون بار اخلاص بخواند و دو رکعت دوم اللہ لا الٰہ الا ھو الحی القیوم لا تاخذہٗ سنۃ ولا نوم لہ ما فی السمٰوات وما فی الارض من ذی الذی یشفع عندہ الا باذنہ۔

یعلم ما بین ایدیھم وما خلفھم ولا یحیطون بشئی من علمہ الا بما شاء وسع کرسیہ السمٰوات والارض ولا یؤدہٗ حفظھما وھو العلی العظیم لا اکراہ فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن باللہ فقد استمسک بالعروۃ الوثقیٰ لا انفصام لھا واللہ سمیع علیم، اللہ ولی الذین آمنوا یخرجھم من الظلمات الی النور والذین کفروا اولیاءھم الطاغوت یخرجونھم من النور الی الظلمات اُولئک اصحاب النار ھم فیھا خالدون۔

---

[1] ای بمصالح الناس فی التجارت وغیرھا ــــ ۔

[2] ای تنقلھا من جھۃ الی جھۃ جنوباً و شمالاً وانواراً وضیاءً وقبدنقص یفھا مرۃً بالرحمۃ ومرۃً بالعذاب ــــ ۔

[3] یعقلون۔ ای یفھمون ویصدّقون۔

[1] لا اکراہ۔ ستم فرمودن نیست در دین [2] التبیین هویدا شدن

[3] الوثقیٰ تانیث الاوثق ای استمسک بالعصمۃ الوثیقۃ المحکم یعنی الاسلام از تاریکی کفر بر روشنی ایمان۔ ...۔

ومتصل بخواند لله ما فی السمٰوات والارض وان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء والله علیٰ کل شیئ قدیر، آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کلٌ آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لانفرق بین احدٍ من رسله، وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا والیك المصیر، لایکلف الله نفساً الاوسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لاتؤاخذنا اِنّ نسینا او احطأنا ربنا ولاتحمل علینا اصراً کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولاتحملنا ولاطاقة لنا به، واعف عنا واغفرنا وارحمنا انت مولٰنا فانصرنا علی القوم الکافرین۔

یا بار اخلاص بخواند۔

"**نماز نور**" دو رکعت بگزارد در رکعت اول بعد سورهٔ فاتحه سورهٔ البروج ودر دوم سوره الطارق بخواند۔

"**نماز استحباب**" دو رکعت بگزارد در رکعتِ اول بعد فاتحه سوره الزمر ودر دوم الواقعه بخواند بعد از سلام سر بسجده نهد بگوید یا حیّ یا قیوم یا حلیم یا علیّ یا عظیم یا عزیز یا حکیم یا کریم بحق محمدٍ وآلہٖ ربّ لاتذرنی فرداً وانت خیر الوارثین دو رکعت بعد فاتحه الکافرون پنج بار بعد از سلام سه بار بگوید الحمد لله علیٰ حسن المساء والحمد لله علیٰ حسن المبیت والحمد لله علیٰ حسن الصباح۔

ہ العلیّ بلندپایه وبرتر ہ العظیم بزرگوار

ہ العزیز ارجمند همتا ہ الحکیم استوار کار و درست گفتار

له چون زکریا علیه السلام دعی ربه بخواند خداوند خود را "رب لاتذرنی فرداً" الآیته یا

یک بار بگوید اللھم لک الحمد حمداً دائماً خالداً مع خلودک ولک الحمد حمداً لا منتہیٰ لہٗ دون مشیتک ولک الحمد حمداً لاجزاء لقائلہٖ الا رضاک ولک الحمد حمداً عند طرفۃ عین و تنفسِ نفس الحمد للہ کفاء حقّہٖ والصلوٰۃ علیٰ رسولہٖ محمدٍ خیر خلقہٖ۔

"نماز روشنئ گور" دو رکعت بگزارد در ہر رکعتے فاتحہ و اخلاص شش بار و معوذتین بار بخواند، بعد از سلام بگوید اللھم اجعل ھذہ الصلوٰۃ سراجاً و مونساً فی قبری و فی جمیع المومنین یا ارحم الراحمین دو رکعت بگزارد در ہر رکعتے بعد فاتحہ ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ ھدیتنا وھب لنا من لدنک رحمۃ انک انت الوھاب۔

رب مرا تنہا مگزار بے وارث و انت خیر الوارثین وھذہ تفویض الامر الی اللہ تعالیٰ بالاجابتہ یعنی اگر مرا وارثے ــــ کہ خلق من بود در علم و عبادت و حکم کردن میان بندگان تو فضل و منت بود و الا تکفی بک وارثا ــ۔

ہ المساء ۔ شبانگاہ ہ المبیت خواب گاہ

ہ الدوام والخلود ہمیشگی

ہ الانتہاء بنہایت رسیدن والمنتہیٰ لمعناہ ۔

ہ الطرفۃ بگردانیدن پلک چشم والطوفۃ المرأۃ منہ ــ ۔

ہ التنفس نفس زدن النفس بالتحریک واحد الانفاس وھو ما یخرج من الحی حال التنفس ۔

لہ ای خداوندِ ما مگردان دلہا مارا ایمان از پس آں کہ ہدی دادی مارا و بخش مارا از نزدِ خود رحمتے کہ توئی بسیار بخشندہ و عطا دہندہ ــــ۔

پنج بار فاطر السموٰت والارض انت ولیّی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلماً والحقنی بالصالحین۔ پنج بار سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ ولا الٰہ الا اللّٰہ واللّٰہ اکبر ولاحول ولاقوة الا باللّٰہ العلی العظیم۔ پنج بار بعد از سلام درود فرستد وایں دعاء بخواند۔ اللّٰھم انّی اسألك ایماناً دائماً واسألك قلباً خاشعاً واسألك علماً نافعاً واسألك یقیناً صادقاً

واسألك دیناً قیّماً واسألك رزقاً طیباً واسألك عملاً متقبلاً واسألك العافیة من کل بلیة واسألك حسن العافیة واسألك دوام العافیة واسألك تمام العافیة واسألك الشکر علی العافیة واسألك الغنیٰ عن الناس یارب الناس برحمتك یا ارحم الراحمین،

له نقل است از مخدوم مولینا ضیاء الدین سنامی رحمہ اللّٰہ فرمودہ اند ہر کہ ایں دعاء در عمر خود یکبار بخواند اگر با ایمان نرود فردا . . . . دامن من باشد، دعا ایں است۔ لا الٰہ الا اللّٰہ الحی القیوم الحلیم لا الٰہ الا اللّٰہ الحی القیوم لا الٰہ الا اللّٰہ الواسع الرحیم لا الٰہ الا اللّٰہ المنان القدیم لا الٰہ الا اللّٰہ الرحمٰن الرحیم لا الٰہ الا اللّٰہ مالك یوم الدین وحسبك یا ارحم الراحمین۔

ے یوسف علیہ السلام گفت آفرینندۂ آسمانہا و زمین توئی دوست در دنیا و آخرت را سلطان میران ایں اقتدار خلق را گفت و مرا بندگاں در رساں یعنی باسحاق و ابراہیم علیہم السلام۔

له الدین القیم المستقیم الذی لا زیغ فیه ولا بدعة فیحل حلاله ویحرم حرامه ویؤدی الفرائض ویجتنب المحاظ۔

له ای الیقین الصادق الذی ینفی الشک ویغلب الشهوات ویؤتی القلب الخشیة والمحبة والهیبة والتعظیم للّٰہ تعالیٰ۔

له رزقاً۔ الرزق ما ینتفع الحی والانسان کما یتغذی الحلال ویتغذی بالحرام فلما کان الحرام

بعد ازاں ہشت رکعت سبک بگزارد تا بست رکعت اوابین تمام شود در ہر رکعتے بعد از فاتحہ اخلاص سہ بار یا یک بار بخواند بعد ازاں سجدہ کند ہفت بار سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم بخواند بر دست بر دارد و گوید یاحیّ یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا اول الاولین والآخرین یا رحمٰن الدنیا والآخرۃ و رحیمہما یا ربّ یا ربّ یا ربّ یا اللہ یا اللہ یا اللہ اغفر جمیع ذنوبہ وتقبل صلواتی وصیامی ۔

رزقًا والمؤمن مامور بما ۔ الحلال لقولہ تعالیٰ یا ایھا الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقنکم ای من الحلالات فلذلک سأل رزقًا طیبًا ای حلالًا ۔

ته انما سأل العمل المتقبل لان المقصود من العمل ھو المقبول فینبغی ان یسأل اللہ تعالیٰ قبول العمل حتی لا یضیعہ ۔

ہ العافیۃ ان یعافی من الاسقام والبلاء فیہ خیرہ ۔

که انما یستغنی العبد عن الناس اذا استغنی باللہ ومن لم ینقطع طمعہ عن الخلق فھو علی خطر عظیم ۔

ك الصلوٰۃ المسعودی صفت اوابین خواجہ امام زاہد فخر صلوٰۃ خواجہ امام اجل سرخسی رحمہ اللہ درس میکرد ایں حدیث بیروں آمد کہ ہر کہ بعد از نمازِ شام دو رکعت نماز بگزارد بخواند در ہر رکعتے یک بار فاتحہ و یک بار آیۃ الکرسی و یکبار شہد اللہ و پنج بار قل ھو اللہ احد و یک بار قل اعوذ برب الفلق و یک بار قل اعوذ برب الناس خدائے عزوجل آں بندہ را از دادنِ جان تا اندر آمدن در بہشت جملہ دشوار یہا بروی آسان گرداند و ایں نماز اوابین میخوانند و بہشت را دری است کہ آنرا "باب الاوابین" نام است بندۂ مؤمن چوں در دنیا عادت داشتہ باشد ایں نماز را گزاردن مومن بقیامت از خاک بیرون بگزاردہ اند ۔

ع ای لا حیلۃ فی رد الشر ولا قوۃ فی درک الخیر الا باللہ ۔

"احیاء داشتن بین العشائین" بہتر از نماز تمام شب بیدار بودن اما بتلاوة و اما بنماز و اما بذکر و اما بمراقبہ تا وقت نماز خفتن۔

ذکر نماز خفتن

چوں وقت نماز خفتن در آید چہار رکعت سنۃ بگزارد در رکعت اول بعد فاتحہ آیتہ الکرسی تا خالدون و در دوم للہ ما فی السمٰوات تا آخر سورۂ البقر در رکعت سوم سبح للہ ما فی السمٰوات والارض وھو العزیز الحکیم لہٗ ملک السمٰوات والارض یحی و یمیت وھو علیٰ کل شیئٍ قدیر۔

ھو الاول والآخر والظاھر والباطن وھو علیٰ کل شیئٍ علیم ھو الذی خلق السمٰوات والارض فی ستۃ ایام ثم استویٰ[۱] علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منھا و ینزل من السماء وما یعرج فیھا وھو معکم اینما کنتم واللہ بما تعملون بصیر لہٗ ملک السمٰوات والارض والی اللہ ترجع الامور تولج اللیل فی النھار فی اللیل واللہ علیم بذات الصدور

لہ پیغامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود بعد از نماز شام صد بار بگوید۔ لا الٰہ الا اللہ محمد رسول اللہ حق تعالیٰ او را از سہ نعمتہا بنوازد، اول آنکہ ہیچ گناہ ایمان او را از دال نیارد، دوم آنکہ از وی خوشنود گردد، سوم آنکہ عذاب گور بر وے نباشد۔

لہ سورۃ المراقبۃ ان یغمض الشخص و یغمض عینیہ اذا انعمضہما و یعلم بقلبہ ان اللہ تعالیٰ ناظراً الیہ فی دام القلب ملاونہا لہذا العلم بان اللہ تعالیٰ ناظر الیہ۔

لہ من صلی العشاء فی الجماعۃ و مات قبل الفجر دخل الجنۃ بغیر حساب یکون رفیق ابراھیم و اسماعیل علیہما السلام۔

لہ ای خلق السمٰوات السبع والارضین فی مقدار ستۃ ایام اول یوم منہما یوم الاحد و آخر یوم منہا یوم الجمعۃ ثم استویٰ علی العرش من المتشابھہ۔

لہ قال علیہ السلام من قرأ آخر الحشر غفر اللہ لہ ما تقدم من ذنبہ وما تأخر۔

درر کعت چہارم لو انزلنا ھذا القرآن علی جبلٍ لرأیتہ خاشعًا متصدعًا من خشیۃ اللہ وتلک الامثال نضربہا للناس لعلہم یتفکرون ھو اللہ الذی لا الٰہ الا ھو علم الغیب والشہادۃ ھو الرحمٰن الرحیم ھو اللہ الذی لا الٰہ الا ھو الملک القدوس السلام المؤمن المہیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان اللہ عما یشرکون۔

ھو اللہ الخالق البارئ المصور لہ الاسماء الحسنیٰ یسبح لہٗ ما فی السمٰوات والارض وھو العزیز الحکیم۔ و مستحب در گزاردن نماز خفتن آنست کہ چوں ثلث شب بگزرد نیت کند اُدِّی فریضۃ اللہ تعالیٰ صلوٰۃ ھذہ العشاء اربع رکعاتٍ" در خواندن قرأۃ از پانزدہ تا بست آیت خواند بعد از سلام یک بار بگوید۔

---

٥ الرحمٰن العاطف علی البر والفاجر بادراک الرزق فی الدنیا۔

٥ الرحیم خاصۃً علی المومنین بالمغفرۃ ودخول الجنۃ۔

۱ العزیز الغالب فی المالکیۃ والقاہر علی الارض۔

۲ الحکیم فی تدبیرہ وفی الحدیث من قرأ آخر الحشر غفر لہ ما تقدم من ذنبہ وما تأخر وقال علیہ السلام من قرأ خواتیم الحشر من اللیل والنہار فقبض فی ذلک الیوم واللیلۃ فقد اوجبت لہ الجنۃ ویروی فمات فی لیلۃ مات شہیدا، وعن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ سألت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم عن اسم اللہ الاعظم فقال علیک بآخر الحشر فاکثر قرأتہ فاعدت علیہ۔

۳ فی "خزانۃ الفقہ" سنۃ العشاء ثلث مراتب مشروع وحسن احسن، اما المشروع فرکعتان والحسن اربعۃ رکعات واحسن ست یصلی رکعتین ثم اربعا وفی المبسوط الکلام المباح لایحل بعد صلوٰۃ العشاء الا فی ضرورۃ وفی مفتاح المسائل انہ نہی عن النوم قبل العشاء وعن التکلم بعد العشاء

لا آله الا الله وحدهٗ لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وھو حیٌ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیده الخیر وھو علیٰ کل شئی قدیر لا آله الا الله اھل النعمة والفضل والثناء الحسن لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره الکافرون دست برآرد و درود گوید واین دعا بخواند

اللّٰھم تب علینا قبل الموت ھوّن علینا سکرات الموت وارحمنا عند الموت ولا تعذبنا بعد الموت یا خالق الحیاة والموت، ربنا توفنا مسلمین والحقنا بالصالحین صل علیٰ محمدٍ وعلیٰ اٰله اجمعین اجمعین۔ پس برخیزد دو رکعت سنت گزارد در رکعت اول الکافرون و در دوم اخلاص بخواند بعد ازاں چهار رکعت دیگر بگزارد، در رکعت اول بعد فاتحہ آیة الکرسی سه بار، در دوم اخلاص و معوذتین یکان بار، در سوم آیة الکرسی سه بار، در چهارم ہماں سه قل یکان بار بخواند بعد از سلام بسجده رود چهار بار بگوید سبحان القدیم الذی لم یزل سبحان العلیم الذی لا یجهل سبحان الجواد الذی لا یبخل سبحان الحلیم الذی لا یعجل۔

ـه لا آله فی الوجود الا الله ولا مستحق الالوهیة الا الله۔

ه پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بعد از نماز خفتن صد بار بگوید سبحان الله والحمد لله تا آخر حق تعالیٰ او را سه چیز کرامت کند اول آنکه هر شبے دو ہزار پانصد گناه کبیره او را بیامرزد، دوم آنکه دو ہزار پانصد نیکی بدیرفته در دیوان او ثبت کردن فرماید، سوم آنکه دو ہزار پانصد کوشک در بهشت بنام او بنا کردن فرماید۔ (مفتاح الجنة)

ه الاحیاء زنده کردن والاماتة میرانیدن

ه لکل هول فی الدنیا والآخرة لا اله الا الله ولکل هم وغم ما شاء الله کان ولکل کرب لا نهم لا حول ولا قوة الا بالله ولکل ذنب ولکل ضیق حسبی الله ولکل مصیبة انا لله ولکل نعمة الحمد لله ما لی من نعمة فمن الله ولکل عجوبة سبحان ولکل . . . . . وقد توکلت علی الله ولکل طاعة ومعصیة لا حول ولا قوة الا بالله واقول لکل رغبة ورهبة اللّٰهم صل علیٰ محمد وعلیٰ آل محمد الخ ـــ

بست بار ہم در سجدہ بگوید یا رحیلم وحاجت خواہد بعد ازاں چہار رکعت دیگر گزارد در رکعت اول بعد فاتحہ سورہ یٰسٓ در دوم دخان و در سوم الٓمٓ سجدہ در چہارم سورۃ الملک بخواند بعد از سلام درود گوید وایں دعا بخواند اللّٰھم ارحمنی بترک المعاصی ابداً وما ابقیتنی وارحمنی من ان اتکلف مالایعنی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی، اللّٰھم بدیع السمٰوات والارض ذوالجلال والاکرام والعزۃ التی لاترام اسألک یا اللہ یا رحمٰن بجلالک ونور وجہک ان تلزم قلبی حفظ کتابک وارزقنی ان تلوہ علی النحو الذی یرضیک عنّی اللّٰھم بدیع السمٰوات والارض ذا الجلال والاکرام والعزۃ التی لاترام اسألک یا اللہ یا رحمٰن بجلالک ونور وجہک ۔

ہ التہوین ۔ آسان گرانیدن ۔

ہ سکرات جمع سکرۃ تلخی موت ۔

ہ شیخ المشائخ رکن الحق والدین رحمہ اللہ علیہ فرمودہ کہ ایں کلمات ہر روز بیست بار بگوید فرد البغم دنیاوی حساب نکند حکمت آنکہ بست و پنج بار مرگ می کند شب و روز بست چہار ساعت بیش نیست پس ہر کہ ساعت یاد مرگ حساب نعمت نبود ۔

ہ الجہل بسکون الہاء والجہالۃ نادان شدن من خدائے عزوجل

ہ البخل بخیلی کردن ۔

ہ سورۃ یٰسٓ در سیپارۂ بست و پنجم، سورۂ دخان در سیپارۂ بست و دوم، الٓمٓ سجدہ در سیپارۂ بست دیکم، سورۂ ملک در سیپارۂ بست و نہم ۔

ہ الابقاء باقی داشتن

ہ التکلف ارخویشتن چیزے نمودن کہ آں نباشد ۔

ہ الارضاء خوشنودی ۔

ان تنور بکتابك بصری وان تشرح به صدری وان تفرّج به قلبی وان تشغل به بدنی وان تطلق به لسانی ولایعیننی علی الحق وغیرك ولایؤتیه الا انت ولاحول ولاقوة الّا بالله العلیّ العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمدٍ وآله اجمعین ـ

دُعاءِ یٰسٓ :ـ سبحان المفرّج عن کل محزون سبحان المنفّس عن کل مدیون سبحان من جعل خزائنه بین الکاف والنون انما امرہ اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون ، سبحانه سبحانه سبحانه فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیئ والیه ترجعون ـ

"دُعاء تبارک" بخواند اللّٰھم اعصمنی بالاسلام قائماً واعصمنی بالاسلام قاعداً واعصمنی بالاسلام راقداً ولاتشمت بی عدوّاً ولاحاسداً ، اللّٰھم انی اعوذبك من شر نفسی ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها واسالك من الخیر الذی کلمه بیدك انّ ربی علی صراطٍ مستقیم و در رکعت دیگر بگزارد در اول بعد فاتحه والذین اذا فعلوا فاحشةً اوظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الّا الله ـ

ہ وفی المحیط وروی انه کان تعتبر سورة من المفصل فی الرکعة الاولیٰ تا انا انزلناہ ، واذا زلزلت الارض ، والھٰکم التکاثر ، وفی الثانیة والعصر ، وانا اعطینا ، واذا جاء نصر الله ، وفی الثالثة قل یا ایھا الکٰفرون ، وتبت یدا ابی لھب ، وقل ھوالله احد ، وفی الفتاویٰ الحجة روی عن رسول الله صلی الله علیه وسلم انه قرأ فی الوتر فی الرکعة الاولیٰ سورة الاعلیٰ ، والقدر ، واذا زلزلت ، وفی الثانیة الکافرون والعصر والکوثر ، وفی الثالثة الاخلاص والمعوذتین ، ... والمعوذتین بکسر الراء ـ !

ہ التفریج کشادہ کردن ـ

ہ الاشتغال مشغول گردانیدن ـ

له ای لاعصمة من معصیة الله الّا بعصمة الله ولاقوة الی طاعة الله لمعونته الله ـ

ولم یصرّوا علیٰ ما فعلوا وھم یعلمون، اولئک جزآؤھم مغفرۃ
من ربھم وجنّاتٍ تجری من تحتھا الانھار خالدین فیھا ونعم
اجر العاملین در رکعت دوم ولو انھم اذ ظلموا انفسھم جاؤک
فاستغفروا اللہ واستغفر لھم الرسول لوجدوا اللہ توّابًا رحیما۔

وایں آیت نیز بخواند ومن یعمل سوءًا او یظلم نفسہ ثم یستغفر اللہ
یجد اللہ غفورًا رحیما اگر نماز با نفل پیش از وتر گزارد بہتر و مستحب در
گزاردن وتر آنست کہ اگر استواری باشد بر بیداری وتر بگزارد آں گاہ بخسپد و
در خواندن قرأۃ وتر افضل آنست کہ در رکعت اول سبح اسم ربک ویا انا انزلنا
ودر دوم الکافرون ودر سوم اخلاص بخواند تمام کند دست برآرد اللہ اکبر
گوید ودعاء قنوت بخواند۔

فی تفسیر عین المعانی فی سورۃ الملک قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم سورۃ فی القرآن ثلٰثون
آیتہ شفعت لصاحبہا حتی غفر لہ وھو تبارک الذی بیدہ الملک وعن عبد اللہ ابن مسعود رضی اللہ عنہ
یؤتی الرجل فی قبرہ قبل رأسہ فیقول لیس لکم علی سبیل قد کان یقرأ علیٰ سورۃ الملک فیؤتی من قبل رجلیہ فیقول لیس لکم علی
قد کان یقرأ علیٰ سورۃ الملک فیؤتی من قبل فیقول لیس لکم علیٰ سبیل فانہ قد اوعیٰ فی سورۃ الملک فیؤتی وھی المنجیۃ تنجی
من عذاب القبر وروی ابو لاثبیر عن جابر قال کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم لا ینام حتیٰ یقرأ سورۃ الملک والسجدۃ۔

الدابۃ بفتحہ یقع علیٰ کل حیوان ممیز ویقع علیٰ الذکر والانثیٰ۔

الناصیۃ موئے پیشانی ھٰھنا بناصیتہا ای ذاتھا۔

ای فیما دون الذی مثل اللمسۃ والقبلۃ والنظر فیما لا یحلّ۔

ذکروا اللہ ای حافظ اللہ۔

استفھام بمعنی النفی ای ولم یغفر الذنوب احد الا اللہ۔

ہر کہ بدی کند وبداں کردن برخاستن کند باز توبہ وگناہان خود را از خدای عز وجل آمرزش خواہد خدا وند را آمرزگار گناہ یابد و

لہ بخشایندہ۔ (زاہدی)

لہ اوتر من اول اللیل فھو ومن اوتر آخر اللیل فھو ومن نام عن وترہ او فلیصل اذا اصبح واذا ذکر ——۔
(زاہدی)

اللّٰهم انا نستعينك ونستغفرك ونؤمن به ونتوكل عليك ونثنى
عليك الخير ونشكرك ولا نكفرك ونخلع ونترك من يفجرك اللّٰهم اياك نعبد
ولك نصلى ونسجد واليك نسعىٰ ونحفد ونرجوا رحمتك ونخشىٰ
عذابك ان عذابك بالكفار ملحق۔

اللّٰهم اهدنا فيمن هديت وعافنا فيمن عافيت وتولنا فيمن توليت
وبارك لنا من الخير فيما اعطيت وقنا ربنا شر ما قضيت انك
تقضى ولا تقضى عليك انه لا تذل من واليت وتعز من عاديت تباركت

---

۲ فى العوارف ولا يؤخر الوتر الا ان يكون واثقا من نفسه فى عادتها الا للتهجد فيكون الوتر الى التهجد حينئذا
قال النبى عليه الصلوٰة والسلام من صلىٰ الوتر ليلة الجمعة فى بيته لم يكتب عليه خطيئةٌ الى الجمعة المتقبلة و
ان مات فيما بينهما مات شهيدا وغفر الله له بكل ركعة ذنب سنةٍ وكتب له عبادة سنة وبنىٰ له مدينة
فى الجنة ۔

۳ وقد روى انه عليه السلام انه قرأ فى الاولىٰ من الوتر سبح اسم ربك الاعلىٰ وفى الثانية قل
يا ايها الكٰفرون ، وفى الثالثة قل هو الله احد ۔

۴ القنوت الطاعة والدعاء والقيام فى قوله عليه السلام افضل الصلوٰت طول القنوت والمشهور
الدعاء ۔

---

۵ مشائخ بخارا وسمرقند وفرغانه وخجند وترکستان ودہلی رحمہم اللہ دعاءِ قنوت را تا ملحق می خوانند ۔

ہ الاستعانة طلب العون على الطاعة وترك المعصية ۔

ہ هو من الثناء وهو المدح وانتصاب الخير على انه صفة المصدر المحذوف اى ونثنى عليك الثناء
الخير فيكون تاكيدا لان الثناء قد يستعمل فى الشر ايضًا ۔

ہ الاستغفار سوال المغفرة والمغفرة الستر والتغطية ومنه المغفرة للذنوب ولو قرأ وتستغفرك
بالخاء لا يفسد صلوته لانه بين العين والخاء اتحاد المخرج وبينهما قرب المعنىٰ فان الاستخفار طلب
الامان والاستغفار طلب المغفرة ۔

ربنا و تعالیت عما یقول الظلمون علوًّا کبیرًا یا ذا الجلال والاکرام رب اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم فانک انت الاعز الاکرم صل علی محمدٍ و علی آل محمدٍ و بارک وسلم۔

بعد از سلام سجدہ کند سہ بار یا دہ بار بگوید سبحان الملک القدوس سبوح قدوس رب الملائکۃ والروح پس بنشیند آیۃ الکرسی بخواند باز سجدۂ دوم کند ہمیں تسبیح چنانکہ گفتیم بگوید پس سر بر آرد حاجت خواہد پس دو رکعت سنۃ بگزارد، در رکعتِ اول بعد فاتحہ اذا زلزلت الارض و در دوم الھیکم التکاثر بخواند بعد از سلام سہ بار بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت سبحان اللہ والحمد للہ رب العالمین یفعل اللہ ما یشاء بقدرتہ و یحکم ما یرید بعزتہ۔

ہ من یفجرک ای من یعصمک و یخالفک ۔

ہ السعی الاسراع فی المشی ای و تحصیل السعی الیک ۔

ہ جمع الکافر کالفجار جمع الفاجر، ملحق بالکسر الفتح والکسر افصح کذا فی الینابیع و الطحاوی ۔

ہ ملحق وللحق ولاحق منقول بالاسناد والصحیح ملحق بکسر الحاء ۔

لہ اھدنا ای ثبتنا علی الھدایتہ فیما بین من یثبتہم علی الایمان ۔

لہ ای احفظنا من البلاء فیمن حفظتہم ۔

لہ التولی در کار کسی ایستادن نمودن ۔

لہ ای زدنا فیمن اعطیت ۔

لہ ای انک تحکم علینا بما شئت ولا تقضی علیک ای ولا تحکم علیک ۔

لہ قالت فاطمۃ رضی اللہ عنہا قال علیہ السلام ما من مؤمن ولا مؤمنتہ بعد الوتر سجدتین یقول فی سجودہ خمس مرات سبوح قدوس رب الملائکۃ ثم رفع رأسہٗ و یقرأ آیتہ الکرسی مرۃ ثم یسجد و یقول خمس مرات سبوح قدوس الیٰ آخرہ والذی نفس محمد بیدہ انہ لا یقول من مقام حتی یغفر اللہ

سی بار سبحان اللہ، سی بار الحمد للہ، سی بار اللہ، یک بار لا آلہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہ لہ الملک و لہ الحمد یحی و یمیت وھو حیّ لا یموت بیدہٖ الخیر و ھو علیٰ کل شئی قدیر، فالحمد للہ نحمدہٗ و نستعینہ و نؤمن بہ و نتوکل علیہ و نشھد ان لا آلہ الا اللہ وحدہٗ لا شریک لہٗ و نشھد ان محمداً عبدہ و رسولہٗ المجتبیٰ ارسلہ بالھدیٰ و دین الحق لیظھرہٗ علی الدین کلہ و لوکرہ المشرکون، من یھدی اللہ فلا مضل لہ و من یضلل اللہ فلا ھادی لہ نعوذ باللہ من شرور انفسنا و من سیّاٰت اعمالنا و اگر از سالھا بامداد بخواند بہتر بود۔

ذکرِ خفتن

در وقتِ خفتن پیش ازاں کہ خواہد خفت و بعد از نماز بامداد در خواندن ایں سورتہا و آیتہا مواظبت نماید سورۃ حدید و حشر و الصف و جمعہ و تغابن و اعلیٰ و انون و القلم تا آخر اگر نتواند از اذالسماء انشقت تا آخر قرآن و ایں آیتہا بخواند۔

اذا عطاہ اللہ ثواب مایۃ حج و عمرۃ و ثواب الشھادۃ و بعث اللہ الیہ الف ملک یکتبون الحسنات و کانما اعتق بہ مایۃ رقبۃ و المستجاب اللہ دعاہ و یشفع یوم القیامۃ فی ستین من اھل النار و ان مات مات شھیداً۔

؎ دو رکعت کہ بعد از وتر می گزارد بروایت صحیح ثابت شدہ است۔

؎ آں خدائی کہ فرستاد رسول خدا را بنمائش خلق بر دین حق تا راہ رفتنِ مومناں بدین آسان شود رسول را بدال فرستاد تا دین او آشکار آید۔ (زاہدی)

؎ فی بستان الفقیہ ابی اللیث رحمہ اللہ خواب بر دوازدہ وجہ است، سنتہ[۱] و آں قیلولہ است و آں مقوی عقل

سورۂ فاتحہ آلٓمّٓ ذٰلک الکتاب تا المفلحون، الٰھکم آلہ واحد تا یعقلون آیۃ الکرسی تا خالدون، للہ ما فی السمٰوات تا آخر شھد اللہ تا السلام قل اللھم تا بغیر حساب، ان ربکم اللہ الذی تا من المسلمین لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ماعنتم حریصٌ علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم، فان تولوا فقل حسبی اللہ لا آلہ الّا ھو علیہ توکلت وھو رب العرش العظیم۔

قل ادعوا اللہ اوادعوا الرحمٰن ایا ما تدعو فلہٗ الاسماء الحسنیٰ ولا تجھر بصلاتک ولا تخافت بھا وابتغ بین ذٰلک سبیلاً، وقل الحمد للہ الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن لہٗ شریک فی الملک ولم یکن لہٗ ولیٌّ من الذل وکبرہ تکبیراً۔

انّ الذین آمنوا وعملوا الصّٰلحٰت کانت لھم جنّات الفردوس نزلاً تا آخر وذا النون اذ ذھب مغاضباً فظنّ ان لن نقدر علیہ فنادیٰ فی الظلمات ان لا آلہ الّا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا لہ ونجیناہ من الغمّ وکذٰلک ننجی المومنین۔

دو ماغ است وخواب بدعۃ وآں نماز خفتن است وخواب سبب دیوانگی وآں نماز دیگر است وخواب سبب عقوبت وآں نماز خفتن وخواب عادت وآں بعد نماز خفتن است وخواب وآں وقت صبحدم است وخواب سبب درویشی وآں بعد نماز بامداد پیش از طلوع شمس وخواب در مسجد خفتن وخواب ملالت در مجلس علم است وخواب عبادت خواب عالم است دروازہ دار وخواب کرامت وآں در سجدہ خواب۔

لہ حریص علیکم بالمومنین رؤف الرحیم۔ حریص است بر ایمان شما مہربان وبخشائندہ است بر مومناں۔

وزکریا اذ نادیٰ ربّہ ربّ لاتذرنی فرداً وانت خیر الوارثین

فسبحان اللّٰہ حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السمٰوات

والارض وعشیًّا وحین تظهرون ، یخرج الحیّ من المیّت ویخرج

المیّت من الحیّ ویحی الارض بعد موتها وکذالک تخرجون ۔

بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم ۔ والصّافّات صفّا فالزاجرات زجراً فالتالیات

ذکراً انّ الٰهکم الٰهٌ واحد ربُّ السمٰوات والارض وما بینهما وربّ

المشارق اِنّا زیّنّا السماء الدنیا بزینة الکواکب ۔

وحفظاً من کل شیطانٍ مارد لایسمعون الی الملاءِ الاعلیٰ ویقذفون

من کل جانب دحوراً ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه

شهابٌ ثاقب فاستفتهم اهم اشد خلقا امّن خلقنا انا خلقنا

هم من طینٍ لازب ، سبحان ربّک ربّ العزة عما یصفون وسلام

علی المرسلین والحمد للّٰہ ربّ العالمین ، بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم حٰمٓ

تنزیل الکتاب من اللّٰہ العزیز العلیم غافر الذنب وقابل التوب

شدید العقاب ذی الطول ۔

لا الٰه الا اللّٰہ الیه المصیر لقد صدق اللّٰہ رسوله الرؤیا بالحق

لتدخلنّ المسجد الحرام ان شاء اللّٰہ آمنین محلّقین رؤسکم

ومقصرین لاتخافون فعلم مالم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحاً قریباً

ا؎ دیگر دلیل وحدانیت آنست که خدای عزوجل بیرون آرد زنده را از مرده یعنی مرغ را از خانهٔ بیضه وخانهٔ مرده از مرغ زنده وکذلک تخرج الولد الحی من المیت ولولد المیت من الحی وکذا المسلم وزنده کند زمین مرده را بنبات از بعد آنکه مرده بود وخشک شده وهمچنین بیرون آرم باز در زمین روز قیامت زنده گردانم ۔۔ (زاهدی)

۲؎ والصافات صفا سوگند بفرشتگان صف زده اند وعبادت خدای عزوجل صف زدنی ، هم عباد اللّٰہ فی السماء وخرج الکلام علی صفة التانیث لان الملائکة فرقٌ وطوائف ای اقسم بفرق الملائکة ۔

هو الذی ارسل رسوله بالهدیٰ و دین الحق لیظهره علی الدین کله وکفیٰ
بالله شهیداً محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم تریٰهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة ومثلهم
فی الانجیل کزرع اخرج شطأهٗ فآزرهٗ فاستغلظ فاستویٰ علیٰ سوقه
تعجب الزرّاع لیغیظ بهم الکفار

وعد الله الذین آمنوا وعملوا الصلحات منهم مغفرة و اجراً عظیماً،
یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السمٰوات ....
والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فبأیّ آلاء ربکما
تکذبان، یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران۔

بسم الله الرحمن الرحیم۔ سبح لله ما فی السمٰوات والارض وهو العزیز
الحکیم، له ملک السمٰوات والارض یحی ویمیت وهو علی کل شئی قدیر
هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شئی علیم، هو الذی
خلق السمٰوات والارض فی ستة ایام ثم استویٰ علی العرش یعلم
ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج
فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر۔

این زیارت وعده است نصرت مؤمناں را و ازالت دحشت صلح از دلہاء ایشان وی آں خداوند است کہ فرستاد رسول
خود را بنمائش خلق و دین حق تا راه رفتن مؤمناں بریں راه آساں شود لیظهره این رسول را بداں فرستاد تا دین وی آشکارا
کند بر ہمہ . . . وملتها اگر این دکافراں ترا در نبوت گواہی می دہند وراست گوئی می دارند خدائی عز وجل گواه بس است۔ (زاہدی)

ؔ عن النبی صلی الله علیه وسلم من قرأ سورة الحدید کتب من الذین آمنوا بالله و رسوله۔
(زاہدی)

له ملك السموات والارض والی الله ترجع الامور، یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات الصدور، لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشیة الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون، هوالله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هوالرحمٰن الرحیم

هوالله الذی لا اله الّا هوالملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون، هوالله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنیٰ یسبح له ما فی السموات والارض وهوالعزیز الحکیم ـــ.

بسم الله الرحمٰن الرحیم . قل اوحی الیّ انه استمع نفرٌ من الجن فقالوا انا سمعنا قرآناً عجباً یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرك به بنا ما تخذ صاحبة ولا وانه کان یقول سفیهنا علی الله شططاً سورة الکافرون والاخلاص ومعوذتین واین دعا بخواند اللهم احرسنا بعینك التی لا تنام واجعلنا فی کنفك الذی لا یرام بقدرتك علینا ولا تهلکنا وانت رجاؤنا بسم الله علی نفسی ودینی بسم الله علی اهلی ومالی وولدی.

له ویک نوع از کمالِ قدرت خبر داد گفت در آرد شب در روز را در شب، وهو علیم بذات الصدور. داناست۔

(زاهدی)

ئه عن النبی صلی الله علیه وسلم من قرأ آخر الحشر غفر له، ما تقدم من ذنبه وما تاخر۔

له ای قل لامتك الی که این سورت برسان بامت خود انه استمع نفر من الجن ای استمع قرآنی گوش داشت بخواندن من گروهی از پریان برین قوم زتن بودند چون بشنیدند بگرویدند بقوم خود باز بشنیدو دیگران را دعوت کردند این نفر چون قرآن چون نشنیدند گفتند ما قرآنے شنیدیم که هرگز نشنیده بودیم بگرویدیم بدین قرآن وان یتخذ مع الله الذی هو خالقنا۔

بسم اللہ علی جمیع ما اعطانی ربی اللہ اللہ اللہ ربی لا اشرک بہ شیئاً اللہ اعز واجل مما اخاف واحذر اللھم انی اعوذ بک من شر نفسی و من شر کل دابۃ انت آخذ بناصیتہا ان ربی علی صراط مستقیم، اللھم رب السموات السبع ورب العرش العظیم ربنا ورب کل شیئ منزل التورٰۃ والانجیل والزبور والفرقان نعوذ بک من شر کل دابۃ ناصیتہا بیدک انت الاول فلیس قبلک شئی وانت الآخر فلیس بعدک شئی وانت الظاہر فلیس فوقک شئی وانت الباطن فلیس دونک شئی اقض عنا الدین واغننا من الفقر۔

بر دست رمد بر روئی بر اندام دیگر بمالد و بر دست راست بخپید روی سوئی

اشہد ان لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لا شریک لہ واشہد ان محمداً عبدہٗ ورسولہ،

الٰہی باسمک وضعت جنبی وبک ارفعنا اللھم ان امسکت نفسی فاغفرھا لھا

عن عائشۃ رضی اللہ عنہا قالت ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم اذا اوی الی فراشہ کل لیلۃ جمع کفیہ فیہما فقرأ فیہم سورۃ الاخلاص ومعوذتین ثم یمسح بہما ما استطاع من جسدہ یفعل ذلک ثلث مرات ــــ۔

○ الحراسۃ پاس داشتن و نگاہ داشتن۔

○ الرّوم الطلب ای لا یطلب من غیرک۔

○ رجاء امید

○ العوذ والعیاذ - بازداشت خواشتن۔

○ الدابۃ جنبندہ یقع علی کل حیوان ممیز ویقع علی الذکر والانثیٰ۔

○ الناصیۃ موئی پیشانی وار اوھنا

○ الرب خداوند و پروردگار ــــ!

○ الانزال فرود فرستادن

○ التورایۃ کتاب حق تعالیٰ کہ بر موسیٰ علیہ السلام نازل باشد۔

لها وارحمها وان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين اللّٰهم انی وجهت وجهی للذی الیك وفوضت امری والجأت ظهری الیك رهبةً ورغبةً الیك لاملجاء ولامنجاء الا الیك آمنت بكتابك الذی انزلت و نبیك الذی ارسلت۔

اللّٰهم قنی عذابك یوم تبعث عبادك الحمد للّٰه الذی علا فقهر والحمد للّٰه الذی ملك فقدر الحمد للّٰه الذی هو یحی۔

اللّٰهم قنی عذابك یوم تبعث عبادك الحمد للّٰه الذی علا فقهر والحمد للّٰه الذی بطن فخبر والحمد للّٰه الذی ملك فقدر الحمد للّٰه الذی هو یحی الموتٰی وهو علی كل شیئٍ قدیر، اللّٰهم انی اعوذبك من غضبك وسوءِ عقابك وشر عبادك وشر الشیطان وشركه اللّٰهم یقظنی فی احب الساعات الیك واستعملنی باحب الاعمال لدیك التی تقربنی الیك ذنبعد نی من سخطك بعداً اسئالك فتعطنی واستغفرك فتغفرلی وادعوك فتستجیب لی، اللّٰهم لاتؤمنی مكرك ولاتولنی غیرك ولا ترفع عنی سترك ولاتنسنی ذكرك ولاتجعلنی من الغافلین۔

○ الانجیل کتاب حق تعالیٰ کہ بر موسیٰ علیہ السلام نازل شد۔

○ الزبور بر داؤد علیہ السلام نازل شد۔

○ القرآن قرآن سمیّ به لانه یفرق بین الحلال والحرام ـــ۔

○ عن حفصة رضی الله عنها ان رسول الله صلی الله علیه وسلم كان اضطجع علی فراشه اضطجع علیها یمینه وقال اللّٰهم قنی عذابك الی آخره۔

○ العلاء بزرگوار شدن

○ القهر غلبه کردن۔

○ الخبر والخبرة آزمودن۔

یا رب کل شئی بقدرتك علیٰ کل شئی لاتسألنی عن شئی واغفر لی کل شئی اللّٰھم انی قد آویت الیك ومن آوی الیك فقد اوی الیٰ رکنٍ شدید و ذکر می گوید تا خوابش بود۔

ذکر بیدار شدن از خواب

چوں از خواب بیدار شود بحضور دل برخیزد دل خود را بجانب حق مائل کند واز بحث و قیامت یاد آرد وغیرہ او در دل بنا رد و بگوید۔

الحمد للّٰہ الذی احیانی بعد ما اماتنی والیہ النشور الحمد للّٰہ الذی عافانی فی جسدی ورد الیّ روحی ویعثنی لذکرہ سبحان من یحی الموتیٰ وھو علیٰ کل شئی قدیر، لا الٰہ الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین و للّٰہ ملك السمٰوات والارض واللّٰہ علیٰ کل شئی قدیر، ان فی خلق السمٰوات والارض واختلاف اللیل والنھار لآیاتٍ لاولی الالباب الذین یذکرون اللّٰہ قیامًا وقعودًا وعلیٰ جنوبھم ویتفکرون فی خلق السمٰوات والارض ربنا ما خلقت ھذا باطلًا سبحانك فقنا عذاب النار۔

ہ الاحیاء زندہ کردن ہ التقریب نزدیک کردن

ہ التبعید دور کردن

ہ چوں پیغامبر علیہ السلام نیم شب از خواب برخاست بعد وضو ایں آیت خواندی۔ (صراط مستقیم)

ہ التولیۃ والی کردن ای لا تول علیٰ خیرك۔

ہ الانساء فراموش گردانیدن

ہ الفضول والفضلۃ فاضل شدن۔

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار
ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيآتنا وتوفنا مع الابرار،
ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك
لا تخلف الميعاد، فاستجاب لهم ربهم اني لا اُضيع عمل عاملٍ منكم
من ذكرٍ او اُنثىٰ بعضكم من بعض فالذين هاجروا واُخرجوا من ديارهم
واوذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا لاكفرن عنهم سيآتهم ولا
دخلنهم جناتٍ تجري من تحتها الانهار ثوابا من عند الله
والله عنده حسن الثواب.

لا يغرنك تقلب الذين كفروا في البلاد متاعٌ قليل ثم ماويهم
جهنم وبئس المهاد لكن الذين اتقوا ربهم لهم جناتٍ تجري من
تحتها الانهار خالدين فيها نزلا من عند الله وما عند الله
خيرٌ للابرار، وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم
وانزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا، اولئك
لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحسنات.

في وسيلة القلوب الوجه خفتة از حیوة تمام منقطع نیست اما حکم غالب راست و برائے نفی
می کشد بحکم شریعت از جملهٔ زندگان اما چون اعضاء خوابش بیکارند در حقیقت از جمله مردگان
بوجه زنده باشد که حمد گوید زنده کنند مرا حال را بگفتن الحمد.

پیغامبر علیه السلام چون از خواب بیدار شدی این دعا بخواندی الحمد لله الذی احیانی تا آخر دو بار سبحان الله
بحمده و ده بار سبحان الله القدوس و ده بار استغفر الله و ده بار لا اله الا الله گفتی آنگاه ده بار گفتی
اللّهم انی اعوذ بك من ضیق الدنیا وضیق الاخره پس شروع در نماز کردی.

الاخزاء خوار کردن، رسوا کردن، هلاک کردن.

یا أیھا الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا اللہ لعلکم تفلحون اگر تواند غسل کند کہ دل را مفید است واگر نتواند آببست کند و چوں خواہد مسواک را بشوید و ایں دعا بخواند اللّھم اجعلنی تسویکی ھذا تمحیصًا الذنوبی و مرضاۃً لک یا سیّدی و بیّض وجھی کما بیضت بہ اسنانی چوں فارغ شود ہم مسواک بشوید۔

اَدَبُ قضاءِ حاجت

چوں خواہد کہ در مستراح رود نخست آستین راست بر مالد و ہر چہ نام حق . . . باشد از خود دور کند و سر برہنہ و پشت برہنہ نرود و آں دعا بخواند۔ اللّٰھم أنی اعوذبک من الرجس النجس الخبیث المخبث من الشیطان الرجیم پائے چپ دروں نہد چوں بنشیند خود را بقدر حاجت برہنہ کند و دستِ چپ نہد ہمچوں غم زادگاں و بیک پائے راست بایستادہ و قوت بر پائے چپ کند تا زود فارغ شود می باید کہ آب از دہن نیند از و و بینی فش نکند۔

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود مسواک کردن شفاء جملہ بیماریہا است ـــ ۔

فی العصر فی باب الشافعیؒ ویکرہ السواک وللصائم فی آخرۃ النہار عندہٗ و عندنا لایکرہ ـــ

یکے از سنن وضو مسواک کردن است فاما برائے ہر وضوئ و نمازی و ہر گاہ کہ دھن شود مستحب بود و اگر پسند کند روا باشد و اگر جملہ دہان را مسواک کند بہتر چنیں گفتہ اند در از وضو کہ مسواک کردہ باشد فاضل باشد چند درجہ بنمازی کہ مسواک نکردہ باشد در آبدست روزہ دار را مکروہ است مسواک کردن آں پیش ازاں کند روا باشد باتفاق ـــ ۔

وبازی نکند وخط نکشد وسخن نگوید . . . . . بیروں آید دراں . . . . واگر در صحرا باشد بجائی رود کہ نظر خلق بروی نیفتد و در حجابے بنشیند کہ عورت خود را پیش از نشستن برہنہ نکند و قبلہ نگردد و در مستراح دیر ننشیند و در زمینِ سخت و برابر بول و براز نکند و پشت دہد . . . زرسد و اگر ہیچ حجاب نباشد جامہ خود حجاب کند۔

وایستادہ بول نکند مگر در حمام برائی طلب رالضرورتے و در ہیچ سوراخے بول و غائط نکند و آنجا اگر غسل و وضو سازد بول نکند و چوں فارغ شود استنجا کند و در استنجا دو چیز فرض است اول دور کردن نجاست، دوم پاکی کلوخ و باا ستخواں و سرگین و بچیزے کہ یکبار استنجا بدو کردہ اند نکند کلوخ سہ ۳ یا پنج یا ہفت بار والایکے سہ گوشہ۔

۱؎ عن ابی اللیث یکرہ الکلام فی الخلاء، فی شرح السنة ولا یتکلم بکلام الدنیا والآخرة لان فی ذلک ایذاء الملکین الکاتبین فینبغی ان لا یشتغل عند قضاء الحاجة بشئی لیس من الضرورة وغیر ذلک لئلا یکون للملکین من الکلام والعمل قضاء الحاجة اذا به ویتفکر فی امور الدنیا ولا یتفکر فی امور الآخرة ! بشئی قلیل وکثیر ولا مسائل الفقہ والعلم وغیر ذلک .

۲؎ فی الہدایة لانہ علیہ السلام نہیٰ عن ذلک والاستدبار یکرہ وفی روایة لا یکرہ فی صلوٰة المسعودی روئی سوئی قبلہ نشاید نشستن اما ردئی سوئی برابر آفتاب نشاید یانے از ابو حنیفہ رحمہ اللہ روایت است ودرست تر آنست کہ نشاید ـــ ـــ ـــ

۳؎ فی الشرعة السنة ولا یبول قائماً لانہ ورد النہی الاعند الضرورة ولانہ لو بال قائماً یامن ان الصیبب ثوبہ الرشاد وقال علیہ السلام استنزھوا من البول فان عامة عذاب القبر منہ ـــ .

کیفیّتِ اِستنجاء[1]

کلاخ بدستِ چپ بگیرد و بجانبی نهد کہ پلید نباشد ابتداء از اوّل سفرہ کند پس سنگ میگرداند تا باآخر مخرج رسد پس سنگِ دوم برگیرد از آخرِ سفرہ ابتداء کند ہمچناں میگرداند باول مخرج رسد پس سنگ سوم .... گرداند چوں از سوراخ بیروں آید پائی راست بروں نہد بگوید اَلحمد للّٰه الّذی اخرج عنّی مایوذینی وامسك فیما ینفعنی غفرانك ربّنا والیك المصیر[2]

کیفیّت استبراء

بعد از بول سرِ ذکر بر زمین کند و اگر زمین نہ سنگ بدستِ راست گیرد و ذکر بدستِ چپ و بر سنگ مالد و حرکت بدستِ چپ[1] کند و اگر ذکر راسہ بار بدو شد از بن تا سر نرم نرم تا ہر چہ باشد بیروں آید و تنحنح کند و بر ود غلق بسیار نکند

---

[1] فی ترغیب الصّلوٰۃ استنجاء کردن بہفت چیز روا باشد بسنگ و کلاخ و خاک و ریگ و جامۂ کہنہ و پنبۂ کہنہ اما نورہ چیز سنت کہ بداں استنجا کردن کراہت بود، و استنجاء نباید کرد بدستِ راست و بگیاہ و باستخواں و بسرگین و بنک سنگ و انگشت و جامۂ پیراستہ و بخشت و بسفال

[1] فی الکافی الاستنجاء مسح موضع النجوا و غسلہ والنجو ما یخرج من البطن وھو سنّۃ فی الکتاب الشعبی سئل ابو القاسم الحکیم ان غسل سائر الاعضاء فریضۃ و غسل موضع الحدث سنۃ فقال رحمہ اللّٰه ذلك المواضع لا تری واللّٰه لو جعل ذلك فرضًا .... فی غسلہ و تطہیرہ فیکون ذلك النقض فی الفرائض فجول ذلك سنۃً !

[2] عن عائشۃ رضی اللّٰه تعالیٰ عنہا قالت کان رسول اللّٰه صلّی اللّٰه علیہ وسلّم اذا خرج عن الغائبۃ یقول "غفرانك ربّنا والیك المصیر"۔

که وسوسه افزاید امادر استبراء احتیاط می باید که محل مرد چوں ناوداں است ومحل زن چوں بنکاں وحدِّ علم نگاه دارد واگر امین نباشد پارهٔ پنبه بر سر احلیل نهد وباخشک را پارهٔ آب زند بعد از شستن وچوں خواهد که باب[1] بشوید اوّل استنجاء کند که آب

نگاهداشتن بعد از سنگ سنت است اول دو دست بشوید وتسمیه بدل گوید وایں دُعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ طَهُوْرِیْ کَفَّارَةً لِذُنُوْبِیْ چوں از استنجاء فارغ شود ازار بندد وبگوید الحمد لله الذی جعل الماءَ طهورًا والاسلامَ نورًا ومحمدً صلی الله علیه وسلم مُبَشِّرًا وَّرَسُوْلًا اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِیْ مِنَ النفاق وحَصِّنْ فرجی من الفواحش وباید که استنجاء در فراغت جا کند بعد الفراغ دست بدیوار مالد واگر در صحراء است بزمین تا هیچ بوئی نماند چوں آبدست خواهد کرد برابر قبله ننشیند وسر برهنه کند مگر که زن باشد چوں دست بشوید بگوید - اعوذ بالله من الشّیطان الرّجیم ومن هَمْزَةٍ ونفخة ونفثة رب اعوذبک من همزات الشّیاطین واعوذبک ربِّ اَن یَّحْضُرُوْنَ

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم، بسم الله والحمد لله علی دین الاسلام اللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِیْ علی الاسلام وعلیٰ شهادة اَنْ لَّا اله الا الله، اللّٰهمّ اِنّی اَسْئَلُکَ الیمین وَالْبَرَکَةَ وَاَعوذبک من الشّوم والمهلکة چوں مضمضه کند بمبالغت نماید وغرغره کند مگر که صائم بود وایں دعاء بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ علیٰ محمّدٍ وّعلیٰ آلِ محمّدٍ اَللّٰهمّ اَعِنِّیْ علیٰ تلاوة القرآنِ وذکرک وشکرک وحسن عبادتک چوں استنشاق کند بگوید اَللّٰهمّ صلّ علیٰ محمّدٍ وّعلیٰ آلِ محمّدٍ وّاَوجِدْنِیْ رائحة[2] الجنّة وانت عنّی راضٍ وآب اندکے بالا کشد مگر که صائم بود وچوں استنثار کند گوید۔

---

[1] یغسل بدیه قبل الاستنجاء وبعده هو المختار۔

[2] الرائحة بوئی خوش وبوئی ناخوش هم گویند۔

اللّٰھمّ صلّ علی محمّدٍ وّعلی آلِ محمّدٍ اللّٰھمّ انّی أعوذ بکَ من رائحِ النّار وسُوْءِ الدّار چوں خواہد کہ روی بشوید بگوید نویْتُ اَنْ اَرْفعَ الحدثَ لاستباحۃ[1] الصّلٰوۃ وبگوید اللّٰھمّ صلّ علی محمّدٍ وّعلی آلِ محمّدٍ اللّٰھمّ بَیّضْ وَجھی[2] بنورکَ یوم تبْیَضّ وجوہ اولیاءکَ ولا تُسوّدْ وجھی یوم تسوّد وجوہ اعدائکَ چوں دستِ راست بشوید بگوید اللّٰھمّ صلّ علی محمّدٍ وّعلی آلِ محمّدٍ اللّٰھمّ اٰتنی کتابی بیمینی وحاسِبْنِیْ حِسابًا یَسِیْرًا چوں دستِ چپ بشوید بگوید اللّٰھمّ اَنّی اعوذ بکَ مِنْ اَن تؤتینی کتابی بشمالی اَوْمِنْ وّراءِ ظھری ہر عضوے کہ می شوید کلمۂ شہادت بگوید بایں نیت کہ گناہِ من بدتر از کفر نیست کہ ازیں کلمہ ماحی کفر صد سال است یعنی الٰہی گناہِ من محو کن و پاکم گرداں از محبت دنیا چوں مسح کشد بگوید اللّٰھمّ غشّنی برحمتکَ وَنجّنِیْ من عذابکَ وانزلَ علیّ من برکاتکَ وَاَظلّنِیْ تحت ظلّ عرشکَ یَوْمَ لا ظِلّ اِلّا ظلّ عَرْشِکَ چوں مسح گوش کند بگوید اللّٰھمّ اجعلنی من الّذین یَسْتَمِعُوْنَ القول فیتبعون احسنہ، اللّٰھُمّ اَسْمِعْنِیْ مُنَادِیْ الجنۃ مع الابرار چوں مسح گردن کند بگوید اللّٰھمّ فکّ رَقَبَتِیْ من النّار واعوذ بکَ مِنَ السلاسل والاغلالِ۔ چوں پائے راست بشوید

---

[1] الاستباحۃ مباح کردن و مباح داشتن

[2] اختلفوا فی ابیاض الوجوہ واسودادھا بعضھم حملوہ علیٰ حقیقۃ البیاض واسواد علی روی ان النّبیّ صلّی اللّٰہ علیہ وسلّم انّہ قال یحشر المؤمن ووجہہٗ اَضْوءُ من القمر لیلۃ البدر ویحشر الکافر وجہہٗ اسود وبعضھم قالوا لیس المراد حقیقۃ البیاض واسواد بل المراد من البیاض الفرح ومن اسواد الحزن کما قال اللّٰہ تعالیٰ ”واذا بشّر احدھم بالانثیٰ ظل وجھہٗ مسودا وھو کظیم“ اراد بظہور الحزن لا حقیقۃ اسواد

بگوید اللّٰهمّ ثبّت قدمی علی الصّراطِ مع اقدام المؤمنین چوں پائے
چپ بشوید بگوید اللّٰھمّ اِنّی اعوذبک مِنْ اَنْ تزِلْ قدمی علی الصراطِ یوم
تزل فیس اقدام المنافقین در خلال انگشتان پائے ابتداء از انگشت خورد
از پائے راست از درونِ پائے کند و ختم بر انگشت خورد از پائے چپ کند وفلاں
بانگشت خورد دست چپ کند بخلاف ناخن[۱] کہ ابتداء از انگشت شہادت کند
از دست راست و ختم بر ابہام آں دست و در پائے از خنصر پائے راست گیرد
بر انگشت خورد پائے چپ کند چوں فارغ شود باں آب بقیۂ[۲] وضو...... کہ
سبب شناست روی بقبلہ آرد گوید۔

الحمد للہ الذی خلق السّمٰوٰتِ بغیر عَمَلٍ ترونہا اَشْھَدُ اَنْ
لَا اِلٰہَ اِلَّا اللہ وَحْدَہٗ لَاشَرِیْکَ لَہٗ واشھد اَنَّ محمداً عبدُہٗ وَرَسُوْلُہٗ
سبحانکَ اللّٰھُمّ وبحمدکَ لَا اِلٰہَ اِلَّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوْءً وظلمتُ نفسی
استغفرکَ واتوبُ الیکَ، فاغفرلِی وَتُبْ علَیَّ انکَ انتَ التواب الرحیم
اللّٰھمّ اجعلنی من التوّابین واجعلنی من المتطہرین واجعلنی من
عبادکَ الصّالحین واجعلنی من الّذین لاخوف علیہم وھم یحزنون
واجعلنی صبوراً شکوراً، واجعلنی اَنْ اَذکرکَ ذکراً کثیراً
وَاُسَبِّحُکَ بُکْرَۃً وَاَصِیْلاً، اللّٰھمّ انی اسألکَ تمام الوضوء وتمام
الصّلوٰۃ وتمام مغفرتکَ یا ارحم الرّاحمین وسورۃ انا انزلناہ بخواند و
دو رکعت تحیۂ وضو بگذارد در رکعتِ اول بعد فاتحہ وَلَوْ اَنَّھُمْ اذ ظلموا
انفسھم جاؤکَ فاستغفروا اللہ واستغفر لہم الرّسول لوجدوا اللہ

[۱،۲] در متن ایں جا بیاض است۔

[۳] قال علیہ السّلام من تشہد عند الفراغ من الوضوء قائما مستقبل
القبلۃ فیحب لہٗ ثمانیۃ ابواب الجنۃ۔

توّاباً رحیما و در رکعت دوم و مَنْ یعمل سُوْءًا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله غفُوْراً رَحِیْمًا بعد از سلام درود گوید و ایں دعاء بخواند اللّٰهمّ اٰتِ نفسی تقویها وزکّها انت خیر من زکّیها اَنْتَ وَلیُّها اللّٰهمّ اَنْتَ لِیْ کما اُحِبُّ فاجْعلْنی لکَ کما تُحِبُّ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ سریرتی خیرا مِّنْ علانیتی وَاجْعَل علانیتی صالحةً اللّٰهمّ ارزقنی حُسْنَ الاختیارِ وصحّةَ الاعتبارِ صِدْقَ الافتقار برحمتكَ یا ارحم الرّاحمین۔

ذکر شانہ

چوں خواہد کہ محاسن را شانہ کند اول ابرو شانہ کند و بگوید اللّٰهمّ زَیِّنِّیْ بزینة اهل التّقوی اللّٰهمّ انّی اسألكَ تعجیل کما فیتكَ وصبراً علی بیتكَ وخروجًا من الدّنیا الی رحمتكَ پس موی لب را شانہ کند گوید اللّٰهمّ عافنا من کل بلاء الدّنیا وعذاب الاٰخرة بعدہ بالا از جانب راست محاسن شانہ کند تا چپ پس از فرود جانب چپ تا جانب راست و بگوید اللّٰهمّ سَرِّحْ عنا الهمومَ والغمومَ ووسوة الشیطان سبحان من زَیَّنَ الرّجالَ باللحی والنساءَ بالذوائب و سورۂ الم نشرح بخواند و چوں در آئینہ بیند بگوید۔

الحمد لله الّذی خلقنی فاحسن خلقی وَصَوَّرَنِیْ فاحسن صورتی اللّٰهمّ کما حَسَّنْتَ خلقی فَحَسِّنْ خُلُقِیْ تقدیر بر آب وضو عبدالرحمن زید انصاری رضی اللہ عنہ روایت می کند کہ وقتی رسول اللہ علیہ وسلّم از جہاد ۱؎ آب وضو ساختے امام اعظم رحمہ اللہ گفت کہ رسول علیہ السلام از صغیرہ و کبیرہ و آلائش گناہ معصوم بود مارا آلائش گناہ بسیار است ۲؎ آب باید، نیم استنجارا و نیم۔ دست وروی و مسح سرا و نیم۔ پایہا و اگر استنجا نکند۔

۱؎ ۲؎ ۔ در متن ایں جا بیاض است۔

ذکر تقدیر آب غسل

از رسول صلی اللہ علیہ وسلم پرسیدند آب غسل - باید فرمود صاع وصاع چہارم - گفتند — پس نمی کند گفت — پیش از شماست وبطاعت پیش از شما او را بس می کند شمارا بس نمی کند بزیارت رخصت نداد امام اعظم رحمہ اللہ تعالیٰ فرمود نیم مز نجاست مشوید و نیم مز باقی آب فرو دریزد

ذکر نمازِ تہجد

چوں توفیق یابد نمازِ شب بریں ترتیب بگزارد، بعد نیم شب برخیزد آبدست کند و پیش از اداءِ تحیۂ وضو بگوید اللّٰہ اکبر کبیراً والحمد للّٰہ کثیراً فسُبحان اللّٰہ بُکرۃً و اَصِیلاً

فی الشرعۃ ومن سنۃ الابرار التہجد وھوان یتقدم فی جوف اللیل ویتوضاء ویصلی بطوعاً وفی کنایۃ اشعبی لایکون التہجد الابعد القوم والتہجد صلوٰۃ اللیل وقد روی عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم انہ قال قم من اللیل ولوقدر حلبۃ شاۃ وفی العوارض اوحی اللہ تعالیٰ الی داؤد النبی علیہ السلام یاداؤد من نامہ جمیع اللیل لایصلح الجنتی -

فی المصابیح قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من قام عن اللیل فقال لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہٗ لہٗ الملک ولہ الحمد وھو علیٰ کل شئ قدیر، وسبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الا اللہ واللہ اکبر ولاحول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم، ثم قال رب اغفرلی اوقال ثم دعا م

دو بار سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ ولا الٰہ الا اللّٰہ واللّٰہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللّٰہ العلی العظیم یک بار واللّٰہ اکبر ذو الملک والملکوت و الکبریاءِ والجبروتِ والعظمۃِ والجلالِ والقدرۃ والکمال اللّٰھم لک الحمدُ انت نورُ السمٰوٰتِ والارض ولک الحمدُ انت بہاءُ السمٰوٰتِ والارض ولک الحمد انت ربُّ السمٰوٰتِ والارضِ لک الحمد ومن فیہن ومن علیہن انت الحقُّ ومنک الحقُّ ولقاءک حقٌّ والنارُ حقٌّ والنبیون حقٌّ ومحمد رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم حقٌّ اللّٰھم لک اسلمتُ وبک اٰمنتُ وعلیک توکلتُ وبک خاصمتُ والیک حاکمتُ فاغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت[1] انت المقدم وانت لا الٰہ الا انت اللّٰھم اٰتِ نفسی تقوٰہا

استجیب لہٗ ذلک ثم توضّاء ثم صلی قبلت صلوتہ، قالت عائشۃ ام المؤمنین رضی اللّٰہ عنہا کان رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وسلم اذا استیقظ من اللیل قال لا الٰہ الا اللّٰہُ انت سبحانک اللّٰھم انی استغفرک لذنبی واسألک رحمتک اللّٰھم زدنی علماً ولا تزغ قلبی بعد اذ ھدیتنی وھب لی من لدنک رحمہ انک انت الوھاب ۔

التہجد ھو صلوۃ اللیل وقال بعضھم التہجد یکون بعد النوم وما کان من الصلوۃ قبل النوم فانہ لا یکون تہجداً فی اوراد شیخ الاسلام .... یستحب قیام ثلث اللیل او ثلثۃ واقل الاستحباب سدس اللیل فاما ان ینام ثلث اللیل الاول ویقوم نصفہ وینام سدس الآخر او ینام نصف اللیل الاول ویقوم ثلثۃ وینام السدس وینام وسط اللیل وثلاثۃ الاخر وروی عن النبی صلی اللّٰہ علیہ وسلم قال قم من اللیل ولو قدر حلب شاۃ =

[1] الاعلان آشکارا کردن ۔

وَزَكِّهَا اَنْتَ خيرمن زَكّٰهَا اَنت وَلِيُّهَا ومولیہا اَللّٰهُمَّ اهْدِنِیْ لاحسن الاخلاق فانّہ لا یهدیبنها لاحسنها الا انت واَصْرِفْ عنی سَیِّئَهَا الا انت اسألك مسألة البائس[1] المسكين وادعوك دُعَاءَ الفقير الذليل الخاضع[2] فلا تجعلنی بدعائك رَبِّ شَقِيًّا وَكُنْ بِی رؤفًا رَحِيْمًا يا خيرا لمسئولين ويا اكرم المطيعين اَللّٰهُمَّ رَبَّ جبرئيل وميكائيل واسرافيل فاطر السموٰت والارض عالِمِ الْغَيْبِ[3] والشهادة اَنْتَ تَحْكُمُ بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون۔

اِهْدِنِیْ لما اختلف فيه من الحق باذنك ويهدى مَن يَّشَاءُ الى صراطٍ مستقيم بعد ازاں تحیۂ وضوگزارد ہماں قرأت کہ گفتہ شدہ است بخواند بعد از سلام سہ بار بگوید سُبحان الله والحمد لله ولا إلٰه الا الله و الله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظيم عَدَدَ مَا عَلِمَ الله وملاء ما عَلِمَ الله بعدہ[4] سہ بار بگوید۔ اَسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهٗ عمدًا[5]

---

[1] البائس الذى اصابه بؤس اى شدة الحاجة۔

[2] الخضوع فروتنی کردن۔

[3] الغيبُ ماغاب عن العباد۔

[4] عن ابن عباس رضى الله عنه قال جاء اسرافيل الى النّبى صلّى الله عليه وسلّم قال يا محمّد من قال سبحان الله والحمد لله الى آخره كتب والذاكرين الله كثيراً وكان افضل من ذكر الليل والنهار...... فى الجنة تحاف عنه ذنوبه كما يحاف له ورق الشجرة البالية وينظر الله اليه ومن نظر الله تعالى لم يعذبه۔

[5] العمد اى القصد والخطاء والخطاء نقيض العمد وقد يمد ويقصر وقرى بهما قوله تعالى ومن قتل مؤمنا خطاءً وخطاءً۔

اَوْخَطاءَ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَاتوبُ اليه مِنَ الذنب الّذی اعلم من الذنب الّذی لا اعلم وانت علام الغیوب ولاحول ولاقوة الّا باللہِ العلیّ العظیم بعدہٗ سہ بار بگوید اللّٰھمّ صَلِّ علیٰ محمدٍ وعلیٰ آلِ محمّدٍ عدد ما اَحَاطَ بہ علمکَ وجریٰ بہ قلمکَ ونفذت فیہ مشیتکَ بعدہٗ سہ بار بگوید اللّٰھمّ اغفرلیْ ولوالدیَّ وِلمن توالد وارفع درجتھما فی علّیّین بحق محمدٍ وآلہ الطّیّبین الطاھرین یاربّ العالمین بعدہ دو رکعت بگزارد در رکعتِ اول بعد از فاتحہ آیۃ الکرسی در دوم آمن الرسول تا آخر سورۃ بخواند بعد ازاں دوازدہ رکعت بگزارد دوگانے ہر دوگانے کہ می گزارد قراءۃ کمتر می کند ہمچنیں تا تمام شود، واقلِ تہجد چہار رکعت است واکثر آں قدر کہ تواند پس ہر دوگانہ اندک می [۱]...... چند بار تسبیح واستغفار وصلوات گوید بعد الفراغ ایں مناجات خواند۔

"مُناجاتِ پادشاہا"

بنظرِ رضاء ورحمت [۲]...... خداوندا ظاہر و باطنِ ما را در طلب رضاءِ خود جمع دار د تفرقہ و پریشانی و سرگردانی از راہِ ما و از راہِ ہمہ مسلمانان عفو و عافیت را قرین وقت لکن عنایت و رعایت را سائق و قائد نگرداں ما را بدست تفرقہ ما باز مدہ ما را بما باز مگزار ما را بر ما [۳]...... ما را از شر انگاہ دار کارِ ما و کارِ آں ہمہ مسلمانان در عافیت و در رضاءِ خود باصلاح آں کردہ ما را در گزار و آئندہ رانگاہ دار ہر چہ بیند بخشی [۴]...... بخش بارضا خویش۔

۱، ۲، ۳، ۴۔ ان مقامات پر الفاظ پانی وغیرہ گرنے سے مٹ گئے ہیں، نہ اصل نسخہ میں پڑھے جاسکے اور نہ فوٹو اسٹیٹ میں۔

بخش ما را بقہر خود مخذول مکن ما را بدون خود مشغول مکن ما را از یارِ خود معزول مگرداں اگر بپرسی حجتی ندارم واگر بسوزی طاقت نیارم۔

از بندہ خطا وذلّت است از تو ہمہ عطاء ورحمت ای قدیم لم یزل وای عزیز بے بدل اللّٰھمّ اَصْلِحْنَا وَاَصْلِحْ فساد قلوبنا واصلح فساد افعالنا واصلح فساد اقوالنا وَاَصْلِحْ فساد احوالنا واصلح فساد صدورنا واصلح فسادَ وَلَاۃ امورنا واصلح ذات بیننا واصلحنا بما اَصْلَحْتَ بہ عبادکَ الصّالحین یا مصلح الصّالحین ذدیناً ومحمداً صلّی اللہ علیہ وسلم نبیاً چوں مؤذن حَیَّ علی الصّلوٰۃ گوید سامع گوید لاحول ولاقوۃ الّا باللّٰہِ العلیّ العظیم چوں حَیَّ علی الفلاح گوید سامع گوید ماشاء اللّٰہُ کَانَ وَمَالَمْ یکن واگر ہر دو کلمہ را لاحول گوید بہتر وَاجْعَلْنِیْ مِنْ اَھْلِ الصَّلٰوۃِ ومن اھل الفلاح ہم گوید چوں الصّلوٰۃ خَیْرٌمِنَ النوم گوید سامع گوید صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ اللّٰھمّ بَرِّھْنَا عن قومِ الغافلین وما توفیقی اِلّا باللہ العلیّ العظیم چوں بانگِ نماز تمام کند سامع گوید حق یقیناً خالصاً مخلصاً لا اِلٰہ اِلّا اللّٰہ الواحدُ القہار رَبُّ السمٰوٰتِ والارضِ ومابینھما العزیز الغفار اللّٰھمّ یا اھل الکبریاءِ وَالْعَظْمَۃِ ویا منتھی الجبروت والعزۃ ویا وَلِیَّ الْعَوْنِ والقدرۃ ویا مالکَ الدّنیا والاٰخرۃِ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَکَ ربّنا والیکَ الْمَصِیْر۔ اللّٰھمّ رَبَّ ھٰذِہٖ الدعوۃِ التامۃِ والصّلوٰۃ القائمۃ اٰتِ محمّدن الوسیلۃ والفضیلۃ والدرجۃ الرفیعۃ وابعثہ المقام المحمود[1] الّذی وَعَدْتَّہٗ اللّٰھمّ اِنّی اَسْئَلُکَ العَفْوَوَالْعَافِیَۃَ اللّٰھمّ اِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّی یَا غَفُوْرُ یا غَفُوْرُ۔

---

[1] المقام المحمود مقام الشفاعۃ والوعد وھو قولہ تعالیٰ "عسیٰ ان یبعثکَ ربکَ مقاماً محموداً"

دعاءِ ابدال

میانِ بانگِ نماز و اقامت بخواند ماشاء اللہ لا قوۃ الا باللہ الغفورِ العفوِ باسلام سلّم افتح لنا بخیر واختم بخیر لا الٰہ الا انت یا حیُّ یا قیوم یا ذُ الجلالِ والاکرامِ یا ربّ یا ربّ یا ربّ یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا عزیزُ یا عزیزُ یا عزیزُ یا حلیمُ یا ستّارُ یا کریم یا غفّارُ یا واسعَ المغفرۃ والرحمۃِ اغفر لی وارحمنی وعافنی واعفُ عنی اسئالک العفوَ والعافیۃ یا غیاثَ المستغیثین اغثنی مؤذن بعد الاذان رکعتیں بگزارد بعد از سلام برائے خود و مؤمناں آمرزش طلبد مستجاب شود۔

"ذکرِ بروں آمدن از مسجد"

چوں از مسجد بیروں آمد نخست پائے چپ از مصلّی بردارد و بر نعلین نہد و پائے راست در نعلین کند بگوید اللّٰھم اغثنی عنی الیٰ ما احوجبنی الیہ و پائے چپ از مصلی بیروں نہد بگوید بسم اللہ خرجنا و علی اللہ توکلنا اللّٰھم انی اسئالک خیر المدخلِ و خیرا لمخرج اللّٰھم

السلام مصدر و المصدر به و المعنی ذو السلامۃ من کل آفتہ و نقصہ ای ذاتہ عن الحدث والعیب

پردہ پوش گنہ گاراں۔

کریم گرامی کنندہ۔

العفو درگزشتن از گناہ۔

استغاثہ فریاد خواستن ۔

غیاث فریاد رس۔

اغفرلِی ذُنوبِی واَفتَح لِی اَبوَابَ رحمتکَ روئی سوئی آسمان کند گوید ربنا ما خلَقتَ ھٰذا بَاطِلاً سُبحانکَ فَقِنا عذَابَ النّارِ چوں راہ رود گوید لَاۤ اِلٰہَ الاّ اللّٰہُ وَحدَہٗ لاشَرِیکَ لَہٗ لہُ الملکُ ولہُ الحمدُ۔ یُحیِی ویُمِیتُ وَھُوَ حَیٌّ لایمُوتُ ذوالجلالِ والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کُلِّ شیئٍ قدیر، اللّٰھمّ لَامَانِعَ لِمَا اَعطَیتَ وَلَامُعطِیَ لِمَا مَنَعتَ ولاینفع ذا الجدِّ منکَ الجدّ سبحان ربکَ ربّ العزۃ عمّا یصفون وسلام علی المرسلین والحمد للہِ رب العالمین بسم اللہ لایُصرِفُ السُّوۡءَ الاَّ اللہ بسم اللہ لایاتِی بالخیر الا اللہ ومابنا من نعمۃ فمن اللہ ہر بار کہ بخانہ درآید اہلِ بیت را سلام گوید و اگر کسی نباشد گوید السلام علینا من ربّنا و علی عباد اللہ الصّالحین چوں درخانہ درآید اول پائے راست درون نہد گوید بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم، بسم اللہ دَخَلنَا و علی اللہ توکلنا اللّٰھمّ اِنّی اَسئَالکَ خَیرَ المَدخَلِ وَخیرَ المخرجِ رکعتیں بگزارد، در رکعتِ اوّل بعد فاتحہ آیۃ الکرسی و در دوم سہ بار اخلاص بخواند بعد از سلام صلوات گوید و ایں دعاء بخواند اللّٰھمّ انّی اسئالکَ خیر ھٰذا المَنزِلِ و خَیرَ مافیہ وَاَعُوذُبِکَ مِن شَرِّ ھٰذَا المَنزِلِ وشَرِّ مافیہ، اللّٰھمّ اعصِمنِی بِاَلطَافِکَ حَتّٰی لااَعصِیکَ وَ اَعِنّی علی طاعتکَ بتوفیقکَ وَجَنِّبنِی معاصیکَ یا ارحم الرّاحمین۔ اگر وضو ندارد تیمم کند یکبار آیۃ الکرسی و سہ بار اخلاص بخواند و اگر سنتہا درخانہ گزارد بہتر باشد و ہر نفلی کہ بگزارد تکمیلاً للفرائض نیت کند۔

شب اربعہ

میانِ نماز شام و خفتن دوازدہ رکعت بگزارد بخواند در ہر رکعتی فاتحہ یکبار اخلاص دہ بار ایضاً بعد فرض سنت عشاء دہ رکعت گزارد در ہر رکعتی بعد فاتحہ

لہ فی کنایۃ الشعبی قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم رکعتان (بقیہ بر صفحہ ۱۳۱)

اخلاص ومعوذتین یکاں بار بخواند ثوابِ احیاءِ شبِ قدر یابد روزِ آدینہ بوقتِ چاشت دوازدہ رکعت نماز گزارد۔ شبِ شنبہ میانِ نمازِ شام وخفتن دوازدہ رکعت بگزارد ہر چہ تواند از قرآن بخواند روزِ شنبہ چہار رکعت گزارد در ہر رکعتے بعد فاتحہ الکافرون سہ بار بخواند بعد از سلام آیۃ الکرسی یکبار بخواند۔

شب یک شنبہ بست رکعت گزارد در ہر رکعتے اخلاص پنجاہ بار ومعوذتین یکبار بخواند بعد از سلام صد بار صلوات وصد بار استغفار وصد بار[1] لاحول و لاقوۃ الّا باللہ العلی العظیم وصد بار گوید۔ اللّٰھمّ اغفرلی ولوالدیّ ولمن توالد والجمیع المؤمنین والمومنات والمسلمین والمسلمات الاحیاءِ منھم والاموات، گوید روز یک شنبہ بعد الاشراق چہار رکعت گزارد در ہر رکعتے بعد فاتحہ اٰمن الرّسول تا آخر سورۃ یک بار بخواند ایضًا، بعد از نماز پیشین[2] چہار رکعت برو سلام گزارد در رکعتِ اوّل الٓم سجدہ، در دوم تبارک الّذی، در سوم وچہارم سورۂ جمعہ یکاں بار بخواند، شب دو شنبہ چہار رکعت گزارد در اوّل بعد فاتحہ اخلاص دہ بار ودر دوم بست بار ودر سوم سی بار ودر چہارم چہل بار بخواند۔

حاشیہ بقایا سابقہ صفحہ ۱۳۰

فی لیلۃ الجمعۃ فی کل رکعۃ فاتحۃ الکتاب وایۃ الکرسی مرۃً واذا زلزلت الارض ثلث مراتٍ مَن صلی ھٰذہ الصلوٰۃ لم یکن لہٗ عذاب القبر البتۃ۔

---

[1] ای لاعصمۃ عن معصیۃ اللہ الّا بعصمۃ اللہ ولاقوۃ علی طاعۃ اللہ الّا بمعونۃ اللہ تعالیٰ۔

[2] قال علیہ السلام من صلی یوم الاثنین ھٰذہ الصلوٰۃ ودعا بھٰذہ الدعاء ثم یسأل اللہ حاجتہ کان حقًا علی اللہ ان یعطیہ۔

بعد از سلام اخلاص وصلوات بگوید اللّٰھمّ اغفرلی ولوالدیّ ولمن توالد!
ہفتاد پنجگاں بار بخواند، روز دوشنبہ بعد الاشراق رکعتیں گزارد در ہر رکعتے بعد
فاتحہ آیتہ الکرسی و اخلاص و معوذتین یکاں بار بخواند، بعد از سلام صلوات
و استغفار دو کان بار بگوید۔ ایضاً دوازدہ رکعت گزارد دو ہر رکعتے فاتحہ و آیتہ
الکرسی یک بار بخواند، بعد سلام دہ بار استغفار بگوید۔ شب سہ شنبہ رکعتیں
بگزارد در ہر یکے اخلاص و معوذتین پانزدہ کان بار بخواند، بعد از سلام آیتہ الکرسی
و استغفار پانزدہ کان بار بخواند، روزِ سہ شنبہ بعد الاشراق تا عند انتصاف النہار
دہ رکعت گزارد در ہر یکے فاتحہ و آیتہ الکرسی یک بار بخواند و اخلاص سہ بار۔
شب چہار شنبہ شش رکعت گزارد پس سلام در ہر یکے قل اللّٰھمّ تا بغیر
حساب یک بار بخواند بعد سلام ہفتاد بار بگوید جزی اللّٰہ محمّداً علیہ السّلام
عنّا ماھو اھلہٗ و مُسْتَحِقَّہٗ و مستوجبہ ایضاً شب چہار شنبہ رکعتین
گزارد بعد العشاء در اوّل الفلق و در دوم النّاس دو کان بار بخواند، روز چہار
شنبہ بعد الاشراق دوازدہ رکعت گزارد در ہر رکعتے بعد فاتحہ آیۃ الکرسی
و سہ قل سہ کان بار بخواند، شب پنجشنبہ صلوٰۃ الوالدین میانِ نماز شام و خفتن
رکعتین گزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ آیۃ الکرسی و سہ قل پنجگاں بار بخواند بعد
السلام پانزدہ بار استغفار بگوید و ایں دعاء سہ بار بخواند اللّٰھمّ اجْعَلْ ثواب ھٰذا
الوالدیّ رَبِّ اغفرلی وارحمھما کما ربّیانی صَغِیْراً روزِ شنبہ میانِ ظہر و عصر

نقل من "فتاویٰ اسفینۃ" ان ارواح المومنین یأتون بکل لیلۃ الجمعہ

— قال علیہ السلام من صلّی لیلۃ الثلثاء ھٰذہٖ الصّلوٰۃ جعل اللّٰہ اسمہٗ
فی اھل الجنّۃ وان کان من اصحاب النار و غفر اللّٰہ لہ ذنوب السر و ذنوب
العلانیۃ وکتب لہٗ بکل اٰیۃ قرأھا حجۃ و عمرۃ وان مات من الاثنین
الی الاثنین مات شہیداً۔

رکعتین گزارد در رکعت اوّل اٰیۃ الکرسی صد بار بخواند بعد از سلام صد بار صلوات گوید اورادِ ہفتہ ہر روز صد بار بگوید، شنبہ لَآ اِلٰہَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ، یک شنبہ لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہ انت الملک الحق المبین، دوشنبہ لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ عزیزاً جلیلاً یا عزیزُ، سہ شنبہ۔ اللّٰھمّ صلّ علی محمد النّبی الاُمّی وعلی آلہٖ وبارِکْ وسلّم، چہارشنبہ لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ خالصاً مخلصاً، پنج شنبہ۔ لا الٰہ الّا اللّٰہ خالق کلِ شیٔ وھو علی کلّ شیٔ قدیر،

آدینہ۔ سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ ولَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ واللّٰہُ اکبر ولا حول ولا قوۃ اِلَّا باللّٰہ العلیّ العظیم پس رکعتین گزارد...... تواند بخواند بعد از سلام بسجدہ رود وحاجت خواہد بر آید، نوعِ دیگر ایں ہفت تسبیح در شبا روزی ہر یکے صد بار بگوید۔ لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہ وحدہٗ لاشریک لہٗ تا قدیر، صد بار سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ تا العظیم، صد بار سُبحان اللّٰہ وبحمدہٖ سبحان اللّٰہ العظیم وبحمدہٖ استغفر اللّٰہ ربی من کل ذنبٍ واتوب الیہ، صد بار لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ الملک الحق المبین، صد بار اللّٰھمّ صلّ علی محمّدٍ عبدک و نبیک الاُمّیِ وعلی اٰلہٖ، صد بار استغفر اللّٰہ الّذی لا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ الحیّ القیوم اَسْئَالُہُ التَّوْبَۃَ، صد بار ماشاء اللّٰہ ولا قوۃ الّا باللّٰہ، آدینہ۔ یَا ھُوَ یا اللّٰہُ، شنبہ یا رحمٰن یا رحیم یک شنبہ یا واحدُ یا اَحَدُ دوشنبہ یا صمدُ یا فردُ سہ شنبہ یا حیّ یا قیوم، چہارشنبہ یا حنّانُ یا مَنّانُ پنج شنبہ یا ذا الجلال والاکرام

لہ قال علیہ السلام من قال صبحۃ یوم الجمعۃ قبل صلوۃ الغداۃ استغفر اللّٰہ الّذی لا الٰہ الّا ھو الحیّ القیومُ واتوبُ الیہ غفر اللّٰہ لہٗ ولو کان ذنبہ مثل زبد البحر۔ سُئِلَ النّبی صلی اللّٰہ علیہ وسلّم ایُّ الکلام افضل فقال سبحان اللّٰہ وبحمدہٖ۔

ایضاً از شیخ الشیوخ مرویست ہر روزی یکی ازیں ہزار بار بگوید برائے برآمدن حاجاتست، نوع دیگر شنبہ۔ لا اِلٰہ اِلاّ اللّٰہُ محمد رسول اللّٰہ، یک شنبہ یا حیُّ یا قیوم برحمتک اَستَغِیثُ، دوشنبہ اللّٰھم صلِّ علیٰ محمدٍان النبی الاُمّی وعلیٰ الہٖ، سہ شنبہ لاحول ولا قوۃ الا باللّٰہ العلیّ العظیم چہارشنبہ استغفر اللّٰہ مِن کُلِّ ذنب واتوبُ الیہ، پنجشنبہ۔ سبحان اللّٰہ و الحمدللّٰہ تا العظیم، آدینہ یا اللّٰہُ۔

ذِکر نمازِ احزاب

روزِ چہارشنبہ بعد از نمازِ پیشین چہار رکعت بگزارد در ہر رکعتے آیۃ الکرسی وقل اللّٰھم تا بغیر حساب یکاں بار و چہار قل سہ کان بار بخواند، پانزدہ بار لا الٰہ الا انت سبحانک انی کنت من الظٰلمین، دہ بار در رکوع و دہ بار در قومہ

اَلحیُّ زندہ ہمیشہ، القیوم زندہ و پائندہ

اے لاحیلۃ فی رفع الشر ولا قوۃ فی درک الخیر الاّ باللّٰہ۔

ازمنافع...... ہر کہ آیۃ الکرسی تا خالدون بعد از ہر فریضہ بخواند خدائے تعالیٰ اور اغنی گرداند واز فقر برہد و روزی بے حساب برساند واگر آیۃ الکرسی بنویسد و بنہد در حجرہ و یا در خانہ کہ سکونت دارد رزق فراق شود و ہیچ تنگی نہ بیند، شیخ قطب الدین بختیار قدس سرہُ العزیز فرمود ہر کرا تنگی معاش پیدا آید برائے کشائش تنگیہا ایں دعاء بخواند یا ذا السُّم العز والبقاء و یا ذا الجود والعطاء و یا ودود و یا ذا العرش المجید یا فعال لما یرید"، ایضاً چوں دوم خواہد کہ برکت و رحمت بروی فراخ گردد و ہیچ کس محتاج نگردد ایں آیت بسیار خواند۔ "ربنا انزل علینا مائدۃً من السماء تکون لنا عید الاولنا و اخرنا و ایۃ منک وارزقنا وانت خیر الرازقین:

و ده بار در سجده و ده بار درمیانِ دو سجده و ده بار در سجده چوں سه از سجدۂ دوم بردارد
بنشیند ده بار بگوید تا ہفتاد پنج بار شود آں گاه برخیزد، رکعتِ دوم و سوم و چہارم ہمه
بریں ترتیب بگزارد چوں در قعدۂ اخیره "التحیات للّٰه" تا عبدهٗ ورسولهٗ
بخواند در سجده رود چہل و یک بار در سجده بگوید یا حیُّ یا قیوم یا غیاثُ
المُستَغیثِینَ اَغِثنِی اِیّاکَ نعبد و ایاک نستعین حسبی اللّٰه وکفٰی اللّٰھمّ
صَلِّ علیٰ محمّدٍ وعلیٰ آلِ محمّدٍ وبارک وسلّم پس بنشیند باقی التحیات تمام
کند وسلام گوید و دست برآرد۔

بعد از درود ایں دعاء بخواند۔ شَھِدَ اللّٰہُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا ھُوَ والملائکة
واُولُوا العِلْمِ قائمًا بالقسط لَآ اِلٰهَ اِلَّا ھُوَ العزیز الحکیم، اِنَّ
الَّذِینَ عِنْدَ اللّٰهِ السّلام، اللّٰھمّ اِنّی اَعُوْذُ بِکَ وَبِنُوْرِ قُدْسِکَ
وَبَرَکَةِ طھارتکَ وَعَظَمَةِ جَلَالِکَ وَمِنْ کُلِّ آفةٍ وَعَاھَةٍ وَطَارِقٍ
مِنَ الْاِنْسِ والجن اِلَّا طارقًا یطرقُ بخیرٍ منکَ یا رحمٰن، اللّٰھمّ انت
یا عیاذِی فبکَ اَعُوْذُ وَاَنْتَ مِلَاذِی فبکَ اَلُوْذُ وانتَ غیاثِی فبکَ
استغیث یا مَنْ ذَلَّتْ لَهٗ رقابُ الجبابرة وَخَضَعَتْ لَهٗ مَغَالِیْطُ
الْفَرَاعِنَةِ اعوذ بجلال وجھکَ وکرمِ جلالِکَ مِنْ خزیِکَ وَ
کَشْفِ سِتْرِکَ وَنِسْیَانِ ذِکْرِکَ وَالْاِضْرَابِ عن شکرکَ انا فی
کَنَفِکَ فی لَیْلِیْ وَنَھَارِیْ وَنَوْمِیْ قَرَارِیْ وَظَعْنِیْ وَسَفَارِیْ ذِکْرُکَ
شِعَارِیْ وَثَنَاؤُکَ دِثَارِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تعظیمًا لوجھکَ وتقدیسًا
لِسُبُحَاتِ جلالکَ وتنزیھًا لِقُدُسِکَ اَجِرْنِیْ مِنْ خِزْیِکَ وَمِنْ شِدَّةِ
عَذَابِکَ وَقِنِیْ سَیِّئَاتِ عِبَادِکَ وَاضْرِبْ علیٰ سُرَادِقَاتِ حفظکَ وَ
اٰمِنْ رَوعَاتِیْ وَاَغْنِنِیْ بخیرٍ منکَ وَاَدْخِلْنِیْ فِیْ حِفْظِ عنایتکَ وارزقنی
حفظکَ وحیا طتکَ یا ارحم الراحمین۔

السبحات بضم السین والباء النُّوْرُ۔ (بقیه بر صفحه ۱۳۶)

ذکرِ نمازِ استخارہ

پیغامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ چوں یکے از شما خواہد کہ کارے کند از خرید و فروخت و سفر کردن، دو رکعت نماز بداں نیت گزارد، بعد از سلام درود گوید واین دعاء بخواند۔ اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِلْمِکَ وَاَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ وَاَسْئَالُکَ من فضلک العظیم فانک تقدرُ ولَا اَقْدِرُ وتعلم ولَا اَعْلَمُ واَنْتَ علام الغیوب، اللّٰھم اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ ھٰذَا الْاَمْرَ۔ ایں جا نام آن کار گیرد، اگر سفر است یا نکاح یا شرکت یا عظیمت یا اجارت گوید۔ ھٰذا السَّفَرُ یا ھذا النکاحُ یا ھذا الاجارۃ یا ھذا الشرکۃ یا اَنَّ الشراء ھذا العبد یا شراء ھذہٖ الدابۃ خیرٌ لی فی دینی و دنیاوی ومَعَادِیْ و معاشی وعاقبۃِ اَمْرِیْ۔

فاقْدِرہُ لِیْ ویَسِّرہُ لِیْ ثمّ بارِکْ لِیْ فیہ وَاِنْ کُنْتَ تعلم اِنَّ ھٰذا الْاَمْرَ ایں جا نیز نام آں کار گیرد شَرٌّ لِیْ فی دینی و دنیاوی ومَعَادِیْ و مَعَاشِیْ وعاقبۃِ اَمْرِیْ فاصْرِفْنِیْ عنہ وَاَقْدِرْ لِیَ الخیر حیثما کنت ثم رَضِّنِیْ بہٖ بعد از استخارہ ایں بسیار گوید اللّٰھمّ خیّر لِیْ وَاخْتَرْ لی امیر المؤمنین حسین رضی اللہ عنہ گفت در نماز استخارہ در رکعتِ اول سورۃ الرحمٰن ودر دوم سورۃ الحشر بخواند بعد از سلام و بست بار گوید اللّٰھمّ خیّر لِیْ واختر لِیْ بس سہ قل بخواند بعدہٗ ایں دعاء بخواند اللّٰھمّ اِنّی استخیرک برحمتک

● التنزیہ ۔ دور کردن ۔

● اٰمِنْ ۔ الایمان بے بیم گردن۔

● الاغنیاء ۔ تونگر گردانیدن ۔

● الاحاطہ ۔ نگاہ داشتن ۔

واستخيرك بقدرتك وافض لنا الخيرة والهمنا معرفة الاختيار واجعل ذلك ذريعة الى الرضى بما قضيت وتسليما لما حكمت وازح عنا ريب اهل الارتياب وايدنا بيقين المخلصين ولا تسمنا عجز المعرفة عما تخيرت۔

فنغمط قدرك ونكره موضع قضيتك ونجنح الى التى هى ابعد من حسن العاقبة واقرب الى ضد العافية اللهم حبب الينا ما نكره من قضائك وسهل علينا ما نستصعب من حكمك والهمنا الانقياد الى ما اوردت علينا من مشيتك حتى لا نحب تاخير ما عجلت ولا تعجيل ما اخرت ولا نكره ما احببت ولا نتخير ما كرهت واختم لنا

- الیسر آسان کردن
- الاختیار برگزیدن
- سورۃ الحشر درسیپارہ بست وہشتم
- الرضی۔ خوشنودی
- الازاحۃ دور کردن
- الاسامۃ۔ چشانیدن
- الغمط۔ خوار شدن
- ای الی الخصلۃ التی ھی ابعد
- التسھیل۔ آسان کردن
- الانقیاد۔ تن بدادن
- اَحمدُ۔ ستودہ تر
- الرضیۃ ذلک اشارۃ الی معرفۃ الاختیار
- سورۃ الرحمٰن درسیپارہ بست وہفتم
- القضاء حکم کردن
- الریب۔ الشک
- الارتیاب۔ بشک آوردن۔
-
- الجنوح۔ بدکردن
- التحبیب۔ دوست گردانیدن
- الاستصعاب۔ صعب ودشوار شدن
- الایراد۔ در آوردن
- اَکرمُ۔ گرامی۔
- اِنّک تفید الکریمۃ ای انک تفید النعمۃ الکریمۃ وتعطی الجسیمۃ ای تعطی الوطیۃ الجسیمۃ۔

بالتی ھی احمد عاقبۃً واکرم مصیراً انّک تفید الکریمۃ وتعطی الجسیمۃ وتفعل ما ترید۔

فائدۂ استخارہ

آنست ہرچہ بعد آں پیدا شد از برآید و نا برآید خبر دراں باشد، موسیٰ علیہ السلام در مناجات گفت الٰہی مَنْ اَبْغَضُ خَلْقِکَ عِنْدَکَ؟ قَالَ مَنِ اتّہمنی، گفت الٰہی ترا متہم کہ تواند کرد۔ گفت آنکس کہ استخارہ کند وخیر خود خواہد من خیر اوست آرم او را خوش نیاید و راضی نباشد بر کاغذ بارہا می نویسند افعل ولا تفعل آں بدعت است نباید کرد متابع سنت باید کرد۔

"ذکرِ طعام خوردن"

اول دست بشوید باّمید غنی آں گاہ ابتداء بنمک کند و فاتحہ و اخلاص خواند وبگوید بِسمِ اللہ خیر الاسماء بسم اللہ رب الارض والسماء، بسم اللہ الذی لا یضر مع اِسمہٖ شیءٌ فی الارض ولا فی السماء وھو السمیع العلیم و بر طعام و مد آنگاہ گوید بسم اللہ الرحمٰن الرحیم، اللّٰھمّ بارِکْ فیہ وارزقنا خیراً منہ واگر شیر باشد بجائے "وارزقنا خیرا منہ"۔ "زدنا" گوید واگر برنج باشد درود گوید، ایضاً بگوید۔ اللّٰھمّ اجعلہ عوناً علیٰ طاعتکَ ولا تجعلہ عوناً علیٰ معصیتکَ و بحضورِ دل خورد و گوید اللّٰھمّ وفّقنا شکرکَ

وَمن آداب الطعام ان لا یشرب الماء اذا اشتغلوا بغسل الایدی حتیٰ یخرج الطشت من بین اید یھم۔

سلہ قال علیہ السلام من سقاہ اللہ لبناً فلیقل اللّٰھمّ بارک لنا فیہ وزدنا منہ۔

سلہ العون والمعونۃ والاعانۃ یاری کردن، عان یعون من باب نصر ینصر۔

وَلَيَسِّرْہُ علینا حسابہ و ہر لقمہ کہ ہر گیرد بخورد ابتداءً[۱] "بسم اللہ الرحمٰن الرحیم" گوید چوں فرو دبرد الحمد للہ گوید آں طعام در شکم ثنا گوید و رواست کہ سخن دینی گوید باز ختم بنمک کند، بعد الفراغ گوید الحمد للہ ربّ العالمین والحمد للہِ الّذی اطعمنی ھٰذا وارزقنیہ من غیر حَوْلٍ منّی ولا قُوّۃٍ، الحمد للہ الّذی بنعمۃ یَتِمُّ الصالحاتِ وبرحمتہ ینزل البرکات وتُصلحُ الفاسداتِ، الحمد للہ الّذی جعلنی من یجلو یشتہی الحمد للہ الذی اَطْعَمَنَا فَاَشْبَعْنَا وانعم علینا وافضل اللّٰھمّ اِجْعَلْہُ شفاءً ولا تجعلہُ داءً اللّٰھمّ ارزقنا مِمَّا تُحِبُّ واجعلہُ عَوْنًا لنا علی ما تُحِبُّ وَمَا زَوَیْتُ عَنَّا مِمَّا تُحِبُّ اِجْعَلْہُ فراغًا لنا فیما تحبُّ پس آنگاہ خلال کند بدستِ راست بعدہ دست بشوید سورۂ اخلاص ولِایلٰفِ بخواند

ہمچناں دستِ تر بر روئی و سرو ...... بـ[۲] ...... بالد و رکعتین شکر طعام بگذارد، دو رکعتِ اول بعد فاتحہ وابراہیم اذ قال لقومہ اعبدوا اللہَ واتقوہُ ذٰلکم خیرٌ لکم اِنْ کنتم تعلمون، انّما تعبدون مِنْ دُوْنِ اللہ اَوْثانًا وتخلقون افکًا اِنّ الذین یعبدون من دون اللہ لا یملکون لکم رِزْقًا فابتغوہ عند اللہ الرزق واعبدوہ واشکروا لہٗ والیہ ترجعون

---

[۱] چوں رسول اللہ صلّی اللہ علیہ وسلّم طعام خوردی ابتداء بسم اللہ کردی و دیگراں را بگفتن آں فرمودی گفت اگر کسی در اول فراموش کند باید کہ در آخر گوید "بسم اللہ" فی اوّلہ وآخرہ ۔ (صراطِ مستقیم)

"فی العوارف" رُوِیَ عن النبی علیہ السّلام من اکل طعامًا یقال الحمد للہ الذی اطعمنی ھذا وارزقنیہ من غیر حول الی اخرہ غفر اللہ لہٗ ما تقدم من ذنبہ ۔

[۲] اصل میں حرف مٹا ہوا ہے ۔

در دوم وما خلقت الجنّ والانس الا لیعبدون، ما ارید منہم من رزقٍ وما ارید ان یُّطعِمُوْن ان اللہ ھو الرزاق ذو القوۃ المتین بعد از سلام صلوات گوید و این دعاء بخواند اللّٰھمّ ما رَزَقْتَنَا مما نُحِبُّ اجعلہ عَوْنًا تا آخر و اگر در خانۂ دیگرے طعام خورد او را دعا کند بگوید اَفْطَرَ عندکم الصائمون و اکل طعامکم الاَبْرَارُ وَصَلَّیَتْ علیکم الملائکۃ وَتَنَزَّلَتْ علیکم الرحمۃ کَثَّرَ اللہ خیرَکُمْ وَجَزَاکُمُ اللہ خَیْرًا

کیفیتِ آب خوردن [1] بر دم خورد در اول دم بسم اللہ گوید و ختم الحمد للہ، در دوم ابتداء بسم اللہ الرحمٰن الرحیم، الحمد للہ رَبِّ العالمین و در سوم ابتداء بسم اللہ الرحمٰن الرحیم و ختم الحمد للہ رَبِّ العالمین الرحمٰن الرحیم و بگوید الحمد للہ الذی سقانا ماءً عَذْبًا فُرَاتًا برحمۃ ولم یَجْعَلْہُ مِلْحًا اُجَاجًا بذنوبنا، اللّٰھمّ اجْعَلْہُ شِفَاءً ولا تَجْعَلْہُ دَاءً اللّٰھمّ اجْعَلْہُ عَوْنًا علیٰ طَاعَتِکَ وتجعلہ عَوْنًا علیٰ مَعْصِیَتِکَ آں آب در شکم تسبیح گوید

"کیفیتِ بازار رفتن"۔ اگر کاسب باشد بعد از نماز چاشت چوں خواہد بازار

---

[1] اذا اراد ان یشرب الماءَ ماْخذ الکوز بیمینہ وینظر فی الماء فیشرب بثلثۃ انفاس وھو قاعد فیقول فی ابتداءِ النفس الاول "بسم اللہ" وفی انتھائہ "الحمد للہ" وفی ابتداء النفس الثانیۃ "بسم اللہ الرحمٰن" وفی انتھائہ "الحمد للہ رب العالمین" وفی ابتداء النفس الثالثۃ "بسم اللہ الرحمن الرحیم"، وایضاً فیہ لا یشرب قائماً لان النبی صلی اللہ علیہ وسلم نھی عن الشرب قائماً ولا یشرب مضطجعاً ولا متکئاً ولا من فم السقا یعنی من فم القربۃ لانہ علیہ السلام نھی عن ذٰلک ولا من بلھۃ الاناء لانہ مجمع الوسخ۔

روز دو رکعت نماز استخارہ گزارد و التجا بحق کند و کسب بنیت آں کند کہ غیرے از وبال باید و بگوید اللّٰھمّ بارک لی فی ھذا الکسب چوں در بازار در آید بگوید لا الٰہ الا اللّٰہ وحدہ لا شریک لہ لہ الملک و لہ الحمد یحیی و یمیت وھو حیّ لا یموت ذو الجلال و الاکرام بیدہ الخیر وھو علی کل شیٔ قدیر، اللّٰھمّ انی اسئالک خیر ھذا السوق و اھلہ و اعوذبک من شرّ ھذا السّوق و اھلہ اللّٰھمّ انی اعوذبک ان اصیب فیھا یمینًا فاجرۃً او صفقۃً خاسرۃً۔

واگر بردہ خرد بگوید اللّٰھمّ ارزقنیہ طویل العمر کثیر الرزق و بارک لی فیہ واگر...... ستاند بگوید اللّٰھمّ انت اعلم بطول العمر وسلامۃ الخفّ و الظھرۃ چوں خرید در حدیث است کہ موی پیشانی غلام یا اسپ وغیر آں باید گرفت و ایں دعاء بخواند اللّٰھمّ بارک لی فیھا و بارک لھا فیّ، اللّٰھمّ انی اسئالک خیرھا و خیر ما جبلت علیہ و اعوذبک من شرّھا و شرّ ما جبلت علیہ و اعوذبک، اگر شتر باشد دست بر کوہان او نہد ہمیں دعاء بخواند ایضاً ہرچہ بستاند و بفروشد گوید اللّٰھمّ بارک لنا فی صفقتنا ھذہ و احفظنا من الخسران و جعلنا من الصّالحین۔

---

۱ قال علیہ السّلام من دخل سوقًا من الاسواق فقال لا الٰہ الا اللّٰہ تا قدیر، کتب اللّٰہ الفواسق حسنۃ و محی عنہ الف الف سیئۃ و بنا لہ بیتًا فی الجنہ۔

۲ قال علیہ السلام و ھذا مستحب فانّہ روی عن النّبی صلی اللّٰہ علیہ وسلم قال من قال ذلک کان لہ بعدد من فی السوق عن حسنیات

۳ اصل میں اسی طرح ہے۔

واگر در خانہ رود گوید اللّٰھم انی اسئالک خیرالمولج وخیر المخرج بسم اللہ ولجنا وبسم اللہ خرجنا وعلی اللہ توکلنا۔

"کیفیتِ سفر رفتن"

چوں خواہد بسفرے رود رکعتین بگزارد در اول بعد فاتحہ "سورۂ یٰس" و در دوم دہ بار "انا انزلنا" بخواند بعد سلام گوید اللّٰھم بارک علینا فی ھذا النفر اللّٰھم احفظنا من ایدینا ومن خلفنا ومن یمیننا وعن شمائلنا ومن فوقنا ومن تحتنا ومن شر کل دابۃ انت اخذنا صیتھا اللّٰھم انت الصاحب فی السفر وانت الخلیفۃ فی المال والاھل والولد اللّٰھم انی اعوذبک من دعوۃ المظلوم وسوء المنظر فی الاھل والمال والولد یا ذا الجلال والاکرام اللّٰھم اطولنا الارض وسھل علینا السفر وبلغنا الی مقصودنا امنین سالمین برحمتک یا ارحم الراحمین چوں از خانہ بیروں آید بسم اللہ امنت باللہ واعتصمت باللہ وتوکلت علی اللہ ولاحول ولاقوۃ الا باللہ، اللّٰھم انی اسئالک خیرہ من مخرج واعوذبک من شرہ من مخرج بر در خانہ مستقبل جانبی کہ خواہد رفت فاتحہ وسہ قل بکاں بار چپ و راست بخواند و بگوید اللّٰھم احفظنی واحفظ مامعی ومن معی واحرسنی واحرس مامعی ومن معی وسلمنی وسلم مامعی ومن معی وبلغنی وبلغ مامعی ومن معی بلاغک الحسن الجمیل۔ اللّٰھم انی استودعک نفسی ومالی واھلی وولدی در حدیث است ہر کہ در سفر کردن یازدہ بار سورۂ اخلاص بخواند از شران سفر ایمن باشد چوں پائے در رکاب نہد گوید بسم اللہ، چوں در رکابِ دوم نہد بگوید الحمد للہ، چوں راست بنشیند گوید سبحان اللہ سخر لنا ھذا وماکنالہ مقرنین وانا الی ربنا المنقلبون

پس الحمد للہ سہ بار و اللہ اکبر سہ بار بگوید و این دعاء بخواند سبحانک انی کنتُ ظلمتُ نفسی فاَغْفِرلِی ذُنُوبی فاِنَّہٗ لَا یغفر الذنوبَ اِلَّا اَنْتَ چون روان شود گوید اَللّٰھمّ اِنّی اسئالك فی سفری ھذا التقی ومن العمل ما ترضٰی اللّٰھمّ ھَوِّنْ علینا السفر واَطْوِلنا بُعْدَ الارض، اللّٰھمّ انت الصاحبُ فی السفر والخلیفۃ فی الاھلِ۔ اللّٰھم اصْبَحْنَا فی سفرنا واَخْلَفْنَا فی اھلنا اللّٰھم انی اعوذبك مِنْ وَعْثاءِ السفر وکابۃ المُنْقَلَبِ وَالحَوْرِ بعد الکور وسُوْءِ المنظر فی الاھلِ والمال والولد بوقتِ سواری ذکر گوید و در ہمہ جای اخلاص بسیار خواند چون بمنزل رسد بگوید اعوذ بکلماتِ اللّٰہِ التاماتِ التی لا یجاوزھُنَّ برٌّ ولا فاجرٌ من شرِّ ما خَلَقَ وذَرَاءَ وبَرَاءَ ومن شرِّ ما ینزل من السّماء وما یَعْرُجُ فیھا ومن شر ما یلج فی الارض وما یخرج منھا ومِنْ شر کل طارقٍ اِلَّا طارقًا یطرق بخیر منك یا رحمٰنُ چون ساکن شود بگوید یا ارض رَبّی وربك اللہ اعوذ باللہ مِنْ شَرِّكَ ومِنْ شَرِّ ما فیكَ وشَرِّ ما خلق فیكَ ومِنْ شَرِّ ما رَبَّ علیكَ اعوذ باللہ من شر کُلِّ اَسَدٍ وَاَسْوَدٍ و حَیَّۃٍ وَعَقْرَبَ ومِنْ شَرِّ ساکنی البلد ومن شَرِّ والدٍ وما وَلَدَ، اللّٰھمّ ربَّ السّمٰوٰتِ السَّبْعِ وما اَظْلَلْنَ ورب الارضین السبع وما اَقْلَلْنَ وربَّ الشیاطین وما اَضْلَلْنَ وربَّ الریاح وما ذَرَیْنَ وربَّ البحار وما جَرَیْنَ نسئالكَ خیر ھذہ القَرْیَۃِ وخَیْرَ اھلھا وخیر ما فیھا ونعوذبكَ مِنْ شَرِّھَا ومن شَرِّ اھلھا وشَرِّ ما فیھا اللّٰھمّ انی اسئالك مِنْ خَباءِ[1] ھا واعوذبكَ مِنْ وَبَاءِ ھا اللّٰھمّ حَبِّبْنَا

---

[1] الخباء۔ النبات، وفی الحدیث الرزق فی خباء الارض، خباء السمٰوٰت القطر، وخباء الارض، النبات۔

حَبِّبْنَا۔ التحبیب دوست گردانیدن۔

الیٰ اھلھا وحبّب الینا صالحیؔ اھلھا ، برائے ایمنی از دزد آیتہ الکرسی خواند برائے تشنگی ٔ سنگ ریزہ برگیرد وسہ بار انا اعطینا بخواند و برآں رید و در دہاں گیرد چوں بر بلندی برآید تکبیر بگوید و ایں دعاء بخواند اللّٰھمّ لک الشّرفُ علیٰ کل شَرفٍ ولک الحمدُ علیٰ کل حالٍ و در نشیبی تسبیح گوید و اگر راہ گم کند بسم اللہ ذی الشان العظیم البرھان الشدید السلطان کُلّ یوم ھو فی شأنٍ ، اعوذ باللہ من الشیطان ماشاء اللہ کان لاحول ولا قوۃ الا باللہ ، ایضاً اگر کسی نباشد کہ او را در طلب گم شدہ یاری دہد باوازِ بلند گوید یا عِبادَ اللہ المسلمین اعِینُونِی ۔ ایضاً برائے گم شدہ سورۂ یٰسین باید خواند ، ایضاً در حدیث است چوں چیزے گم شود رکعتین گزارد ، در اول والضحیٰ و در دوم الم نشرح خواند بعد از سلام دست برآرد و بگوید اللّٰھمّ یا ھادیَ الضّالّین اُردُدْ علیَّ ضالّتی بعِزّتِکَ وسُلطانِکَ فانما ھُو مِنْ فَضلِکَ وعطائِکَ بروایت دیگر ۔ یا جامعَ الناس لیومٍ لاریبَ فیہ اِجْمعْ علیَّ ضالّتی ، بروایتِ دیگر ۔ آں روز روزہ دار بوقت افطار پیش از آب خوردن سہ بار گوید لا الٰہ الّا اللہ ربی لاشریک لہٗ بروایتِ دیگر سہ بار بگوید انا للہ وانا الیہ راجعون بروایت دیگر در حال وضو سازد و روئے بقبلہ آرد پس ہفت بار بخواند بعد ہر بارے دہ بار والعادیات بخواند ۔ اللّٰھمّ یا واحدُ اُردُدْ الیّ ضالّتی بحقّ یمیخا ، مکسلمینا ، بثیونس ، کشفوطط ، اذرفطیونس ، کنا فطیونس ، یوانس ، بوس ، قطمیرُ علیکَ الٰھی بحق نبیّکَ المبعوثِ فی اخر الزمان محمدن المصطفیٰ صلّی اللہ علیہ وسلّم یا ذا الجلال والاکرام صُمٌّ بُکمٌ عُمیٌ فھم لا یعقلون ۔ چوں در کشتی نشیند گوید بسم اللہ مجرٖیھا ومُرسٰیھا انّ ربی لغفورٌ رحیم ، وما قدروا اللہ حق قدرہ والارض جمیعاً قبضتہ یوم القیامۃ والسمٰوٰت مطویات بیمینہ سبحانہ وتعالیٰ عما یشرکون ، یا حیّ قبل کُلِّ حیٍّ

یا حیُّ بَعْدَ کُلِّ مَیِّتٍ، چوں از سفر باز آید بگوید ائبون تائبون عابدون ساجدون لہ بنا حامدون لا الٰہ الا اللہ وحدہ لاشریک لہٗ لہُ الملکُ ولہُ الحمدُ۔ یُحْیِی ویمیت وھو حیٌّ لایموت ذوالجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کل شیٔ قدیر، چوں بشہر رسد اول بمسجد آرینہ رود دوگانہ بگزارد بخواند در رکعتِ اول آیتہ الکرسی یکبار، در دوم اخلاص سہ بار بعد از سلام بگوید اللّٰھمّ اَعْصِمْنِیْ بالطائک حتّٰی اَعْصِیک واَعِنّی علیٰ طاعتکَ بتوفیقکَ وجَنِّبْنِیْ معاصیکَ برحمتکَ یا ارحم الرّاحمین۔

ذکرِ جامۂ نو پوشیدن

چوں جامۂ نو پوشد دہ بار انا انزلنا بخواند بر آب رمد واں آب بر جامہ زند برکت بسیار باشد وجامہ بنیتِ نماز پوشد و یا بنیتی کہ برادر دینی را بلند واگر خوشبوئی مالد گوید۔ اللّٰھمّ یا طَیِّبُ کما طَیَّبْتَنِیْ بطیبِ الدنیا فطَیِّبْنِیْ فی الاٰخرۃِ بطیب الجنّۃ وطیب قلبی بذکرکَ یا ارحم الرّاحمین۔

بعد از پوشیدن جامۂ نو دو رکعت نماز بگزارد بعد از سلام گوید الحمد للہ الّذی کَسَانِیْ ما اُوَارِیْ بہ عورتی وَاُجَمِّلُ بہ وَجْھِیَ والحمد للہ الّذی کسانی ھذا الثوب وَرَزَقَنِیْہِ من غیر حولٍ مِنّیْ ولا قوۃ الحمد للہ الّذی بنعمتہ تُتِمُّ الصّالحاتِ وبرحمتہ تصلحُ الفاسِدَاتِ وتَنْزِلُ البرکاتِ، الحمد للہ علیٰ کُلِّ حالٍ۔ اللّٰھمّ اجْعلہُ ثوبًا مبارکًا اَشْکُرُ فیہ نعمتکَ وَ اُحْسِنُ فیہ عبادتکَ وَ اَعْمَلُ فیہ بطاعتکَ استعین باللہ والتجئ الی اللہ

نعوذ باللّٰه من استبداد النفس بقلیل وکثیر، اللّٰھمّ انّی اسئالک العفو والعافیۃ والمعافاۃ والتّقٰی فی الدین والدنیا والاٰخرۃ اللّٰھمّ انّی اسئالک الھدٰی والتّقٰی والعفۃ والغنٰی والتوفیق لما تحبّ وترضٰی ...... ؎۱ ...... کردن او نرسیده باشد که همه گناهان او آمرزیده شده باشند و باید پیراهن و ازار دراز نپوشد چنانکه از ...... ؎۲ ...... بگزرد وامیر المؤمنین علی رضی اللّٰه عنه گفت "تقصیر الثیاب ابقٰی و انقٰی واتقٰی"

ذکرِ عروس بخانه آوردن

چوں عروس بخانه آرد دوگانه بر گوشهٔ چادرِ او بگزارد پس دست بر پیشانیٔ او نهد بگوید اللّٰھمّ بارک لی فیھا وبارک لھا فیّ اللّٰھمّ اسئالک خیرھا وخیر ما جبلتہ علیہ واعوذبک من شرّھا ومن شرّ ما جبلتہ علیہ و پایٔ او را بشوید آں آب ...... خانه ...... کند بر کنج باشد در هفته اوّل عروس را خوردن ندهد علک خام و بودنه و کشنیز و غدره و سیب ترش و سه که پرهیزد که ایں جمله مضر است چوں قربان کند باید که با وضو باشد و جایٔ که خالی کند چناں که کودک و بهیمه هم نباشد آغاز بملاعبته کند تا رغبت غالب شود آنگاه سورهٔ اخلاص بخواند و بگوید اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الّا اللّٰه واللّٰه اکبر وللّٰه الحمد و کلمهٔ توحید گوید و آیۃ الکرسی و سه بار اخلاص و معوذتین بخواند و نیت فرزند کند و بگوید بسم اللّٰه الرحمن الرّحیم اللّٰھمّ صلّ علی محمدٍ وعلٰی اٰلِ محمدٍ وبارک وسلّم، اللّٰھمّ ؎۳ جنبنی

۲،۱ - اصل نسخه میں مٹا ہوا ہے۔

؎۳ قال علیه السلام اذا اراد ان یاتی اھله قال بسم اللّٰه اللّٰھمّ جنبنا الشیطان، رزقتنا فانه ان یقدر لهما فلذ الم یضره الشیطان۔

الشیطان وجنب الشیطان مارزقتنا، اللّٰھم فان قضیت شیئاً من رحمہا فاجعلہ بارًّا اتقیّا مسلماً سویّاً ولا تجعلہ شریکاً للشیطان اللّٰھم اجعلہ ذریّۃ طیّبۃ بما رزقتنا ان کنت قدرت ان تخرج من صلبی لاحول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم، اللّٰھم ان ترزقنی من ھذہ الوقعۃ ولداً اسمیہ محمداً، بوقت انزال در دل بگوید الحمد للہ الذی جعل من الماء بشراً فجعلہ نسباً وصہراً - در زیرِ درخت ومیانِ بانگِ نماز واقامت ودر نیمۂ شعبان ودر شبِ عید وطی نکند کہ فرزند را زیان دارد ومعیوب زاید بعد انزال چنداں صبر کند کہ زن نیز فارغ شود چوں فرزند آید در گوشِ راست او بانگِ نماز ودر چپ اقامت گوید ونامِ نیکو نہد چناں کہ عبداللہ وعبدالرحمٰن، وعقیقہ دہد دختر را یک گوسفند وپسر را دو گوسفند، اگر یکی باشد ہم رخصت است، عروس باید کہ سرمہ کند کہ دراں سہ چیز است آرائش و عبادت وشادیِ خصم، وچوں شوی رود نگرد او در زمین نگرد بیند وہر گاہ کہ شوی بجامہ خواب خواند نزدیک او شود واز شوہر خود جز نکوئی نگوید وسوئ بام ودریچہ ودر نرود واز صحبت ومباشرت باکسی حکایت نکند ودر مالِ او خیانت ننماید وبداں چہ رسد قانع باشد وبے سببی خصومت نکند۔

ذکرِ غسلِ جنابت

چوں خواہد کہ غسل کند نخست عورت را بشوید واگر نجاستے بر اندامِ او باشد زائل کند، دستہا سہ بار بشوید واستنجا کند، باز دستہا بشوید وسہ بار مضمضہ باغرغرہ کند تا کام شستہ شود، سہ بار استنشاق کند وآب ۔ کشد کہ دہن وبینی شستن در غسلِ جنابت در حنفی وشافعی فریضہ است اگر اندکے نا شستہ ماند نماز روا نبود پس روئ دستہا سہ بار بشوید ومسح بکشد وپائ نشوید پس آب بر خود بریزد و

اندام بمالد و زیر...... و زیرِ زانو بمالد و ناف بسر انگشت مالد و نیک احتیاط کند و بکوشد کہ آب ہمہ اندام برساند، اگر مقدارِ موئی از اندام خشک ماند حکم جنابت برنخیزد کہ پیغامبر علیہ السلام فرمود "تحت کُلِ شعرٍ جنابۃ" چوں شستہ باشد ازاں جا فرا تر رود بجائے پاک پائے بشوید در حال معاصی پاک گردد۔

ذکرِ نمازِ جنازہ

چوں جنازہ بیند گوید اللہ اکبر اللہ اکبر اشھد ان لاَّ الٰہ الاَّ اللہ یُحیِ ویمیت وھو حی لا یموت ھذا ما وعدنا اللہ ورسولہ وصدق اللہ و رسولہ، اللّٰھمّ زدنا ایمانا وتسلیماً لا الٰہ الا اللہ وحدہ لاشریک لہٗ لہُ الملک ولہُ الحمد یُحیِ ویمیت وھو حیٌّ لا یموت ذوالجلال و الاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کلّ شیٍٔ قدیر، اللّٰھمّ بارک لنا فی الموت واجعل لنا بعد الموتِ خیراً نیت چنیں کند اُودیّ صلوٰۃ الجنازۃ علیٰ ھذا المیتِ اربع تکبیراتٍ، الصلوٰۃ للہ والدعاء للمیتِ والاستغفار للمؤمنین والمؤمنات اقتدیت بھذا الامام تکبیرِ اول سبحانکَ اللّٰھمّ وبحمدک وتبارک اسمک وتعالیٰ جدک وجلّ ثناؤکَ ارحم۔ ولاَ اِلٰہ غیرک ربّ اغفر وارحم وانت خیر الراحمین، تکبیرِ دوم اللّٰھمّ صَلِّ علیٰ محمّدٍ وّعلیٰ اٰلِ محمّدٍ کما صلیت علیٰ ابراھیم وَعلیٰ اٰلِ ابراھیم انّکَ حمید مّجید، اللّٰھمّ بارک علیٰ محمّدٍ وّعلیٰ اٰلِ محمّدٍ کما بارکتَ علیٰ ابراہیم وعلیٰ اٰلِ ابراھیم انّکَ حمید مّجید، اللّٰھمّ ترحم علیٰ محمدٍ وّعلیٰ اٰلِ محمّدٍ کما ترحمتَ علیٰ ابراھیم وعلیٰ اٰلِ ابراھیم انّکَ حمید مّجید، اللّٰھمّ تمنّن علیٰ محمّدٍ وعلیٰ اٰلِ محمّدٍ کما تمنّنتَ علیٰ ابراہیم وعلیٰ اٰلِ ابراھیم انّکَ حمید مّجید۔

اللّٰهم سلّم علیٰ محمّدٍ وّ علیٰ اٰلِ محمّدٍ کما سلّمت علیٰ ابراهیم انّک حمیدٌ
در تکبیر سوم اللّٰهمّ اغفر لحیّنا ومیّتنا وشاهدنا وغائبنا وصغیرنا و
کبیرنا وذکرنا واُنثانا، اللّٰهمّ من اَحییتَه منا فاحیه علی الایمان
وَمَنْ توفّیته منّا فتوفّه علی الاسلام، اللّٰهُمّ اغفر لهذا
المتوفی خاصّتًا وارحمه وتُضلّنا بعده ولا تحرمنا اجرهٗ ولقنه
الصّواب وَ الحقه واجز له الثواب والحقه نبیّک محمدٍ
علیه السلام یا ارحم الراحمین تکبیر چهارم سلام گوید واگر صغیر باشد
در تکبیر سوم گوید اللّٰهم اجعله لنا ذُخرًا اللهم اجعله لنا شافعًا
ومشفّعًا واگر دختر باشد اللّٰهم اجعلها لنا ذخرًا اللّٰهم اجعلها
لنا شافعته ومشفعة گوید،

اولیت از عوف بن مالک رضی اللہ عنہ کہ پیغامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر سر
جنازه این دعا خواندی اللّٰهم اغفره وارحمه وتجاوز عنه
وعافه واعف عنه واکرم نزوله ووسّع مدخله وآنس
وحشته وارحم غربته ولقّن حجته وبرّد مضجعه ونوّر
مهجعه والحقه بنبیه محمدٍ صلی اللّٰه علیه وسلم
وادخله الجنة واعذهٗ من النار برحمتك یا ارحم الراحمین
چوں مرده را در گور نهند بگوید۔

بِسمِ اللّٰهِ وبِاللّٰهِ وفی سبیل اللّٰه وعلیٰ ملة رسول اللّٰه ،
اللّٰهم هذا عبدك وابن امتك سَلِمْنَاهُ اِلیك وانت اولیٰ
به منا فارحم علیه رحمةً تنفذهٗ من عذابك وتدخله
فی جناتك برحمتك یا ارحم الراحمین چوں خاک هموار کند این دعا
بخواند یا عبد اللّٰه ابن امة اللّٰهِ اِذا جاءك سائلانِ من اللّٰهِ
لاتخف ولا تحزن وابشر وقل بلسانٍ فصیحٍ واعتقادٍ صحیحٍ

اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ،

وَقُلْ رَضِيْتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وبالاسلام دينًا ومحمدٍ صلى الله عليه وسلم نبيًّا وبِالقرآن امامًا وبالكعبة قبلة وبالمومنين اخوانًا و بحلال الله حسابًا وبحرام الله عذابًا وبالجنة ثوابًا وبالنار عقابًا وان الساعة آيتة لاريب فيها و اَنَّ الله يبعث من فى القبور، بعد ازاں ایں دعا بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذا عبدك وَابْنُ عَبْدِكَ خرج من روح الدنيا وسعتها ومحبوبها واحبابها فيها الى القبور وما هو لاقيه وكان يقول اشهد ان لا اله الا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ، اَللّٰهُمَّ نَزَلَ بك وانت خير منزولٍ بِهٖ وانت غَنِيٌّ عن عذابه وقد جئناك راغبين اليك شفعاء له،

اَللّٰهُمَّ اِنْ كان محسنًا فزدهُ فى اِحسَانِهٖ وان كان مُسيئًا فتجاوز عنه ولَقِّهٖ بِرحمتك رضاك وقهٗ فتنة القبر و وافسح لهٗ فى قبرهٖ وجافِ الارضِ عن جنبيه وَلَقِّهٖ برحمتك الأمن عذابك حَتّٰى يبعثه الى جنتك ياارحم الراحمين چوں بجنازہ آید شب نخستیں گور برائے مردہ دو رکعت نماز بگزارد بخواند، در ہر رکعتے فاتحہ وآیۃ الکرسی واخلاص یکاں بار، والٰھیکم التکاثر دہ بار، بعد الفراغ بگوید اَللّٰهُمَّ صَلَّيْتُ هذه الصلوٰة وقد تعلم ما اردت بها اَللّٰهُمَّ ابعث ثوابها الى قبر فلانٍ گورِ آں مردہ پر نور گردد و از عذاب گور ایمن ماند وگزارندہ ثواب بسیار یابد۔

فاذا اراد زيادة القبور تستحب له ان يصلى فى بيته ركعتين يقرأ فى ركعة الفاتحة وآيتة الكرسى مرّةً والاخلاص ثلث مرات وجعل ثوابه للميت بعث الله تعالى

ذکر زیارت کردن بامداد پنجشنبہ یا بعد نماز جمعہ یا شنبہ قبل الطلوع

زیارت باید رفت کہ ارواحِ مردگاں از زمان حاضر می باشند، چوں بر سر گور رسد از سوئے قبلہ در آید و بگوید ۔ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَھْلِ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ کَیْفَ وَجَدتُم لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہ ، یا لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ بِحَقِّ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ اِغْفِرْ لمن قَالَ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَاحْشُرْنَا فِی زُمْرَۃِ مَنْ قَالَ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰہِ ۔ یا فلان بن فلان غفر اللّٰہ لکم غفر لنبیہ علیہ السلام و علیٰ آلہٖ

برابر روئے او بنشیند آیۃ الکرسی بخواند و بگوید بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، فاتحہ و اذا زلزلت الارض بخواند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ الَّذِیْ لَا یبقی اِلَّا وجہہ ولا یدوم الا الملکۃ اَشْھَدُ اَنْ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ

المیت فی قبرہ ثوابہ وکتب للمصلی ثواباً کثیراً ثم لا یشتغل ممالا یعنیہ فی الطریق ۔

التلقیۃ چیزے پیش کسی باز آوردن ۔

۳ فی الشرعۃ "وافوح" مما یروی من اعلام الخیر والرحمۃ وھو رشح الجبین وسموم الوجع وانتشار عند النزع ۔

فی المصابیح قال النبی علیہ السلام لایأتی علی المیت لیلۃ اشد من اول لیلۃ فارحموا موتاکم بشئ من الصدقۃ فی البکوئی فی الفصل الثامن ولا تصدق علی المیت او دعائہ، بعث اللّٰہ تعالیٰ الی المیت ذلک علیٰ طبق من نور ۔

وفی مصابیح المسائل فی الخبر من زار قبر مومن فقال اللھم انی اسألک بحق محمد وآل محمد ان لا تعذب ھذ المیت رفع اللّٰہ العذاب عنہ الی یوم ینفخ بالصور ۔

چیزے صدقہ بدہد و چیزے بخورد مخالفۃ الیھود والنصاریٰ ۔

وَحْدَهٗ لَا شَرِيكَ لَهٗ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ، اِلٰهًا وَاحِدًا صَمَدًا وِتْرًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا،
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ، وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا

قال الضحاک من زار قبراً یوم السبت قبل طلوع الشمس علم المیت بزیارته قیل وکیف ذلک قال لمکان یوم الجمعۃ وکذلک فی اللیالی المتبرکۃ، لا سیما لیلۃ البراۃ لما کان ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم کان احیا لیلۃ البراۃ فی البقیع وکذلک فی الازمنۃ المتبرکۃ کعشر ذی الحجۃ والعیدین وعاشوراء وسائر المواسم۔

زیارۃ القبور فی کل اسبوع مستحب وافضل ایامہا اربعۃ یوم الاثنین والخمیس والجمعۃ والسبت۔

وفی زیارۃ القبور قال علیہ السلام زیارۃ القبور وایضا فیہ زیارہ گورہا در ہر ہفتہ مستحب است وھکذا فی احیاء العلوم۔

من قرأ الفاتحۃ بنیۃ المیت فی یوم الجمعۃ قبل الزوال لیتوس روح المیت لان الارواح الی ما تحت العرش فی یوم الجمعۃ حتی الظہر ویسجدون اللہ تعالیٰ ویصلون مع الملائکۃ واذا قرئ الفاتحۃ او ختم بنیۃ المیت قبل صلوتہا یرجع الارواح الی القاری و الی الجمعۃ الاخری[۱]

لانہ فاعادہ من عند رحمۃ اللہ تعالیٰ . . . . . .

ذکر فی الذخیرۃ یستحب عند زیارۃ القبور قراءۃ سورۃ الاخلاص سبع مرات ان کان ذلک غیر مغفور یغفرہ، وان کان مغفورا غفر لہ، لہذ القاری ذہب ذنوبہ للمیت وان قرأہا عشر مرات فہی احسن لان روی علی رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم انہ قال من مر علی المقابر فقرأ قل ھو اللہ احد عشر مرات ثم وھب اجرہ و ثوابہ للاموات ومن اراد المزید علیہا لاقتناء المثابات فیقرأ سورہ یٰس۔

عبدہٗ ورسولہٗ شہد اللہ انہ لا الٰہ الا ہو والملائکۃ والو العلم قائما بالقسط لا الٰہ الا ہو العزیز الحکیم، ان الدین عند اللہ الاسلام، ومن یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منہ وہو فی الآخرۃ من الخاسرین، وانا علیٰ ذلک من الشاہدین بعد ازاں برخیزد ولپس پشت گورایستد دست برآرد وایں دعا بخواند اللہم ہذہ دار البلاء ومحلۃ الموتیٰ فلبسنا لطاعتک قبل حلولنا بھا واھلنا لرحمتک عند نزولنا فیھا واعنا علیٰ عمارتھا بالاعمال الزکیۃ والافعال الرضیۃ والحسنات المقبولۃ والصدقات المبذولۃ وارحم من سبقنا الیہ رحمۃ تؤمنھم یوم الحسنات وتوسعھم حسن الثواب۔

اللّٰہم رب الاجساد البالیۃ والعظام النخرۃ التی خرجت من الدنیا وھی بک مومنۃ ارسل علیھا روحا منک وسلاما منا۔

ویقرأ ھذا التوحید الروی عن انس رضی اللہ عنہ انہ قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من قرأ فللہ رب السمٰوات ورب الارض ورب العالمین ولہ الکبریاء فی السمٰوات والارض وھو العزیز الحکیم، وللحمد رب السمٰوات ورب الارض ورب العالمین ولہ العظمۃ فی السمٰوات والارض وھو العزیز الحکیم، ولہ الملک رب السمٰوات والارض ورب العالمین، ولہ النور فی السمٰوات والارض وھو العزیز الحکیم مرۃ واحدۃ ثم قال اللّٰہم اجعل ثوابھا الموالی لم یبق علیہ الا اداہ الیھا والثم بوھا فان قالھا ثلث مرات وجعل ثوابھا للمومنین والمومنات ادخل اللہ تعالیٰ علی القبور من الموحدین ایضا والنور والفسحۃ ومن اراد فعلی قدر ذلک من الثواب، ولاباس بتقیید خبر دالدیہ محاکم فی کفایۃ الشعبی ان رجلا جاء الی النبی صلی اللہ علیہ وسلم فقال یارسول اللہ ابی خلفت اقبل عقبۃ باب الجنۃ واطو العین فامرہ النبی صلی اللہ علیہ وسلم ان تقبل رجلا الام وجبۃ تراب وبروی انہ قال یارسول اللہ ان لم یکن لی ابوان فقال قبل قبرھما قال فان لم اعرف قبرھما؟ قال خطخط

اللّٰهم اغفر لی ولوالدیّ ولجمیع المومنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات واغفر ذنوبی وتجاوز عنّی سیّاٰتی یا ارحم الراحمین واین آیتہ در مقابر بخواند زعم الذین کفروا ان لم یبعثوا قُل بلٰی وربی لتبعثن ثم لتنبؤنّ بما عملتم وذلك علی الله الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر ولله الحمد از قرآن آنچہ تواند بخواند خاصتہ سورۃ یٰس وتبارك الذی بعدہٗ این دعا بخواند اللّٰهم تقبّل منّی قراۃ هذہ السورۃ والآیات من کتابكَ الکریم وبلّغ انوارها وروحها الیه والی ارواح اهل هذہ المقبرۃ

اللّٰهم وانزل علیه روحًا وراحۃ وبشریٰ وکرامۃ والحقه بعبادك الصالحین الذین لاخوف علیهم ولاهم یحزنون واگر را دعا کند بهتر اللّٰهم نوّر مضجعهم ووسّع بالکرم وآنس وحشتهم وآمن رواعتهم ولقّن علیهم حجتهم وبیّض وجوههم ونوّر تربتهم وارحم غربتهم وتقبّل حسناتهم وکفّر سیّاٰتهم، اللّٰهم اغفر وارحم وعافهم واعف عنهم وثبّتهم بالقول الثابت والحقهم بنبیّهم، اللّٰهم اجعلهم من ورثۃ جنۃ النعیم وقهم من فتنۃ القبر وعذاب الجحیم وادخلهم فی زمرۃ الصالحین وثقّل میزانهم بفضلك یوم الدین واجعلهم من الذین لاخوفٌ علیهم ولاهم یحزنون —!

• المضجع جاءِ خواب . وحشتهم . وحشت . تنهائی واندوه

• العافیۃ والمعافاۃ . عافیت دادن

• جاء فی الخبر من زار قبر ابویه او احدهما کل جمعۃ کتب الله له برا وغفر له،

وعنه علیه السلام من زار قبر ابویه اوامۃ وابیه واخیه جعل الله له حجابًا من النار - .

ذکر ماہِ نو دیدن

چوں ماہِ نو بیند سہ بار بگوید ربّی و ربُّکَ اللہ یکبار بگوید اَللّٰہُ اکبر اللہ اکبر لا الٰہ الّا اللہ واللّٰہُ اکبر اللہ اکبر وللہ الحمد،

الحمد للہ الذی خلقنی وخلقک وصورنی وصورک وقدّرلک منازل وجعلک آیۃ للعالمین، اللّٰھم اھلہ علینا بالامن والایمان والسلامۃ والاسلام والتوفیق لمّا تحبّ وترضٰی والحفظ لما تسخطُ،

اللّٰھم اجعلہ لنا شھر برکۃ واجرٍ ونورٍ وروحٍ ومعافاۃٍ اللّٰھم قاسم الخیر بین عبادک اقسم لنا فیہ من خیر ما تقسم بین عبادک الصالحین چشم برآں دارد چنداں کہ سورۃ الملک یک بار وفاتحہ ہفت بار و اخلاص سی بار بخواند روزِ غرہ سورہ فتح بخواند تمام سال ایمن باشد۔:

شیخ رکن الدین از خط شیخ صدر الدین و شیخ بہاؤ الدین رحہم اللہ فرمودند کہ شب روزِ ماہ یا روز غرہ سہ رکعت نماز بے سلام باید کرد در ہر رکعتے بعد فاتحہ اخلاص یازدہ بار، سبحان اللہ والحمد للہ تا آخر یازدہ بار بخواند بعد از سلام ہر شفع سہ بار سبوح قدوس ربنا ورب الملائکۃ والروح گوید۔ اہل بیت خود را شفیع باشد:

• اولیٰ عبد اللہ الثابت قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یتعلمون ھذا اذا دخل اشھرا لسنۃ کما یتعلمون القرآن۔!

• السخط والسخوط ناخوشنود شدن وخشم گرفتن

ذکرِ ماہِ محرم

رسول اللہ صلی اللہ تعالیٰ علیہ وسلم چوں ماہِ محرم دی گفتی مرحبًا بالسنۃ الجدیدۃ والیوم الجدید والشھر الجدید والساعۃ الجدیدۃ مرحبًا بالکاتبین والشھدین اکتبا فی صحیفتی اشھد ان لا الہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہٗ واشھد انّ محمدًا عبدہٗ ورسولہ وانّ الجنۃ حق والنار حق وان الساعۃ اٰتیۃ لاریب فیھا وانّ اللہ یبعث من فی القبور۔

اول شبِ ماہِ محرم :- ودہر ماہ نوشش رکعت دوگانے گزارد بعد سلام در ہر رکعتے بعد فاتحہ یکبار آیۃ الکرسی ویازدہ بار اخلاص بخواند وانتہاء ہر دو رکعتے سہ بار بگوید۔ سبحان الملک القدوس سبوح قدوس رب الملائکۃ والروح بروایت دیگر دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول بعد فاتحہ سورۂ انعام ودر سورۂ یٰسٓ خواند، کہ ماہِ نو کے بیند اوّلِ شب سی بار فاتحہ خواند آں ماہ در امانِ حق تعالیٰ باشد، در ہر شبے از ماہِ محرم صد بار لا الہ الّا اللہ وحدہٗ لاشریک لہ لہ الملک ولہ الحمد یحیٖ ویمیت وھو حیٌّ لایموت ذوالجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علےٰ کل شیٔ قدیر ویک بار اللھم لامانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجدّ منک الجدُّ دروست رد ودر ردیٔ مالا۔

۱۔ مشائخ ایں نماز میان ظہر وعصر گزاردہ اند

۲۔ سورۂ انعام الحمد للہ الذی خلق السمٰوات والارض در سیپارۂ ہفتم و سورۂ یٰسٓ آخر سیپارۂ بست ودوم وآغاز بست وسوم۔

المنع باز داشتن ، المانع باز دارندہ

ایضاً اول سال غرہ ماہِ محرم روزہ دارد دو رکعت نماز گزارد و ہر چہ داند از قرآن بخواند دو فرشتہ او را تمام سال نگاہ دارند اللهم انت الله الابد القديم و هذه سنة جديدة اسالك فيها العصمة من الشيطان الرجيم والامان من السلطان ومن شر كل ذى شر من البلايا والآفات واسألك العون والعدل على هذه النفس الامارة بالسوء والاشتغال بما يقربنى اليك يا بر يا رؤف يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام ایضاً روزِ اول یکبار بخواند الحمد لله الذى ذل كل شئ بعزته والحمد لله الذى تواضع كل شئ لعظمة والحمد لله الذى خضع كل شئ لملكته والحمد لله الذى استسلم كل شئ بقدرته واسألهُ لعظمته وعزته وملكته وقدرته فى هذه السنة الجديدة الامن والامان والعافية والغفران فى العصمة من الشيطان الرجيم

ثواب بسیار است شب عاشورا صد رکعت نماز گزارد در ہر رکعتے بعد از فاتحہ اخلاص سہ بار بخواند بعد الفراغ ہفتاد بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم بروایتے

فى الرياحين عن عبد الله بن عباس رضى الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صام اخر من ذى الحجة واول يوم من المحرم فقد ختم السنة الماضية بصوم وفتح السنة المستقبلة بصوم وجعل الله له كفارة خمسين سنة

منقول است کہ ہر ایں دعا بخواند در غرہ محرم برخرد رمد دواں سال از ہمہ بلاہا ونکبات ایمن گردد و ہیچ گزند بدو نرسد - (بعد السلام ہفت بار ایں دعا بخواند) -

عن ابن عباس رضى الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال فى اول يوم من المحرم الحمد لله الذى الى آخره كتب الله له بها حسنة ورفع بها الف درجة وكذبها اربعة الاف - يستغفرونه الى السنة المستقبلة -!

چہار رکعت است در ہر رکعتے آیۃ الکرسی یکبار، اخلاص پانزدہ بار بخواند بعد از سلام اخلاص دہ بار بخواند ایں شب را بطاعت زندہ دارد۔

روزِ عاشورا روزہ دارد و ثوابِ صوم دہر یابد، چوں آفتاب بلند بر آید رکعتیں گزارد در اول بعد الفاتحہ آیۃ الکرسی در دوم لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَّرَاَیْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُوْنَ، هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ،

روز عاشورا روزہ دارد و ثوابِ صوم دہر یابد، چوں آفتاب بلند بر آید رکعتیں گزارد در اول بعد الفاتحہ آیۃ الکرسی

اللّٰهم اجعلنی ممن دعاك فاجبته، و آمن بك فهديته و رغب اليك فاعطيته، وتوكّل عليك فكفيته، واقترب منك فادنيته، اللّٰهم امدد لعيشي مددا واجعلني في قلوب المؤمنين ودا، اللّٰهم اسألك الايمان بك واسألك الفضل من الرزق واسألك العافية من البلاء واسألك العافية في الدنيا والآخرة يا ذا الجلال والاكرام ايضا اللّٰهم اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شرِّ كل شيطانٍ مارد

اعلم ان يوم عاشوراء يوم خلق الله فيه جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل وعزرائيل صلوات الله عليهم و العرش والكرسي واللوح والقلم والسموات والارضين والجنة وفيه يوم الساعة وخلق الله آدم عليه السلام يوم عاشوراء وقبل الله توبته آدم عليه السلام يوم عاشوراء ورفع الله فيه ادريس عليه السلام واخرج الله فيه نوحًا و من معهٗ من السفينة واخرج الله فيه يونس عليه السلام من بطن الحوت وكشف البلاء عن ايوب عليه السلام واخرج الله موسٰیؑ من البحر و اغرق فرعون ورفع الله فيه عيسٰی عليه السلام الى السماء ونجا الله ابراهيمؑ نار نمرود وغفر الله ربنا لمحمد عليه السلام ما تقدم وما تاخر ۔

و عدو حاسد ولص قاھر و سلطان جابر، اللّٰھم انی اعوذبك من مقاماة البؤس ومعاواة النفوس وحلاة السقم وسلاة الالم وموت الاحباب وفقد المحاب وکد النوائب وسوءِ العواقب وصروف الزمن وصنوف المحن

وکفی بك کافیاً لمن استکفاك وھادیاً لمن استھداك ووافیا لمن استفاك ومجیراً لمن التجا الیك ومعینا لمن توکل علیك، اللّٰھم زھدنی فی الدنیا ورغبنی فی الحسنیٰ وافرغ علی الصبر وحبّب الیّ الاجر وجنبنی طاعة الھدیٰ وبلغنی غایة المنیٰ واجعلنی ممن یرضیٰ لقضائك و یستقدُّ للقاءك ویبتغی رضاك ویستغنی بك عمن سواك ولا یکفرخیرك لایأمل غیرك فقدضلّ من یصرف عنك امله ویجعل لغیرك عمله ویوقن لمن انشاءته من خلقك ولا یشك فیما صمنته من رزقه، اللّٰھم نزھنی عن عیادة واغننی عن عمارة البلاد واجعل عبادتی لك وخشیتی منك واملی وثقتی بك یا آله العالمین

ایضاً ھرکہ روزعاشورا این دعا بخواند درآں سال نمیرو واگر حکم شدہ است توفیق خواندن نیابد سبحان اللّٰہ ملاء المیزان ومنتحفی العلم ومبلغ الرضیٰ وزنة العرش لا ملجاء ولا منجاء من اللّٰہ الاّ الیه، سبحان اللّٰہ عدد الشّفع والوتر وعدد کلماته التامات اسألہ السلامة برحمته ولاحول ولاقوّة الاّ باللّٰہ العلی العظیم وھوحسبی ونعم الوکیل ونعم المولیٰ ونعم النصیر وصلی اللّٰہ علیٰ خیر خلقه محمد وؔ آلہ اجمعین"

ایضاً درروز عاشورا ہفتاد بار بگوید حسبی اللّٰہ ونعم الوکیل آمرزیدہ شود

• المنیته - آرزو کردن

• الاستغناء - بے نیاز شدن.

• الانشاء - آفریدن و پیدا کردن

ایضاً ہر کہ در روز یکبار بگوید لا الٰہ الا اللہ و نعم الاعلیٰ لا الٰہ الا اللہ رب السمٰوات والارض وما بینہما وما تحت الثریٰ خداوند تعالیٰ در و بنظر رحمت نکرد، ایضاً اللّٰھم ارزقنی کمال الحسنیٰ وسعادۃ العقبیٰ وخیر الآخرۃ والاولیٰ

نماز خوشنودی

روز عاشورا، و ترویہ و عرفہ و اضحیٰ و شب براۃ چہار رکعت نماز بنیت خوشنودی خصماں بگزارد، در رکعت اول بعد فاتحہ اخلاص یازدہ بار، در دوم الکافرون سہ بار و اخلاص یازدہ بار، در سوئم الہیکم التکاثر یکبار و اخلاص یازدہ بار، در چہارم آیۃ الکرسی سہ بار و اخلاص بست وپنج بار۔ از احوال قیامت ایمن گردد وحق تعالیٰ خصمانِ او را خوشنود گرداند، بعد از سلام این دعا بخواند اللّٰھم اکسر شہوتی عن کل محرّم[1] وازوحرصی عن کل مأثم وامنعنی عن اذیٰ کل مسلمٍ یا ارحم الراحمین روز عاشورا غسل کند و بعد ازاں جامۂ کہ پوشیدہ باشد ہفت بار آبِ نو می گیرد و دریں می مالد و این تسبیح می گوید حسبی اللہ و کفیٰ سمع اللہ لمن دعیٰ[2] لیس وراء اللہ منتھیٰ من اعتصم بحبل اللہ نجیٰ از دردِ سر و شقیقہ ایمن باشد مجربست

در پانزدہم ماہِ محرم رکعتیں گزارد در ہر یکے بعد الفاتحہ الکافرون یکبار، اخلاص سہ بار بخواند بعد از سلام دست بر آرد سوئے آسمان و بگوید لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لا شریک لہ لہ الملک ولہ الحمد یحیی و یمیت وھو حیٌّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کل شئی قدیر۔

---

١ محرّم ۔ ای حرام و منہی یقال ذو رحم محرم اذا لم یحل لہ بوجہ ۔ :

٢ لیس المراد منہ نفس السمع لانہ ما من شئی الا وھو مسموع اللہ تعالیٰ ولکن معناہ قبل اللہ دعاءہ، کما سمع اللہ لمن حمدہ ای قبل اللہ لمن حمدہٗ ۔ !

ذکر ماہِ صفر

شب اول بعد ادائے فرض و سنتِ عشاء پیش از وتر چہار رکعت نماز گزارد بیک سلام - بخواند در رکعتِ اول بعد الفاتحہ الکافرون یازدہ بار، در دوم اخلاص یازدہ بار، در سوئم الفلق یازدہ بار، در چہارم النّاس یازدہ بار، بعد الفراغ ہفتاد بار بگوید سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ہفتاد بار بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین و ہفتاد بار صلوات گوید از جملہ فتنہا ایمن باشد --.

دعا ماہِ صفر

اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اعوذبک من شر ھذا الشھر ومن کل شدۃ وبلیۃ الّتی قدّرت فیہ یا دھر یا دیھور یا دیھار یا ازل یا ابد یا کان یا کینون یا کینان یا مبدیٔ یا معید یا ذا العرش المجید انت تفعل ما ترید ، اَللّٰھُمَّ احرس بعینک نفسی واھلی ومالی و دینی و دنیای بلیتنی بصحبتھا بحرمۃ الابرار والاخیار برحمتک یا ارحم الراحمین اَللّٰھُمَّ یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز ذلّت بعزتک جمیع خلقک اکنفنی عن جمیع خلقک یا محسن یا مجمل یا مفضل یا منعم یا مکرم یا لا اللہ الاّ انت یا ارحم الراحمین -

---

ہر کہ ایں دعاء در ماہِ صفر یکبار یا بیشتر بخواند ایزد تعالیٰ ایں صفر را بر وی مبارک گرداند و ہمہ مکروہات و بلاہا از وی بگرداند و ہر کہ سر دیوارِ خانہ بنویسد ہزار برکت در آں خانہ درآید و ہفتاد ہزار گونہ بلا از آں خانہ دور شود -

لطولِ العمرِ

در آخرین صفر ہشت رکعت بدو سلام بگزارد - بخواند در ہر رکعتے - بعد الفاتحہ اخلاص پانزدہ بار بعد ازاں سلام گوید ایں دعاء بخواند اللھم لک الحمد شکراً ولک المنّ فضلاً وانا عبدک رقاً وانت لذلک اهلٌ استودعک نفسی ودینی ودنیاوی وآخرتی وخواتیم عمری وعملی واستودعک عرضی وعزتی فی خلقک من فضلک واستودعک جمیع امة محمد علیہ السلام بشرة حولک وبطشک وتعوّتک فان مستودعک مصان وحکمک نافذ وقضائک غالب یا احکم الحاکمین ویا اسرع الحاسبین، یا اکرم مأمولٍ واجود مسئول یا حیّ یا قیوم یا قائم یا دائم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن لہٗ کفواً احد، یا عزیز یا وہّاب وصلّی اللہ علیٰ خاتم النبیین محمد و آلہ اجمعین - .

در آخر چہار شنبہ ماہ صفر

بعد از طلوع صبح غسل کند چوں از نماز اشراق فارغ شود بوقت چاشت رکعتیں بگزارد - در رکعت اول بعد فاتحہ قل اللھم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممّن تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علیٰ کل شئ قدیر، تولج اللّیل فی النہار وتولج النہار فی اللّیل وتخرج الحیّ من المیت وتخرج المیّت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب .

ای الدعاء لطول العمر - ۱

ودر رکعتِ دوم قُلِ ادْعُوا اللّٰہَ اَوِدعوا الرحمٰن ایا ما تدعوفلہ الاسماء الحسنیٰ ولا تجھر بصلاتک ولا تخافت بھا وابتغ بین ذلک سبیلا، وقل الحمد للہ الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن لہٗ شریک فی الملک ولم یکن لہ ولی من الذل وکبرہ تکبیراً بعد از سلام درود بگوید و این دعا بخواند اللّھم اصرف عنّی شرّ ھذا الیوم واعصمنی من شئومہٖ وجنبنی عما اخاف فیہ من نحوساتہ وکرباتہٖ بفضلک یا دافع الشرور ویا مالک یوم النشور ویا ارحم الراحمین وصلی اللہ علیٰ محمد النبی الامی وعلی آلہٖ وبارک وسلم۔

ذکر ماہِ رجب

شب اول ماہ رجب بعد از نمازِ شام بست رکعت نماز بگزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص یکبار بخواند، ایضاً بعد از نماز بگزارد۔ در اول بعد فاتحہ الم نشرح یکبار و اخلاص سہ بار و در دوم بعد فاتحہ الم نشرح یکبار، سہ قل یکاں بار، بعد السلام لا الٰہ الاّ اللہ وحدہٗ لاشریک لہ لہ الملک ولہ الحمد یحیی و یمیت وھو حیٌّ لا یموت ذوالجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کل شئی قدیر سی بار بخواند وسی بار صلوات گوید بعدہٗ حاجت خواہد۔

۱ ہر کہ در شب ماہ رجب پنج بار بگوید "لا الہ الا اللہ ولاحول ولا قوۃ الا باللہ" اگر دراں ہفتہ یا دراں ماہ یا دراں سال بمیرد مغفور گردد۔ ۱

• عن النبی علیہ السلام انہ قال من صلیٰ اول لیلۃ من رجب ھذہ الصلوٰۃ والتہلیل فانہ یغفر لہ ما قد سبق من ذنوبہ۔ ۱

قال علیہ السلام ھل تدرون ثواب ھذہ الصلوٰۃ فان الروح الامین علمنی ذلک، قالوا اللہ و رسولہٗ اعلم فحسر رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم عن ذراعیہ قال حفظ اللہ فی نفسہٖ واھلہٖ ومالہ وولدہ واجیر انہ عذاب القبر وجاوز علی الصراط کالبرق اللامع بغیر حساب

ایضاً شب اول سورۂ طٰہٰ و الم تنزیل و سجدہ و یٰسٓ بخواند فضل بسیار است، ایضاً روزِ اول از ماہِ رجب روزہ دارد و بعد نماز بامداد ہر روز سورۂ یٰسٓ خواند ثواب بسیار است، چوں آفتاب بر آید بگوید لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ حَقًّا حَقًّا، لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ اِیْمَانًا وَّ صِدْقًا، لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَحْدَہٗ لَا شَرِیْکَ لَہٗ، لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰہِ،

ایضاً دریں ماہ ہزار بار بگوید استغفر اللہ ذو الجلال والاکرام من جمیع الذنوب والآثام، ہر روز صد بار بگوید سبحان اللہ الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الّا لہٗ سبحان الاعزّ الاکرم سبحان من لبس العزّ لاحدٍ وھولہ اھلٌ -۔

لیلۃ الرغائب

اول پنجشنبہ ماہِ رجب روزہ دارد چوں شب آدینہ آید بعد نمازِ شام دوازدہ رکعت بشش سلام بجماعت گزارد در ہر رکعتے بعد الفاتحہ انا انزلناہ سہ بار و اخلاص دوازدہ بار بخواند،

قال النبی صلی اللہ علیہ وسلم من ادرک مشہور رجب فاغتسل فی اولہٖ واوسطہٖ و آخرہٖ خرج من ذنوبہ کیوم ولدتہ اُمُّہٗ صد بار بگوید۔ استغفر اللہ لذنوبی کلھا سرّھا وجہرھا وصغیرھا وکبیرھا ظاھرھا و وباطنھا قدیمھا وجدیدھا اولھا و آخرھا واتوب الیہ اللھم اغفرلی برحمتک ہر روز میان نمازِ دیگر و مغرب سہ بار بگوید استغفر اللہ الذی لا الٰہ الّا ھو الحی القیوم واتوب الیہ توبۃ عبدٍ ظالم لا یملک لنفسہ ضرًّا ولا نفعًا ولا موتًا ولا حیوتًا ولا نشورًا نامۂ اش سپید گردد،

ولا عذاب، قیل یا رسول اللہ ففی کل لیلۃ مرۃً قال سألت الروح الامین کما سألتمونی قال لابل فی الشہر مرۃً -!

بعد الفراغ ہفتاد بار بگوید اَللّٰھُمَّ صلّ علٰی محمدنٌ النبی الامی و علٰی آلہٖ پس سجدہ کند ہفتاد بار در سجدہ گوید سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رب الملائکۃ والروح پس بنشیند ہفتاد بار بگوید رب اغفر وارحم وتجاوز عمّا تعلم فانّک انت العلی العظیم بار دوم سجدہ کند ہفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب الملائکۃ والروح پس بنشیند و دعا خواند و حاجت خواہد تا وقت نمازِ خفتن در آید، ایضاً چوں افطار خواہد کرد رکعتین گزارد، بخواند در ہر رکعتے آیۃ الکرسی و معوذتین یک بار ثواب بسیار است۔

ایضاً در ماہ رجب سی رکعت گزارد۔ دہ رکعت در روزِ اول، دہ رکعت در پانزدہم، دہ رکعت در آخر، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ الکافرون یکبار، اخلاص سہ بار، بعد الفراغ روز اول لا الہ الا اللہ وحدہٗ لا شریک لہ لہ الملک ولہ الحمد یحیی ویمیت وھو حیٌّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علٰی کل شئی قدیر، ایضاً اللّٰھُمَّ لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا راد لما قضیت ولا ینفع ذا الجدّ منک الجدّ روز پانزدہم بعد الفراغ بگوید لا الہ الّا اللہ وحدہٗ لا شریک لہ لہ الملک ولہ الحمد یحیی ویمیت وھو حیٌّ لا یموت ذو الجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علٰی کل شئی قدیر الٰہاً واحداً احداً صمداً لم یتخذ صاحبۃ ولا ولداً، در روز آخر بعد الفراغ بگوید لا الہ الا اللہ وحدہٗ لا شریک لہٗ تا قدیر وصلّی اللہ علٰی محمدنٌ النبی الامیّ وعلٰی آلہٖ لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم۔:

عن سلیمان رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم ما من مؤمن ولا مومنۃ یصلی ھذہ الصلوٰۃ الا محا اللہ ذنوبہ واعطی من الاجر لمن صام ذلک الشھر کلہ کان من المصلین الی السنۃ المستقبلۃ ورفع لہ کل یوم عمل شھید من شھداء بدر وکتبہ لہ الصیام کل یوم عبادۃ سنۃ ورفع الف درجۃ فان صام الشھر کلہ ویصلی ھذہ الصلوٰۃ انجاہ اللہ من النار وکان فی جوار اللہ اخبرنی بذلک جبرئیل علیہ السلام عن ربکم جل جلالہٗ —

نماز خواجہ اویس قرنی علیہ الرحمۃ والغفران

سوئم ماہ رجب یا چہارم یا پنجم بوقت چاشت فراخ غسل کند و با کسے سخن نگوید، بعد غسل تا از نماز فارغ شود شب بریں نیت بخپید و روز روزہ دارد بگزارد، اول چہار رکعت در ہر رکعتے بعد الفاتحہ آنچہ تواند بخواند بعد السلام ہفتاد بار بگوید لا الہ الا اللہ الملک الحق المبین، بعد ازاں چہار رکعت گزارد بخواند در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اذا جاء نصر اللہ والفتح سہ بار، بعد السلام ہفتاد بار بگوید انك القوی معینٍ واھدیٰ دلیلٍ ایاك نعبد و ایاك نستعین بار دیگر بگزارد بخواند در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص سہ بار، بعد از سلام الم نشرح ہفتاد بار بخواند ہر بار دست بر سینہ فرود می آرد آں گاہ حاجت خواہد۔۔

ذکر استفتاح و دعاء آں

سیزدہم و چہاردہم و پانزدہم ماہ رجب روزہ دارد، روزِ پانزدہم بعد الاشراق پنجاہ رکعت نماز دوگانی گزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ سہ قل بخواند، در پانزدہم ماہ رمضان ہمیں نماز گزارد و ہمہ روز بعد الزوال غسل کند و ہشت رکعت گزارد ہر چہ خواہد بخواہد، بروایتے در رکعت اول والضحیٰ و در دوم الم نشرح و در سوئم انا انزلناہ و در چہارم اذا زلزلت الارض و در پنجم والعادیات و در ششم الھٰکم التکاثر و در ہفتم والعصر و در ہشتم ویل لکل ھمزۃٍ یکاں بار بخواند بعد از نماز پیشین ہشت رکعت دیگر بگزارد، در اول الم ترکیف و در دوم لایلاف، و در سوئم الکافرون، در چہارم اذا جاء نصر اللہ در پنجم تبت یدا ابی لھب، در ششم اخلاص، در ہفتم و ہشتم معوذتین

یکاں بار بخواند، بعد ازاں نمازِ دیگر در اول وقت گزارد بر جائے نماز بنشیند فاتحہ صدبار، اخلاص صدبار و آیتہ الکرسی دہ بار و سورۃ الانعام و الکہف و مریم و طٰہٰ و الٓمٓ سجدہ و یٰس و الصافات و حمٓ سجدہ و حمٓ عسٓق و حمٓ الدخان و انا فتحنا و اذا وقعت الواقعۃ و الملک و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخواند،

بعد الفراغ ایں دعاء بخواند بسم اللہ الرحمٰن الرحیم. صدق اللہ الذی لا الٰہ الا ھو الحیّ القیوم ذوالجلال والاکرام، الحلیم الکریم الذی لیس کمثلہ شئی و ھو السمیع البصیر وصدقت انبیاءہ و بلغت رسلہ رسالتہ و انا علیٰ ذلک من الشاھدین، اللّٰھم لک الحمد ولک المجد ولک المنُّ ولک الفخر ولک العزۃ ولک النعمۃ ولک الرحمۃ ولک المھابۃ ولک القدرۃ ولک العظمۃ ولک السلطان ولک البرھان ولک الامتنان ولک التسبیح ولک التقدیس ولک التحلیل ولک التکبیر ولک ما یریٰ ولک ما لا یریٰ ولک ما فوق السموات العلیٰ ولک ما فوق الارض ولک ما تحت الثریٰ

ولک الاخرۃ الاولیٰ ولک ما تحب و ترضیٰ بہ من الثناء ولک الحمد والشکر والنعماء، اللھم صلّ علیٰ جبرئیل امینک علیٰ وحیک

---

۱ مراد از سہ قل - قل ھو اللہ ، قل اعوذ برب الفلق ، قل اعوذ برب الناس - -

---

• جعفر صادق رضی اللہ عنہ گفت اگر ایں دعاء جز روز استفتاح در روز عرفہ یا آدینہ بخواند بے شک دعاءِ او مستجاب گردد - -

• الحلیم - بردبارے کہ بعقوبت شتاب نکند - -

• الکریم - درگزر کنندہ از گناہ بخشندہ و گرامی کنندہ مؤمناں - -

• المھابتہ - سزاوار آنست کہ بندہ از دی بترسد - -

• التھلیل - لا الٰہ الا اللہ گفتن

والقويّ على امرك والمطاع فى سمٰوٰاتك ومحال كرامتك المتحمل لكلماتك
الناصر لانبيائك المرمىّ على اعدائك ، اللّٰهم صلّ على ميكائيل ملك رحمتك
والمخلوق لرأفتك والمستغفر لاهل خطيئك والمعين لاهل طاعتك ، اللّٰهم
صلّ على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الطول المنتظر لامرك الوجل
المشفق من خيفتك ، اللّٰهم صل على عزرائيل قابض الارواح عبادك
بامرك ،

اللّٰهم صلّ على حملة العرش الطاهرين وعلى ملائكتك المقربين والكرام
الكاتبين وعلى السفرة الكرام البررة الطيّبين وعلى ملائكته الجنان وخزنة
وخزنة النيران وعلى ملك الموت وعلى ملائكة الكرام والاعوان وعلى رضوان
خازن الجنان

اللّٰهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذى ارمته بسجود ملائكتك
واباحة جنتك ، اللّٰهمّ صلّ على امنا حوّاء المطهّرة من الرجس وشيثٍ
وادريس ونوحٍ وهودٍ وصالحٍ وابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب
ويوسف والاسباط وايوب وموسٰى وهارون ويوشع والخضر وذى القرنين
ويونس والياس واليسع وذى الكفل ولوطٍ وداوٗد وسليمان وذكريا ويحيٰ
وشعيب .

واشعياء وارمياء ودانيال وعزيز وعيسٰى وسمعون وجرجيس و
حواريين والاتباع ، اللّٰهم صل على محمد وعلى آل محمد و
بارك على محمد وعلى آل محمد وارحم محمداً وعلى آل محمد
كما صليت وسلّمت وباركت ورحمت وترحمت على ابراهيم وعلى آل
ابراهيم انك حميدٌ مجيد ، اللّٰهم صلّ على محمدٍ اصحابه وخلفائه
من بعده ابى بكرٍ وعمر وعثمان وعليٍ (رضوان الله عليهم)

اللّٰهم صلّ على السعداء وايمة الهدٰى والابدال والاوتاد والسياح

والزهاد والعباد والصالحين واهل الجد والاجتهاد وخص محمدًا صلى الله عليه وسلم واهل بيته بافضل صلواتك واكمل كرامتك وبلغ روحه مني تحيةً وسلامًا وزده شرفًا وفضلًا وكرمًا واكرامًا حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين،

اللهم صل على من سميت ومن لم اُسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي وسلامي اليهم والى ارواحهم واجسادهم واجعلهم اخواني فيه واعواني فيك على دعائك، اللهم اني اُستشفع بكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك يا الله، اللهم اني اسألك بكل ما سألك به احدٌ مِنْ خلقك مِنْ مسألةٍ شريفةٍ غير مردودةٍ وادعوك بما دعاك به من دعوة مجابةٍ غير مخيبةٍ، يا اللهُ يا رحمٰنُ يا رحيم يا كريم يا حليم يا حكيم يا عظيم يا عليم يا جليل يا جميل يا كفيلُ يا وكيلُ يا مقيل يا مجيز يا خفير يا منير يا خبير يا مبين يا متين يا حق يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا برّ يا ظاهرُ يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقيت يا اولُ يا آخر يا قريب يا ودود يا حفيظ يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا محصي يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد

نام رحمٰن جز خدائی عزوجل نشاید گفتن چنانکہ گویند فلاں رحیم است، و معنی رحمٰن رحمت کنندہ برہمہ مخلوقات در دنیا بروزی دادن و رحیم رحمت کنندۂ خاص بر مؤمناں در عقبیٰ بآمرزیدن و عطا دادن۔ (زاہدی)

اَلْمُنِيْرُ۔ روشن کنندہ، الانارۃ روشن کردن۔

اَلْخَبِيْرُ۔ آگاہ بہمہ چیزہا

اَلْمُبِيْنُ۔ درنگہ آرندہ ازبندگاں۔

یَا مُسَبِّبُ یَا مُسَدِّدُ یَا مُعْطِیُ یَا مَانِعُ یَا دَافِعُ یَا رَافِع یَا بَاقِی
یا خلاق یا وهابُ یا تواب یا فتاح یا نفاح یا مرتاح یا من بیدِہٖ
کلّ مفتاحٍ یا رؤف یا عطوف یا کافی یا شافی یا معافی یا وافی یا وفیّ
یا مهین یا عزیز یا غفار یا قهار یا جبار یا متکبر یا سلام
یا مؤمن یا مهیمنُ
یَا اَحَدُ یَا صَمَدُ یَا قَیُّوْمُ یَا فَرْدُ یَا وِتْرُ یَا قُدُّوْسُ یَا نَاصِرُ

حَقُّ ۔ سزاوار بخدائی و دست پادشاہی

الاِدَالَۃ ۔ دولت دادن ۔ الاِحَالَۃ ۔ گردانیدن ۔ کَبِیْر ۔ بزرگوار

قَدِیر ۔ توانا ۔ بَصِیْرُ ۔ بینا ۔ شکور ۔ بَرُّ ۔ ظاهر ۔ باطن

السَّتار المحیط ۔ دانا بهمہ چیزها ۔

مقیت ۔ توانا و روزی دادن باندازہ اوّل همیشہ بود

آخر ۔ همیشہ باشد قریب ۔ نگاہ دارندہ

ودود ۔ دوست دارندۂ بندگان حفیظ نگاهبان خلق و شمار کنندہ

مبدئ ۔ آفرینندۂ نخست بار شهید ۔ حاضر و گواہ راست

مُحْسِنُ ۔ نیکوئی کنندہ ۔ مُحْصِیُ ۔ شمار کنندہ

مفضل ۔ فضل کنندہ ۔ قابض ۔ تنگ کنندۂ روزی ۔

باسط ۔ فراخ کنندۂ روزی هادی ۔ راہ راست نمائندہ

مُرْسِلُ ۔ فرستندہ روزی و فرستندۂ پیغمبران و کتابها ۔

الارشاد ۔ راہ نمودن ۔

التسبب ۔ سبب ساختن یعنی سازندۂ اسباب بندگان

التسدید ۔ توفیق دادن و راست گردانیدن مانع ۔ باز دارندہ

دافعُ ۔ مانع نفاخُ

یا باعث یا مونس یا وارث یا عالم یا حاکم یا باری یا مصوّر یا مسلّم یا مجیب یا مستجیب یا دائم یا علیم یا قدیم یا واجد یا ماجد یا جواد یا بار یا ستّار یا عادل یا فاصل یا دیّان یا حنّان یا منان یا من علا فاستعلیٰ وکان عرشہ بالمنظر الاعلیٰ یا من قرب فدنیٰ یا بعد فنادیٰ

وعلم السرّ واخفیٰ یا من له التدابیر والمقادیر یا من العسیر علیه یسیر یا من هو علیٰ مایشاء قدیر، یا مرسل الریاح یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود والسّماح یا رادّ مافات یا صارف الآفات یا منشر الاموات یا جامع الاشتات یا سامع الاصوات یا ذا الجلال والاکرام یا حیّ یا قیوم یا حیّ حین لا حیّ یا حیّ محیی الموتیٰ یا حیّ لا اله الا انت بدیع السمٰوات والارض،

یا الٰهی صلّ علیٰ محمدٍ وعلیٰ آل محمدٍ کما صلیت وسلمت و بارکت وترحمت علیٰ ابراهیم وعلیٰ آل ابراهیم انك حمید مجید

مُرْتَاحُ ۔ الارتیاح شاد کردن وتعدی باللام وقولهم "ارتاح الله لفلان" ای رحمه

مِفْتَاحُ ۔ کلید رؤف وعطوف ۔ مہربان

شَافِی ۔ شفا دہندہ

مُعَافِی ۔ المعافاة عافیت دادن۔ مُهِینُ ۔ خوار کنندۂ کافران۔

مومن ۔ آرام دہندۂ خلق برحمت ۔

احد ۔ تنہا بزرگواری وبے نیاز از یاران الصمد ۔ آں کہ ہمہ خلق بدو نیاز بردارند ونیز از آنکہ او در طعام وشراب حاجت نباشد قیوم ۔ توانا دماندہ بہر چیز مونس ۔ شاد کنندہ مُسَلِّمُ ۔ سلامتی دہندہ ۔ واجد وماجد ۔ بے نیاز بَارُّ ۔ نیکوکار ۔ عادل ۔ داد دہندہ ۔ فَاصِلُ ۔ الفصل جدا کردن ۔

وارحم ذُلّی وخضوعی وخضوعی وخشوعی وفاقتی بین یدیك فان اعتمادی علیك وتضرعی الیك ادعوك دعاء الخاضع الذلیل الخاشع الخائف المشفق البائس الفقیر المهین الحقیر العائذ المستجیر المقر بذنبہ المستغفر لخطیئۃ دعاء من اسلمتہ ثقتہ ورفضتہ احبتہ

وعظمت بذنوبہ فجیعتہ دعاء حزین معتذرٍ ضعیفٍ مہینٍ بائسٍ مستکینٍ، اللّٰہم واسالك بانك ملك مقتدرٌ وانك علی ماتشاء من امرٍ یکون وانك علی کل شئی قدیر، واسالك بحرمتہ ھذا الشہر الحرام والبیت الحرام والبلد الحرام والمشعر الحرام والمشاعر العظام والرکن والمقام وقبر نبیك محمدٍ علیہ السلام

یامن وھب لآدم شیثاً ولابراھیم اسماعیل واسحاق ویامن ردّ یوسف علی یعقوب ویامن کشف بعد البلاء ضرّ ایوب ویارادّ موسیٰ علی اُمّہٖ ویازائد الخضر فی علمہٖ ویامن وھب لداؤد سلیمان ولزکریا یحیٰی ولمریم عیسیٰ ویا حافظ بنتی شعیب ویا کافل ولدۃ موسیٰ، اسالك ان تصلّی علی محمدٍ وعلیٰ اٰل محمد وان تغفرلی ذنوبی کلّہا وتجیرنی من عذابك وتوجب رضوانك وامانك وغفرانك وجنانك واحسانك واسالك ان تفكّ عنی کل حلقۃ بینی وبین من یوذینی۔

وتفتح لی کلّ بابٍ من خیر وتلین لی کلّ صعبٍ وتسہّل علیّ کل عسیرٍ وتخرس عنی کل لسان ناطقٍ بسوء وتکبت عنی کل باغ وتمنع عنی کل ظالمٍ وحاسدٍ وتکفینی شرّ کلّ عائقٍ یحاول لی تفریقاً بینی وبین طاعتك تبعدنی عن عبادتك یامن الجم الجنّ المتمردین وقھر عتاۃ الشیاطین واذلّ رقاب المتجبرین وردّ کید المتسلطین عن المستضعفین، اسالك بقدرتك علی ماتشاء وتسہیلك لماتشاء ان تعجّل لی قضاء حاجتی مماتشاء برحمتك یا ارحم الراحمین۔

بعدازاں سر بسجدہ نہد و ایں دعاء بخواند۔ اللّٰہم لك صلیت ولك

سجدات وبك آمنت وعليك توكلت فارحم ذلی وانفرادی وخضوعی وخشوعی وتضرعی ووحشتی وغربتی ، یا لا اله الا انت اللھم ھب لی قلباً تقیاً نقیاً من الشرك بریئاً لا کافراً ولا شقیاً

بارِ دوم ۔ ووحدانی وکبوتی لوجهی وفاقتی واجعل لی فرجاً ومخرجاً من همی برحمتك یا ارحم الراحمین ودراں کوشد کہ آب دیدہ رواں شود اگرچہ بمقدار سر است کہ آں نشانِ رجابتِ دعاست ۔

"لطول العمر"

در آخر جمعہ رجب بعد از نماز جمعہ دوازدہ رکعت بعد سلام گزارد ، در ہر رکعتے بعد از فاتحہ آیۃ الکرسی والکافرون یکبار ، اخلاص سہ بار بخواند ، وبعد از ہر سلامی دہ بار درود فرستد ، بعد از فراغ چوں درود گفتہ باشد دہ بار ایں دعا بخواند ۔

یا اعزّ من کل عزیز ویا اجل من کل جلیل ویا اکرم من کل کریمٍ ویا اعظم من کل عظیم ویا ارحم من کل رحیم ویا اوحد من کل واحدٍ انت ربی یا رب لی غیرك یا غیاث المومنین وجارهم اغثنی بفضلك ورحمتك یا ارحم الراحمین ومدلی فی عمری مدًّا فی خیراً وعافیۃ وھب لی من لدنك عمراً طویلاً فی رضاك برحمتك یا کریم یا وھاب یا رحیم یا تواب ویا خیر الناصرین وصلی اللہ علی خیر خلقہ محمدٍ وآلہ اجمعین ،

سہ بار بگوید استغفر اللہ الذی لا الہ الا ھو الحی القیوم استعصمہ واستنصرہٗ واتوب الیہ انہ ھو البر الرحیم ۔ ، شب بست وہفتم ماہِ رجب دوازدہ رکعت نماز بگزارد بشش تشہد ، در ششم تشہد سلام گوید ودرہر رکعتی تواند بخواند ، بعد از سلام صدبار سبحان اللہ والحمد للہ ولا اللہ

الکریم ۔ از گناہ درگزر کنندہ وبخشندہ وفی "شرح الاوراد" فی تفسیر قولہ تعالیٰ "اقرأ وربك الاکرم" والاکرام ان یرزق عبدہٗ وھو بعید غیرہٗ ۔

الا اللہ واللہ اکبر ولاحول ولاقوۃ الا باللہ العلی العظیم صد بار استغفر اللہ واتوب الیہ، صد بار صلوات بگوید پس سجدہ کند و حاجت خواہد و بامداد آں صائم می باید بود۔

ذکر ماہِ شعبان

شب اول دوازدہ رکعت بگزارد در ہر رکعتے بعد الفاتحہ پانزدہ بار سورۂ اخلاص بخواند، ایضاً در وقتِ سحر دو رکعت بگزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ صد بار اخلاص بخواند، در رکوع و سجدہ بگوید سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلٰٓئِکَۃِ وَالرُّوْحُ سبحان خالق النور سبحان من ھو قائم علی کل نفسٍ بما کسبت سہ روز از اول و سہ روز میانہ و سہ از آخرِ ماہ روزہ دارد ثواب بسیار است، ایضاً دریں ماہ ہزار بار بگوید لا الہ الا اللہ ولا نعبد الا ایاہ مخلصین لہ الدین ولو کرہ المشرکون۔

شبِ برات

رکعتیں گزارد، در ہر رکعتے بعد فاتحہ آیۃ الکرسی یکبار و اخلاص پانزدہ بار بخواند۔۔ بروایتی رکعتیں گزاردہ، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ ہزار بار اخلاص بخواند۔۔ بروایتی صد رکعت گزارد بر پنجاہ سلام، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص دہ بار بخواند بعد ہر دو شفع تسبیح تراویح گوید، بعد الفراغ سر بسجدہ نہد و ایں دعا بخواند لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ لہ الملک ولہ الحمد وھو علی کل شیٔ قدیر، سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم۔۔

ان اللہ تعالیٰ اوحیٰ الیٰ موسیٰ علیہ السلام اذا کانت لیلۃ النصف

من شعبان صلی رکعتین قرأبهما الحمد للہ مرۃ وآیۃ الکرسی مرۃ وقل ھو اللہ احد خمس عشرمراتٍ ، یاموسیٰ ماصلیٰ ہاتین الرکعتین من عبدٍ فی لیلۃ النصف من شعبان ای اعطیت من الثواب مثل اعطیتک من نبوتک

اعوذ بنور وجھک الذی اضاءت بہ السمٰوات السبع والارضون السبع وتکشّفت بہ الظلمات وصَلُحَ علیہ امر الاوّلین والاخرین من فجأۃ نعمتک ومن تحویل عافیتک ومن شرکتابٍ سبق ، اعوذ بعفوک من عقابک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل ثناؤک وما ابلُغُ مدحتک ولا احصی ثناءً علیک انت کما اثنیت علی نفسک یا ذا الجلال والاکرام ۔۔

بروایت دیگر ہم دریں شب درسجدہ بگوید سجد لک سوادی و خیالی وآمن بک فؤادی واقربک لسانی وھا انا ذابین یدیک یا عظیم من کل عظیم اغفر ذنبی العظیم فانّہ لایغفر غیرک

پس بنشیند درود گوید وایں دعاء بخواند۔ اللھم اجعلنا من اعظم عبادک نصیباً فی کل خیر تقسمہ بین عبادک فی ھذہ اللیلۃ من نورٍ تھدی بہ اورحمۃٍ تنشرھا اورزق تبسطہ اوبلاءٍ ترفعہٗ اوشرٍ تدفعہٗ اوفضل تقسمہ علی المومنین یا لاالٰہ الا انت اللّٰھم ھب لی قلباً یقیناً تقیاً من الشرک بریئاً لا کافراً ولا شقیاً ، باردوم سجدہ کند بگوید اعفر وجھی فی التراب لسیدی وحق لوجہ سیدی ان تعفر الوجوہ لہ سجد وجھی الفانی لوجھک الباقی ، الٰھی لا تحرق وجھاً خرّ لک ساجداً حاجت خواہد رواشود پس بنشیند بخواند۔

الاضاءۃ ۔ روشن کردن — تکشف ۔ برہنہ شدن وہویدا شدن

الفجاءۃ ۔ بضم الفاء وسکون الجیم ومد الالف ناگاہ رسیدن ۔

دعاء شب براة

اللّٰھم یا ذا المن ولا یمن علیك یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الطّول والانعام لا الٰه الا انت یا ظھر اللاجین ویا جار المستجیرین ویا صریخ المستصرخین ویا امان الخائفین ویا دلیل المتحیرین ویا غیاث المستغیثین ویا ارحم الراحمین ، اللّٰھم ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب عندك شقیًا فقیراً فامح عنی اسم الشقاء واثبتنی عندك سعیدا غنیًا وان کنت کتبتنی فی ام الکتاب عندك محرومًا مقترًا علیّ رزقی وامح عنی حرمانی و رزقی واکتبنی عندك سعیدًا غنیًا موفقًا للخیر موسّعًا علی رزقی فانك قلت فی ام الکتاب "یمحوا الله مایشاء ویثبت وعندهٗ ام الکتاب"

سہ بار سورۂ یٰس بخواند - اول برائے طول عمر - دوم غنا ، سوم ایمنی از بلایا -

ذکرِ ماہِ مبارک رمضان

چوں ماہِ رمضان بیند بگوید اللّٰھم ھذا شھر رمضان فادخله علینا بامنٍ وصحةٍ من السقم وفراغ من الشغل واعنّا علی الصیام والقیام وتلاوة القرآن حتّٰی ینقضی عنا وقد غفرت لنا ورضیت عنا ،

اللّٰھم ھذا شھر رمضان قد حضر فسلمه لنا وسلّمنا له وتسلّمه فی یسرٍ منك وعافیةٍ ، اللّٰھم ارزقنا صیامهٗ وقیامه بقبولٍ منا بایمان واحتسابٍ ، اللّٰھمّ ادفع عنا الکسل والفترة والسّآمة وارزقنا فیه الخیر والاجر والقوة والنّشاة وما تحب وترضیٰ ، در شبِ اول ماہ رمضان سورۂ انافتحنا در نماز تطوع یا در فرض نماز خفتن بخواند تا سالِ دیگر ایمن ماند - .

ایضًا دریں ماہ بیشتری قرآن خواند ، ہر روز یک ختم یا دو ، و اگر روزہ بعد از تراویح کشاید بہتر ، در وقت افطار گوید - اللّٰھمّ لکَ صُمتُ وبِكَ

آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَعَلٰى رِزْقِكَ اَفْطَرْتُ وَبِصَوْمِ غَدٍ نَوَيْتُ ،

سبحانك اللّٰهم وبحمدك وتقبله منی انك انت السميع العليم، الحمد لله الذی اعاننی فصمت ورزقنی فافطرت یا واسع المغفرة اغفرلی ..

ذکر تراویح

ہر شب بعد از فریضہ و سنتِ عشاء بست رکعت نماز تراویح گزارد بدو سلام ہرچہ خواہد از قرآن بخواند و اگر خواہد از الم ترکیف ، در ہر رکعتے یک سورۃ بخواند تا آخر قرآن ہمچنیں دو بار ، و اگر حافظ است یک سیپارہ و یا بیشتر بخواند ، چوں چہار رکعت تمام کند سہ بار یا پنج بار بگوید لا الٰہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ لہ الملک و لہ الحمد یحی و یمیت وھو حی لا یموت ذوالجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علی کل شئی قدیر۔

دست بر آرد یکبار بگوید اللّٰھم انا نسألك رضوانك والجنة ونعوذ بك من النار ، اللّٰھم اجرنا من النار یا مجیر و میان ہر چہار رکعت یک بار بگوید یاحی یا قیوم برحمتك استغیث ، بعد از چہار دیگر سہ بار یا پنج بار بگوید سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ۔ عدد ما علم اللہ وزنۃ ما علم اللہ وملاء ما علم اللہ ، بعد از چہار دیگر سہ بار یا پنج بار بگوید سبحان الملك الجبار ـ سبحان العزیز الغفار سبحان الواحد القھار سبحان الکریم الستار سبحان الکبیر المتعال ۔ سبحان خالق اللیل والنھار سبحان الذی لم یزل ولا یزال بعد از چہار دیگر سہ بار یا پنج بار بگوید سبحان ذی الملك والملکوت

الستار ۔ پردہ پوش گناہ گاراں ، در خبر است چوں بندۂ مؤمن گناہے کند فرمان شود تا حجابے در نظرِ ملائکہ فرود نہند تا ایشاں بر آں مطلع نگردند چوں خیر کند فرمان شود تا حجاب از چشم ملائکہ ہفت آسمان بردارند تا ایشاں بنگرند ..

سبحان الله العزة والعظمة والکبریاء والجبروت سبحان الحی الذی لا یموت سبحان الذی یمیت الخلائق وھو حیٌّ لا یموت ابداً، چوں بست رکعت تمام شود سہ بار یا پنج بار بگوید استغفر اللہ الذی لا الہ الا ھو الحی القیوم واسألہ التوبۃ، یکبار استغفر اللہ الذی لا الہ الا ھو الحی القیوم غفار الذنوب ستار العیوب علام الغیوب واتوب الیہ توبۃ عبدٍ ظالم لا یملک لنفسہ ضراً ولا نفعاً ولا موتاً ولا حیوٰتاً ولا نشوراً سہ بار استغفر اللہ من کل ذنبٍ اذنبتہ عمداً اوخطاءً، سراً وعلانیۃً واتوب الیہ من الذنب الذی اعلم ومن الذنب الذی لا اعلم وانت علام الغیوب، ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم،

سہ بار بگوید استغفر اللہ من جمیع ما کرہ اللہ قولاً وفعلاً وخاطراً، بعد الفراغ دست بر آرد و این دعا بخواند اَللّٰھُمَّ صل علیٰ محمدٍ وعلیٰ آل محمدٍ اَللّٰھُمَّ انا نسألک بحق ھذا الشھر وحرمتہ وبحق محمدٍ وآلہ وبحق من تعبد لک فیہ من ابتدائہ الیٰ وقت فنائہ من ملکٍ قربتہ اونبیٍّ ارسلتہ، اوعبدٍ صالحٍ اختصصتہ، ان تجنبنا الالحاد فی توحیدک والتقصیر فی تمجیدک والاغفال لحرمتک والعمی عن سنتک والانخداع لعدوک الشیطان الرجیم، اللھم اھلنا فیہ لما وعدت اولیاءک من کرامتک واوجب لنا ما اوجبت لاھل الاستقصاء فی طاعتک واجعلنا فی نظم من استحق الدرجۃ العلیا من جنتک واستوجب مرافقۃ الرفیق الاعلیٰ برحمتک،

اَللّٰھُمَّ وان لک فی کل لیلۃ من لیالی شھرنا ھذا رقاباً تعتقھا بعفوک فاجعل رقابنا من تلک الرقاب واجعلنا لشھرنا ھذا من خیر اھل واصحابٍ

التمجید۔

الانخداع۔

التأھل۔

زد فی حسناتنا مع ازدیاد هلاله وجدد لنا حلل احسانک مع تمام ایامه،
و از شب شانزدهم تا آخر ماه بجائے "زد فی حسناتنا ایامه" چنیں گوید
امحق ذنوبنا مع امحاق هلاله واسلخ عنا تبعاتنا مع انسلاخ ایامه حتی
ینقضی عنا وقد صفیتنا من الخطیئات وخلصتنا من السیّآت

اَللّٰهُمَّ اِنْ عندنا فیه فعدلنا وان زغنا فیه فقوّمنا وان اشتمل علینا
عدوک الشیطان فاستنقذنا منه، اللّٰهُمَّ اشحنه بعبادتنا وزین
اوقاته بطاعتنا واعنا فی نهاره علی صیامه وفی لیله علی قیامه بالصلوٰة
لک والتضرع الیک والخشوع بین یدیک حتی لا یشهد نهاره علینا
بغفلة ولا لیله بتفریط، اَللّٰهُمَّ اجعلنا فی سائر الشهور والایام وما
من الاعوام کذالک ابداً ادا تماً ما عمرتنا واجعلنا من عبادک الصالحین
الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون، اللّٰهُمَّ صل علی محمد وعلی ال محمد
فی کل وقت واوان کل حالٍ وزمان عدد ما صلیت علی من صلّیت واضعاف
ذلک کله بالاضعاف التی لا یحصیها غیرک انک فعّال لما یرید،

الاعتاق ۔ آزاد کردن
الرقاب ۔ جمع الرقبة ۔ گردن۔
الازدیاد ۔ افزوں کردن وافزوں شدن۔
الانسلاخ ۔ بیروں آمدن چیزے از چیزے وبگزشتن ماه۔

العنود ۔ ازراه بگشتن ۔
التعدیل ۔ راست کردن ۔ التقدیم ۔ راست کردن ۔
الاستنقاذ ۔ برہانیدن ۔ التزئین ۔ آراستن ۔
التضرع ۔ زاری کردن ۔
التفریط ۔ تقصیر کردن ۔
الحال والوقت الذی انت فیه ۔

اللهم تجاوز عن آبائنا و امهاتنا و اهل ديننا جميعًا من سلف منهم و من غبر الى يوم القيامة ، اللهم صل على محمد و على آل محمد نبينا كما صليت على ملائكتك المطهرين و انبيائك المرسلين و عبادك الصالحين و افضل من ذالك يا رب العالمين صلوة تبلغنا بركتها و ينالها نفعها و يعمرنا يسرها و يستجاب بها دعائنا انك ارم من رغب اليه و اعطى من سئل من فضله و انت على كل شئ قدير ، ایں دعا برائے دفع کاہلی بخواند . اللهم اذهب عنا فيه النعاس و الكسل و الفترة و السأمة و ارزقنا فيه الجد و الاجتهاد و القوة و النشاط و التوفيق لما تحب و ترضى و لا تجعله آخر العهد بنا من رمضان فان كان فالى جنتك و رضوانك

ذکر

ہر شبے ایں دعا بخواند خاصتہً در شب قدر . اللهم انا نسألك العفو و العافية و المعافاة فى الدنيا و الآخرة ، اللهم انك عفو تحب العفو فاعف عنا يا عفو يا عفور ، اللهم مد عمرى و وسع على رزقى و صحح لى جسمى و بلغنى املى فانك تمحوا ما تشاء و تثبت ، و عندك ام الكتاب ، اللهم انى اسألك بكرم وجهك الجنة و اعوذ بك من النار ، اللهم ارزقنى حبك و حب من يحبك و حب عمل يقربنى الى حبك يا ذا الجلال و الاكرام ،

الغبور . باقی ماندن و ماضی شدن . .

البلاغ . رسیدن .

الغمر . پوشیدن چیزے را .

الكسل . التثاقل ، خویشتن را گران ساختن .

ایضًا ۔ ہر شب بخواند اَللّٰھُمَّ اجعلنا من اعظم عبادك نصیبًا فی کل خیر
تقسمه بین عبادك المومنین فی شهر رمضان من نورٍ تهدی به او رحمةٍ
تنشرها او رزقٍ تبسطه او بلاء ترفعه او شرٍّ تدفعه او فضلٍ تقسمه
علی المومنین بلا اله الا انت ۔ اَللّٰھُمَّ لقنا روحًا وریحانا تقبل صیام
شهر رمضان منا وعلی قیامه فاعنا ولیلة القدر فتوفقنا وبعبادتك
فصبرنا وبالقرآن فاشفنا وبالایمان فاهدنا وبالاسلام فاشرح صدورنا
ومن الاحیاء الموصوفین فاجعلنا واجعل دار السلام دارنا واجعل فیه
خلانا ومقامنا ومن النظر الی وجهك الکریم ولا تحرمنا واجعل المومنین
اصحابنا واجعل الجنة مأبنا ومع محمدٍ واله فاجمعنا وکما اتیت ابراهیم
رشده فارشدنا وکما اعطیت موسی سوء له فاعطنا سوءلنا ۔

وکما عفوت لمحمدٍ صلی الله علیه وسلم ذنبه فاغفر لنا ذنوبنا یا لا اله الا
انت یا مجیب الدعوات ویا مقبل العثرات ویا منزل البرکات ویا منجیًا
من الغمرات ویا ارحم تضرع الاصوات ویا غافر الذنوب والسیأت اجب
دعواتنا واقل عثراتنا واغفر ذنوبنا وکفر عنا سیأتنا وتوفنا مع الابرار وقنا
عذاب النار، اَللّٰھُمَّ خلقنا مجانًا ورزقتنا مجانًا فنجنا من النار مجانًا
وادخلنا الجنة مجانًا برحمتك یا ارحم الراحمین ۔

ایں دعا بخواند ہر روز اَللّٰھُمَّ صل علی محمدٍ وعلی ال محمدٍ وبارك وسلم،
اَللّٰھُمَّ انا هذا شهرٌ مبارکٌ عظمت فیه قدر المومنین فعظم بقدرهم
قدری وشرحت صدور العارفین فاشرح ببرکتهم صدری واصلحت
امور الصالحین فاصلح بحرمتهم امری وضاعفت اجور الصائمین فضاعف

البسط ۔ بگسترانیدن و فراخ کردن ۔

التلقیة ۔ چیزے پیش کسی آوردن و تعدی بالی ۔ ۔

الشرح ۔ شاد کردن دل ۔

بحقهم اجری وحققت اوزار التائبین نخفف بشفاعتهم وزری

ورفعت ذکر العابدین فارفع بفضلهم ذکری وزدت نعمة الشاکرین فاوزعنی

شکر نعمك عندی ووفیت ثواب الصابرین فزدنی علی قضاء اوامرك صبری و

بارکت وفی ذخر المنفقین فبارك عندك ذخری واکثرت خیر المتقین فاکثر

برحمتك خیری وتولیت نصر المتوکلین فتول بمنزلتهم نصری وشددت ازر المؤمنین

فاشدد بحولك ازری ویسرت عسر المخلصین فیسر بجودك عسری واحفظ

لسانی من اللغو وجنانی من السهو وارکانی من اللهو واجعلنی من المستغفرین

بالاسحار ومن المسبحین لك اناء اللیل واطراف النهار وصل علی رسولنا محمد المختار

وعلی اله وعترته الابرار واصحابه الاخیار وسلم علیهم تسلیما کثیراً

پس وتر بگزارد، بعد وتر سر بسجده نهد هفت بار بگوید سبحان الملك القدوس

سبوح قدوس رب الملائکة والروح پس سر از سجده بردارد و آیة الکرسی بخواند

باز سر بسجده نهد همین تسبیح گوید سر از سجده بردارد درود گوید و حاجت خواهد، بعدہ

دو رکعت نماز سنت، بعدہ دو رکعت ایستاده گزارد، بخواند در هر رکعتے بعد الفاتحه

اخلاص سه بار، بعد از سلام ده بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا حول الا الله و الله

اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم، و ده بار درود گوید هر شبے ازیں

ماه در آخر شب روی سوئی آسمان کند و دوازده بار بگوید لا اله الا الله الحی القیوم

القائم علی کل نفس بما کسبت شب آدینهٔ ایں ماه هفتاد بار بگوید لا اله الا الله

یا عظیم اغفر ذنبی العظیم یا عزیز یا من هو اعز من کل عزیز اعزنی بالتوبة

والعصمة ،

التوفیت - تمام بدادن - الانفاق - نفقه کردن - الاکثار - بسیار گردانیدن -

الجنان - بفتح الجیم - دل - التسبیح - خدا ای را به پاکی یاد کردن و سبحان الله گفتن -

فی "الهدایة" ولا یصلی الوتر بجماعة فی غیر شهر رمضان علیه اجماع المسلمین" فی "الخلاصة"

الاقتداء فی الوتر خارج رمضان یکره -

در پانزدہم ایں ماہ نماز کہ در استفتاح آمدہ است بگزارد در شب[1] بست و سوم دو رکعت گزارد، در رکعتِ اول بعد فاتحہ سورۂ عنکبوت[2] و در دوم الرّوم بخواند، در شب بست و ہفتم صد رکعت گزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ انا انزلناہ[3] سہ بار، اخلاص دہ بار بخواند و در ہر دہ رکعت تسبیح تراویح گوید، بروایتی دوازدہ رکعت گزارد بشش سلام۔ انا انزلناہ سہ بار، اخلاص دہ بار بخواند، بعد از سلام سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم صد بار، و درین شب ایں دعا بسیار بخواند اللّٰھم انا نسألك العفو والعافیۃ والمعافاۃ فی الدنیا والاخرۃ، اللّٰھم انك عفو تحب العفو فاعف عنا یا عفو یا غفور، اللّٰھم ارزقنا حبك وحب من احبك وحب من یحبك وحب عمل یقربنا الی حبك یا ذا الجلال والاکرام،

وبروایتی چہار رکعت نماز تسبیح بدو سلام بگزارد کہ در خانقاہِ شیخ المشائخ ہمچنیں می گزارند، در شب آخرین ماہِ رمضان دہ رکعت گزارد بہ پنج سلام ہرچہ تواند بخواند، بعد از سلام ہزار بار استغفار گوید پس در سجدہ رود ایں دعا بخواند یا حیّ یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام، یا رحمٰن الدنیا والاخرۃ یا ارحم الراحمین یا الٰہ الاولین

[1] در آخر من دہٗ ماہ رمضان اہل بیتِ خود را بیدار کند یعنی در طاعت دارد و میزر سخت کند یعنی از زناں اعتزال نماید کہ پیغامبر علیہ السلام ہمچنیں کردہ است۔

---

[2] عن جعفر الصادق رضی اللہ عنہ انہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من قرأ لیلۃ الثلاث والعشرین من شہر رمضان سورۃ العنکبوت والروم واللہ من اہل الجنۃ۔

[3] عن النبی علیہ السلام من صلی لیلۃ السابع والعشرین من شہر رمضان رکعتین یقرأ فی کل رکعۃ بعد الفاتحۃ انا انزلناہ مرۃ وقل ھو اللہ احد خمسمائۃ وعشرین مرۃ فاذا اسلم یقرأ مائۃ مرۃ یقبل اللہ صومہ وصلوٰتہ، واعطاہ من الثواب ما یعطی ادریس وشیث وایوب ویونس وداؤد علیہ السلام وبنی لہ بکل آیۃ قرأہا بیتاً فی الجنۃ من نور وکتب بکل رکوع وسجدۃ ثواب شہید فاذا مات ما بینہ وبین رمضان مات شہیداً۔

والآخرین اغفرلی ذنوبی و تقبّل صلوٰتی وصیامی وقیامی ہنوز سر از سجدہ برنداشتہ باشد کہ آمرزیدہ شود (انشاءاللہ تعالیٰ)۔

دعاءِ وداعِ ماہِ رمضان

در آخرین روز بخواند یا من لا یرغب فی الجزاء ویا من لا یندم و علی العطاء ویا من لا یکافی عبدہٗ علی السواء ھبتك ابتلاء وعفوك تفضل وعقوبتك عدل وقضاءك خیرۃ ان اعطیت لم تشب عطاوك بمنٍ وان منعت لم یکن منعك تعدیًا

تشکر من شکرك وانت الہمتہٗ شکرك وتکافی من حمدك وانت علمتہٗ حمدك تستر علیٰ من لو شئت فضحتہٗ وتجود علیٰ من لو اردت منعتہٗ وکلاھما منك اھل الفضیحۃ والمنع الا انك بنت افعالك علی التفضیل واجریت قدرتك علی التجاوز وتلقیت من عصاك بالحلم امہلت من قصد لنفسہٖ بالظلم تستطردھم باناتك الی الانابۃِ وتترك معالجتھم الی التوبۃ لکی لا یھلك علیھم ھالکھم ولئلا یشقیٰ بنعمتك شقیھم الا عن طول الاعذار الیہ وبعد ترادف الحجۃ علیہ کرم من فضلك یا کریم

---

(۱) شیخ الاسلام سید جلال الدین رحمۃ اللہ گفت در محلی کہ استغفار معین نباشد۔ استغفراللہ بگوید ۔ !

الرحمٰنُ ۔ العاطف علی البر والفاجر بادرار الرزق فی الدنیا ۔ والرحیم بخشایندہ مؤمناں را در عقبیٰ ۔ !

وقیامی ۔ اراد بالقیام والتراویح ۔ ؟

دعاء وداع ماہ رمضان در شرح ودر بعضی نسخ نبود اما چوں در اکثر نسخ صحیح بود آں نیز راست آمد ۔ !

الندم والندامۃ ۔ پشیمان شدم من باب سمع یسمع ؟

وعائدةً من عطفك يا حليم انت الذی فتحت لعبادك باباً الی عفوك سمّيته التوبة وجعلت علی ذلك الباب دليلاً من وحيك لئلاّ يضلّوا عنه فقلت توبوا الی الله توبةً نصوحاً عسیٰ ربكم ان يكفّر عنكم سيّاٰتكم و يدخلكم جنّات تجری من تحتها الانهار ، فما عذر كم من اغفل دخول المنزل بعد فتح الباب واقامة الدليل وانت الذی ذدت فی السّوم علیٰ نفسك لعبادك تريد ربحهم فی متاجرتك وفوزهم بالزيادة عليك فقلت من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء بالسيّئة فلا يجزیٰ الا مثلها ، وقلت مثل الذين ينفقون اموالهم فی سبيل الله كمثل حبّةٍ انبتت سبع سنابل فی كل سنبلةٍ مأية حبة ، وما انزلت من نظائرهن فی القرآن وانت الذی دللتهم من غيبك الذی فيه حظهم علیٰ ما لو سترته لم تدركه ابصارهم ولم تعه اسماعهم ولم تقص اليه اوهامهم ،

فقلت فاذكرونی اذكركم واشكروا لی ولا تكفرون ، وقلت لئن شكرتم لازيدنكم ، وقلت ادعونی استجب لكم ، وقلت من ذا الذی يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفهٗ لهٗ ، فذكروك واشكروك ودعوك وتصدّقوا لك وفيها كانت نجاتهم من غضبك وفوزهم برضاك ولو دلّ مخلوقٌ مخلوقاً من نفسه علی مثل الذی دللت عليه عبادك كان محمودا فلك الحمد ما وجد فی حمدك مذهبٌ

وما بقی للحمد لفظٌ نحمد به ومعنی يصرف اليه فيه ، يا من تحمّد علی عباده بالاحسان والفضل وعاملهم بالمنّ والطّول ما افشیٰ فينا نعمك واسبغ علينا منّتك وخصّنا ببرّك هديتنا لدينك الذی سهلت والملّتك الّذی ارتضيت وسبيلك الذی سهلت وبصرّتنا ما يوجب الزلفة لديك

• الالهام - در دل افگندن -

• الشكر والشكران - سپاس داری كردن . • الحمد - ستودن - • الجود - سخاوت كردن -

• الفضيحة - رسوا كردن من باب فتح يفتح • الانابة - باز گشتن • النقمة - عقوبت وكين -

والوصول الی کرامتك ، اَللّٰھُمَّ وانت جعلت من تلك الوظائف خصائص تلك الفروض شہر رمضان الذی اختصصته من سائر الشہور وتخیرته من جمیع الازمنة والدھور واثرته علی کل الاوقات بما انزلت فیه من القرآن وفرضت فیه من الصیام وجعلت من لیلة القدر التی ھی خیرٌ من الف شہر ․

ثم آثرتنا به علی سائر الامم واصطفیتنا بفضله دون اھل الملل فصمنا نھاره وقمنا لیله معترضین لصیامه وقیامه لما عرضتنا له من رحمتك وندبتنا الیه من مثوبتك وانت الملیٔ لما رغب الیك فیه الجواد بما سئلت من فضلك القریب الی من حاول قربك وقد اقام فینا ھذا الشہر مقام حمد وصحبنا صحبة سرورٍ وار بحنا افضل ارباح الغانمین ثم قد فارقنا عند تمام وقته وانقطاع مدته ووفار عدده فنحن مودعوه وداع من عزّ فراقه علینا واوحشنا انصرافه عنا ولزمنا له الزمام المحفوظ والحرمة المرعیة والحق المقضی فنحن قائلون السلام علیك یا شہر رمضان ، السلام علیك یا شہر الله الاکبر ، یا عید اولیائه الاعظم السلام علیك یا اکرم مصحوبٍ من الاوقاتِ ویا خیر شہور فی الایام والساعات ․

التعرض ․ پیش آمدن ․

التقریب ․ خویش ونزدیک ای اقرب الکرامة واقرب الدین ․

الصحبة والصحابة ․ صحبت کردن ․

الارباح ․ سودمند گردانیدن ․

المفارقة والفراق ․ ازیک دیگر جدا شدن ․

الرعایة ․ نگاه داشتن ․ ․

العید ․ جشن مسلمانان ․

السّلام علیک من شہر قدّمت فیہ الآمال و نشرت فیہ الاعمال و زکیت فیہ الآل. السّلام علیک من قرینٍ جلّ قدرہٗ موجوداً و فجع فقدہ مفقوداً، السّلام علیک من الیف آنس مقبلاً فسرّ و اوحش مدبراً فامض. السّلام علیک من مجاورٍ رقّت فیہ القلوب و قلّت فیہ الذنوب، السّلام علیک من ناصرٍ اعان علی الشیطان و صاحبٍ سہّل سبیل الاحسان. السّلامُ علیک ما اکثر عتقاء اللّٰہ فیہ و ما اسعد من رعی حرمتک بک السّلام علیک ما کان امحاک للذنوب و استرک انواع العیوب، السّلام علیک ما کان اطولک علی المجرمین و اہیبک فی صدور المومنین. السّلام علیک من شہر لا تنافسہ الایام من شہر ھو من کل امرٍ سلامٌ.

السّلام علیک من شہرٍ غیر کریہٍ المصاحبۃ و الا ذمیم الملابسۃ، السّلام علیک لما وفدت علینا بالبرکات و غسلت عنا دنس الخطیئاتِ، السّلام علیک من مطلوبٍ قبل وقتہ و محزونٍ علیہ بعد فوتہٖ. السّلامُ علیک من من سوءٍ صرف بک عنا و کم من خیرٍ افیض بک علینا. السّلام علیک و علی لیلۃ القدر التی جعلہا اللّٰہ خیراً من الف شہر، السّلام علیک و علی فضلک الذی حرمناہ و علی نامی ما کان من برکتک الذی سلبناہ.

التقدیم والتقدمۃ ۔ درپیش شدن، درپیش کردن و فرمودن۔

التزکیۃ ۔ پاک گردانیدن۔

الفجع ۔ بدرد آوردن و نصیب رسانیدن و اندوہگین گردانیدن۔

الایناس ۔ شاد کردن۔

الکریہُ ۔ روئی ترش کہ دشوار باشد دیدن او۔

الکراھیۃ والکراھۃ ۔ دشوار داشتن من باب سمع یسمع۔

الملابسۃ ۔ باکسی آمیختن۔

الافاضۃ ۔ بسیار کردن و ریختن۔

السّلام علیك ماكان احرصنا بالامس علیك و اشدّ شوقنا الیوم الیك السّلام علیك غیر مودّع برمًا ولا متروك صیامه سآمًا ، اَللّٰھُمَّ انا اھل ھذا الشھر الذی شدّ فتنابه ووفقنا بمنّك له حین جھل الاشقیاء وقته وحرموا لشقائهم فضله ، اَللّٰھُمَّ ولی ما آتوتنا به من معرفة وھدیتنا له من سنة وقد تولّینا صیامه وقیامه علی تقصیر منا وادّینا من حقّك فیه قلیلًا من كثیرٍ ،

اَللّٰھُمَّ فلك اقرارنا بالاساءة واعترافنا بالاضاعة ولك من قلوبنا عقدۃ الندم ومن السنتنا تصرف الاعتذار فاجرنا علی ما اصبنا به من التفریط اجرًا نستدرك به الفضل المرغوب فیه ونختاض به من احرازلذخر المحروص علیه واوجب لنا عذرك علی ماقصرنا فیه من حقك وابلغ باعمارنا ما بین ایدینا من شھر رمضان المقبل فاذا ابلغتناه فاعنّا علی تناول ما انت اھله من العبادۃ وادّنا الی القیام بما نستحقه من الطاعة واجرلنا من صالح الاعمال مایكون درکًا لحقك فی ھذین الشھرین وفی شھور لدھور ، اَللّٰھُمَّ وما المنا به فی شھرنا من لمم او واقعنا فیه من ذنبٍ اوكتسبنا فیه من خطیئة عن تعمّدٍ منا او علی نسیان ظلمنا به انفسنا اوانھتکنا به حرمة من غیرنا فاستر بسترك وعف عنا بعفوك ولا تنصبنا فیه لا

الحرام والحرمان ۔ بے روزی کردن من باب ضرب یضرب ۔

التشریف ۔ بزرگوار شدن ۔ الجھل ۔ نادان شدن (سمع یسمع)

الاشقیاء ۔ جمع شقیّ ۔ بدبخت ۔

التولی ۔ برگشتن وتعدی بعض ودوستی داشتن بکسی ۔

الدرك ۔ اسم من الادراك دریافتن ۔ ۔

الالمام ۔ فرمود آمدن وگناہ صغیرہ کردن وھو المراد ھٰھنا ۔

اللمم ۔ گناہ صغیرہ ۔

الکفارۃ ۔ پوشیدن گناہ ومحو کردن گناہ ۔

عین الشامتین ولا تبسط علینا لطاغین الطاغین واستعملنا بما یکون حطۃً وکفارۃً لما انکرت منا فیہ برافتک التی لا تنفد وافضلک الذی لا ینقص ، اللّٰھم اجبر مصیبتنا بشھرنا وبارک لنا فی یوم عیدنا واجعلہ من خیر یوم مرّ علینا ما اجلبہ بعفوٍ وامحاہ لذنب واغفرلنا ما خفی من ذنوبنا وما علن ، اللّٰھم اسلخنا بانسلاخ ھذا الشھر من خطایانا واخرجنا بخروجہ عن سیأتنا واجعلنا من اسعد اھلہ بہ واوفرھم قسماً فیہ ، اللّٰھم رعیٰ حرمۃ ھذا الشھر حق رعایتھا وحفظ حدودہٗ حق حفظھا واتّقیٰ ذنوبہ حق تقاتھا او تعدّب الیک بوسیلۃ اوجبت بھا رضاک عنہ وعطفت برحمتک علیہ فھب لنا مثلہٗ من وجدک واعطنا اضعافہ من وسعک فان فضلک لا یغیض وخزائنک لا تنقص وانّ معادن احسانک لا تقوی ، اللّٰھم واکتب لنا مثل اجور من صامہ او تعبد لک فیہ الی یوم القیامۃ ، اللّٰھم انا نتوب الیک فی یوم فطرنا الّذی جعلتہٗ للمومنین عیداً وسروراً ولاھل ملّتک مجتمعاً ومحتشداً من کل ذنبٍ اذنبناہ او سوءٍ اسلفناہٗ او خطرۃٍ شرٍّ اضمرناھا او عقیدہ سوءٍ اعتقدنا توبۃً من لا ینطوی علیٰ رجوعٍ الیٰ ذنبٍ ولا عودٍ فی خطیئۃ توبۃً نصوحاً خلصت من الشک والارتیاب فتقبّلھا منا وارض بھا عنا وثبتنا علیھا واجعلنا عندک من التوابین الذین اوجبت لھم محبتک وقبلت منھم مراجعۃ طاعتک یا اعدل العادلین ، اللّٰھم تجاوز عن آبائنا وامّھاتنا واھل دیننا جمیعاً من سلف منھم ومن غبر الی یوم القیامۃ ، اللّٰھم صلّ علیٰ محمدٍ نبیّنا کما صلّیت علیٰ ملائکتک المطھرین وانبیائک والمرسلین وعبادک الصالحین وافضل من ذلک

الجبر ۔ شکستہ را بستن و اصلاح کردن ۔ ۔

الجلب ۔ چیزے برخویشتن گرفتن وکشیدن ۔ ۔

والعلون والعلن والعلانیۃ ۔ آشکار کردن ۔ (من باب نصر ینصر) ۔

وجدک ۔ بضم الواو وسکون الجیم ۔ توانگری و توانائی ۔

یارب العالمین صلوٰۃ تبلغنا برکتھا وینالنا نفعھا ویعمرنا یسرھا ویستجاب بھا دعاؤنا انک اکرم من رغب الیہ من اعطی سئل من فضلہ وانت علیٰ کل شئی قدیر۔۔

شبِ عیدِ فطر

در شبِ عیدین چہار رکعت نماز گزارد بدو سلام، در ہر رکعتے اخلاص و معوذتین بخواند، بعد الفراغ ہفتاد بار بگوید سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم۔

لطول العمر

در شبِ عید فطر رکعتیں گزارد بین العشائین و بخواند در رکعتِ اول بعد از فاتحہ الذین قال لھم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوھم فزادھم ایمانا وقالوا حسبنا اللہ ونعم الوکیل، فانقلبوا بنعمۃ من اللہ وفضلٍ لم یمسسھم سوءٌ واتبعوا رضوان اللہ واللہ ذو فضلٍ عظیم

در دوم ومالنا ان لا نتوکل علی اللہ وقد ھدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا

الرسول ۔ صاحب الکتاب والشریعۃ کموسیٰ وعیسیٰ علیہما السلام والنبی العامل الشریعۃ الرسول کیوشع علیہ السلام ۔۔

فی "النافع" یسمی یوم العید لاجتماع الخلق اولان اللہ تعالیٰ فیہ الاحسان الی العباد اولان اللہ تعالیٰ وعدہ بالتجاوز والمغفرۃ اولانہ یوم السرور،

وفی "الینابیع" وصلوۃ العید واجبۃ وکذلک التکبیر، وفی "المنتقیٰ" وقیل سنۃ،

فی کتاب سعادۃ نیتِ نماز عید چنیں کند۔ رکعتیں صلوٰۃ العید اقتدائً بالامام ۔۔

ہ اے بین صلوۃ المغرب وصلوۃ العشاء ۔

وعلی اللہ فلیتوکل المتوکلون، بعد السلام ہفتاد بار بگوید حسبی اللہ وکفیٰ، سمع اللہ لمن دعا۔ لیس وراء اللہ المنتہیٰ، سبحان من لم یزل رحیما، روز عید بعد از نماز وخطبہ چہار رکعت گزارد بیک سلام، در رکعت اول بعد الفاتحہ سبح اسم ربک، در دوم والشمس، در سوم والضحیٰ، در چہارم اخلاص بخواند۔۔

ذکر ذی الحجۃ

روزِ اول ذوالحجۃ بعد از نماز بامداد پیش از اشراق صد بار بگوید لا الہ الا اللہ وحدہ لاشریک لہٗ لہُ الملک ولہُ الحمدُ یحیی ویمیت وھو حیٌّ لایموت ذوالجلال والاکرام بیدہ الخیر وھو علیٰ کل شئی قدیر، روز دوم صد بار بگوید اشھد ان لا الہ الا اللہ وحدہ لاشریک لہ الٰہاً واحداً اصمداً فرداً لم یتخذ صاحبۃ ولا ولداً، روز چہارم صد بار بگوید اشھد ان لا الہ الا اللہ وحدہ لاشریک لہ احداً اصمداً لم یلد ولم یولد ولم یکن لہ کفواً احد۔ روز چہارم اشھد ان لا الہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہٗ لہُ الملک ولہ الحمد یحیی ویمیت وھو حیٌّ لایموت بیدہ الخیر وھو علیٰ کل شئی قدیر،

روزِ پنجم صد بار بگوید حسبی اللہ وکفی سمع اللہ لمن دعیٰ لیس وراء اللہ منتہیٰ سبحان اللہ لم یزل رحیما، روز ششم از گیرد ہمیں ترتیب نگاہ دارد۔

شب عرفہ

صد رکعت نماز گزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص سہ بار بخواند، بروایتِ دیگر رکعتیں گزارد در رکعتِ اول بعد الفاتحہ آیۃ الکرسی صد بار، در دوم اخلاص صد بار بخواند ثواب بسیار است۔

تسبیح شب عرفہ

سبحان الذی فی السماء عرشہٗ سبحان الذی فی الارض قدرتہ۔

سبحان الذی فی البحر سبیلہٗ سبحان الذی فی النار سلطانہ سبحان الذی فی الجنۃ رحمتہ سبحان الذی فی الھواء روحہ سبحان الذی فی القبر قضاؤہٗ سبحان الذی رفع السماء سبحان الذی وضع الارض سبحان الذی لاملجاء ولامنجامنہ الاالیہ ۔۔

روزِ عرفہ

دو رکعت نماز گزارد، در ہر رکعتے فاتحہ باتسمیہ و آمین سہ بار و قل یا ایہا الکافرون باتسمیہ سہ بار و اخلاص باتسمیہ سہ بار بخواند آنچہ جوید بیابد ۔۔
ایضًا روزِ عرفہ ہزار بار اخلاص بخواند آنچہ طلبد بیابد ــــــ،
ایضًا میان ودیگر چہار رکعت گزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص پنجاہ بار بخواند ، ایضًا ہر کہ در روزِ عرفہ ایں تہلیل بگوید آتشِ دوزخ بروئے حرام گردد لا الہ الا اللہ عدد اللیالی والدھور لا الہ الا اللہ عدد امواج البحور لا الہ الا اللہ عدد الریاح فی البراری والصخور لا الہ الا اللہ من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور لا الہ الا اللہ عدد الشعر والمدر لا الہ الا اللہ عدد الشوک فی الشجر لا الہ الا اللہ عدد خواطر الظنون لا الہ الا اللہ عدد لمح العیون لا الہ الا اللہ خیر مما یجمعون لا الہ الا اللہ فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس وصلی اللہ علیٰ خیر خلقہٖ محمدٍ و الہٖ عدد ما احاط بہ علمہ وجریٰ بہ قلمہ و نفذت بہ مشیتہٗ ۔۔

روزِ عرفہ دو رکعت نماز گزارد، در رکعتِ اول سورۂ انبیاء و در دوم سورۂ حج بخواند پیغامبر علیہ السلام فرمود بیشتر دعاءِ من و انبیاء پیشین روزِ عرفہ بعد عرفات ایں بودہ است ۔۔

دعاء عرفات

بسم الله الرحمن الرحیم

لا الٰہ الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت ذو الجلال والاکرام بیده الخیر وهو علی کل شیئ قدیر ،

اللّٰهم اجعل فی قلبی نوراً وفی سمعی نوراً وفی بصری نوراً ، اللّٰهم اشرح لی صدری ویسّر لی امری ، اللّٰهم رب الحمد لک الحمد کما نقول وخیراً مما تقول لک صلوٰتی ونسکی ومحیای ومماتی والیک مآبی وعلیک ثوابی ، اللّٰهم انی اعوذبک من وساوس الصدر وشتات الامر وعذاب القبر ، اللّٰهم انی اعوذبک من شرّ ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شرّ ما یلج فی اللیل ومن شر ما یلج فی النهار ومن شرّ ما تهب به الریاح ومن شرّ بوائق الدهر ، اللّٰهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک وتحول عافیتک وفجاءه نعمتک وجمیع سخطک ، اللّٰهم اهدنی بالهدیٰ واغفر لی

روز عرفه بعد از نماز پیشین بصحرا رود جانبے که بلند تر باشد وصفها بکشد وبایستد برسمت قبله وسرہا برہنه کنند وکسی که بزرگ تر باشد او امامت فرماید ، دو رکعت نماز بگزارند ، ہرکه ایں نماز بگزارد وایں دعا بخواند حق تعالیٰ او را بیامرزد وبنویسد در دیوان او ہزار نیکی برآرد ہر حرفے درجه بہشت ہمچناں سر برہنه وایستاده ایں دعا بخوانند بعد از نسخه " اوراد ،، دیگر د شیخ جمال الدین علیه الرحمة گفته است وایں سنتِ مشائخ رحمہم الله است ، اگر صحرا نباشد در مسجدِ جامع گزارند ۔

فی " الکیمیاء ، لصدر الحق قدس الله روحه عرفات نام آں موضع است که حاجیان آنجا رسند او را عرفه حج یافته باشند اگرچه عرفات نام

عن علی رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم " لا اله الا الله الخ " اکثر دعاء الانبیاء من قبلی لعرفة ، وعن عمرو بن شعیب عن ابیه قال کان اکثر الدعاء لرسول الله صلی الله علیه وسلم یوم عرفة هذا ۔

فی الآخرۃ والاولیٰ یا خیر مقصودٍ الیہ او ایسر منزولٍ علیہ واکرم مسئول بما لدیہ اعطنی العشیۃ افضل ما تعطی احداً من خلقك وحجاج بیتك یا ارحم الراحمین،

اَللّٰھُمَّ یا رفیع الدرجات ومنزل البرکات فاطر الارض والسمٰوات ضجّت الیك الاصوات بصوف اللغاتِ نسألك الحاجات وحاجتی ان لا تنسانی فی دار البلیٰ اذا نسینی اھل الدنیا،

اَللّٰھُمَّ اِنّكَ تسمع کلامی وتریٰ مکانی وتعلم سرّی وعلانیّتی ولا یخفیٰ علیك شئیٌ من امری انا البائس الفقیر المستغیث المستجیر الرجل المشفق المعترف بذنبہ اسألك مسألۃ المسکین وابتھل الیك ابتھال المذنب الذلیل وادعوك دعاء الخائف الضریر ودعاء من خضعت لك رقبتہ و ذلّ لك جسدہ وفاضت لك عبرتہ ورغم لك انفہ، اَللّٰھُمَّ لا تجعلنی بدعائك ربّ شقیاً وکن بی رؤفاً رحیماً یا خیر المسئولین واکرم المعطین، الٰھی من ملح نفسہ فانی لایمٌ لنفسی، الٰھی اخرست المعاصی لسانی فمالی وسیلۃٌ من عملٍ ولا شفیعٌ سوی الامل، اَللّٰھُمَّ انی اعلم انّ ذنوبی لم تبق لی عندك جاھاً ولا للاعتذار الیك وجھاً ولکنك اکرم الاکرمین،

ـــ موسیٰ علیہ السلام گفت بارخدای بکشاد دل مرا تا بمقابلہ جفاد فرعون صبر توانم کرد و گزاردن فرمان برمن آسان کن ـ ۔ (زاہدی)۔

الولوج ـ درآمدن

العروج

الھبوب البائقہ. بدی، والبوائق جمعھا ۔

الفجاۃ ـ بضم الفاء . وسکون الجیم ومد الالف. ناگاہ رسیدن ۔

الضجیج والضجیح . بانگ کردن ۔

(۱) الفجاءۃ ـ بضم الفاء وفتح الجلیم لا یسکونہ کما ذکر فی الحاشیہ (م. م. ص)

الٰہی ان لم اک اھلاً ان ابلغ رحمتک اھلٌ ان تبلغنی ، الٰہی رحمتک وسعت کل شیئٍ وانا شیئٌ ، الٰہی ذنوبی وان کانت عظاماً ولکنہا صغار فی جنب عفوک فاغفرھا لی یا کریم ، الٰہی اَنْتَ اَنْتَ وَاَنَا اَنَا اَنَا العوّاد الی الذنوب وانت العوّاد الی المغفرۃ ، الٰہی ان کنت لا ترحم الا اھل طاعتک فالی من یفزع المذنبون ، الٰہی تجنّبت من طاعتک عمداً وتوجّھتُ الی معصیتک قصداً فسبحانک ما اعظم حجتک علیّ واکرم عفوک عنی فبوجوب حجتک علیّ وانقطاع حجتی وفقدی الیک وغناک عنی الا غفرت لی یا خیر من دعاہ داعی وافضل من رجاہ راجی بحرمت الاسلام وبحرمۃ محمدٍ علیہ السلام اتوسل الیک فاغفر لی جمیع ذنوبی واصرفنی من موقفی ھذا مقضی الحوائج وھب لی ما سألت وحقّق رجائی فیما تمنیت ،

الٰہی دعوتک بالدعاء الذی علّمتنیہ فلا تحرمنی الرجاء الذی عرفتنیہ ، الٰہی ما انت صانع العشیۃ بعبدٍ مقرٍ بذنبہٖ خاشعٍ لک بذلّہٖ مستکینٍ لک بجرمہٖ متضرعٍ الیک من عملہٖ تائبٍ الیک من اقترافہٖ مستغفرٍ لک من ظلمہٖ مبتھلٍ الیک فی العفو عنہ طالبٍ الیک من نجاحِ حوائجہٖ راجیٍ الیک فی العفو موقفہٖ مع کثرۃ ذنوبہٖ فیا ملجاء کلّ حیٍّ وولیّ کلّ مومنٍ من احسن فبرحمتک یفوز ومن اساء فبخطیئتہٖ یھلک ، اَللّٰھُمَّ الیک خرجنا وبفنائک انخنا وایاک امّلنا وما عندک طلبنا ولاحسانک تعرّضنا وبرحمتک رجونا ومن عذابک اشفقنا ولبیتک الحرام حججنا یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمائر الصّامتین یا من لیس معہٗ ربٌّ یدعیٰ ویا من

العظام ۔ بکسر العین جمع العظم کالکرام جمع الکریم ۔ ۔

صغارٌ ۔ جمع الصغیر بمعنی خورد ۔ ۔

العائد ۔ بازکردن العوّادُ ۔ صیغۂ مبالغہ است کالجوّاد ۔ ۔

الفزع ۔ پناہ گرفتن بکسی و تعدی بالی ، فزعت الیہ ۔ پناہ گرفتم بدو ۔ ۔

ليس فوقه خالق يخشىٰ ويا من ليس له وزير يوتىٰ ولا حاجب يرشىٰ يا من لا يزداد على السّوال الّا كرمًا وجودًا وعلى كثرة الحوائج الّا تفضلًا واحسانًا ،

الٰهى انك جعلت لكل ضيف قرىً ونحن اضيافك فاجعل قرانا منك الجنة اللّٰهمّ انّ لكلّ وفدٍ جائزةً ولكل زائرٍ كرامةً ولكل سائلٍ عطيةً ولكل راجٍ ثوابًا ولكل ملتمسٍ لما عندك نعمةً ولكل مسترحمٍ لما عندك رحمةً ولكل راغب اليك زلفةً ولكل متوسلٍ اليك عفوًا وقد وفدنا الى بيتك الحرام ووقفنا هذه المشاعر العظام وشاهدنا هذه المشاهد الكرام رجاءً لما عندك فلا تخيّب رجاءنا ، الٰهنا تابعت النعم حتىٰ اطمأنت الانفس بتتابع نعمك واظهرت العبر حتىٰ نطقت الصوامت بحجتك وظاهرت المنن حتىٰ اعترف اولياءك بالتقصير عن حقك واظهرت الآيات حتىٰ افصحت السماء والارض بادلتك وقهرت بقدرتك حتىٰ خضع كل شيءٍ لعزتك وعنت الوجوه لعظمتك اذا اساء عبادك حلمت وامهلت واذا احسنو تفضلت وقبلت واذا عصينا سترت واذا اذنبنا عفوت وغفرت واذا دعونا اجبت واذا نادينا سمعت واذا اقبلنا اليك قربت واذا ادبرنا عنك دعوت ،

الحرام والحرمان ۔ بے روزی کردن (من باب ضرب يضرب) ۔

التعريف ۔ بناميدن وتعريف كردن وايستادن بعرفات ۔ ۔

الاستكانة ۔ فروتنی كردن وتن بدادن ۔ الاقتراف ۔ كسب كردن

الاناخة التاميل ۔ اميد كردن ۔

الرشوة ۔

المشاعر ۔ جمع المشعر وهو المعلم وبيان الاحكام قدركرنا ۔

التخييب ۔ نوميد گردانيدن ۔ ۔ الاطمينان ۔ آراميدن ۔

العبرة والاعتبار ۔ برگشته عيوب گرفتن ۔ ۔

الاظهار ۔ آشكارا كردن ۔

آلٰهنا انک قلت فی کتابک المبین لمحمدٍ خاتم النبیین قل للذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف فانّ رضاک عنهم الاقرار لکلمة التوحید بعد الجحود فانّا نشهد لک بالتوحید مخبتین ولمحمدٍ علیه السلام بالرسالة مخلصین فاغفر لنا بهذه الشهادة سوالف الاجرام ولا تجعل حظّنا انقص من حظّ من دخل فی الاسلام، آلٰهنا انک احببت التقرب الیک لعتق ما ملکت ایماننا ونحن عبیدک فانت اولیٰ بالتفضل فاعتقنا وانک امرتنا ان نصدّق علیٰ فقرائنا ونحن فقرائک و وانت احقّ بالتطول فتصدّق علینا ووصّیتنا بالعفو عمّن ظلمنا انفسنا فانت احقّ بالکرم فاعف عنا ربنا اغفر لنا وارحمنا وانت مولٰینا فانصرنا علی القوم الکافرون، ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وّ فی الاخرة حسنة وّ قنا برحمتک عذاب النار،

یامن لا یشغله، سمعٌ عن سمع ولا تشتبه علیه الاصوات ویامن لا تغلّطه المسائل ولا تختلف علیه اللغات ویامن لا یبرمه الحاح الملحین ولا تضجره، مسألة السائلین اذقنی برد عفوک وحلاوة رحمتک واغفر لنا ولوالدینا ولجمیع اقربائنا واحبائنا وعلمائنا وامرائنا ولاستادینا ومعلّمینا ومودّبینا ولجیراننا ولمن اوصانا بالدعاء ولمن یرجو فضل برکة دعائنا ولجماعة الحاضرین هذا خاصّةً ولجمیع المومنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات انک مجیب الدعوات و منزل البرکات وقاضی الحاجاتِ وغافر الذنوب والسیّأت ومقیل العثرات وانت علیٰ کل شیٔ قدیر،

اَللّٰهُمَّ هذا الدعاء ومنک الاجابة وهذا الجهد وعلیک التکلان ولا حول ولا قوة الا بک، اَللّٰهُمَّ صلّ علیٰ محمدٍ وعلیٰ آل محمدٍ وعلیٰ جمیع الانبیاء

الاشتباه ۔ پوشیده شدن کار و تعدی بعلیٰ ۔

التغلیظ ۔ در غلط افگندن و بغلط طوث کردن ۔

الالحاح ۔ الحاح کردن درخواستن ۔

الاضجار ۔ تنگ دل گردانیدن ۔

والمرسلین والملائکة المقربین وعبادك الصالحین صلوٰةً دائمةً نامیة لاانقطاع لمددها ولامنتہیٰ لاٰھلها واجعل ذلك عوناً لنا وسبباً لنجاح طلبتنا انك واسع کریم جواد بَرٌّ رؤف رحیم ۔ ۔

صدبار بگوید بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ لاحول ولا قوة الّا باللّٰہ، بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ لایسوق الخیر الّا باللّٰہ ، بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ لایکشف السوء الّا اللّٰہ ، بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ کل نعمةٍ من اللّٰہ ، بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ الخیر کلہٗ بیدِ اللّٰہ ، بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ لایصرف السوء الا اللّٰہ ، بسم اللّٰہ ماشاء اللّٰہ ماکان من نعمةٍ فمن اللّٰہ ۔

شب اضحیٰ

چہار رکعت گزارد در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص و معوذتین صدگان بار بخواند ، بعد از سلام ہفتاد بار بگوید سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ ولا الٰہ الا اللّٰہ واللّٰہ اکبر ولاحول ولاقوة الّا باللّٰہ العلیّ العظیم ، اشھد ان لا الٰہ الّا اللّٰہ وحدہٗ لاشریك له الٰھاً واحداً ولانعبد الّا ایّاہ مخلصین له الدین ولوکرہ الکافرون ۔ ۔

روزِ اضحیٰ

چہار رکعت نماز گزارد ، بعد از نمازِ عید و خطبہ در رکعتِ اوّل بعد الفاتحہ سورة الاعلیٰ ، در دوم والشمس ، در سوم والضحیٰ[۱] در چہارم اخلاص بخواند ، چوں خواہد کہ قربانی ذبح کند بگوید ۔ ۔

بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم ۔ ، بسم اللّٰہ واللّٰہ اکبر ، اللّٰھمّ ھذا فدائی لحمها بلحمی ودمها بدمی وعظمها بعظمی ان صلوٰتی ونسکی ومحیای و مماتی للّٰہ رب العالمین لاشریك له وبذلك امرت وانا اول المسلمین ،

۱ ۔ اداد جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیہم السلام ۔ ۔

اَللّٰهُمَّ تقبل منی کما تقبلت من خلیلك ابراهیم علیه السلام، واگر درویش است قربانی ندارد دو رکعت نماز چوں بنجانه آید بگزارد، در هر رکعتے بعد الفاتحه انا اعطینا سه بار، ثواب قربانی یابد۔

نماز و دعاء آخر سال

در آخریں روز ذی الحجه دو رکعت نماز بعد از پیشین بگزارد، بخواند در رکعتے بعد الفاتحه صد آیت از قرآن، بعد از سلام ایں دعا هفت بار بخواند، گناهان آں سال حق تعالیٰ عفو کند، اَللّٰهُمَّ ما عملت من عملٍ فی هذه السنة مما نهیتنی ولم ترضه ونسیته ولم تنسه وحلمت عنی بقدرتك علیٰ عقوبتی دعوتنی الی التوبة علیك، اَللّٰهُمَّ انی استغفرك منها یا غفور فاغفر لی وما علمت من عملٍ ترضاه ووعدتنی علیه الثواب فتقبله منی ولا تقطع رجائی یا عظیم الرجاء۔

بروایت دیگر:۔ نماز آخر سال و اول سال دوازده رکعت است بسه سلام در چهار گانے، اول چهار قل بخواند در هر رکعتے قلی. بعد از سلام بگوید سبحان ذی الملك والملكوت سبحان ذی العزة والعظمة والکبریاء والجبروت سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم۔

تمت بعون الله عز وجل

روی عن النبی صلی الله علیه وسلم من صلی اثناعشر رکعة بثلاث تسلیمات فی اول لیلة من المحرم کان فی حفظه من المحرم الی المحرم۔

